



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



# آب حیات

شناختنامه امام مهدی (عج)

ویژه نامه جمعه، جامعات و مدرسه‌ها



فکر عالی مهدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آخرین منجی: شناخت نامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

نویسنده:

قنبر علی صمدی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ( علیه السلام )

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۵	آخرین منجی: شناخت نامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۵	مشخصات کتاب
۱۵	اشاره
۳۰	پیشگفتار
۳۳	بخش اول: منجی باوری
۳۳	اشاره
۳۳	مفهوم شناسی
۳۴	پیشینه تاریخی منجی باوری
۳۵	خاستگاه دینی منجی باوری
۳۷	منجی باوری در ادیان توحیدی
۳۷	اشاره
۳۷	الف) منجی در دین یهود
۳۹	ب) منجی در مسیحیت
۴۱	ج) منجی در اسلام
۴۲	وحدت نظر فرق اسلامی در موضوع مهدویت
۴۳	مهدویت در آیات
۴۶	مهدویت در روایات
۴۶	اشاره
۴۷	الف) مهدویت در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۵۲	ب) مهدویت در کلام امامان معصوم علیهم السلام
۶۳	مهدویت شخصی و نوعی
۶۵	پیوند شیعه با مهدویت
۶۸	بخش دوم: معرفت آخرین منجی

۶۸	..... اشاره
۶۹	..... ضرورت معرفت آخرین منجی
۷۴	..... مؤلفه های معرفت آخرین منجی
۷۴	..... اشاره
۷۵	..... الف) معرفت شخص
۷۷	..... ب) معرفت مقام
۷۹	..... ج) معرفت اوصاف
۸۰	..... آثار معرفت آخرین منجی
۸۰	..... اشاره
۸۰	..... الف) هدایت بخشی
۸۲	..... ب) سعادت آفرینی
۸۳	..... پیامدهای عدم معرفت آخرین منجی
۸۶	..... بخش سوم: ولادت آخرین منجی
۸۶	..... اشاره
۸۸	..... قطعی بودن ولادت آخرین منجی
۸۸	..... پنهان بودن ولادت آخرین منجی
۸۹	..... گزارش حکیمه از ولادت آخرین منجی
۹۰	..... معرفی آخرین منجی به شیعیان
۹۲	..... دیدار خواص شیعه با آخرین منجی
۹۵	..... نام و القاب آخرین منجی
۹۶	..... نسب آخرین منجی
۹۶	..... شمایل آخرین منجی
۹۷	..... اوصاف آخرین منجی
۹۷	..... اشاره
۹۷	..... الف) علم لدنی
۱۰۰	..... ب) عصمت

- ج) امامت ..... ۱۰۱
- بخش چهارم: غیبت آخرین منجی ..... ۱۰۶
- اشاره ..... ۱۰۶
- معناشناسی غیبت ..... ۱۰۷
- پیشینه شناسی غیبت ..... ۱۰۸
- ماهیت شناسی غیبت آخرین منجی ..... ۱۰۹
- شیوه شناسی غیبت آخرین منجی ..... ۱۱۱
- اشاره ..... ۱۱۱
- الف) شیوه اعجاز ..... ۱۱۲
- ب) شیوه طبیعی ..... ۱۱۳
- گونه شناسی غیبت آخرین منجی ..... ۱۱۷
- زمینه شناسی غیبت آخرین منجی ..... ۱۱۸
- چرایی شناسی غیبت آخرین منجی ..... ۱۱۹
- اشاره ..... ۱۱۹
- الف) حفظ جان حضرت ..... ۱۲۰
- ب) پرهیز از معاهده با حکام جور ..... ۱۲۱
- ج) آزمون ایمان و پایداری مردم ..... ۱۲۳
- د) افاضه تدریجی ..... ۱۲۴
- ه) اسرار نهفته ..... ۱۲۶
- پیامدشناسی غیبت آخرین منجی ..... ۱۲۸
- اشاره ..... ۱۲۸
- الف) بحران حیرت ..... ۱۲۸
- ب) شکل گیری نهاد نیابت ..... ۱۲۸
- اشاره ..... ۱۲۸
۱. نیابت خاصه ..... ۱۲۹
۲. نیابت عامه (ولایت فقیه) ..... ۱۳۰

- آثار و فوائد منجی غائب ..... ۱۳۳
- اشاره ..... ۱۳۳
- الف) واسطه فیض وجود ..... ۱۳۵
- ب) واسطه بقا و تداوم هستی ..... ۱۳۵
- ج) واسطه دریافت نعمت ..... ۱۳۶
- د) واسطه معرفت و عبادت ..... ۱۳۷
- ه) واسطه دفع بلاها ..... ۱۳۷
- و) واسطه قبول اعمال ..... ۱۳۷
- ز) واسطه حفظ و ماندگاری شیعه ..... ۱۳۸
- ح) واسطه امید به آینده روشن ..... ۱۳۸
- انتظار آخرین منجی ..... ۱۳۸
- معنا شناسی انتظار ..... ۱۳۹
- ماهیت انتظار ..... ۱۳۹
- ابعاد انتظار ..... ۱۴۱
- اشاره ..... ۱۴۱
- الف) بُعد تاریخی ..... ۱۴۱
- ب) بعد اعتقادی ..... ۱۴۲
- ج) بعد سیاسی ..... ۱۴۳
- د) بعد انسانی ..... ۱۴۴
- فضیلت انتظار ..... ۱۴۴
- شناسه های منتظران ..... ۱۴۵
- اشاره ..... ۱۴۵
- الف) شناخت امام ..... ۱۴۵
- ب) الگوپذیری از امام ..... ۱۴۶
- ج) پارسیایی در عمل ..... ۱۴۸
- د) پایداری در سختی ها ..... ۱۵۰



۱۵۲	..... (ه) محبت و انس معنوی با امام
۱۵۳	..... (و) رضایت خواهی امام
۱۵۴	..... (ز) دعا برای ظهور امام
۱۵۸	..... شرایط ظهور
۱۵۸	..... اشاره
۱۵۸	..... فرق شرایط با علائم
۱۵۸	..... اشاره
۱۵۸	..... الف) وجود یاور
۱۵۹	..... (ب) آمادگی جامعه بشری
۱۶۲	..... علائم ظهور
۱۶۵	..... بخش پنجم: ظهور آخرین منجی
۱۶۵	..... اشاره
۱۶۶	..... مفاهیم (ظهور، قیام، خروج)
۱۶۸	..... زمان ظهور
۱۶۸	..... اشاره
۱۶۹	..... الف) سال، ماه و روز ظهور
۱۷۲	..... (ب) ناگهانی بودن ظهور
۱۷۴	..... مکان ظهور
۱۷۷	..... فصل ۱: رخدادهای پیش از ظهور
۱۷۷	..... اشاره
۱۷۷	..... آغاز بی ثباتی در خاورمیانه
۱۷۹	..... خروج سفیانی
۱۷۹	..... اشاره
۱۷۹	..... الف) ویژگی های سفیانی
۱۸۱	..... (ب) حتمی بودن خروج سفیانی
۱۸۲	..... (ج) زمان خروج سفیانی

- ۱۸۲ ----- (د) محل خروج سفیانی
- ۱۸۴ ----- (ه) اهداف سفیانی
- ۱۸۴ ----- (و) جنایات سفیانی
- ۱۹۱ ----- قیام خراسانی
- ۱۹۴ ----- قیام شعیب بن صالح
- ۱۹۶ ----- قیام یمانی
- ۱۹۶ ----- اشاره
- ۱۹۷ ----- الف) هویت یمانی
- ۱۹۸ ----- ب) خروج حتمی یمانی
- ۱۹۹ ----- ج) زمان قیام یمانی
- ۲۰۱ ----- (د) محل خروج یمانی
- ۲۰۲ ----- (ه) اهداف قیام یمانی
- ۲۰۳ ----- (و) ویژگی های قیام یمانی
- ۲۰۴ ----- قیام سید حسنی
- ۲۰۷ ----- قیام نجبای مصر
- ۲۰۷ ----- قیام اهالی طالقان
- ۲۰۹ ----- فصل ۲: رخدادهای هنگام ظهور
- ۲۰۹ ----- اشاره
- ۲۰۹ ----- مدینه و مکه، کانون تحولات
- ۲۰۹ ----- تهاجم سفیانی به شهر مدینه
- ۲۱۰ ----- جنایات هولناک سفیانی در مدینه
- ۲۱۴ ----- پیک حضرت به سوی مردم مکه
- ۲۱۴ ----- شهادت نماینده حضرت در مکه
- ۲۱۷ ----- خروج حضرت از مدینه
- ۲۱۷ ----- سپاه سفیانی در تعقیب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۲۱۸ ----- رخداد عجیب «خسف بیداء»

۲۲۲	..... ورود حضرت به مکه
۲۲۴	..... فصل ۳: رخدادهای پس از ظهور
۲۲۴	..... چگونگی ظهور
۲۲۷	..... پیوستن اصحاب حضرت
۲۲۷	..... اشاره
۲۲۷	..... الف) تعداد اصحاب
۲۳۰	..... ب) خصوصیات اسمی و ملیتی اصحاب
۲۳۳	..... ج) چگونگی پیوستن اصحاب
۲۳۵	..... د) اوصاف و ویژگی های اصحاب
۲۳۹	..... ه) مأموریت اصحاب
۲۴۰	..... و) حضور کم رنگ اعراب در جمع اصحاب
۲۴۲	..... ز) حضور زنان در میان اصحاب
۲۴۳	..... ح) رجعت برخی از صالحان
۲۴۴	..... اعلامیه جهانی ظهور (ندای آسمانی)
۲۴۴	..... اشاره
۲۴۵	..... الف) انتشار فراگیر خبر ظهور
۲۴۷	..... ب) چگونگی دریافت خبر ظهور
۲۴۸	..... ج) زمان نشر خبر ظهور
۲۵۰	..... د) پیام اعلامیه ظهور
۲۵۲	..... ه) شادمانی عمومی
۲۵۵	..... و) اقتدار شیعه
۲۵۵	..... سخنرانی های حضرت
۲۶۰	..... بیعت با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲۶۰	..... اشاره
۲۶۰	..... الف) بیعت فرشتگان
۲۶۲	..... ب) بیعت اصحاب حضرت

- ج) شرایط بیعت ..... ۲۶۳
- فصل ۴: قیام رهایی بخش ..... ۲۶۶
- اشاره ..... ۲۶۶
- آزادسازی شهر مکه ..... ۲۶۷
- مجازات مجرمان خانه خدا ..... ۲۶۷
- اصلاح بنای مسجد الحرام ..... ۲۶۸
- تسهیل در مراسم حج ..... ۲۶۹
- تعیین فرماندار مکه ..... ۲۶۹
- آزادسازی مدینه منوره ..... ۲۷۱
- عبور از منطقه بیداء ..... ۲۷۲
- آزاد سازی مدینه ..... ۲۷۲
- تعیین فرماندار مدینه ..... ۲۷۳
- آزادسازی شهرهای عراق ..... ۲۷۴
- پیکار با مقدس نمایان معاند ..... ۲۷۵
- ورود حضرت به کوفه، نجف و کربلا ..... ۲۷۷
- کوفه، مرکز حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۲۸۱
- بازسازی مسجد کوفه ..... ۲۸۳
- برگزاری کلاس های قرآن در مسجد کوفه ..... ۲۸۴
- تأسیس مصلاهی بزرگ در حومه کوفه ..... ۲۸۵
- ورود حضرت به مسجد سهله ..... ۲۸۷
- بیعت یاران مصر ..... ۲۸۸
- نبرد با سفیانی ..... ۲۸۹
- دستگیری و اعدام سفیانی ..... ۲۹۱
- جنگ با یهودیان ..... ۲۹۲
- فتح بیت المقدس و روم (کشورهای غربی) ..... ۲۹۳
- نزول عیسی علیه السلام و اقتدای او به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۲۹۷

۲۹۹	فتح چین، دیلم و قسطنطنیه
۳۰۰	فتح شرق و غرب
۳۰۲	فصل ۵: استقرار نظام مهدوی
۳۰۲	دستاوردهای نظام مهدوی
۳۰۳	اقدامات مصلحانه حضرت
۳۰۳	اشاره
۳۰۳	۱. مقابله با بدعت ها
۳۰۳	۲. احیای دوباره دین
۳۰۷	۳. تفسیر معصومانه از آموزه های اسلامی
۳۰۸	۴. حاکمیت جهانی اسلام
۳۰۸	۵. ترویج فضائل اخلاقی
۳۰۹	۶. توسعه اقتصاد و معیشت عمومی
۳۱۳	۷. استقرار امنیت فراگیر
۳۱۶	۸. اجرای عدالت اجتماعی
۳۲۱	۹. عمران و آبادانی زمین
۳۲۳	۱۰. رُشد عقلانیت عمومی
۳۲۳	۱۱. شکوفائی علم و فناوری
۳۲۶	فصل ۶: مدت حکومت مهدوی و فرضیه های پس از آن
۳۲۶	اشاره
۳۲۶	مدّت حکومت امام مهدی (عج) در روایات
۳۲۹	دیدگاه ها در توجیه اختلاف روایات
۳۲۹	اشاره
۳۳۱	نظریه برگزیده
۳۳۲	تبیین نظریه مختار
۳۳۵	شهادت یا وفات
۳۳۸	فرضیه ها درباره وضعیت جهان پس از پایان حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۳۳۸ ..... اشاره

۳۳۸ ..... ۱. فرضیه وقوع قیامت و پایان جهان

۳۳۸ ..... اشاره

۳۴۱ ..... نقد این دیدگاه

۳۴۲ ..... ۲. فرضیه رجعت و تداوم دولت عترت

۳۴۶ ..... ۳. فرضیه جانشینی دوازده مهدی

۳۴۷ ..... جمع بندی

۳۴۹ ..... کتابنامه

۳۶۳ ..... درباره مرکز

## آخرین منجی: شناخت نامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

### مشخصات کتاب

سرشناسه: صمدی، قنبرعلی، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور: آخرین منجی: شناخت نامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (ویژه ائمه جمعه، جماعات و مدیران)/قنبرعلی صمدی.

مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۳۳۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۱۰-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۲۷ - ۳۳۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع: مهدویت

موضوع: مهدویت -- انتظار

رده بندی کنگره: BP۵۱/ص ۳۲۸ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۰۰۹۸۲

ص: ۱

اشاره

آخرين منجى

شناخت نامه امام مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف

(ويژه ائمه جمعه، جماعات و مديران)

قنبرعلى صمدى

ص: ۲



## فهرست عناوین

پیشگفتار ۱۰

بخش اول: منجی باوری ۱۵

مفهوم شناسی ۱۶

پیشینه تاریخی منجی باوری ۱۷

خاستگاه دینی منجی باوری ۱۸

منجی باوری در ادیان توحیدی ۲۱

الف) منجی در دین یهود ۲۲

ب) منجی در مسیحیت ۲۳

ج) منجی در اسلام ۲۶

وحدت نظر فرق اسلامی در موضوع مهدویت ۲۷

مهدویت در آیات ۲۹

مهدویت در روایات ۳۵

الف) مهدویت در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۳۶

ب) مهدویت در کلام امامان معصوم علیهم السلام ۴۳

مهدویت شخصی و نوعی ۶۱

پیوند شیعه با مهدویت ۶۳

بخش دوم: معرفت آخرین منجی ۶۷

ضرورت معرفت آخرین منجی ۶۸

مؤلفه‌های معرفت آخرین منجی ۷۶

الف) معرفت شخص ۷۸

ب) معرفت مقام ۸۰

ج) معرفت اوصاف ۸۳

آثار معرفت آخرین منجی ۸۶

الف) هدایت بخشی ۸۶

ب) سعادت آفرینی ۸۸

پیامدهای عدم معرفت آخرین منجی ۹۰

بخش سوم: ولادت آخرین منجی ۹۵

قطعی بودن ولادت آخرین منجی ۹۷

پنهان بودن ولادت آخرین منجی ۹۸

ص: ۳

گزارش حکیمه از ولادت آخرین منجی ۹۹

معرفی آخرین منجی به شیعیان ۱۰۲

دیدار خواص شیعه با آخرین منجی ۱۰۵

نام و القاب آخرین منجی ۱۰۹

نسب آخرین منجی ۱۱۰

شمایل آخرین منجی ۱۱۲

اوصاف آخرین منجی ۱۱۳

الف) علم لدنی ۱۱۳

ب) عصمت ۱۱۷

ج) امامت ۱۱۹

بخش چهارم: غیبت آخرین منجی ۱۲۷

معناشناسی غیبت ۱۲۹

پیشینه شناسی غیبت ۱۲۹

ماهیت شناسی غیبت آخرین منجی ۱۳۱

شیوه شناسی غیبت آخرین منجی ۱۳۵

الف) شیوه اعجاز ۱۳۶

ب) شیوه طبیعی ۱۳۸

گونه‌شناسی غیبت آخرین منجی ۱۴۵

زمینه‌شناسی غیبت آخرین منجی ۱۴۶

چرایی شناسی غیبت آخرین منجی ۱۴۹

الف) حفظ جان حضرت ۱۵۰

ب) پرهیز از معاہدہ با حکام جور ۱۵۲

ج) آزمودن ایمان و پایداری مردم ۱۵۴

د) افاضہ تدریجی ۱۵۷

ه) اسرار نہفتہ ۱۵۹

پیامدشناسی غیبت آخرین منجی ۱۶۲

الف) بحران حیرت ۱۶۳

ب) شکل گیری نهاد نیابت ۱۶۳

۱. نیابت خاصہ ۱۶۵

۲. نیابت عامہ (ولایت فقیہ) ۱۶۷

آثار و فوائد منجی غائب ۱۷۰

ص: ۴

الف) واسطه فیض وجود ۱۷۳

ب) واسطه بقا و تداوم هستی ۱۷۳

ج) واسطه دریافت نعمت ۱۷۴

د) واسطه معرفت و عبادت ۱۷۵

ه) واسطه دفع بلاها ۱۷۶

و) واسطه قبول اعمال ۱۷۶

ز) واسطه حفظ و ماندگاری شیعه ۱۷۶

ح) واسطه امید به آینده روشن ۱۷۷

انتظار آخرین منجی ۱۷۸

معناشناسی انتظار ۱۷۸

ماهیت انتظار ۱۷۹

ابعاد انتظار ۱۸۳

الف) بُعد تاریخی ۱۸۳

ب) بُعد اعتقادی ۱۸۵

ج) بُعد سیاسی ۱۸۶

د) بُعد انسانی ۱۸۷

فضیلت انتظار ۱۸۸

شناسه های منتظران ۱۸۸

الف) شناخت امام ۱۸۹

ب) الگوپذیری از امام ۱۹۰

ج) پارسایی در عمل ۱۹۳

د) پایداری در سختی‌ها ۱۹۶

ه) محبت و انس معنوی با امام ۲۰۰

و) رضایت خواهی امام ۲۰۲

ز) دعا برای ظهور امام ۲۰۳

شرایط ظهور ۲۰۹

فرق شرایط با علائم ۲۰۹

الف) وجود یا ور ۲۱۰

ب) آمادگی جامعه بشری ۲۱۲

علائم ظهور ۲۱۷

بخش پنجم: ظهور آخرین منجی ۲۲۱

مفاهیم (ظهور، قیام، خروج) ۲۲۳

ص: ۵

زمان ظهور ۲۲۶

الف) سال، ماه و روز ظهور ۲۲۷

ب) ناگهانی بودن ظهور ۲۳۱

مکان ظهور ۲۳۵

فصل ۱. رخداد‌های پیش از ظهور ۲۳۹

آغاز بیثباتی در خاورمیانه ۲۴۰

خروج سفیانی ۲۴۲

الف) ویژگی های سفیانی ۲۴۳

ب) حتمی بودن خروج سفیانی ۲۴۵

ج) زمان خروج سفیانی ۲۴۶

د) محل خروج سفیانی ۲۴۷

ه) اهداف سفیانی ۲۴۹

و) جنایات سفیانی ۲۵۰

قیام خراسانی ۲۶۰

قیام شعیب بن صالح ۲۶۵

قیام یمانی ۲۶۹

الف) هویت یمانی ۲۷۰

ب) خروج حتمی یمانی ۲۷۲

ج) زمان قیام یمانی ۲۷۳

د) محل خروج یمانی ۲۷۶

ه (اهداف قیام یمانی ۲۷۸)

و) ویژگی های قیام یمانی ۲۸۰

قیام سید حسنی ۲۸۲

قیام نجبای مصر ۲۸۶

قیام اهالی طالقان ۲۸۷

فصل ۲. رخدادهای هنگام ظهور ۲۸۹

مدینه و مکه، کانون تحولات ۲۸۹

تهاجم سفیانی به شهر مدینه ۲۸۹

جنايات هولناك سفیانی در مدینه ۲۹۱

پیک حضرت به سوی مردم مکه ۲۹۷

شهادت نماینده حضرت در مکه ۲۹۸

خروج حضرت از مدینه ۳۰۱

ص: ۶



سپاه سفیانی در تعقیب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۳۰۲

رخداد عجیب «خسف بیداء» ۳۰۳

ورود حضرت به مکه ۳۱۰

فصل ۳. رخدادهای پس از ظهور ۳۱۲

چگونگی ظهور ۳۱۲

پیوستن اصحاب حضرت ۳۱۶

الف) تعداد اصحاب ۳۱۷

ب) خصوصیات اسمی و ملیتی اصحاب ۳۲۲

ج) چگونگی پیوستن اصحاب ۳۲۶

د) اوصاف و ویژگی های اصحاب ۳۳۰

ه) مأموریت اصحاب ۳۳۵

و) حضور کمرنگ اعراب در جمع اصحاب ۳۳۷

ز) حضور زنان در میان اصحاب ۳۴۰

ح) رجعت برخی از صالحان ۳۴۲

اعلامیه جهانی ظهور (ندای آسمانی) ۳۴۴

الف) انتشار فراگیر خبر ظهور ۳۴۶

ب) چگونگی دریافت خبر ظهور ۳۴۸

ج) زمان نشر خبر ظهور ۳۵۰

د) پیام اعلامیه ظهور ۳۵۳

ه) شادمانی عمومی ۳۵۷

و) اقتدار شیعه ۳۶۰

سخنرانی های حضرت ۳۶۲

بیعت با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۳۶۹

الف) بیعت فرشتگان ۳۶۹

ب) بیعت اصحاب حضرت ۳۷۲

ج) شرایط بیعت ۳۷۴

فصل ۴. قیام رهایی بخش ۳۷۷

آزادسازی شهر مکه ۳۷۸

مجازات مجرمان خانه خدا ۳۷۹

اصلاح بنای مسجد الحرام ۳۸۱

تسهیل در مراسم حج ۳۸۱

تعیین فرماندار مکه ۳۸۳

ص: ۷

آزادسازی مدینه منوره ۳۸۵

عبور از منطقه بیداء ۳۸۶

آزاد سازی مدینه ۳۸۷

تعیین فرماندار مدینه ۳۸۸

آزادسازی شهرهای عراق ۳۸۹

پیکار با مقدّس نمایان معاند ۳۹۱

ورود حضرت به کوفه، نجف و کربلا ۳۹۴

کوفه، مرکز حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۴۰۰

بازسازی مسجد کوفه ۴۰۳

برگزاری کلاس های قرآن در مسجد کوفه ۴۰۵

تأسیس مصلاي بزرگ در حومه کوفه ۴۰۶

ورود حضرت به مسجد سهله ۴۱۰

بیعت یاران مصر ۴۱۲

نبرد با سفیانی ۴۱۳

دستگیری و اعدام سفیانی ۴۱۵

جنگ با یهودیان ۴۱۶

فتح بیت المقدّس و روم (کشورهای غربی) ۴۱۹

نزول عیسی علیه السلام و اقتدای او به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۴۲۴

فتح چین، دیلم و قسطنطنیه ۴۲۸

فتح شرق و غرب ۴۲۹

فصل ۵. استقرار نظام مهدوی ۴۳۲

دستاوردهای نظام مهدوی ۴۳۲

اقدامات مصلحانه حضرت ۴۳۳

۱. مقابله با بدعت‌ها ۴۳۳

۲. احیای دوباره دین ۴۳۴

۳. تفسیر معصومانه از آموزه‌های اسلامی ۴۴۰

۴. حاکمیت جهانی اسلام ۴۴۱

۵. ترویج فضائل اخلاقی ۴۴۲

۶. توسعه اقتصاد و معیشت عمومی ۴۴۴

۷. استقرار امنیت فراگیر ۴۵۰

۸. اجرای عدالت اجتماعی ۴۵۵

ص: ۸

۹. عمران و آبادانی زمین ۴۶۳

۱۰. رُشد عقلانیت عمومی ۴۶۶

۱۱. شکوفائی علم و فناوری ۴۶۷

فصل ۶. مدت حکومت مهدوی و فرضیه های پس از آن ۴۷۱

مدّت حکومت امام مهدی (عج) در روایات ۴۷۲

دیدگاه ها در توجیه اختلاف روایات ۴۷۵

نظریه برگزیده ۴۷۹

تبیین نظریه مختار ۴۸۱

شهادت یا وفات ۴۸۶

فرضیه ها درباره وضعیت جهان پس از پایان حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۴۹۰

۱. فرضیه وقوع قیامت و پایان جهان ۴۹۱

نقد این دیدگاه ۴۹۵

۲. فرضیه رجعت و تداوم دولت عترت ۴۹۶

۳. فرضیه جانشینی دوازده مهدی ۵۰۳

جمع بندی ۵۰۵

کتابنامه ۵۰۸

ص: ۹

## پیشگفتار

اعتقاد به وجود منجی و ظهور مصلح جهانی در آینده، مهم ترین آموزه امیدبخشی است که در طول تاریخ از سوی پیامبران الهی علیه السلام برای پاسخ گویی به دغدغه های دیرین بشر نسبت به فردای تاریخ، ارائه شده است.

در این میان، اسلام بیش از ادیان دیگر، این ایده الهی را مورد توجه قرار داده است، چنان که قرآن کریم از ظهور آخرین منجی در آینده خبر داده است. در حقیقت اندیشه ظهور منجی موعود، یک طرح وحیانی است که در کتب آسمانی پیشین بدان نوید داده شده و قرآن کریم به عنوان تنها منبع وحیانی ماندگار، آن را در قالب نظریه مهدویت (حکومت عدل جهانی اسلام) برای تحقق جامعه توحیدی به بشریت ارائه کرده است و ابعاد گوناگون آن در احادیث و روایات، تشریح شده است.

بر این اساس، اعتقاد به مسأله مهدویت و ظهور آخرین منجی الهی در آخرالزمان، یکی از اصیل ترین باورهای اسلامی شمرده می شود؛ اعتقاد فراگیری که همه مذاهب اسلامی، بر آن اتفاق نظر دارند.

اهمیت و نقش الهام بخش و راهگشای این بحث در رویکرد به آینده، ضرورت اهتمام جامعه اسلامی به این موضوع را ایجاب می کند، چرا که این موضوع، هم در چگونه زیستن امروز ما تأثیر گذار است و هم با چگونه بودن فردای ما پیوند آشکار دارد.

از این رو، با توجه به این که مسأله مهدویت از ریشه دارترین موضوعاتی است که در آیات و احادیث به صورت یک اصل اسلامی پذیرفته شده است، بایسته است که

موضوع مهدویت و منجی شناسی از سوی جامعه منتظر، به عنوان یکی از مهم ترین اولویت های مطالعاتی در عرصه پژوهش های دینی، مورد توجه قرار گیرد.

شناخت منجی موعود و آشنایی با زندگی پربار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سه دوره تاریخی؛ یعنی دوران کوتاه مدت کودکی و غیبت صغری، دوران طولانی مدت غیبت کبری و دوران طلایی ظهور، قابل تبیین است.

۱. دوران کودکی: این دوره که به علت زندگی پنهانی حضرت از خوف خلفای عباسی، به

دوران اختفا موسوم است به دوران پنج ساله همراهی با پدر بزرگوارش (۲۵۵ - ۲۶۰ ه. ق) گفته می شود.

۲. دوران غیبت: این دوران به دو بخش کوتاه مدت و درازمدت تقسیم می شود:

الف) غیبت صغری: این مرحله به زندگی پنهانی ۶۹ ساله حضرت گفته می شود که از سال ۲۶۰ هجری آغاز شد و تا سال ۳۲۹ هجری ادامه داشت. تفاوت این دوره با دوره بعد در این است که در غیبت صغری، افراد خاصی به عنوان نائبان خاص حضرت، واسطه و رابط میان امام و مردم بودند. آنان عبارت اند از: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان عمری، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد ثمری.

ب) غیبت کبری: دوره غیبت درازمدت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از زمان وفات علی بن محمد ثمری، آخرین نایب خاص ایشان، در سال ۳۲۹ هجری آغاز شد و تا زمانی که شرایط و زمینه های تحقق قیام حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف مهیا گردد و خداوند متعال، امر ظهورش را ابلاغ نماید، ادامه خواهد داشت.

۳. دوران ظهور: دوران طلایی و عصر آرمانی است که همه ایدآل های تاریخ حیات بشر را یک جا در خود جای داده است؛ یعنی دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ دورانی سرشار از معنویت،

امنیت و آسایش، که بشر در پرتو حاکمیت امام معصوم علیه السلام اوج تعالی و رشد مادی و معنوی خویش را تجربه خواهند کرد.

در این کتاب، سعی شده است با تکیه بر آیات قرآنی و استفاده از گنجینه عظیم روایات مهدوی، به بیان پیشینه اعتقادی و مبانی معرفتی اندیشه اصیل مهدویت و مقاطع زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران ولادت، کودکی و غیبت آن حضرت پردازد،

سپس با استناد به پیشگویی های آیات و روایات، حوادث و رخداد های هنگامه ظهور و پس از آن را برشمرده و چشم انداز فردای تاریخ را ترسیم نماید.

امید است این تلاش ناچیز، مقبول آستان آن حضرت (ارواحنا فداه) قرار گیرد و به یمن عنایات کریمانه اش، سبب آشنایی بیشتر و انس فزون تر خوانندگان گرامی نسبت به ساحت مقدس آن یگانه دوران و ولی زمین و زمان گردد. (یا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعِهِ مُزْجَاهٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ).<sup>(۱)</sup>

ص: ۱۲

---

۱- سوره یوسف علیه السلام، آیه ۸۸.



## بخش اول: منجی باوری

## اشاره

## مفهوم شناسی

واژه «منجی» از ریشه «نجی» و «نجو» به معنای رهایی بخش و خلاص کننده از چیزی است. لغت شناسان واژه «نجات» را به مفهوم خلاصی، (۱) جدا شدن از چیزی (۲) و رهایی از هلاکت و شر (۳) معنا کرده اند. برخی واژه پژوهان نیز مفهوم اصلی ماده «نجی» را رهایی و خلاصی دانسته و نجات از هلاکت و گرفتاری در حوادث و... را از مصادیق این معنا شمرده اند. (۴)

این واژه در آیات قرآنی نیز به معنای خلاصی و رهایی به کار رفته است؛ مانند: (ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا) (۵)؛ (وَ إِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ

فِرْعَوْنَ) (۶)؛ (وَ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا) (۷)؛ (إِنَّا مُنْجُونَكَ وَ أَهْلَكَ) (۸) و... در این گونه آیات، واژه «نجات» به معنای رهایی از هلاکت، فتنه و عذاب آمده است.

اما در اصطلاح پیروان ادیان چنان که خواهد آمد کاربرد واژه «منجی» ناظر به اندیشه نجات گرایی و اعتقاد فراگیر به ظهور مردی الهی است که در آخر الزمان برای رهایی مردم از ظلم و جور خواهد آمد.

ص: ۱۳

۱- «النَّجَاةُ : الْخَلَاصُ مِنَ الشَّيْءِ»؛ لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۰۴.

۲- «أَصْلُ النَّجَاةِ : الْإِنْفِصَالُ مِنَ الشَّيْءِ» ؛ المفردات، ص ۷۹۲.

۳- «نَجَوُ : نَجَا فَلَانَ مِنَ الشَّرِّ يَنْجُو نَجَاهًا» ؛ العين، ج ۶، ص ۱۸۶.

۴- ر.ك: التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۱۲، ص ۴۷.

۵- سوره مریم، آیه ۷۲.

۶- سوره بقره، آیه ۴.

۷- سوره نمل، آیه ۵۳.

۸- سوره عنكبوت، آیه ۳۳.

ایده نجات خواهی و منجی گرایی، سابقه دیرینی در تاریخ کهن بشر دارد. اساساً این امر، قبل از آن که یک مسأله تاریخی باشد، یک گرایش فطری و انسانی است که در نهاد کمال طلب و ترقی خواه انسان ریشه دارد. این گرایش، میان پیروان ادیان توحیدی نمود بیشتری داشته و به موازات حرکت تاریخ، در حال رشد و شکوفایی است.

هم زمان با پیدایش هسته های اولیه تمدنی در عرصه زندگی اجتماعی بشر، تفکر فرجام خواهی و اندیشه پیروزی صالحان و صعود به مدینه فاضله، ذهن انسان های نیک اندیش و

توده های تحت ستم را به خود معطوف کرد و تدریجاً به یک آرمان همگانی تبدیل شد.

از این نظر، ایده فرجام خواهی و آینده نگری را می توان وجه مشترک همه امت ها و ملل جهان به شمار آورد و از انبیای الاهی علیهم السلام به عنوان مبشران و طراحان اصلی این ایده یاد نمود.

اصل نجات، تنها در توان خدای متعال است؛ نجات او، رحمت عامه است و لطف و عنایت او در همه حال، بندگان را شامل می‌شود و آن‌ها را از انواع خطرها، وسوسه‌های فکری و روحی و القائات شیاطین در امان می‌دارد. بنابراین، خداوند متعال، پیامبرانش را برای نجات بشر از ظلمت، گمراهی‌ها و تباهی‌ها فرستاد. پس نجات، گستره وسیعی از حیات آدمی را از بدو خلقت و حیات فکری و مادی او گرفته تا حیات دینی و معنوی و اخروی اش شامل می‌شود. (۱)

از این نظر، موضوع فرجام‌نگری و توجه به فردای تاریخ را می‌باید ره آورد تعلیمات ادیان آسمانی و انبیای الهی علیهم السلام دانست که همواره نگاه بشر را به سوی آینده‌ای روشن و بهجت آور معطوف کرده و فرا رسیدن چنین

دوران ایده‌آلی را برای

ص: ۱۵

فردای تاریخ بشارت داده اند.

بنابراین اگرچه اندیشه منجی گرایی و آینده نگری دارای ریشه های فطری و انسانی و سابقه کهن تاریخی در حوزه گفتمان بشری است، امّا این بحث دارای خاستگاه دینی بوده و قبل از هر چیز، ره آورد گفتمان دینی محسوب می شود؛ زیرا منادیان اصلی و پیشگامان این تفکر، پیامبران الاهی علیهم السلام و کتب آسمانی بوده اند. اساساً خبرهای غیبی پیامبران الاهی علیهم السلام بوده است که به دلیل فراگیر بودن آثارشان توانسته اند آرمان خواهی نهفته انسانی را به یک رویکرد فراگیر و همه جانبه در جوامع بشری تبدیل نمایند.

از این رو، در فرایند شکل گیری اندیشه فرجام خواهی، توجه به نقش اساسی و بی بدیل ادیان الاهی در شفاف سازی دورنمای تاریخ و توسعه و شکوفایی نگاه مثبت به آینده، بسیار حائز اهمیت است.

این اندیشه در میان پیروان ادیان و کسانی که دارای جهان بینی توحیدی هستند، نمود بیش تری دارد. مکاتب الاهی، جهان را دارای خالق حکیم، دانا و توانا می دانند و تدبیر جهان را بر اساس اراده حق تعالی

توجیه می کنند؛ لذا آینده و فرجام تاریخ را روشن می بینند. بنابراین، به هر میزان که جوامع بشری از آموزه های دینی تأثیرپذیری بیشتری داشته باشند، امید به آینده در میان آنان رسوخ بیش تری خواهد داشت.

متفکر شهید، استاد مطهری (ره) درباره این مطلب که گسترش رویکرد دین گرایانه، جامعه را در نهایت به سمت پذیرش ایده حکومت عدل جهانی نزدیک خواهد کرد، می نویسد:

در طول تاریخ گذشته و آینده، نبردهای انسان تدریجاً جنبه ایدئولوژیک پیدا کرده و می کند و انسان تدریجاً از لحاظ ارزش های انسانی به مراحل کمال خود، یعنی به مرحله انسان ایده آل و جامعه ایده آل نزدیک تر می شود؛ تا آن جا که در نهایت امر، حکومت عدالت، یعنی حکومت کامل ارزش های انسانی که در تعبیرات اسلامی از آن به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تعبیر شده است مستقر خواهد شد و از حکومت نیروهای باطل و حیوان مآبانه و خودخواهانه و خودگرایانه اثری

بنابراین اهمیت و تأثیر گذاری آینده نگری و پیشگویی های ادیان بدان جهت است که آنان بر پایه آموزه های یقین آور و حیانی و اخبار غیبی پیامبران الهی علیهم السلام و کتب آسمانی از

آینده گزارش می دهند.

## منجی باوری در ادیان توحیدی

### اشاره

در ادیان سه گانه توحیدی و ابراهیمی، یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام، بیش از آیین های دیگر بر دوره طلایی بشر در پایان تاریخ تأکید شده است.

در آموزه های ادیان ابراهیمی، نقاط اشتراک مهمی وجود دارد که شالوده اصلی نگرش این ادیان را شکل می دهد. با نگاه درون دینی به آموزه های آینده نگرانه ادیان ابراهیمی مشاهده می شود که الگوی غالب در پیشگویی فرجام شناسانه هر کدام از این ادیان بزرگ، پیش بینی جهانی شدن و غلبه بر سایر ادیان است. این آموزه در آینده نگری اسلامی بیش از سایر ادیان مورد تأکید واقع شده است.

مهم ترین اصول مشترک آموزه های ادیان ابراهیمی که به طور آشکار و پررنگ مشاهده می شود، عبارت اند از:

الف) اعتقاد به پیروزی حتمی حق بر باطل و حاکمیت پاکان در آینده؛

ب) محوریت رهبر الهی و آسمانی (منجی موعود) در تقابل حق و باطل؛

ج) تأکید بر ماهیت دینی نظام آینده (غلبه جهانی دین).

در ادیان یهودیت و مسیحیت، منجی موعود به نام «مسیح» یا «ماشیح» یاد شده و در اسلام نیز آخرین منجی موعود با نام «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» شناخته می شود. چنین نام های متشابهی بیانگر آرمان مشترک ادیان توحیدی و ابراهیمی در ظهور منجی موعود است.

### الف) منجی در دین یهود

در کتب مقدس یهودیان، اعم از کتاب هایی که به قبل از دوران اسارت (۵۹۷ قبل از میلاد) تعلق دارد، یا مطالبی که در سده پنجم قبل از میلاد نوشته شده و نیز کتبی

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۴، ص ۴۲۷.

که در فاصله بین آخرین بخش کتاب عهد عتیق (کتاب دانیال) و ترتیب و تدوین اناجیل و رسالت عهد جدید نوشته شده که اصطلاحاً به نوشته های بین العهدين معروف اند مطالب بسیاری در مورد آخرالزمان یافت می شود.

در عهد عتیق پیش بینی شده است که سعادت و عدالت به وسیله «مشیح» در سرتاسر جهان محقق می شود. عهد جدید نیز به این مطلب پرداخته است. مکاشفه یوحنا به طور کامل به حوادث ناگوار آخرالزمان اختصاص یافته و در پایان آن، به برقراری صلح و آرامش جهانی تحت حاکمیت مؤمنان اشاره شده است.<sup>(۱)</sup>

مثلاً در بخش هایی از کتاب مقدس یهود، صحیفه اشعیای نبی، چنین آمده است:

پادشاهی از تبار یسعی (پدر داود علیه السلام) ظهور خواهد کرد و جهان را از عدل و خیر و برکت پر خواهد ساخت... مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده، شریران را به نفخه لب های خود خواهد کشت و کمر بند کمرش، عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت... در تمامی کوه مقدس من ضرر و فسادى نخواهند کرد؛ زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود، مثل آب هایی که دریا را می پوشاند.<sup>(۲)</sup>

در کتاب مزامیر داود علیه السلام نیز آمده است: «... و اما نسل شریران منقطع خواهد شد، صالحان وارث زمین گردیده و در آن تا به ابد سکونت خواهند نمود».<sup>(۳)</sup>

## ب) منجی در مسیحیت

در کتب مقدس مسیحیان نیز بشارت های خوش بینانه ای در مورد آینده جهان وارد شده و

از ظهور فاتحانه حضرت مسیح در آخرالزمان خبر داده شده است. به اعتقاد مسیحیان، حضرت عیسی علیه السلام دو ظهور دارد؛ یکی ظهور اول، یعنی بعثت ایشان و

ص: ۱۸

---

۱- ر.ک: کتاب مقدس، صحیفه اشعیاء، باب ۱۱ و ۱۲؛ صحیفه زکریا، باب ۹؛ صحیفه دانیال، باب ۲، بند ۴۴ و باب ۷، بند ۱۳ و

۲۷؛ صحیفه متی، باب ۲۴، بندهای ۴۴-۱۵؛ صحیفه رسل، باب ۲، بندهای ۲۱-۱۷ و مکاشفه یوحنا، بندهای ۲۲-۴.

۲- ر.ک: کتاب مقدس، صحیفه اشعیاء، باب ۱۱، بندهای ۱۰-۱.

۳-۳. ر.ک: کتاب مقدس، کتاب مزامیر(زبور داود)، مزمور ۳۷، بندهای ۹، ۱۰، ۲۹ و ۳۰.

دوم، بازگشت مجدد برای نجات عالم و ایجاد یک عصر باشکوه در آخرالزمان؛ و چون مسیحیان بازگشت حضرت عیسی علیه السلام در پایان تاریخ را ظهور دوم ایشان می‌شمارند، خود را موظف به اقدامات لازم برای ظهور دوم «پسر انسان» می‌دانند.

براساس پیشگویی‌های کتب مقدس مسیحیان، ظهور دوم، با یک سلسله حوادث طبیعی ارضی، سماوی و سیاسی، اجتماعی همراه خواهد بود. در انجیل لوقا، وقوع ظهور دوم حضرت مسیح علیه السلام بعد از گرفتار شدن مردم به انواع بلاها و حیرت و سختی‌ها پیش بینی شده است:

و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین، تنگی و حیرت از برای امت‌ها روی خواهد نمود به سبب شوریدن دریا و امواجش و دل‌های مردم ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می‌شود؛ زیرا قوت آسمان متزلزل خواهد شد و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر ابری سوار شده، با قوت و جلال عظیم می‌آید. (۱)

انجیل لوقا در فراز دیگری، مسیحیان را

به فعالیت‌های دین‌مدارانه و روشن‌نگه داشتن ارزش‌های دینی فرا می‌خواند تا زمینه برای ظهور دوم مسیح منجی فراهم گردد:

کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را فروخته بدارید، شما مانند کسانی باشید که انتظار آمدن آقای خود را می‌کشند... پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید، پسر انسان می‌آید. (۲)

برخی از مسیحیان معتقدند که پیش از ظهور دوم مسیح علیه السلام آخرین نبرد تاریخ که معروف به جنگ «هارمجدون» (۳) یا «آرماگدون» یعنی جنگ آخرالزمان است اتفاق

ص: ۱۹

---

۱- انجیل لوقا، باب ۲۱، بندهای ۲۸-۲۵.

۲- انجیل لوقا، باب ۱۲، بندهای ۴۱-۳۵.

۳- شایان ذکر است که در متون مقدس یهودیان، واژه «هارمجدون» یا «آرماگدون» فقط یک بار آمده (انجیل یوحنا، باب ۱۶، بند ۱۷) و محل وقوع این جنگ نیز، غرب رودخانه اردن، در دشت جزرال، میان جلیله و سامریه ذکر شده است. اما درباره این که در جنگ نهایی آرماگدون، چه کسانی با هم می‌جنگند، در متون مقدس چیزی بیان نشده است؛ ولی در ادبیات سیاسی مسیحیت معاصر، برخی، بر اساس مکاشفه یوحنا رسول، نبرد نهایی را همان «نبرد هسته‌ای» می‌دانند و برخی از افراطیون مسیحی تلاش می‌کنند آرماگدون یا نبرد نهایی خیر و شر را در دوران بعد از جنگ سرد و به نبرد دنیای غرب با جهان اسلام تفسیر کنند.



خواهد افتاد و با بازگشت حضرت مسیح (ظهور دوم) این فجایع خاتمه می یابد.

## ج) منجی در اسلام

منجی باوری با مفهوم دقیق آن، طرح نوین اسلامی و ره آورد پیام وحیانی قرآن کریم است؛ زیرا اسلام تنها دینی است که این ایده فطری و تاریخی را بارور ساخته، تحقق آرمان های مورد انتظار بشر را مهم ترین رسالت خود اعلام نموده و با طرح و برنامه ای روشن، آن را در دستور کار برنامه های آینده خود قرار داده است. این جاست که معجزه تفکر اسلامی و عظمت ابتکارات آن در طرح نظام مند اندیشه مهدویت به خوبی نمایان می شود.

بر این اساس، هرچند تفکر آرمان خواهی دینی در میان امت های پیشین نیز ریشه داشته و کتب آسمانی پیش از قرآن نیز به آینده ای روشن نوید داده اند،<sup>(۱)</sup> اما اسلام تنها دینی است که برای بارور ساختن این آرمان تاریخی و بنا بر رسالت جهانی و ماندگار خویش، برنامه ای جامع و طرحی نظام مند را در قالب نظریه حکومت عدل جهانی مهدوی ارائه نموده<sup>(۲)</sup>

و تحقق آرمان های متعالی انسانی را مهم ترین رسالت خود اعلام کرده است.

از این رو، اگرچه پیروان دیگر ادیان الهی نیز متناسب با تعالیم کتب آسمانی شان، نسبت به مسأله آینده و شخصیت نجات بخش پایان تاریخ تأکید خاصی داشته اند، اما باید اذعان کرد که در تاریخ امت ها و ملت ها، هیچ گاه طرح مشخص و

ص: ۲۰

---

۱- ( وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْمَأْرُضَ يَرْتُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ )؛ «در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان شایسته ام وارث زمین خواهند شد»؛ (سوره انبیاء، آیه ۱۰۵).

۲- پیشگویی قرآن از حتمی بودن پیروزی صالحان و حاکمیت مطلق اسلام در آینده، در آیات متعددی مطرح شده است؛ مانند آیات ۵۵ سور نور، ۱۰۵ سوره انبیاء، ۳۳ سوره توبه، ۸ سوره صف، ۲۸ سوره فتح، ۳۹ سوره انفال و... مجموع آیاتی که به نحوی به موضوع مهدویت و پایان تاریخ اشاره دارند، بیش از ۱۲۰ آیه است. مرحوم سید هاشم بحرانی در کتاب «المحججه فیما نزل فی القائم الحجه» این آیات را گردآوری کرده است.

دورنمای روشنی نسبت به آینده تاریخ ارائه نشده است؛ بلکه خاستگاه این گرایش فطری و تاریخی را تنها در تفکر اسلامی می توان جستجو کرد.

همان گونه که آموزه های اسلامی، آخرین ره آورد پیام الاهی است، منجی موعود در باور اسلامی نیز آخرین منجی خواهد بود. از این نظر، منجی باوری در اسلام، دارای ویژگی هایی است که آن را از سایر ادیان توحیدی متمایز می سازد.

### وحدت نظر فرق اسلامی در موضوع مهدویت

اصل موضوع مهدویت و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در

آخرالزمان برای برپایی حکومت عدل اسلامی در جهان، مورد پذیرش همه فرق اسلامی است.

در منابع روایی فریقین، احادیث نبوی مرتبط با این موضوع، به طور متواتر، ثبت و ضبط شده است. حتی کسانی که میانه چندان خوبی با شیعه ندارند مانند فرقه وهابیه نیز این موضوع را یک اصل قطعی اسلامی می دانند و بر متواتر بودن احادیث مهدویت تأکید می کنند.<sup>(۱)</sup>

شهید مطهری در این زمینه می نویسد:

اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه جانبه ارزش های انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده آل و بالاخره اجرای این ایده عمومی و انسانی به وسیله شخصیت مقدس و عالی قدری که در روایات متواتر اسلامی از او به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تعبیر شده، اندیشه ای است که کم و بیش همه فرق و مذاهب اسلامی، با تفاوت ها و اختلاف هایی، بدان مؤمن و معتقدند؛ زیرا این اندیشه،

به حسب اصل و ریشه، قرآنی است.<sup>(۲)</sup>

بنابراین در اسلام، مهدویت از اساسی ترین آموزه های اعتقادی به شمار می رود که

ص: ۲۱

---

۱- در این خصوص، صدور فتوای رسمی از سوی «رابطه العالم الاسلامی» - به عنوان مرجع فقهی اهل سنت در عربستان - در سال ۱۹۷۶ میلادی و تأکید بر متواتر بودن احادیث حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دلیل روشنی بر این ادعا است. برای آگاهی بیشتر نسبت به متن کامل این فتوا و ترجمه آن، ر.ک: انقلاب جهانی مهدی، ص ۱۴۶.

۲- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۴، ص ۴۰۶.

ابعاد آن در آیات قرآنی و تعلیمات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام تبیین شده است.

## مهدویت در آیات

در آیات قرآن کریم، موضوع مهدویت به صورت کلی مطرح و باورمندی به فرجام نیک تاریخ و ظهور منجی موعود، به عنوان یک اعتقاد ریشه دار دینی، تاریخی و آموزه اصیل اسلامی بیان شده است. این کلی گویی برای آن است که شیوه قرآن در معرفی گفتمان مهدویت و شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شیوه توصیفی و بیان خصایص شخصیتی آن حضرت است، نه بیان مشخصات اسمی ایشان.

قرآن کریم، از جهانی شدن اسلام و حاکمیت صالحان و سروری مستضعفان بر مستکبران در آخرالزمان خبر داده و وعده حتمی الاهی در حاکمیت فراگیر صالحان در آینده تاریخ را به صورت قضیه ای قطعی و اجتناب ناپذیر بیان کرده است.

در نگاه قرآن، علی رغم وجود فراز و نشیب ها، تاریخ به سوی جامعه ای مطلوب و

آرامانی در حال حرکت است و حکومت عدل جهانی به رهبری مصلح موعود به طور حتم شکل خواهد گرفت. این گزارش های قرآنی، صرفاً یک خبر غیبی از آینده تاریخ نیست، بلکه پایه گذار طرحی جامع و سعادت آفرین است که در قالب نظریه نجات گرایانه «مهدویت» برای تحقق جامعه عدل توحیدی ارائه شده است. به برخی از آیاتی که به موضوع حکومت جهانی مهدوی اشاره کرده است، می پردازیم:

۱. (وَعِيدَ اللَّهِ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّرْنَا لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا)؛ (۱) «خداوند به کسانی که شما که اهل ایمان و رفتار شایسته اند، وعده داده است که قطعاً آنان را فرمانروای زمین خواهد کرد؛ همان گونه که به پیشینیان آنان، خلافت روی زمین را بخشید و دین و آئینی را که برای آنان پسندیده است، پابرجا و ریشه دار خواهد

ص: ۲۲

ساخت و ترس و نگرانی شان را به امنیت و آرامش مبدل خواهد کرد؛ آن چنان که تنها مرا بیرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند».

این آیه شریفه به مؤمنان و نیکوکاران

چندین وعده داده است. این وعده ها عبارت اند از: جانشینی ایشان در زمین، تمکین دین، تبدیل خوف ایشان به امن و آسایش، پرستش واقعی خدا از سوی همه مردم زمین و ریشه کن شدن شرک. این وعده های الهی قطعاً توسط آن مصلح بزرگ جهانی تحقق خواهد یافت.

این آیه شریفه، بیانگر حتمی بودن وقوع این پیشگویی در آینده است؛ زیرا خداوند آن را به مؤمنان وعده داده و براساس آیه (إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ)؛<sup>(۱)</sup> «وعده های الهی، قطعی و تخلف ناپذیر خواهند بود».

۲. (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)؛<sup>(۲)</sup> «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند».

قرآن در آیات مختلفی از گسترش حاکمیت دین اسلام و تحقق جامعه توحیدی خبر داده است. در احادیث تصریح شده که این وعده به دست آخرین موعود الهی، یعنی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد.

۳. (وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعْنَا فِي

الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ □ وَنُتِمَكَّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ)؛<sup>(۳)</sup> «ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوا و وارث زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم».

امیرمؤمنان علیه السلام مراد از «مستضعفان» در این آیه را خاندان نبوت علیهم السلام دانسته است که خداوند پس از رنجی که متحمل شدند، مهدی ایشان را برمی انگیزد تا آنان را به

ص: ۲۳

۱- سوره رعد، آیه ۳۱.

۲- سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره صف، آیه ۹.

۳- سوره قصص، آیات ۵ و ۶.

اوج شکوه و عزت و اقتدار رسانده و دشمنانشان را به خاک مذلت بکشاند. (۱)

۴. (قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْبَعِينَا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ)؛ (۲) «موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوید و استقامت پیشه کنید که زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می کند و سرانجام [نیک] برای پرهیزکاران است».

۵. (وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)؛ (۳) «در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث [حکومت] زمین خواهند شد».

مقصود از «الْأَرْض» در این آیه، کل کره زمین است و چون تاکنون کسی نتوانسته است کل زمین را تحت حاکمیت خود ببرد، قطعاً ظرف تحقق این وعده الهی در آینده است و با دست توانای آخرین منجی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد؛ چنان که بر اساس فرموده امام باقر علیه السلام مقصود از بندگان شایسته «عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» نیز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او هستند. (۴)

۶. (يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)؛ (۵) «می خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش کنند، اما خداوند کامل کننده نور خویش است؛ هر چند کافران خوش نداشته باشند».

مراد از «نور الله» در این آیه، نور اسلام است و عبارت «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» از این واقعه خبر می دهد که نور خدا در آینده، تمامی کره زمین را در بر خواهد گرفت و خبری که مُخبر آن خداوند باشد، هم محقق الوقوع است و هم شائبه کذب در آن راه ندارد.

آری! نور الهی روزی به دست آن مصلح جهانی تمام دنیا را در بر خواهد گرفت

ص: ۲۴

۱- ر.ك: الغيبة، طوسی، ح ۱۴۳، ص ۱۸۴.

۲- سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

۳- سوره انبیا، آیه ۱۰۵.

۴- ر.ك: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۵۲.

۵- سوره صف، آیه ۸.

و آن مصلح الاهی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۷. (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ)؛ (۱) «ای پیامبر! تو فقط بیم دهنده ای و برای هر گروه هدایت کننده ای است».

برید بن معاویه معنای این آیه را از امام باقر علیه السلام سؤال کرد. حضرت فرمود: «الْمُنذِرُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ وَ عَلِيُّ الْهَادِي وَ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَ زَمَانٍ إِمَامٌ مِّنَّا يَهْدِيهِمْ إِلَى مَا جَاءَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ؛ مراد از منذر، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مراد از «هادی» علی علیه السلام است. در هر زمان، امامی از ما اهل بیت علیهم السلام مردم را به سوی آن چه پیامبر بدان فراخوانده است، هدایت می کند».

جناب فضیل نیز معنای آیه مذکور را از امام صادق علیه السلام سؤال کرده است. ایشان در پاسخ فرموده اند: «كُلُّ إِمَامٍ هَادٍ لِلْقَوْمِ الَّذِي هُوَ فِيهِمْ؛ (۲) هر امامی هدایت گر زمانی است که در آن قرار دارد».

از این آیه و روایات مربوط به آن چنین استفاده می شود که باید در هر زمان، هدایت گری باشد و چون ائمه معصومین علیهم السلام مصادیق حقیقی هادی بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستند، در زمان غیبت کبری، شخص هادی، وجود مبارک قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

اگرچه این آیات تصریح می کنند که با ظهور آخرین مصلح الاهی، جهان یکسره از لوٹ و جود شرک، بت پرستی، ظلم، ستم، فساد و... پاک

خواهد شد و هرگونه شک در تحقق حاکمیت جهانی اسلام را منتفی می سازند، اما درباره این که آیا آن مصلح، تولد یافته و در حال حاضر وجود دارد یا خیر، ساکت هستند. برای یافتن پاسخ این سؤالات باید به روایات موجود در منابع حدیثی رجوع کرد.

## مهدویت در روایات

### اشاره

چنان که گذشت، اصل موضوع مهدویت و ظهور آخرین حجّت الاهی، به صورت کلی در آیات قرآن بیان شده است. با این وجود، تبیین و تفسیر این آیات به عهده

ص: ۲۵

۱- سوره رعد، آیه ۷.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۱۹۱؛ الغیبه، نعمانی، ص ۱۱۰.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پیشوایان معصوم علیهم السلام است و آنان جزئیات این مسأله را در اخبار و روایاتشان مطرح کرده اند.

احادیث نبوی و روایات رسیده از امامان معصوم علیهم السلام مصداق آیات مذکور را بیان کرده و آن را به مسئله مهدویت و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق داده اند. از این رو، حجم وسیعی از احادیث به مسائل مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور وی در آخرالزمان اختصاص یافته است.

در این احادیث، هم اصل ظهور آخرین منجی الهی به عنوان یک امر قطعی و اجتناب ناپذیر یاد شده که آینده تاریخ، ناگزیر، شاهد آن خواهد بود و هم مصداق آن، شخص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی شده است.

احادیث مربوط به موضوع مهدویت را می توان

در دو دسته قرار داد: یک دسته، احادیث نبوی که در منابع فریقین آمده و دیگری، احادیث رسیده از امامان معصوم علیهم السلام که تنها در منابع شیعی وارد شده است.

### الف) مهدویت در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مکرراً امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عنوان دوازدهمین وصی و جانشین خود که رسالت اجرای برنامه های دینی و قوانین اسلامی را در سطح جهان بر عهده دارد معرفی کرده و همگان را به آمدنش بشارت داده است. احادیث مهدوی ایشان به دلیل اهمیت موضوع، انعکاس وسیعی در مجامع روایی شیعه و سنی داشته است.

بنا به استقصایی که در کتاب «معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»<sup>(۱)</sup> انجام گرفته، از حدود چهارصد منبع معتبر نزد شیعیان و اهل تسنن، تعداد ۱۸۶۱ حدیث در رابطه با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گردآوری شده است. از این تعداد، ۵۶۳ حدیث به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم منسوب است که اکثراً در منابع و مصادر حدیثی اهل سنت وارد شده اند.

بدون شک، اختصاص این حجم وسیع از احادیث به موضوع مهدویت، بیانگر

ص: ۲۶

---

۱- این کتاب که از نظر احصای روایات و آیات تفسیری و تأویلی مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جامع ترین موسوعه مهدوی محسوب می شود، که به همت مؤسسه آل البیت علیهم السلام ابتدا در پنج جلد و سپس در سال ۱۴۲۸ ق پس از بازنگری در مجموعه هشت جلدی منتشر شده است.

حساسیت فوق العاده این مسأله در صدر اسلام بوده است؛ چراکه علی رغم قدغن بودن نقل حدیث در دوران خلفا و ممانعت شدید حکام اموی و عباسی از نشر روایات، این تعداد از احادیث توانسته اند از زیر تیغ سانسور طولانی مدت عبور کرده، به دست ما برسند. در این جا به برخی از احادیث نبوی درباره آخرین وصی اشاره می شود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيءُ إِسْمَهُ إِسْمِي»؛ (۱) دنیا برچیده نشود تا این که مردی از خاندان من بر آن صاحب شود که نامش هم نام من است».

نیز آن حضرت فرمود: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ بَيْتِي يَفْتَحُ الْقُسْطَنَظِيَّةَ وَجَبَلِ الدِّيْلَمِ وَ لَوْ لَمْ يَبْقَ إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَفْتَحَهُ»؛ (۲) قیامت برپا نمی شود تا این که مردی از خاندان من قسطنطنیه و کوه دیلم را فتح کند و اگر از عمر دنیا یک روز بیشتر باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند تا او آن جا را فتح کند».

در سخن دیگر فرمود: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ الْحَقُّ مِنَّا وَ ذَلِكَ حِينَ يَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ وَ مَنْ تَبِعَهُ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ اللَّهُ

اللَّهُ عِبَادَ اللَّهِ فَأَتَوْهُ وَ لَوْ عَلَى التَّلْحِ فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ خَلِيفَتِي»؛ (۳) روز قیامت فرا نمی رسد مگر آن که قائم به حق که از خاندان ماست قیام کند و آن قیام، زمانی خواهد بود که خدای عزوجل او را اجازه فرماید. هر کس پیرو او باشد نجات می یابد و هر که از فرمانش تخلف ورزد، هلاک می شود. ای بندگان خدا! خدا را در نظر داشته باشید و به نزدش آید، اگر چه بر روی یخ و برف راه روید؛ زیرا او خلیفه خدای عزوجل و جانشین من است».

ابوذر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است که فرمود: «الْأَيُّمَةُ بَعْدِي إِثْنَا عَشَرَ،

ص: ۲۷

۱- بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۶۸.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.

۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۵.



تَسْمِعُهُ مِنْ صُيُوبِ الْحَسَنِينَ تَأْسِئُهُمْ قَائِمُهُمْ، ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَلَا إِنَّ مَثَلَهُمْ فِيكُمْ مَثَلُ سَيْفِيْنِهِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؛ (۱) امامان بعد از من، دوازده نفرند که نه نفر آنان از نسل حسین هستند و نهمین آنان، قائم آنان است. آگاه باشید که آنان در میان شما همانند کشتی نوح هستند؛ پس هر کس بر آن کشتی متمسک شود، نجات می یابد و هر که از آن فاصله گیرد، هلاک می شود.

آن حضرت هم چنین فرمود: «إِنَّ الْأُمَّةَ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، عَلِيُّ أَوْلَاهُمْ وَ أَوْسَطُهُمْ مُحَمَّدٌ وَ آخِرُهُمْ مُحَمَّدٌ وَ هُوَ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى خَلْفَهُ»؛ (۲) پیشوایان پس از من،

دوازده نفر از اهل بیت من هستند که علی نخستین آنان است و وسط آنان محمد و آخر آنان نیز محمد است. او مهدی این امت و همان کسی است که عیسی بن مریم پشت سر او نماز خواهد خواند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در کلام دیگری خطاب به مردم فرمودند: «إِنَّ خُلَفَائِي وَ أَوْصِيَائِي وَ حُجَجَ اللَّهِ عَلَيِ الْخَلْقِ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَاهُمْ أَحْيَى وَ آخِرُهُمْ وَلَدِي؛ جانشینان و اوصیای من که پس از من حجت های پروردگار در میان مردم هستند، دوازده نفرند، اول آن ها برادرم است و آخرین آنان فرزندم خواهد بود». سؤال شد: «یا رسول الله! برادرت کیست؟» ایشان پاسخ فرمود: «عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ». سؤال کردند: «فرزندت کدام است؟» فرمود: «الْمَهْدِيُّ يَمَلَأُهَا قِسِيْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَأَطَالَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلَ رُوحَ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّيَ خَلْفَهُ وَ تُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ»؛ (۳) مهدی، همان کسی که خداوند به وسیله او دنیا را پر از عدل و داد می کند، پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد. سوگند به آن خدایی که مرا به پیامبری برانگیخت، اگر از دنیا جز یک روز نماند، خداوند آن روز را چنان بلند می کند که فرزندم مهدی خروج کند و آن گاه عیسی روح

الله علیه السلام از آسمان

ص: ۲۸

۱- غایه المرام، ج ۳، ص ۲۲.

۲- کفایه الأثر، ص ۸۰.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۰؛ إعلام الوری، ص ۳۹۱.

فرود خواهد آمد و در پشت سر او نماز خواهد خواند و زمین از نور خداوند روشن خواهد شد و حکومت مهدی بر شرق و غرب عالم گسترش پیدا خواهد کرد».

کلمه شرطی «لو» در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مشروط شدن پایان عمر دنیا به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیانگر ناگزیر بودن و حتمیت این رخداد در آینده تاریخ است.

در حدیثی دیگر، جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که وقتی خداوند آیه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (۱) را نازل فرمود، محضر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم: ای رسول خدا! خدا و رسول خدا را شناختیم، اما «اولوالامر» که خداوند اطاعتش را قرین اطاعت شما قرار داده است چه کسانی هستند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هُمْ خُلَفَاؤِي يَا جَابِرُ وَأُمَّهُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ بَعْدِي أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ فِي التَّوْرَةِ بِالْبَاقِرِ وَ سَيَتَدْرِكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا لَقِيْتَهُ فَأَقْرَأْهُ مِنِّي السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ سَيِّدِي وَ كَيِّبِي حُجَّجَهُ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَ بَقِيَّتُهُ فِي عِبَادِهِ ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ذَاكَ الَّذِي يَفْتِيحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَيَّ يَدِيهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَعَارِبِهَا ذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شِيعَتِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ غَيْبَهُ لَا

يَبْتُ فِيهَا عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ ائْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ؛ (۲) ای جابر! آن ها جانشینان من و پیشوایان مسلمین بعد از من هستند. اولین آن ها علی بن ابی طالب است، سپس حسن و حسین، سپس علی بن حسین، سپس محمد بن علی که در تورات به باقر (شکافنده علم) معروف است و تو ای جابر، او را درک می کنی! پس هر گاه او را دیدی، سلام مرا بر او برسان پس از او، جعفر بن محمد الصادق، سپس موسی بن جعفر، سپس علی بن موسی، سپس محمد بن علی، سپس علی بن محمد، سپس حسن بن علی و پس از او، هم نام و هم کنیه من، که او حجّت خدا در زمین و باقی مانده حجج خدا در میان بندگانش است و فرزند حسن بن علی است. اوست که خداوند یاد خود را با دستان او بر مشرق و مغرب زمین می -

ص: ۲۹

۱- سوره نساء، آیه ۵۹.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۳؛ کفایه الأثر، ص ۵۴.

گشاید و اوست که از شیعیان و دوستدارانش غائب می شود؛ غیبتی که جز کسی که خداوند دلش را برای ایمان آزموده باشد، بر امامتش ثابت نمی ماند».

سپس من عرض کردم: ای رسول خدا! آیا شیعیانش در غیبتش از او بهره مند می شوند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِي وَ الَّذِي بَعَنِي بِالْبُؤْهِ إِنَّهُمْ يَسْتَضِيُونَ بُنُورَهُ وَ يَنْتَفِعُونَ بِوَلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَ إِنْ تَجَلَّلَهَا سَحَابٌ يَا جَابِرُ هَذَا

مِنْ مَكْنُونِ سِرِّ اللَّهِ وَ مَخْزُونِ عِلْمِهِ فَآكُتْمُهُ إِلَّا عَنِ أَهْلِهِ؛(۱) قسم به خدایی که مرا به نبوت مبعوث کرد، آن ها از نور او روشنی می یابند و از ولایتش بهره می برند، همان طوری که مردم از خورشید بهره مند می شوند، گرچه ابر آن را بپوشاند. ای جابر! این از اسرار پنهان الاهی و گنجینه دانش اوست. آن را مکتوم دار، مگر از اهلس».

در گزارش دیگری که جابر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است، تک تک امامان علیهم السلام به ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با خصوصیات کامل معرفی شده اند. جابر بن عبدالله انصاری می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره امامان از فرزندان علی بن ابی طالب علیه السلام سؤال کردم. ایشان فرمود: «الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ثُمَّ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ فِي زَمَانِهِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ الْبَاقِرُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ سَتَدْرِكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا أَدْرَكَتَهُ فَأَقْرَبُهُ مِنِّي السَّلَامُ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْكَاطِمُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ الرِّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ التَّقِيُّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ النَّقِيُّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الزَّكِيُّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ ابْنُهُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ مَهْدِيُّ أُمَّتِي الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا هَؤُلَاءِ يَا جَابِرُ خُلَفَائِي وَ أَوْصِيَاءِي وَ أَوْلَادِي وَ عِثْرَتِي مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَانِي وَ مَنْ أَنْكَرَهُمْ أَوْ أَنْكَرُوا مِنِّي فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَ بِهِمْ يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَفْصَحَ عَلَى الْمَأْرُضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ الْمَأْرُضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا؛(۲) حسن و حسین که سرور جوانان اهل بهشت اند؛ سپس

علی بن حسین، سرور عابدان زمانش؛ سپس باقر، محمد بن علی که تو ای جابر، او را درک خواهی کرد، پس از جانب من به او سلام برسان سپس صادق، جعفر بن محمد؛ سپس کاظم، موسی بن جعفر؛

ص: ۳۰

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۳

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۳؛ کفایه الاثر، ص ۱۴۵ .

سپس رضا، علی بن موسی؛ سپس تقی، محمد بن علی؛ سپس نقی، علی بن محمد؛ سپس زکی، حسن بن علی؛ سپس فرزندش که قیام کننده به حق و هدایت کننده امت خواهد بود و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، همان طوری که از ظلم و ستم پر شده باشد.

ای جابر! اینان جانشینان و اوصیای من و نیز فرزندان و عترت من هستند؛ هر کس آن‌ها را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده، هر کس آن‌ها را نافرمانی کند، مرا نافرمانی کرده و هر کس یکی از آن‌ها را انکار کند، قطعاً مرا انکار کرده است. به وسیله آن هاست که خداوند آسمان را نگه داشته تا بر زمین واقع نشود مگر به اذن او و با آن هاست که خداوند زمین را حفظ کرده تا اهلش را به کام خود نکشد».

### (ب) مهدویت در کلام امامان معصوم علیهم السلام

همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از روزهای نخستین صدر اسلام بشارت داده اند، امامان معصوم نیز ویژگی‌های شخصی و شخصیتی آن حضرت و مقاطع مختلف تاریخ

زندگی و سیر تحولات مربوط به دوران ظهور ایشان را به خوبی بیان کرده اند. به همین دلیل، بخش قابل توجهی از روایات منقول در مجامع حدیثی شیعه، به این موضوع، یعنی معرفی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کیفیت غیبت ایشان، علائم ظهور، چگونگی ظهور، رخدادهای هنگامه ظهور و حوادث و اتفاقات دوران ظهور ایشان پرداخته اند. کثرت این روایات به حدی است که حجم وسیعی از مجامع حدیثی به این روایات اختصاص یافته است.

در این جا به فزاهایی از سخنان امامان معصوم علیهم السلام درباره آخرین حجّت الاهی اشاره می شود:

امیرالمؤمنین علیه السلام

اصبغ بن نباته نقل کرده است: خدمت امیرمؤمنان علیه السلام رسیدم و دیدم آن حضرت در حال فکر کردن است و در همان حال، روی زمین با انگشت خط می کشد. عرض کردم: ای امیرمؤمنان! چه شده است شما را در حال فکر کردن می بینم، مدام بر زمین

ص: ۳۱

خط می کشی! نکنند به آن (خلافت روی زمین) رغبت کرده ای؟! امیرمؤمنان علیه السلام در پاسخ فرمود: «لَا وَاللَّهِ مَا رَغِبْتُ فِيهَا وَلَا فِي الدُّنْيَا يَوْمًا قَطُّ وَ لَكِنِّي فَكَّرْتُ فِي مَوْلُودٍ يَكُونُ مِنْ ظَهْرِي الْحَادِي عَشْرَ مِنْ وُلْدِي هُوَ الْمَهْدِيُّ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا تَكُونُ لَهُ حَيْرَةٌ وَ غَيْبَةٌ يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَهْتَدِي

فِيهَا آخِرُونَ»<sup>(۱)</sup> نه به خدا، هرگز روزی نبوده که به خلافت یا دنیا رغبت کنم؛ بلکه به مولودی که فرزند یازدهم من است، فکر می کردم. او همان مهدی است که زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که از جور و ستم پر شده باشد. برای او غیبت و حیرتی است که مردمی در آن زمان گمراه گردند و مردمی دیگر هدایت شوند».

امیرمؤمنان علیه السلام به فرزند بزرگوارش امام حسین علیه السلام فرمود: «التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِكَ يَا حُسَيْنُ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ الْمُظْهِرُ لِلدِّينِ وَ الْبَاسِطُ لِلْعَدْلِ. قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَقُلْتُ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِنَّ ذَلِكَ لَكَائِنٌ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِي وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بِالْبُتَيْرَةِ وَ اضْيَطْفَأَ عَلَى جَمِيعِ الْبُرِّيَّةِ وَ لَكِنْ بَعْدَ غَيْبِهِ وَ حَيْرِهِ فَلَمَّا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى دِينِهِ إِلَّا الْمُخْلِصِينَ وَ الْمُبَاشِرُونَ لِرُوحِ الْيَقِينِ الَّذِينَ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِيثَاقَهُمْ بَوْلَايَتِنَا وَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُمْ بِرُوحِ مِنْهُ»<sup>(۲)</sup> نهمین فرزند تو قیام کننده به حق و آشکار سازنده دین و گستراننده عدالت است، پرسیدم یا امیرمؤمنان! آیا حتماً چنین خواهد شد؟» پاسخ فرمود: آری! قسم به کسی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به پیامبری برانگیخت و او را بر تمام خلایق برگزید، چنین خواهد شد؛ اما بعد از غیبت و حیرتی که در آن، کسی بر دینش استوار نمی ماند، مگر مخلصین و دارندگان روح یقین؛ کسانی که خداوند نسبت به ولایت ما از آنان پیمان گرفته و ایمان را بر صفحه دلشان نگاشته و با روحی از جانب خود تأیید فرموده است».

حضرت زهرا علیها السلام

از حضرت فاطمه علیها السلام نقل شده است که فرمود: «قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ أُبَشِّرِي يَا

ص: ۳۲

۱- الکافی، ج ۱، ص ۳۳۸؛ الغیبه، نعمانی، ص ۳۳۶.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۰۴؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۰.

فَاطِمَةُ، الْمَهْدِيَّ مِنْكَ؛ (۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: ای فاطمه! تو را بشارت باد به این که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل تو است».

امام حسن مجتبی علیه السلام

امام مجتبی علیه السلام فرمود: «مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا يَقَعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَطَاغِيهِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ (عج) الَّذِي يُصَلِّي خَلْفَهُ رُوحَ اللَّهِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُخْفِي وَلادته وَيُعَيِّبُ شَخْصَهُ لئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ ذَاكَ النَّاسِيعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ؛ (۲) هیچ یک از ما اهل بیت نیست، مگر آن که بیعتی از طاغوت زمانش را اجباراً بر عهده دارد، جز قائم که عیسی بن مریم، روح الله، پشت سر او نماز خواهد گذارد. خداوند ولادت او را مخفی می دارد و شخص او را از دیدگان، غائب می گرداند تا بیعت هیچ کس را بر گردن نداشته باشد، او نهمین فرزند از نسل برادرم حسین علیه السلام است».

هنگامی که امام حسن علیه السلام با معاویه بن ابی سفیان مصالحه کرد، مردم بر ایشان وارد شدند و برخی زبان به ملامت گشودند که «چرا با معاویه صلح کردی؟» حضرت خطاب به آنان فرمود: «وَيَحْكُمُ مَا تَدْرُونَ مَا عَمِلْتُ! وَاللَّهِ، الَّذِي عَمِلْتُ، خَيْرٌ لِّشِيعَتِي مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ أَوْ غَرَبَتْ. أَلَا تَعْلَمُونَ أَنَّنِي إِمَامُكُمْ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ عَلَيْكُمْ وَأَحَدُ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ بِنَصِّ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيَّ؛ وای بر شما! شما نمی دانید که من چه کردم! به خدا قسم، برای شیعیانم کاری انجام دادم که از آن چه خورشید بر آن طلوع یا غروب کند، بهتر است. آیا نمی دانید که من امام واجب الطاعه شما هستم و به نص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یکی از دو سرور جوانان بهستم؟» گفتند: «بلی». آن حضرت فرمود: «أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ الْخَضِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا خَرَقَ السِّفِينَ وَ أَقَامَ الْجِدَارَ وَقَتَلَ الْغُلَامَ كَانَ ذَلِكَ سَيِّئًا لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ إِذْ خَفِيَ عَلَيْهِ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ وَ كَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ حِكْمَةً وَ صَوَابًا أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَ يَقَعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَطَاغِيهِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ الَّذِي يُصَلِّي رُوحَ اللَّهِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلْفَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُخْفِي

ص: ۳۳

۱- منتخب الأثر، ص ۱۹۲ (این حدیث در منابع حدیثی اهل سنت نیز وارد شده است).

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۶.

وَلَدَاتُهُ وَ يُغَيَّبُ شَخْصَهُ لِنَلَّا يَكُونُ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَهُ إِذَا خَرَجَ ذَلِكَ النَّاسُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ بْنِ سَيِّدِهِ الْإِمَاءِ يُطِيلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورِهِ شَابٌّ دُونَ أَرْبَعِينَ سَنَةً ذَلِكَ لِيُعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ (۱) آیا نمی دانید که وقتی خضر علیه السلام آن کشتی را سوراخ کرد یا آن دیوار را برپا ساخت یا آن نوجوان را کشت، این امور برای حضرت موسی علیه السلام گران آمد؟ زیرا وجوه و

حکمت های این کار برای موسی علیه السلام مخفی بود؛ اما نزد خداوند درست و حکیمانه بود. آیا نمی دانید که هیچ کدام از ما ائمه نیست، مگر این که بیعتی از طاغوت زمانش را بر گردن دارد، جز قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف که عیسی بن مریم، روح الله، پشت سرش نماز خواهد خواند. خداوند عزوجل ولادتش را مخفی و وجودش را در غیبت نگه می دارد تا در زمان ظهورش از احدی بر گردن او بیعتی نباشد. خداوند، عمر فرزند نهم از فرزندان برادرم حسین علیه السلام فرزند سرور زنان عالم را در غیبتش طولانی می کند، سپس با قدرتش او را به صورت جوانی زیر چهل سال، به ظهور می رساند تا بدانند که خداوند بر هر کاری قادر است».

امام حسین علیه السلام

عبدالرحمن بن سلیط از امام حسین علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ النَّاسُ مِنْ وَلَمَدِي وَ هُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ يُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الدِّينِ آخِرُونَ فَيُؤَدُّونَ وَ يُقَالُ لَهُمْ (مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) أَمَا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ؛ (۲) در خاندان ما دوازده مهدی وجود دارد، نخستین

ایشان، امیرمؤمنان علیه السلام است و آخرین آنان، نهمین نفر از فرزندان من است. او همان امام قیام کننده به حق است که خداوند زمین را بعد از آن که بمیرد، به وسیله او زنده می کند و دین حق را بر تمام ادیان به پیروزی می رساند، اگرچه مشرکان آن را ناخوش دارند. برای او غیبتی است که برخی در آن دوران، مرتد

ص: ۳۴

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۶.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۸؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷.

می شوند و برخی دیگر در دین ثابت قدم می مانند و به آن ها [از روی تمسخر] گفته می شود: «این وعده چه زمانی است، اگر راست می گویند؟» کسی که در دوران غیبتش متحمل آزار و اذیت شود و به دروغگویی متهم گردد، به منزله مجاهدی است که با شمشیرش پیشاپیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جهاد کرده است.»

امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام فرمود: «أَنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى؛ أَمَّا الْأُولَى فَبِسِتَّةِ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةِ أَشْهُرٍ أَوْ سِتِّ سِنِينَ وَ أَمَّا الْأُخْرَى فَيَطُولُ أَمْدُهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرْجًا مِمَّا قَضَيْنَا وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ (۱) برای قائم ما دو غیبت است. یکی از آن دو، طولانی تر از دیگری است، آن قدر طول خواهد کشید که اکثر معتقدین به ولایت، از

اعتقاد به او باز خواهند گشت. در آن زمان کسی بر امامت و ولایت او ثابت قدم و استوار نمی ماند، مگر آن که ایمانش قوی و شناختش درست باشد و در نفس خویش نسبت به حکم و قضاوت ما هیچ گرفتگی و کراهتی احساس نکند و تسلیم ما اهل بیت باشد.»

نیز آن حضرت فرمود: «الْقَائِمُ مِنَّا تَخْفَى وَلِمَادَتِهِ عَلَى النَّاسِ حَتَّى يَقُولُوا لَمْ يُولَدْ بَعْدُ لِيُخْرَجَ حِينَ يَخْرُجُ وَ لَيْسَ لِأَخِيَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مِنْ ثَبَّتَ عَلَى مُوَالَاتِنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمًا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ؛ (۲) قائم از خاندان ماست، ولادتش بر مردم مخفی می ماند، تا جایی که گویند متولد نشده است تا خروج کند، هنگامی که خروج کند بیعت کسی در گردن او نباشد.»

در سخن دیگر در باره پاداش پیروان اهل بیت علیهم السلام در زمان غیبت فرمود: «مَنْ ثَبَّتَ عَلَى مُوَالَاتِنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمًا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ؛ (۳) هر کس در زمان غیبت قائم ما، بر محبت و دوستی خاندان ما باقی بماند،

ص: ۳۵

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۳ و ۳۲۴.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۳.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۳.



خداوند متعال اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد را به او عطا می فرماید».

امام باقر علیه السلام

ابوحمزه ثمالی نقل کرده است: روزی خدمت امام محمد باقر علیه السلام بودم. وقتی افرادی که نزد

او بودند متفرق شدند، به من فرمود: «يَا أَبَا حَمَزَةَ مِنَ الْمُحْتَمُونَ الَّذِي لَا تَبْدِيلَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ قِيَامُ قَائِمًا فَمَنْ شَكَ فِيمَا أَقُولُ لَقِيَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَهُوَ بِهِ كَافِرٌ وَ لَهُ جَاحِدٌ ثُمَّ قَالَ يَا بِي وَ أُمِّي الْمُسَمَّى بِاسْمِي وَ الْمُكْنَى بِكُنْيَتِي السَّابِعُ مِنْ بَعْدِي يَا بِي مَنْ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا حَمَزَةَ مَنْ أَدْرَكَهُ فَلَمْ يُسَلِّمْ لَهُ فَمَا سَلَّمَ لِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مِأْوَاهُ النَّارُ وَ بَشَسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ؛(۱) ابوحمزه! یکی از امور حتمی که نزد خداوند تغییرناپذیر است، قیام قائم ما اهل بیت است و اگر کسی در آن چه می گویم تردید کند، خدا را در حالی ملاقات خواهد کرد که کافر و منکر اوست. سپس فرمود: پدرم و مادرم فدای کسی که هم نام و هم کنیه من و هفتمین امام پس از من است. پدرم فدای کسی که زمین را سرشار از دادگری و عدل خواهد کرد، هم چنان که پر از ظلم و جور شده باشد. سپس فرمود: ای ابوحمزه! هر کس که او را درک کند و در برابرش تسلیم نباشد، به [رسالت] محمد صلی الله علیه و آله و سلم و [امامت و خلافت] علی علیه السلام گردن نهاده است و خداوند بهشت را بر او حرام فرموده و جایگاهش آتش دوزخ است و چه بد است جایگاه ستمگران».

هنگامی که ام هانی از امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه (فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ)(۲)

سؤال کرد، حضرت فرمود: «نِعْمَ الْمَسْأَلَةُ سَأَلْتَنِي يَا أُمَّ هَانِي هَذَا مَوْلُودٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ هُوَ الْمَهْدِيُّ مِنْ هَذِهِ الْعِترَةِ تَكُونُ لَهُ حَيْرَةٌ وَ غَيْبَةٌ يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَهْتَدِي فِيهَا أَقْوَامٌ فَيَا طُوبَى لَكَ إِنْ أَدْرَكَتِيهِ وَ يَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ؛(۳) چه سوال خوبی از من پرسیدی، مراد این آیه، مولودی در آخر الزمان است که مهدی این خاندان خواهد بود؛ او را حیرت و غیبتی است که در آن زمان عده ای گمراه شوند و جمعی

ص: ۳۶

۱- الغيبة، نعمانی، ص ۸۶.

۲- سوره تکویر، آیات ۱۵ و ۱۶.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰.

دیگر هدایت پذیرند. خوشا به حال تو، اگر او را درک کنی و خوشا به حال هر کسی که او را درک کند».

امام صادق علیه السلام

سید حمیری نقل کرده است: از امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام درباره اخباری که از پدران بزرگوارش در موضوع غیبت شنیده ام، سؤال کردم و پرسیدم: «این غیبت برای چه کسی رخ خواهد داد؟» ایشان در پاسخ فرمودند: «إِنَّ الْغَيْبَةَ سَتَفَعُ بِالسَّادِسِ مِنْ وَلَدِي وَهُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ الْهَدَاةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمْ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، بَقِيَهُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ وَصَاحِبُ الزَّمَانِ، وَاللَّهُ لَوْ بَقِيَ فِي غَيْبَتِهِ مَا بَقِيَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَظْهَرَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جُورًا وَظُلْمًا؛ (۱) غیبت برای ششمین فرزند من واقع خواهد شد و او دوازدهمین امام هدایت گر بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که اولینشان

امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین آن ها قائم بر حق و بقیه الله در زمین و صاحب الزمان است. به خدا قسم، حتی اگر در غیبتش باقی بماند به اندازه ای که نوح در میان قوم خود باقی ماند، از دنیا خارج نخواهد شد تا ظهور کند و زمین را از عدل و داد پر کند، همان طور که از ظلم پر شده باشد».

نیز آن حضرت فرمود: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَ لِيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ؛ (۲) همانا برای صاحب این امر، غیبتی است؛ پس بنده خدا باید در آن دوران تقوای الهی پیشه کند و به دینش التزام داشته باشد».

امام کاظم علیه السلام

زیاد ازدی نقل کرده است که از سرورم، امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره معنای آیه شریفه (وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَهُ وَبَاطِنَهُ) (۳) سؤال کردم، آن حضرت در

ص: ۳۷

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۲.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۳۳۶.

۳- سوره لقمان، آیه ۲۰.

پاسخ فرمود: «النَّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامُ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنَةُ الْإِمَامُ الْغَائِبُ؛ نعمت ظاهر، امام ظاهر است و نعمت باطن، امام غائب. دوباره پرسیدم: آیا در میان ائمه کسی هست که غائب شود؟ در پاسخ فرمود: «نَعْمَ يَغِيْبُ عَن أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَ لَا يَغِيْبُ عَن قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ هُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنْهُ يَسْئَلُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ كُلَّ عَسْرٍ وَ يُذَلُّ لَهُ كُلَّ صَيْعٍ وَ يُظْهِرُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَيَقْرِبُ عَلَيْهِ كُلَّ بَعِيدٍ وَ

يَذَلُّ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ عِنْدَهُ وَ يُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مُرِيدٍ، ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ الَّتِي يَخْفَى عَلَى النَّاسِ وِلَادَتُهُ وَ لَا يُحِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَتُهُ حَتَّى يُظْهِرَهُ اللَّهُ فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا؛ (۱) آری! شخص او از دیدگان مردم غائب می شود؛ اما یادش از دل های مردم پنهان نخواهد شد. او دوازدهمین امام از خاندان ماست. خداوند هر سختی را برای او آسان و هر مشکلی را برای او خوار و کوچک می کند و گنج های زمین را برای او ظاهر می سازد و هر دوری را برای او نزدیک می گرداند. هر جبار عنودی نزد او خوار می شود و هر شیطان سرکشی با دستان او هلاک می گردد. او فرزند سرور زنان عالم است؛ کسی که ولادتش برای مردم مخفی است و بردن نام او برایشان حلال نیست، تا زمانی که خدا او را ظاهر سازد و با او زمین را از عدل و داد پر کند، همان گونه که قبلاً از ظلم و ستم پر شده باشد».

هم چنین هنگامی که داود بن کثیر رقی از امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره صاحب الامر سؤال کرد، آن حضرت در پاسخ چنین فرمود: «هُوَ الطَّرِيدُ الْوَحِيدُ الْغَرِيبُ الْغَائِبُ عَنِ أَهْلِهِ الْمُؤْتَوَّرُ بِأَبِيهِ؛ (۲) صاحب این امر (امام زمان) رانده شده، تنها، غریب، غائب، دور از اهل و خون خواه پدر خویش است».

امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام خطاب به دعبل در معرفی آخرین حجت الاهی فرمود: «يَا دَعْبِلُ الْإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدُ ابْنِي وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيُّ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُتَنْظَرُ فِي غَيْبَتِهِ الْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ

ص: ۳۸

۱- کفایه الاثر، ص ۲۷۱.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۱.

اللَّهُ ذَلِكِ الْيَوْمَ حَتَّىٰ يَخْرُجَ فَيَمْلَأُهَا عَيْدًا كَمَا مِلْتَّ جُورًا؛<sup>(۱)</sup> ای دعبیل! امام پس از من، فرزندم محمد است و پس از او فرزندش علی و پس از او فرزندش حسن و پس از او فرزندش، حجت قائم، امام خواهند بود و او کسی است که در دوران غیبتش انتظارش را می کشند و در ظهورش از او اطاعت می کنند و اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدای تعالی آن روز را به گونه ای طولانی خواهد فرمود که او خروج کند و زمین را از عدل آکنده سازد، هم چنان که از جور پر شده باشد».

حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام گزارش کرده است که آن حضرت مردم را چنین سفارش فرمود: «لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ وَإِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ وَأَعْمَلُكُمْ بِالتَّقِيَّةِ؛ کسی که ورع ندارد دین ندارد و کسی که تقیه ندارد ایمان ندارد. گرامی ترین شما نزد پرورگار، کسی است که بیش از دیگران به تقیه عمل می کند». از آن حضرت سوال شد: ای فرزند رسول خدا! تا چه زمان باید تقیه

کنیم؟ حضرت در پاسخ فرمود: «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ وَهُوَ يَوْمَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَمَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا؛ تا روز معلوم و آن روز، روز خروج قائم ما اهل بیت است. پس هر کس تقیه را قبل از خروج قائم ما ترک کند، از ما نیست. نیز سؤال شد: ای فرزند رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟ حضرت در جواب فرمود: «الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدِهِ الْإِمَامِ يُطَهَّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَيُقَدِّسُ بِهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ وَهُوَ الَّذِي يَشُكُّ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ وَهُوَ صَاحِبُ الْعُجْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَوُضِعَ مِيزَانُ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَهُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ؛<sup>(۲)</sup> چهارمین فرزند من که فرزند سرور زنان است و خداوند به وسیله او زمین را از هر جور و ستمی پاک می کند. او کسی است که مردم در ولادتش شک خواهند کرد و قبل از خروج، غیبتی خواهد داشت. پس زمانی که خروج کند، زمین به نورش منور خواهد شد و او ترازوی عدالت را میان مردم قرار خواهد داد تا کسی بر دیگری ستم نکند و او کسی است که زمین برایش رام خواهد بود».

ص: ۳۹

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۲.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۲.

صَقْرُ بْنُ أَبِي دُلْفٍ مِي گويد: از امام محمد جواد عليه السلام شنيدم كه فرمود: «إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي ابْنِي عَلِيَّ أَمْرُهُ أَمْرِي وَقَوْلُهُ قَوْلِي وَطَاعَتُهُ طَاعَتِي وَالْإِمَامُ بَعْدَهُ ابْنُهُ الْحَسَنُ أَمْرُهُ أَمْرُ أَبِيهِ وَقَوْلُهُ قَوْلُ أَبِيهِ وَطَاعَتُهُ طَاعَةُ أَبِيهِ؛ امام بعد از من، پسر من

علي است. دستور او دستور من، گفتارش گفتار من و اطاعتش اطاعت من است. امام بعد از او، فرزندش حسن است. دستورش دستور پدرش، گفتارش گفتار پدرش و اطاعتش، اطاعت پدرش خواهد بود».

آن حضرت پس از بيان اين جمله، ساكت شد، عرض كردم: يابن رسول الله! امام بعد از حسن كيست؟ آن حضرت به سختي گريست «فَبِكَيْ بُكَاءٍ شَدِيداً» سپس فرمود: «ثُمَّ قَالَ: إِنَّ مِنْ بَعْدِ الْحَسَنِ ابْنَهُ الْقَائِمَ بِالْحَقِّ الْمُنْتَظَرِ؛ پس از حسن، پسرش قائم به حق و منتظر، امام خواهد بود». پرسيدم: يابن رسول الله! چرا او را قائم مي نامند؟ فرمود: «لَأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَازْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ؛ چون پس از آن كه از يادها رفته است و بيشتر معتقدان به امامتش از اعتقاد خود برگشته اند، قيام خواهد كرد». عرض كردم: «چرا او را منتظر مي نامند؟» فرمود: «لِأَنَّ لَهُ غَيْبَةً يَكْثُرُ أَيَّامُهَا وَ يَطْوُلُ أَمْدُهَا فَيَنْتَظَرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَ يُنْكِرُهُ الْمُزْتَابُونَ وَ يَسْتَهْزِئُونَ بِذِكْرِهِ الْجَاهِدُونَ وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ يَنْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ؛ (۱) براي آن كه غيبي دارد كه روزهاي آن بسيار و مدتش طولاني خواهد بود. مخلصان انتظار او را خواهند كشيد و شكاكان منكر او خواهند شد و منكران ياد كردن او را به تمسخر خواهند گرفت. كساني كه براي ظهور او وقت تعيين

كنند، دروغگو هستند و كساني كه نسبت به ظهورش شتاب زده باشند، هلاك مي شوند و تنها تسليم شدگان نجات خواهند يافت».

عبدالعظيم حسني مي گويد: به امام جواد عليه السلام عرض كردم: «اميدوارم شما همان قائم اهل بيت پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم باشيد كه زمين را پر از عدل و داد مي كند، همان طور كه از ظلم و ستم پر شده باشد». امام در جواب فرمود: «يَا أَبَا الْقَاسِمِ! مَا مِنَّا إِلَّا وَهُوَ قَائِمٌ

بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ هَيَادٍ إِلَى دِينِ اللَّهِ وَ لَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأَرْضَ مِنَ أَهْلِ الْكُفْرِ وَ الْجُحُودِ وَ يَمَلؤها عَدْلًا وَ قِسْطًا، هُوَ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وُلَادَتُهُ وَ يَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ وَ يَحْرِمُ عَلَيْهِمْ تَسْمِيَّتَهُ؛<sup>(۱)</sup> ای ابوقاسم! همه ما اهل بیت، قائم به امر خداوند عزوجل و هدایت کننده به سوی دین خدا هستیم، لکن قائمی که خداوند به وسیله او زمین را از اهل کفر و نافرمانی پاک می کند و آن را با عدل و داد پر می سازد، کسی است که ولادتش برای مردم مخفی و از دیده ها غائب می شود و نام بردن از او برای آن ها حرام می گردد».

امام هادی علیه السلام

صقر بن ابی دُلف نقل کرده است که از علی بن محمد بن علی الرضا علیه السلام شنیدم که فرمود: «إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي الْحَسَيْنُ ابْنِي وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقَائِمُ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ

عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جُورًا وَ ظُلْمًا؛<sup>(۲)</sup> امام بعد از من، فرزندم حسن است و بعد از حسن، پسرش قائم، امام خواهد بود و او کسی است که زمین را از عدل و داد پر کند، همان طوری که با ظلم و ستم پر شده باشد».

نیز آن حضرت در پاسخ به سؤال کتبی شیعیان درباره فرج فرمود: «إِذَا غَابَ صَاحِبُكُمْ عَنْ دَارِ الظَّالِمِينَ فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ؛<sup>(۳)</sup> زمانی که صاحب و امام شما از دیار ستمگران غائب گشت، چشم انتظار فرج باشید».

امام عسکری علیه السلام

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي، أَشْبَهُ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ خَلْقًا وَ خُلُقًا يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يَظْهَرُهُ، فَيَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ جُورًا وَ ظُلْمًا؛<sup>(۴)</sup> سپاس خدای را که مرا از دنیا خارج نکرد تا جانشینم را نشانم داد. او به حسب ظاهر و اخلاق،

ص: ۴۱

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷.

۳- الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۷۳.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۰۹.

شبهه ترین مردم به رسول خداست. خداوند متعال او را در غیبتش نگه می دارد، سپس او را ظاهر می سازد و او زمین را پر از عدل و داد می کند، همان طور که از ظلم و ستم پر شده باشد».

ابوغانم، خادم آن حضرت نقل کرده است:

برای امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی به دنیا آمد. او را «م ح م د» نامید و بعد از سه روز، او را به اصحابش عرضه کرد و فرمود: «هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ وَهُوَ الْقَائِمُ الَّذِي تَمْتَدُّ إِلَيْهِ الْأَعْنَاقُ بِالْإِنْتِظَارِ، فَإِذَا اِمْتَلَأَتِ الْأَرْضُ جُورًا وَظُلْمًا، خَرَجَ فَمَلَأَهَا قِسْطًا وَعَدْلًا؛ (۱) این است صاحب شما بعد از من و جانشین من بر شما. او قائمی است که گردن ها با حال انتظار به سویش کشیده شود و وقتی که زمین پر از ظلم و ستم شده باشد، خروج نماید و آن را پر از عدل و داد کند».

هم چنین امام عسکری علیه السلام به اصحاب و شیعیان خویش درباره فرزندش این گونه توصیه فرمود: «الْمُنْكَرُ لَوْلَدِي كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ ثُمَّ أَنْكَرَ تَبَوَّهَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَالْمُنْكَرُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَمَنْ أَنْكَرَ جَمِيعَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ لِأَنَّ طَاعَةَ آخِرِنَا كَطَاعَةِ أَوْلِنَا وَالْمُنْكَرُ لِآخِرِنَا كَالْمُنْكَرِ لِأَوْلِنَا؛ (۲) کسی که فرزندم را انکار کند، مانند کسی است که تمام پیامبران و رسولان الهی را قبول داشته باشد، اما نبوت حضرت محمد، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کند و انکارکننده رسول الله، مانند کسی است که همه انبیا را انکار نماید. چون اطاعت از آخرین نفر از ما به منزله اطاعت از اولین نفر ماست و منکر آخرین ما به منزله منکر اولین ماست».

### مهدویت شخصی و نوعی

اگر چه اعتقاد به مهدویت، یک اندیشه عام اسلامی و فرامذهبی است، اما باید توجه داشت که در حوزه درون دینی و میان تقریرهای گوناگون پیروان نحله ها و مذاهب اسلامی، تنها شیعه، تفسیر جامعی از ایده مهدویت ارائه کرده است. در حالی -

ص: ۴۲

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۹.

که اکثریت اهل سنت به «مهدی نوعی» غیر موجود که بعداً متولد خواهد شد معتقد می باشند، شیعه به «مهدویت شخصی» یعنی امامی حقی و حاضر با خصوصیات مشخص شناسنامه ای اعتقاد دارند و این، یکی از ویژگی های مهم دیدگاه شیعه امامیه نسبت به سایر فرق اسلامی است که سبب بالندگی آن شده است.

از نظر شیعه، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف که آیات قرآن و احادیث متواتر، ظهور او را بشارت داده است، فردی شناخته شده و معین است و هم اکنون نیز در میان ما حضور بالفعل اما غائبانه دارد. نام مبارکش، هم نام جدش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است و پدرش امام حسن عسکری علیه السلام مادر بزرگوارش حضرت «نرگس علیها السلام» و در پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامراء

متولد شده است. (۱)

از دوران کودکی تا سال ۳۲۹ هجری قمری بنا به مصالحتی دوره غیبت صغری را سپری نموده و از آن زمان تاکنون در دوره غیبت کبری به سر می برد و از آن روز تاکنون، عموم انسان ها، خصوصاً جهان تشیع در انتظار به پایان رسیدن این ارتباط نامحسوس و صدور فرمان ظهور آن حضرت از سوی خداوند بسر می برند تا او بیاید و جهان پر از ظلم و جور را اصلاح و قسط و عدل را حاکم سازد.

این دیدگاه شیعی، بر قطعی بودن ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر پایه مدارک تاریخی و دلایل قطعی استوار است. وجود دلایل و مدارک متقن تاریخی و روایی که بر مشخصات نسبی و شخصی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تاریخ و محل ولادت ایشان تصریح دارند و در منابع معتبر شیعه و اهل سنت وارد شده اند، موجب شده است که بسیاری از چهره های علمی اهل سنت نیز با شیعیان هم عقیده شوند و نسبت به این موضوع اذعان و اعتراف نمایند و بلکه کتاب های ارزشمند و مستقلی را نیز در این مورد به نگارش در

آورند. (۲)

نگاه گرایانه اندیشه شیعی به موضوع مهدویت و تفاوت آن با قرائت خنثی و

ص: ۴۳

---

۱- خصوصیات فردی و نسبی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در منابع معتبر روایی شیعی، نظیر الکافی، الغیبه، نعمانی و طوسی، کمال الدین و... ذکر شده است.

۲- ر.ک: خورشید مغرب، ص ۱۸.



غیر کاربردی نوع علمای اهل سنت که عنوان «مهدی» را صرفاً یک نام برای فردی از دودمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می دانند که در آینده نامعلوم، از پدر و مادری ناشناخته و در زمان و مکانی نامشخص متولد خواهد شد سبب پویایی تفکر شیعی و ژرف نگری آن در تفسیر آموزه های کلیدی قرآن نظیر مسأله مهدویت شده است. ظرفیت های ذاتی تفکر شیعی و پیوند آن با مهدویت اسلامی سبب شده است که خاستگاه اصلی فرجام شناسی اسلامی، تنها در اندیشه شیعی تبلور یابد.

## پیوند شیعه با مهدویت

موضوع مهدویت در اندیشه شیعی اهمیت مضاعفی دارد. زیرا مسأله مهدویت در متن اندیشه امامت تعبیه شده و با کیان تشیع گره خورده است؛ به گونه ای که از سویی، امامت و تشیع در مهدویت تبلور می یابد و از سوی دیگر، خاستگاه اندیشه مهدویت نیز در تفکر امامت شیعی خلاصه می شود.

پیوند شیعه با مهدویت، به معنای تلقی

صحیح و نگاه عمیق و همه جانبه شیعه به این اصل اسلامی و تطابق و هم خوانی این دو با هم است. از این نظر، شیعه و مهدویت هرگز دو تافته از هم جدا بافته نیستند و سخن از پیوند این دو، به معنای پیوند دو امر بیگانه از هم نیست؛ بلکه به معنای جوشش هر کدام از درون ذات دیگری است. به همین دلیل، شناخت هر یک از این دو، متوقف بر درک صحیح از مفهوم دیگری است و تفکیک میان آن ها به خاطر وجود رابطه عمیق و پیوند و جوشش اعتقادی و تاریخی شان امکان پذیر نخواهد بود.

از بعد ایدئولوژیکی، شیعه همواره موضوع مهدویت را با هویت دینی مذهبی خود یکی دانسته و به این مسأله نگاهی فکری و عقیدتی دارد؛ زیرا نظام نامه فکری شیعه بر اساس نظام مهدویت، تدوین و تنظیم شده و در نگاه شیعه، اندیشه مهدویت به منزله تکیه گاه و تزیین اصلی است.

اصالت مبحث امام شناسی و مسأله خلافت در مبانی فکری و کلامی شیعه، عامل اصلی اتکای شیعیان به مسأله مهدویت است؛ لذا هیچ فرقه ای در حوزه داخلی اسلام به اندازه شیعه امامیه نسبت به این موضوع اهتمام نورزیده و در جهت ترویج و

حد، از خود مایه نگذاشته است. مطالعه تاریخ و وضعیت فکری فرهنگی فرق اسلامی، گویای این واقعیت می باشد.

از نظر سیر تاریخی نیز شیعه و مهدویت، حرکت خود را از یک نقطه آغاز کرده اند. سرچشمه و زادگاه این دو، به یک حقیقت باز می گردد و آن، اندیشه امامت است. شیعه تاریخ خود را از این نقطه آغاز کرد و بعد از آن در همین بستر، مراحل رشد و شکوفایی خود را پشت سر گذارد و اکنون نیز چشم انداز تاریخ آینده خود را با نوید سبز ظهور و حکومت مهدوی گره زده است.

این، همان تفاوت اساسی و جوهری موجود میان دیدگاه شیعه و اهل سنت در مورد شرایط و شئون رهبری دینی بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. شیعه، ویژگی «عصمت» را شرط حداقلی برای جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می داند و از این رو، در موضوع مهدویت نیز این فاکتور را شرط ورود به این بحث می شمرد.

شیعه به دلیل بهره مندی از منبع عظیم روایات امامان معصوم علیهم السلام نسبت به باقی فرق اسلامی از آگاهی بیشتری در این باره برخوردار است. آن چه شیعه درباره حوادث آینده و رخدادهای فردای تاریخ بیان می کند، از پیشگویی ها و اخبار امامان معصوم علیهم السلام است

که علم اولین و آخرین را دارا بوده و از موهبت عصمت و علوم غیبی برخوردارند؛ لذا علاوه بر اخبار نبوی، گزارش های معصومانه امامان را نیز حجت و اطمینان آور می داند. به اعتقاد شیعیان، امامان نیز ملهم به علوم الهی و غیبی و نسبت به وقایع آینده آگاه اند و غیر از منبع عصمت، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرات ائمه معصومین علیهم السلام کس دیگری از وضعیت آینده و فعل و انفعالات آن، اطلاع دقیقی ندارد تا از آینده پنهان و اتفاقات و جزئیات آن خبر دهد.

□□□



بخش دوم: معرفت آخرین منجی

اشاره

ص: ۴۷

یکی از موضوعات مورد تأکید در آموزه های اسلامی، مسأله شناخت و گرویدن به حجت حی است. با توجه به آثار و پیامدهای فراوانی که بر این مسأله مترتب است، لازم به نظر می رسد که از جهاتی مورد توجه قرار گیرد:

### ضرورت معرفت آخرین منجی

بر اساس روایات، معرفت یافتن به امام و حجت حی در هر عصر و زمانی، تکلیف عذر ناپذیری است که خداوند همگان را موظف به آن کرده است، به گونه ای که هیچ کس از این تکلیف معرفتی، معاف نیست؛ چنان که امام باقر علیه السلام می فرماید: «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَ لَا يُعَذَّرُ النَّاسُ حَتَّى يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ»؛ (۱) کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است و هیچ کس از شناخت امام و حجت عصر، معذور نمی باشد».

از نگاه شیعه، این معرفت چنان با اهمیت است که بود و نبود آن، معیار ایمان و کفر

شناخته شده و کوتاهی نسبت به آن، مساوی با ضلالت و گمراهی است. امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود: «يَا بَنَ مُسْلِمٍ مَنْ أَصْبَحَ مِنْ هَيْدِهِ الْأُمَّةُ لَمَّا إِمَامٌ لَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَصْبَحَ تَائِبًا مُتَحَيِّرًا ضَالًّا إِنْ مَاتَ عَلَى هَيْدِهِ الْحَالِ مَاتَ مِيتَةً كُفْرٍ وَ نِفَاقٍ»؛ (۲) هر کس از این امت صبح کند و تحت ولایت امامی از سوی خدا نباشد، در سرگردانی و تحیر و گمراهی به سر برده است و اگر در آن حالت بمیرد، به مرگ کفر و نفاق از دنیا رفته است».

ص: ۴۸

---

۱- الکافی، ج ۱، ص ۳۷۲.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۱۲۸.

شیعه و سنی این حدیث معروف را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند که فرمود: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (۱) هر کس بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی و بی دینی مرده است».

این حدیث، با تعابیر مختلف به طور مستفیض در منابع حدیثی فریقین نقل شده است. به عنوان مثال، چنین عباراتی را می توان در کتب حدیثی یافت: «مَنْ مَاتَ بغير إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ (۲) «مَنْ

مَاتَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بِيَعَهُ مَاتَ مِيتَةً الْجَاهِلِيَّة»؛ (۳) «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ حَتَّى يَعْرِفَهُ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ (۴) «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (۵) و... که همگی بیانگر اهمیت کلیدی معرفت امام و حجت الاهی در هر زمان است، به گونه ای که عدم معرفت امام و حجت حی، مساوی با بی دینی و مرگ جاهلیت محسوب شده است. تا جایی که امام صادق علیه السلام می فرماید: «يَا يَحْيَى مَنْ يَأْتِ لَيْلَهُ لَا يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ (۶) هر کس حتی یک شب بدون معرفت امام زمانش بخوابد، به مرگ جاهلیت مرده است».

این کلام به طور مطلق است و اختصاص به مردن در آن شب ندارد. براساس این سخن، معرفت امام حی به قدری بااهمیت است که حتی لحظه ای اهمال و ترخیص در این مسأله، قابل اغماض و بخشش نبوده و عذر کسی در این مورد پذیرفته نمی باشد.

سُلیم بن قیس نقل کرده است: مردی نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد و از آن حضرت سوال کرد: کم ترین چیزی که بنده به وسیله آن کافر می شود چیست؟ امیر مؤمنان علیه السلام

ص: ۴۹

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۹؛ کفایه الاثر، ص ۲۹۶؛ صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۳؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۱ و ۲۲.

۲- مسند احمد، ج ۴، ص ۹۶؛ العلل الوارده فی الاحادیث النبویه، ج ۷، ص ۶۳؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۰۳ و ج ۶، ص ۶۵؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۰۳؛ شرح احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۸۵.

۳- تفسیر ابن کثیر، ج ۱ ص ۵۳۰.

۴- قرب الاسناد، ص ۳۵۱.

۵- الامامه و التبصره، ص ۱۰؛ اعلام الوری، ص ۴۴۲.

۶- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۷۸.

فرمود: «قَدْ سَأَلْتُ فَافْتَحْ لِي الْجَوَابَ أَمَا أَدْنَىٰ مَا يَكُونُ بِهِ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا أَنْ يُعْرِفَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ نَفْسَهُ فَيَقِرَّ لَهُ

لَهُ بِالطَّاعَةِ وَيُعْرِفَهُ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَيَقِرَّ لَهُ بِالطَّاعَةِ وَيُعْرِفَهُ إِمَامَهُ وَحُجَّتَهُ فِي أَرْضِهِ وَشَاهِدَهُ عَلَىٰ خَلْقِهِ فَيَقِرَّ لَهُ بِالطَّاعَةِ؛ حالا که پرسیدی، پس بادقت پاسخش را بفهم. اما کمتر چیزی که بنده بدان مؤمن خواهد بود، آن است که خدای تبارک و تعالی خودش را به آن بنده بشناساند، پس آن بنده به فرمانبرداری از او اقرار کند. سپس پیغمبرش را به او بشناساند، پس به فرمانبرداری از او نیز اقرار کند. هم چنین امام و حجت خود در زمین و گوااهش بر خلق را به او معرفی کند و آن بنده به فرمانبرداری از او هم اعتراف کند».

سُئِمَ كَوَيْدًا: من به محضر امیر مؤمنان علیه السلام عرض کردم: اگر چه همه چیز را به جز آن چه بیان فرمودی ندانند؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: «نَعَمْ إِذَا أَمَرَ أَطَاعَ وَإِذَا نُهِيَ انْتَهَىٰ وَ أَدْنَىٰ مَا يَكُونُ بِهِ الْعَبْدُ كَافِرًا مَنْ زَعَمَ أَنَّ شَيْئًا نَهَىٰ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِهِ وَ نَصَبَهُ دِينًا يَتَوَلَّىٰ عَلَيْهِ وَ يَزْعُمُ أَنَّهُ يَعْبُدُ الَّذِي أَمَرَهُ بِهِ وَ إِنَّمَا يَعْبُدُ الشَّيْطَانَ وَ أَدْنَىٰ مَا يَكُونُ بِهِ الْعَبْدُ ضَالًّا أَنْ لَا يَعْرِفَ حُجَّتَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَىٰ وَ شَاهِدَهُ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِطَاعَتِهِ وَ فَرَضَ وَ لَأَيْتَهُ؛ آری، اما در صورتی که هرگاه دستوری به او دهند اطاعت کند و اگر نهی اش کردند ترک کند. و کمتر چیزی که بنده به سبب آن کافر گردد آن است که کسی چیزی را که خدا از آن نهی کرده، جایز پندارد؛ گو این که خدا به آن دستور داده است (یعنی بدعتی در دین

گذارد) و آن را دین خود کند و بر آن بماند و گمان کند کسی را می پرستد که به آن کار دستور داده است (یعنی به زعم خود، خدا را می پرستد) و حال آن که شیطان را پرستش می کند. و کمتر چیزی که بنده به واسطه آن گمراه می شود آن است که حجت خدای تعالی و گواه او بر بندگانش را نشناسد، یعنی همان کسی را که خدای عزوجل دستور به فرمانبرداری از او داده و ولایتش را واجب کرده است».

دو باره عرض کردم: ای امیر مؤمنان! آنان را برایم توصیف کن؟ حضرت فرمود: «الَّذِينَ قَرَنَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِنَفْسِهِ وَ نَبِيِّهِ فَقَالَ: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ

وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ (۱) کسانی هستند که خدای عزوجل [اطاعت] آنان را همانند [اطاعت] خود و پیغمبرش شمرده و فرموده است: ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا و رسول و اولیای امر خود را فرمان برید».

سپس تقاضا کردم: ای امیر مؤمنان! خدا مرا فدای تو گرداند، آشکارتر بیان فرما، حضرت فرمود: «الَّذِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِمَ فِي آخِرِ خُطْبَتِهِ يَوْمَ قَبْضِهِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ قَدْ عَاهَدَ إِلَيَّ أَنْهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى

يَرِدَا عَلَيَّ الْحِوْضَ كَهَاتَيْنِ وَ جَمَعَ بَيْنَ مُسَبِّحَتَيْهِ وَ لَمَّا أَقُولُ كَهَاتَيْنِ وَ جَمَعَ بَيْنَ الْمُسَبِّحَةِ وَ الْوَسِيْطِي فَتَسْبِقُ إِخِيْدَاهُمَا الْأُخْرَى فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَا تَزَلُّوا وَ لَا تَضَلُّوا وَ لَا تَفْضَلُوا لَهُمْ فَتَضَلُّوا؛ (۲) آنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره ایشان در آخرین خطبه اش، روزی که خدای عزوجل روحش را قبض کرد فرمود: همانا من دو چیز در میان شما می گذارم که تا وقتی به آن دو چنگ زنید، هرگز گمراه نمی شوید، کتاب خدا و عترتم که اهل بیت من هستند. خدای لطیف و آگاه به من وعده داده که آن دو از هم جدا نشوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند و مانند این دو با هم برابرند و دو انگشت سبابه خود را به هم چسبانند و نمی گویم مانند این دو انگشت و انگشت سبابه و وسط را به هم چسبانند که یکی بر دیگری پیش باشد. پس به هر دوی این ها چنگ زنید تا نلغزید و گمراه نشوید و از ایشان جلو نیفتید که گمراه خواهید شد».

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «كَيْفَ يَهْتَدِي مَنْ لَمْ يُبْصِرْ وَ كَيْفَ يُبْصِرُ مَنْ لَمْ يُنْذَرْ أَتَّبِعُوا قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِمَ وَ أَفْرُوا بِمَا نَزَلَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اتَّبِعُوا آثَارَ الْهَدَى فَإِنَّهَا عَلَامَاتُ الْأَمَانَةِ وَ التَّقَى وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَوْ أَنْكَرَ رَجُلٌ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ وَ أَقَرَّ بِمَنْ سِوَاهُ مِنَ الرُّسُلِ عَلَيْهِ السَّلَامَ لَمْ يُؤْمِنْ إِقْصِدُوا الطَّرِيقَ بِالتَّمَّاسِ الْمَنَارِ وَ التَّمَسُّوا مِنْ وَرَاءِ الْحُجْبِ الْأَثَارَ تَشْتَكِمُوا أَمْرَ دِينِكُمْ وَ تُوْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ؛ (۳) کسی که بینایی ندارد، چگونه

ص: ۵۱

۱- سوره نساء، آیه ۵۹.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۴۱۴.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۱۲.



هدایت می شود؟ کسی که نمی ترسد، چگونه بینا می شود؟ از گفته رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیروی کنید و بدان چه از طرف خدای عزوجل آورده اعتراف کنید و آثار هدایت را پیروی کنید؛ زیرا آن ها نشانه های امانت و تقوا هستند. و بدانید که اگر کسی منکر عیسی بن مریم شود، هر چند به رسولان دیگر اقرار کند، مؤمن نخواهد بود. راه را در پرتو چراغگاه بجوید و از پشت پرده ها آثار حق را بخواهید تا دین خود را کامل کنید و به پروردگار خود ایمان بیاورید».

تأکید ویژه روایات بر معرفت امام بدین سبب است که شناخت امام، کلید باقی معرفت ها حتی توحید است؛ زیرا اگرچه معرفت الاهی اساس دیگر معارف است، اما تبیین و بسط حقایق توحیدی نیز در گرو شناخت امام و پیوند با اوست.

به همین دلیل امام صادق علیه السلام به جناب زراره توصیه فرمود که در صورت درک زمان غیبت قائم، این دعا را مدام بخواند: «اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسِيكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛ (۱) خدایا خودت را به من بشناسان، زیرا اگر تو خودت را به من

نشناسانی، من رسالت را نخواهم شناخت (برای آن که هر کس خدا را شناخت، بر خدا لازم است که از راه لطف، بندگانش را هدایت کند و کسی که خدا را نشناخت، فرستاده او را هم نخواهد شناخت). خدایا پیغمبرت را به من بشناسان، زیرا اگر تو پیغمبرت را به من نشناسانی، من حجّت تو را نخواهم شناخت (برای آن که امام به دستور خداوند، جانشین پیغمبر و دست نشاندۀ اوست و مقام و ارزش جانشین به مقام و ارزش جانشین گذار است. از این جهت، شیعه معتقد است امام باید از لحاظ علم و عمل و اخلاق و عصمت مانند پیغمبر باشد). خدایا حجّت خود را به من بشناسان، زیرا اگر تو حجّت را به من نشناسانی، از دینم گمراه خواهم شد».

در این حدیث، معرفت های سه گانه، زمینه ساز رسیدن به شناخت پروردگار و عبودیت او معرفی شده؛ اما نکته مهم در بیان حضرت، تأکید ویژه بر نقش کلیدی

ص: ۵۲

معرفت امام است. زیرا از یک سو معرفت حجت به شناخت پیام آور دین و پیوند آن با تعالیم الهی مشروط شده، از سویی دیگر، هدایت و نجات انسان در گرو دینداری او و بیگانگی از آموزه های دینی سبب گمراهی او شمرده شده و از سوی آخر، رهایی از گمراهی تنها در پرتو رهنمودهای امام و حجت الهی میسر دانسته شده است.

اگرچه این دعا، معرفت خدا، پیامبر و امام را در پیوندی ناگسستنی معرفی کرده، اما تمرکز اصلی انسان منتظر را بر خواسته سوم، یعنی کسب معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف معطوف نموده است؛ زیرا رشته دیانت و هدایت انسان، در گرو معرفت حجت عصر است و آن دو معرفت نیز در سایه معرفت امام هستند، با این که از نظر رتبه، توحید و نبوت، مقدم بر امامت و ریشه آن به شمار می روند.

### مؤلفه های معرفت آخرین منجی

#### اشاره

مراد از معرفت در این بحث، تنها شناخت شناسنامه ای، یعنی دانستن اسم و نسب و خصوصیات ظاهری حضرت نیست؛ بلکه مراد، حصول ایمان و اعتقاد قلبی نسبت به مقام الهی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و توجه به جایگاه رفیع دینی و سیاسی اجتماعی ایشان در عصر حاضر است. چنین شناخت و معرفی، اساس اندیشه انتظار ظهور را شکل می دهد و بدون آن، حرکت در جاده انتظار، ممکن نیست.

معرفت امام و توجه به شئون تکوینی و تشریحی مقام امامت، به تناسب فهم و درک افراد، دارای مراتب مختلفی است که هر کس به میزان ظرفیت، تلاش و استعداد خود، می تواند به درجه خاصی از معرفت نائل آید.

امّا سؤال این جاست که حداقل معرفت امام، یعنی همان چیزی که نبودش مساوی با جاهلیت و بی دینی خواهد بود، چیست؟ امام صادق علیه السلام در سخنی با معاویه بن وهب، حداقل معرفت امام را هم شأن دانستن امام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دانسته و فرموده اند: «أَدْنَى مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ أَنَّهُ عَدْلُ النَّبِيِّ إِلَّا دَرَجَةَ النَّبُوَّةِ وَ وَارِثُهُ وَ أَنَّ طَاعَتَهُ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ وَ الرَّدُّ إِلَيْهِ وَ التَّأْخُذُ بِقَوْلِهِ وَ يَعْلَمُ أَنَّ الْإِمَامَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ بَعْدَهُ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ أَنَا ثُمَّ بَعْدِي مُوسَى ابْنِي وَ بَعْدَهُ عَلِيُّ ابْنُهُ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ مُحَمَّدُ

ابْنُهُ وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ عَلِيُّ ابْنُهُ وَ بَعْدَ عَلِيِّ الْحَسَنُ ابْنُهُ وَ الْحُجَّهُ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ؛ (۱) کم ترین درجه معرفت امام، اعتقاد به هم وزن و هم شأن بودن او با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، مگر در شأن و مرتبه نبوت که از این نظر، امام وارث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. هم چنین اعتراف به این که اطاعت از امام، اطاعت از خدا و پیامبر است و نیز فرمانبری از او، واگذاری امور به او، عمل به گفته های او و اعتقاد به این موضوع که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی بن ابی طالب علیه السلام و بعد از او، حسن و حسین تا حضرت حجت علیه السلام جانشینان پیامبر و پیشوایان مسلمین اند».

طبق کلام امام صادق علیه السلام پایین ترین درجه معرفت امام، اقرار به این مسأله است که اولاً امام

در همه شئون ولایتی غیر از شأن نبوت، معادل و هم وزن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و ثانیاً این شناخت صرفاً با معرفت شیعی و دیدگاه کلامی امامیه قابل حصول است، یعنی باید خلفای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در دوازده امام معصوم بلافصل، منحصر دانست؛ زیرا خاستگاه واقعی امامت و خلافت، فقط در بینش کلامی شیعه، عینیت و تبلور می یابد، نه در غیر آن.

بر اساس فرمایش امام صادق علیه السلام معرفت امام دارای سه مؤلفه اساسی است که عبارت اند از: معرفت شخص، معرفت مقام و معرفت اوصاف امام علیه السلام. در ادامه به توضیح این سه مؤلفه اصلی امام شناسی می پردازیم:

### الف) معرفت شخص

مراد از معرفت شخص، اعتقاد به تولد حضرت و خصوصیات اسمی و نسبی ایشان است؛ یعنی باور به این که ایشان فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند و نیز هم اکنون حی و زنده می باشند، اما بنا به مصلحت الهی در پس پرده غیبت به سر می برند تا زمانی که اراده الهی بر تحقق ظهورش تعلق گیرد.

امام موسی کاظم علیه السلام در این باره فرموده است: «مَنْ شَكَّ فِي أَرْبَعِهِ فَقَدْ كَفَرَ بِجَمِيعِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَحَدَهَا مَعْرِفَةً»

الْإِمَامِ فِي كُلِّ زَمَانٍ وَ أَوَانٍ بِشَخْصِهِ وَ نَعْتِهِ؛ (۲)

ص: ۵۴

۱- کفایه الاثر، ص ۲۶۳؛ بحار الانوار، ج ۴، ص ۵۵ و ج ۳۶، ص ۴۰۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۱۳.

هر که در چهار چیز شک کند، به همه آن چه خدای تبارک و تعالی نازل کرده، کافر شده است. یکی از آن ها معرفت امام است که در هر عصر و زمانی بایست او را به شخص و صفات و خصوصیاتش شناخت».

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز فرموده است: «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فَقَدْ أَنْكَرَنِي؛ (۱) هر کس فرزندم، حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را انکار کند، مرا انکار کرده است».

صفوان بن مهران از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «مَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَحَدَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ تُبُوَّتَهُ؛ کسی که به همه امامان اقرار کند، اما مهدی را انکار نماید، مانند کسی است که به همه پیامبران ایمان بیاورد، اما نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کند». از ایشان پرسیدند: «یا بن رسول الله! مهدی از فرزندان شما کیست؟» فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ، يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ وَ لَمَّا يَحِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَّتُهُ؛ (۲) پنجمین نفر از فرزندان هفتمین امام؛ کسی که شخص او از شما نپوشد و برودن نام وی بر شما روا نخواهد بود».

امام عسکری علیه السلام نیز فرمود: «أَمَا إِنَّ الْمُقَرَّ بِالْأَيْمَةِ بَعْدَ

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ الْمُنْكَرُ لَوْلَدِي كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ ثُمَّ أَنْكَرَ تَبُوَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ وَ الْمُنْكَرُ لِرَسُولِ اللَّهِ كَمَنْ أَنْكَرَ جَمِيعَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ إِذَا طَاعَهُ آخِرِنَا كَطَاعِهِ أَوْلَانَا وَ الْمُنْكَرُ لِآخِرِنَا كَالْمُنْكَرِ لِأَوْلَانَا أَمَا إِنَّ لَوْلَدِي غَيْبٌ يَرْتَابُ فِيهَا النَّاسُ إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ؛ (۳) آگاه باشید که هر کس به امامت امامان پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اقرار کند ولی منکر فرزندم باشد، مانند کسی است که همه پیغمبران و رسولان را قبول کرده باشد، اما نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را انکار نماید. زیرا اطاعت از آخرین ما مانند اطاعت از اولین ما و منکر آخرین ما همانند منکر اولین ماست. آگاه باش برای فرزندم غیبی است که مردم در آن به شک و تردید می افتند، مگر کسی که خدایش نگه دارد».

ص: ۵۵

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۱۲.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۳۳.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۰۹؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۳۵؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۵۲.

منظور از معرفت مقام، اعتقاد به الاهی بودن منصب امامت و شناخت جایگاه امام و خلیفه بعد از پیامبر است. این بحث، یعنی اعتقاد به انتصابی بودن منصب امامت و غیر بشری بودن این مقام، از کلیدی ترین مباحث کلامی شیعه در باب امامت خاصه شمرده می شود.

اختلاف شیعه و سنی تنها در شخص جانشین پیامبر نیست؛ بلکه نحوه نگرش این دو مذهب به مفهوم و جایگاه مقام امامت است که آن ها

را از یکدیگر متمایز می کند.

از نظر اهل سنت، امامت، حاکمیتی دنیوی است، نه منصبی الاهی. یعنی از آن جا که هر جمعیتی نیاز به پیشوا و بزرگی دارند، جامعه مسلمین نیز پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باید برای خود رهبری برگزیند و چون برای این گزینش، راه و رسم ویژه ای در دین ترسیم نشده است، انتخاب جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می تواند از راه های مختلفی چون رجوع به آراء اکثریت مردم یا بزرگان آن ها یا وصیت خلیفه پیشین و یا حتی کودتا و غلبه نظامی تحقق پیدا کند.

اما شیعه که امامت را ادامه نبوت و امام را حجت خدا در میان خلق و واسطه فیض او به مخلوقات می داند معتقد است که امام صرفاً به تعیین الاهی انتخاب و بر زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی می شود. در تفکر شیعی، امام، تنها سرپرست و مدیر جامعه مسلمین نیست، بلکه بیان کننده احکام الاهی، مفسر قرآن کریم و راهبر راه سعادت نیز هست. به بیان دیگر، در فرهنگ شیعه، امام، مرجع امور مردم در دو بخش دین و دنیا است؛ نه این که تنها وظیفه او، حکومت داری و اداره دنیای مردم باشد، آن گونه که اهل سنت معتقدند.<sup>(۱)</sup>

تفاوت اساسی دیدگاه شیعه و سنی درباره

امامت این است که در اعتقاد شیعه، امامت، منصبی الاهی و جزو اصول دین محسوب می شود، اما از نظر اهل سنت، امامت یک مقام دنیوی و امر عرفی است. از این رو، مهم ترین اثر باورمندی به امامت پیشوایان معصوم علیه السلام الاهی دانستن مقام آنان است.

ص: ۵۶

بر اساس آیات و روایات، امامت بسان نبوت، منصبی آسمانی و ویژه دوازده جانشین معصوم پیامبر خاتم علیه السلام است. امام صادق علیه السلام در سخنی با معاویه بن عمار، امامت را عهد خدای سبحان برای افراد خاص یاد کرده است؛ به گونه ای که هیچ امامی بی تعیین الهی نمی تواند کسی را به جانشینی خویش برگزیند: «إِنَّ الْإِمَامَةَ عَهْدٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَعَهُودٌ لِرِجَالٍ مُّسَمَّيْنَ لَيْسَ لِلْإِمَامِ أَنْ يَزُوِيَهَا عَنِ الَّذِي يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ» (۱). امامت عهد و پیمانی است از جانب خدای عزوجل که برای مردانی نام برده بسته شده و امام حق ندارد آن را از امام بعد از خود دور بدارد».

نیز امام رضا علیه السلام مقام سترگ امامت را جایگاه پیامبران، ارث پیوسته اوصیای الهی، جانشینی خدا و رسول و مقام ویژه امیرمؤمنان و پیشوایان پس از او معرفی کرده و واگذاری این امانت آسمانی را از سوی امام پیشین به امام پسین، بر اساس

فرمان خدای حکیم می داند: «فَمِنْ أَيْنَ يَخْتَارُ هَؤُلَاءِ الْجَهَّالُ، إِنَّ الْإِمَامَةَ هِيَ مَنَزِلَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَ إِرْثُ الْأَوْصِيَاءِ؛ إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةُ اللَّهِ وَ خِلَافَةُ الرَّسُولِ وَ مَقَامُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مِيرَاثُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ...» (۲). این جاهلان چگونه برای خود امام می تراشند، با آن که امامت، مقام انبیا و ارث اوصیا است؟! امامت، خلافت از طرف خدا و رسول خدا و مقام امیر المؤمنین و میراث حسن و حسین است».

امام صادق علیه السلام نیز منصب امامت را پیمان الهی دانسته و تصریح فرموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر اساس فرمان الهی هر یک از امامان را به مردم معرفی کرده است: «أَتَرُونَ الْمُوصِيَةَ مِنْ أَيْمَانِ مَنْ يُرِيدُ لَأَنَّ اللَّهَ لَعَنَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ مُسَمِّيَ رَجُلٍ فَرَجُلٌ، حَتَّى يَنْتَهِيَ الْأَمْرُ إِلَى صَاحِبِهِ» (۳). آیا شما گمان می کنید هر کس از ما امامان که وصیت می کند، به هر کس که می خواهد وصیت می کند؟! نه، به خدا چنین نیست؛ بلکه امر امامت عهد و فرمانی است از جانب خدا و رسولش، برای مردی پس از مردی از عترت پیامبر، تا به صاحبش (آخرین امام) برسد».

ص: ۵۷

۱- الکافی، ج ۱، ص ۲۷۸.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۱۸؛ الاحتجاج، ج ۲، ۴۳۴.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۲۷۸.

مراد از معرفت اوصاف، شناخت و اعتقاد قلبی به ویژگی ها و اوصاف شخصیتی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ اوصافی نظیر دارا بودن مقام عصمت، برخورداری از علم لدنی و غیبی، دارا بودن

مقام امامت و ولایت و سایر کمالات منحصر به فرد مقام امامت، که هر کدام از این اوصاف در کتب کلامی به خوبی تبیین شده است. (۱)

البته باید توجه داشت که درک حقیقت و ژرفای شخصیت امام برای هیچ یک از ما انسان های عادی، میسر و ممکن نیست؛ زیرا فهم ما از درک و احاطه به عمق و گستردگی ابعاد مقام امامت ناتوان است؛ همان گونه که امام رضا علیه السلام فرمود: «هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ ضَلَّتِ الْعُقُولُ وَ تَاهَتِ الْحُلُومُ وَ حَارَتِ الْأَلْيَابُ وَ خَسِيَّتِ الْعُيُونُ وَ تَصَدَّاعَتِ الْعُظْمَاءُ وَ تَحَيَّرَتِ الْحُكَمَاءُ وَ تَقَاَصَرَتِ الْعُلَمَاءُ وَ حَصِرَتِ الرُّحَطَاءُ وَ جَهَلَتِ الْأَلْبَاءُ وَ كَلَّتِ الشُّعْرَاءُ وَ عَجَزَتِ الْأُدْبَاءُ وَ عَيِيَّتِ الْبُلَغَاءُ عَنْ وَصْفِ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِهِ أَوْ فَضِيلِهِ مِنْ فَضَائِلِهِ...» (۲) هیهات! هیهات! [مسأله امامت امری است که] عقل و اندیشه ها از دسترسی به عمق آن کوتاه، صاحبان خرد از درک آن حیران، نوابغ و تیزهوشان از دیدن آن چشم فرو بسته و بزرگان و دانشمندان از بیان حتی یک صفت از صفات آن و یک فضیلت از فضائل آن، عاجز و درمانده اند.

از این رو، باید گفت که اساساً توقع

شناخت و معرفت حقیقت مقام امام به دلیل عدم گنجایش آن در ظرف فهم و خرد ما، امری است نامعقول؛ چون احاطه علمی به زوایای شخصیت امام برای ما مقدور نیست و از همین جهت، کسی بدان مکلف نشده است. بلکه آن چه ضرورت دارد و لازمه حیات دینی و اعتقادی است، معرفت حداقلی نسبت به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در آموزه های دینی نیز به عنوان یک تکلیف همگانی شمرده شده است.

ص: ۵۸

- 
- ۱- برای آگاهی بیشتر در این زمینه، به کتاب های: «تقریب المعارف» نوشته ابوصلاح حلبی؛ «بررسی مسائل کلی امامت» نوشته ابراهیم امینی و «راه و راهنما شناسی» نوشته آیت الله مصباح یزدی، رجوع شود.
  - ۲- الکافی، ج ۱، ص ۲۰۱؛ الغیبه، نعمانی، ص ۲۲۰؛ بحار الانوار، ج ۲۵، ۱۲۴.

بر این اساس، می توان عناصر اساسی اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را چند چیز بر شمرد که عبارت اند از:

۱. اعتقاد به تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف .

۲. اعتقاد به مقام امامت، وصایت و ولایت آن حضرت، به عنوان دوازدهمین و آخرین امام.

۳. اعتقاد به این که ایشان از نسل امام حسین علیه السلام و فرزند امام عسکری علیه السلام است.

۴. اعتقاد به حیات بالفعل آن حضرت.

۵. اعتقاد به غیبت ایشان در حال حاضر.

۶. اعتقاد به حتمی بودن ظهور آن حضرت در آینده (هرگاه که خدا اراده فرماید).

۷. اعتقاد به گسترش عدل و برچیده شدن بساط ظلم در سایه حاکمیت جهانی دین اسلام به وسیله آن حضرت در عصر ظهور.

باور قلبی به این عناصر، در خصوص امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف امر ضروری است؛ به گونه ای که نبود هر کدام، سبب نفی معرفت صحیح در حوزه مهدی شناسی خواهد بود.

## آثار معرفت آخرین منجی

### اشاره

معرفت امامان معصوم علیهم السلام به ویژه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مستلزم پذیرش ولایت و پیروی از ایشان است. این ولایت پذیری، آثار بی شماری در پی دارد و فلاح و سعادت دنیوی و اخروی را به ارمغان خواهد آورد.

### الف) هدایت بخشی

امامان معصوم علیهم السلام پرچم های هدایت کننده به سوی حق (۱) و الگوهای هدایت و رشد هستند که پیروان خویش را از سراب حیرت و گمراهی رهانیده و به بزرگراه هدایت می کشانند. (۲)

ص: ۵۹

---

۱- امام رضا علیه السلام درباره آیه (وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ) فرمود: «نَحْنُ الْعَلَامَاتُ وَ النَّجْمُ رَسُولُ اللَّهِ»؛ (الكافی، ج ۱، ص ۲۰۷).

۲- ر.ک: أدب فِئای مقربان، ج ۷، ص ۲۵۸-۲۵۷.



امام صادق علیه السلام در بیان آیه (فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى) (۱) هدایت ویژه ای که گمراهی و رنج در آن راه ندارد را هدایت ناشی از پیروی از امامان علیهم السلام معرفی کرده و کسانی را شامل این هدایت دانسته که با معرفت قلبی و

عمل به فرمان پیشوایان الهی، هرگز از پیروی آنان کوتاهی نمی کنند: «مَنْ قَالَ بِالْإِثْمَةِ وَ اتَّبَعَ أَمْرَهُمْ وَ لَمْ يَجُزْ عَنْ طَاعَتِهِمْ؛ (۲) کسی که قائل به امامت ائمه علیه السلام بوده و از ایشان اطاعت کند و پیروی از دیگران را جایز نشمارد».

امامان معصوم علیهم السلام نماد عینی هدایت خدای رحمان در میان مردم هستند؛ از این رو، گام نهادن در راه نورانی آنان سبب دوری همیشگی پیروانشان از خطر گمراهی و رنج های برآمده از آن است.

امام کاظم علیه السلام می فرماید: از پدر بزرگوارم، حضرت صادق علیه السلام درباره آیه (فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى) پرسیدم. ایشان فرمود: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّبِعُوا هُدَى اللَّهِ تَهْتَدُوا وَ تَرْتُدُّوا وَ هُوَ هُدَايَ هَذَا عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَاةً فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَوْتِي، فَقَدْ اتَّبَعَ هُدَايَ وَ مَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَقَدْ اتَّبَعَ هُدَى اللَّهِ وَ مَنْ اتَّبَعَ هُدَى اللَّهِ فَلَا يَضِلُّ وَ لَا يَشْقَى؛ (۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پیرو هدایت خدا باشید تا راه یابید و رستگار شوید و آن، راه من و راه این شخص، علی بن ابی طالب است. هر که پیرو علی باشد، در حیات من و بعد از مرگم پیرو من بوده و پیرو من پیرو خدا است و هر کس پیرو خدا باشد، گمراه و بدبخت نمی شود».

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه مذکور فرموده است: «يَهْدِي إِلَى الْوَلَايَةِ». (۴) ایشان در تفسیر آیه (فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَ مَنْ اهْتَدَى) (۵) نیز کسانی را هدایت یافته می داند که به ولایت امامان معصوم علیه السلام راه یافته اند: «اهْتَدَى

ص: ۶۰

۱- سوره طه، آیه ۱۲۳.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۴۱۴؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۴۷.

۳- تأویل الآيات الظاهرة، ص ۳۱۵؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۴۹.

۴- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۳.

۵- سوره طه، آیه ۱۳۵.

از این رو، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در سخنی با جناب عمار یاسر، وی را به گام نهادن در راه علی علیه السلام سفارش کرده است، هرچند همه مردم دنیا از او روی گردان شوند: «يَا عَمَّارُ إِذَا رَأَيْتَ عَلِيًّا سَيْلَكَ وَادِيًا وَ سَيْلَكَ النَّاسُ وَادِيًا غَيْرَهُ فَاسْئَلْكَ مَعَ عَلِيٍّ وَ دَعِ النَّاسَ فَإِنَّهُ لَنْ يَدُلَّكَ عَلَىٰ رَدِّي وَ لَنْ يُخْرِجَكَ مِنْ هُدْيِي» (۲) ای عمار! هرگاه علی علیه السلام را دیدی که به راهی می رود و تمامی مردم به راهی دیگر، تو راه علی علیه السلام را بگیر که او تو را به هلاکت، راهنمایی و از هدایت، خارج نمی کند».

### (ب) سعادت آفرینی

از برکات مهم معرفت امامان معصوم علیهم السلام و پیروی از ایشان، راه یابی به بهشت سعادت در

جهان پس از مرگ است؛ زیرا همان گونه که هدایت گری پیشوایان معصوم علیهم السلام چراغ راه پیروان آنان در این دنیاست، در آخرت نیز مایه نورانیت و شادمانی آنان خواهند بود.

امام هادی علیه السلام ثمره شیرین پیروی از پیشوایان معصوم علیهم السلام را مسکن گزیدن در بهشت برین و برخوردارگی از نعمت های بی پایان الهی در سرای آخرت شمرده و فرموده است: «مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ» (۳) هر که شما را پیروی کند، جایگاهش در بهشت است».

استقرار در این منزلگاه سعادت آفرین و بهره مندی از مواهب بی پایان الهی در گرو پیروی از اولیای معصوم علیهم السلام است؛ چنان که امیرمؤمنان علیه السلام خود را راهنمای پیروانش به بهشت می داند: «فَإِنْ أَطَعْتُمُونِي فَإِنِّي حَامِلُكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ سَبِيلِ الْجَنَّةِ» (۴) اگر از

ص: ۶۱

---

۱- تأویل الآيات الظاهرة، ص ۳۱۷؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۵۰. جناب جابر از آن حضرت، درباره این آیه پرسید و ایشان فرمود: «عَلِيٌّ صَاحِبُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَ مَنْ اهْتَدَىٰ إِيَّاهُ إِلَىٰ وَلَائِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»؛ (بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۵۰).

۲- كشف الغمه، ج ۱، ص ۱۴۳.

۳- من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۳.

۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶، ص ۲۱۸.

من پیروی کنید، شما را اگر خدا بخواهد به بهشت برین رهنمون می‌کنم».

ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای عزوجل، (قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ) (۱) سؤال کردم. ایشان فرمود: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ دُعِيَ بِالنَّبِيِّ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِالْأَنْبِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ فَيُنْصَبُونَ لِلنَّاسِ فَإِذَا رَأَتْهُمْ

شِيعَتُهُمْ (قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ) يَعْنِي هَدَانَا اللَّهُ فِي وِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ؛ (۲) هنگامی که روز قیامت شود، پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیر مؤمنان و ائمه علیهم السلام از فرزندان او را صدا می‌کنند و آن‌ها را در مقابل چشم مردم قرار می‌دهند. پس هنگامی که شیعیان، آن‌ها را می‌بینند، می‌گویند: «سپاس از آن خداست که ما را به این راه هدایت کرد و اگر خدا به ما راه نمی‌نمود، ما هدایت نمی‌شدیم»، یعنی ما را به ولایت امیر مؤمنان و اولادش راهنمایی کرد».

### پیامدهای عدم معرفت آخرین منجی

در روایات، گمراهی، نفاق، کفر، حیرت و مرگ جاهلی از جمله پیامدهای عدم معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده شده است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث معروفی، پیامد عدم معرفت امام و حجت عصر را مرگ جاهلی بیان کرده است: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ (۳) هر کس بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی و بی دینی مرده است».

در همین رابطه، ابو خالد کابلی سخنی را از امام سجاد علیه السلام چنین نقل کرده است: «دَخَلْتُ عَلَيَّ

عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ جَالِسٌ فِي مِحْرَابِهِ فَجَلَسْتُ حَتَّى انْتَنَى وَ أَقْبَلَ عَلَيَّ بِوَجْهِهِ يَمْسُحُ يَدَهُ عَلَيَّ لِحَيْتِهِ فَقُلْتُ يَا مَوْلَايَ أَخْبِرْنِي كَمْ يَكُونُ الْأَنْبِيَاءُ بَعْدَكَ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَمَانِيَةٌ قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَاكَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِأَنَّ الْأَنْبِيَاءَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا عَدَدَ

ص: ۶۲

۱- سوره اعراف، آیه ۴۳.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۴۱۸.

۳- کفایه الاثر، ص ۲۹۶.

الْأَسْبَاطِ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْمَاضِيَيْنِ أَنَا الرَّابِعُ وَ ثَمَانِيَةٌ مِنْ وُلْدِي أُمَّهُ أُبْرَارٌ مَنْ أَحَبَّنَا وَ عَمِلَ بِأَمْرِنَا كَانَ مَعَنَا فِي السَّنَامِ الْأَعْلَى وَ مَنْ أَبْغَضَنَا وَ رَدَّنَا أَوْ رَدَّ وَاحِدًا مِنَّا فَهُوَ كَافِرٌ بِاللَّهِ وَ آيَاتِهِ (۱)؛ بر علی بن حسین علیه السلام وارد شدم، در حالی که آن حضرت در محراب عبادت نشسته بود. پس نشستم تا وقتی که حضرت از عبادت انصراف پیدا کرد و متوجه من شد و دست خود را بر محاسن شریفش کشید. عرض کردم: ای سرور من! به من خبر دهید که امامان بعد از شما چند نفرند؟ فرمود: هشت نفر. عرض کردم: چگونه است؟ فرمود: زیرا پیشوایان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به عدد اسباط دوازده نفرند که سه نفر آن ها گذشته و رفته اند و من چهارمین ایشان هستم و هشت نفر از اولاد من، امامان نیکوکارند. هر که ما را دوست بدارد و به دستور ما عمل کند، در بلندترین منازل بهشت با ما خواهد بود و هر که ما را دشمن بدارد یا یکی از ما را انکار کند، او به خدا و آیات او کافر شده است».

امام باقر علیه السلام نیز پیامد ناگوار عدم معرفت امام را بی دینی و جدا شدن از مسیر توحید

دانسته و فرموده است: «كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهَ بِعِبَادَةٍ يُجْهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ، فَسَيُعِيهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ وَ هُوَ ضَالٌّ مُتَحَيِّرٌ... وَ اللَّهُ مِنْ أَصْيَحٍ مِنْ هَيْدِهِ الْأُمَّةُ لِمَا إِيَّامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ جَلٌّ وَ عَزَّ ظَاهِرًا عَادِلًا أَصْيَحٌ ضَالًّا تَائِهًا وَ إِنْ مَاتَ عَلَى هَيْدِهِ الْحَالِ مَاتَ مِيتَةَ كُفْرٍ وَ نِفَاقٍ؛ (۲) هر که خدا را عبادت کند با عبادتی که به واسطه آن به زحمت بیفتد، ولی پیشوایی از جانب خدا نداشته باشد، کوشش او پذیرفته نیست و او گمراه و سرگردان است. به خدا قسم، اگر کسی از این ائمت باشد، اما امامی نداشته باشد که آشکار (۳) و عادل و منصوب از طرف خدا باشد، او گم شده و گمراه است و اگر بر این حال بمیرد، با کفر و نفاق مرده است».

از این رو، امیرمؤمنان علیه السلام درباره فرقه مرجئه فرموده است: «يُحْشَرُ الْمَرْجِئَةُ عُمِيَانًا وَ إِمَامُهُمْ أَعْمَى؛ (۴) فرقه مرجئه، در قیامت کور محشور می شوند و رهبرشان نابینا تر از

ص: ۶۳

۱- بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۸.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۳۷۵؛ الغیبه، نعمانی، ص ۱۲۷.

۳- منظور، امامی است که امامتش با دلایل متقن، ثابت شده باشد.

۴- ثواب الأعمال، ص ۲۰۸. این سخن حضرت، ناظر به آیاتی است که چشم بستن به روی حقیقت را سبب کوری انسان شمرده اند: (قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا □ قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى)؛ (سوره طه، آیات ۱۲۵ و ۱۲۶).

آنان خواهد بود». دلیل این نایبانی، سربر تافتن آنان از اوصیای حقیقی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ؛ یعنی امامان معصوم  
علیهم السلام است.

□□□

ص: ۶۴

بخش سوم: ولادت آخري منجي

اشاره

ص: ۶۵

بر اساس نقل مشهور میان علمای شیعه، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در صبح گاه جمعه، پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری، در شهر سامراء چشم به جهان گشود. (۱) در برخی منابع، سال ولادت آن حضرت، سال ۲۵۶ هجری قمری (۲) و در برخی دیگر، ۲۵۷ هجری قمری ذکر شده است. (۳)

ممکن است این تفاوت نقل به خاطر مخفی بودن ولادت امام مهدی و غیرعلنی بودن حضور وی در جامعه به دلیل خوف از دستگاه خلافت بوده باشد؛ زیرا خلفای عصر نیز از اخبار و احادیث متواتر منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام مبنی بر این که از صلب امام حسن عسکری فرزندی به وجود خواهد آمد که برپا دارنده قسط و عدل و نابود کننده بساط ظلم و جور خواهد بود آگاه بودند و به منظور جلوگیری از چنین رخدادی، امام عسکری علیه السلام و بیت ایشان

را مدت ها تحت مراقبت قرار داده بودند تا در صورت آگاهی از تولد چنین فرزندی، وی را به قتل برسانند.

خود امام عسکری علیه السلام نیز یکی از دلایل اصلی مخالفت و دشمنی بنی امیه و بنی عباس با آل پیامبر علیه السلام را تلاش برای جلوگیری از تولد قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف یا قتل وی عنوان کرده است؛ زیرا آنان می دانستند که بساط حکومت ظالمان جبار، در آینده به دست آن حضرت برچیده خواهد شد. (۴)

ص: ۶۶

---

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۲۷؛ الغیبه، طوسی، ص ۱۴۱.

۲- اثبات الوصیه، ص ۲۳۱.

۳- کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۳۷؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۳.

۴- ر.ک: منتخب الأثر، ص ۲۹۱.

## قطعی بودن ولادت آخرین منجی

اصل موضوع ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جزو مسلمات تاریخ است و علاوه بر شیعیان، بسیاری از تاریخ نگاران، محدثان و اندیشمندان اهل سنت نیز نسبت به آن اذعان کرده اند. بیش از ۱۳۰ نفر از علمای تاریخ، فقه، حدیث، انساب و... اهل سنت در کتاب های خود، به ولادت یافتن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح کرده و بیش از ۶۵ نفر از دانشمندان اهل سنت در خصوص زندگانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کتاب های مستقلی تألیف نموده اند.<sup>(۱)</sup> بنابراین، اگرچه در جزئیات مسأله، اختلاف نظر و تعدد نقل وجود دارد، اما بنا به

اسناد و شواهد فراوان تاریخی، ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از جمله رخدادهای انکارناپذیر تاریخ شمرده می شود.

## پنهان بودن ولادت آخرین منجی

اراده حکیمانه خداوند درباره آخرین ذخیره خود در زمین، چنین بود که ولادت او همانند حضرت موسی علیه السلام به طور معجزه آسا اتفاق بیفتد و آثار حمل در مادر گرامی اش نامحسوس باشد تا قضیه تولدش از دید دشمنان پنهان بماند؛ زیرا جاسوسان دستگاه خلافت منتظر شنیدن خبری دال بر بارداری همسر امام حسن عسکری علیه السلام بودند و اگر باخبر می شدند ممکن بود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در رحم مادر به شهادت برسانند.

از این نظر باید گفت که جریان ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شباهت زیادی با ولادت حضرت موسی علیه السلام دارد؛ چراکه حضرت موسی نیز در زمانی به دنیا آمد که ستاره شناسان پیش بینی تولد فرزندی را کرده بودند که سلطنت فرعون را از بین می برد و فرعون نیز تمام تلاش خود را برای جلوگیری از تولد آن فرزند انجام داده بود؛ لکن بنا بر اقتضای حکمت الاهی، آن حضرت، مخفیانه و از مادری که هیچ اثر حملی در او نبود به دنیا آمد و در کاخ فرعون بزرگ شد.

ص: ۶۷

---

۱- رک: خورشید مغرب، ص ۱۸-۲۰؛ در انتظار ققنوس، ص ۱۸۹-۱۹۹.



جناب حکیمه خاتون، دختر امام جواد علیه السلام و عمه امام عسکری علیه السلام از جمله کسانی است که واقعه ولادت آخرین حجّت الهی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به طور دقیق بازگو کرده است.

مرحوم شیخ صدوق، این گزارش را به روایت ایشان چنین نقل کرده است: امام عسکری علیه السلام مرا نزد خود فراخواند و به من فرمود: ای عمه! امشب افطار نزد ما باش؛ چراکه شب نیمه شعبان است و خداوند در این شب حجّت خود بر روی زمین را آشکار خواهد کرد. پرسیدم: مادر او کیست؟ فرمود: «نرجس». گفتم: فدای شما شوم، نشانه بارداری در او پیدا نیست! فرمود: سخن همان است که گفتم.

پس بر او وارد شدم و سلام کردم و نشستم. نرجس پیش آمد تا کفش هایم را بیرون آورد و به من گفت: بانوی من! حال شما چگونه است؟ گفتم: بلکه تو بانوی من و بانوی خاندان منی! سخن مرا نپذیرفت و گفت: عمه جان چه می فرمایید؟! گفتم: دخترم! امشب خداوند متعال به تو پسری عطا می فرماید که سرور دنیا و آخرت خواهد بود. پس خجالت کشید و حیا کرد. پس از نماز عشا افطار کردم و در بستر خود آرامیدم و هنگام نیمه شب برای ادای نماز برخاستم و آن را به جای آوردم؛ در

حالی که نرجس خوابیده بود، بدون آن که اتفاقی برایش روی دهد. پس از انجام تعقیبات خوابیدم. سپس هراسان بیدار شدم و حال آن که او هم چنان در خواب بود. لحظاتی بعد برخاست و نماز شب گزارد و خوابید.

آنگاه من بیرون آمدم و در جستجوی فجر به آسمان نگریستم. پس فجر اول را مشاهده کردم و نرجس هم چنان در خواب بود. پس به شک افتادم! ناگاه امام حسن عسکری علیه السلام از جایگاه خود ندا برآورد که: ای عمه! شتاب مکن. امر (وعده الهی) نزدیک است پس نشستم و به قرائت سوره های «سجده» و «یس» مشغول شدم که نرجس با اضطراب بیدار شد. به سرعت نزد او رفتم و گفتم: درود خدا بر تو باد! آیا چیزی احساس می کنی؟ گفت: آری ای عمه! گفتم: بر خود مسلط باش و دلت را استوار دار که این همان است که با تو گفتم. در این هنگام ضعیفی من و نرجس را فرا-

گرفت. پس به صدای سرورم به خود آمدم و جامه را از روی نوزاد برداشتم و او را در حال سجده دیدم! در آغوش گرفتم و او را کاملاً پاکیزه یافتیم. در این هنگام، امام عسکری علیه السلام مرا ندا داد: ای عمّه! پسر من را نزد من بیاور. او را نزد وی بردم، در آغوش گرفت و فرمود: پسر! سخن بگو. پس نوزاد لب به سخن گشود و

فرمود: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ». سپس بر امیرمؤمنان و امامان علیهم السلام درود فرستاد تا به نام پدرش رسید و از سخن گفتن باز ایستاد. امام عسکری علیه السلام فرمود: ای عمّه! او را نزد مادرش ببر تا بر او سلام کند.

فردای آن روز، نزد امام رفتم و بر حضرتش سلام کردم. پس پرده را کنار زدم تا مولایم (امام مهدی (عج)) را بینم؛ ولی او را ندیدم. از این روز پدر بزرگوارش پرسیدم: فدای شما شوم! برای مولای من چه اتفاقی روی داده است؟ آن حضرت پاسخ دادند: ای عمّه! او را به آن کسی سپردم که مادر موسی، موسی علیه السلام را به او سپرد. چون روز هفتم فرا رسید، آمدم و سلام کردم و نشستیم. امام فرمود: فرزندم را نزد من آور. من سرورم را آوردم. امام فرمود: فرزندم! سخن بگوی. نوزاد پس از گواهی به یگانگی خداوند و درود بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و پدران بزرگوارش، آیه مبارکه (و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ ائِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نَمُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ) (۱) را تلاوت فرمود. (۲)

### معرفی آخرین منجی به شیعیان

دوران کودکی و همراهی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پدر بزرگوارش بیش از پنج سال طول نکشید و سرانجام دستگاه ستم عباسی، وجود امام عسکری علیه السلام را تحمل نکرد و اقدام به شهادت آن حضرت نمود. در این مدت کوتاه، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از انظار عموم

ص: ۶۹

- ۱- «ما اراده کردیم که بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پا برجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریانش، آن چه را از آن بیم داشتند نشان دهیم»؛ (سوره قصص، آیات ۵ و ۶).
- ۲- ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۴۳.

مردم مخفی بود و جز اصحاب خاص امام عسکری علیه السلام کسی از ولادت یافتن ایشان آگاهی نداشت.

توجه به سیاست ها و تدابیر حکیمانه امام عسکری علیه السلام در مقابله با خطرات دستگاه عباسی، بسیار حائز اهمیت است. ایشان به خوبی آگاه بود که اراده الاهی بر آن تعلق گرفته که برای حاکمیت دین اسلام در سرتاسر زمین، یگانه فرزندش، مدتی طولانی از دیده ها غائب شود؛ لذا برای تحقق این هدف مهم، سه مسئولیت خطیر را که هر کدام نقش مؤثری در تداوم جریان امامت داشت به دوش می کشید که عبارت بود از:

۱. مخفی نگه داشتن موضوع ولادت فرزند عزیزش از عموم مردم و دستگاه خلافت.

۲. آماده سازی فضای فکری شیعیان برای غیبت

طولانی مدت آخرین حجّت الاهی.

۳. معرفی فرزند گرامی اش به عنوان امام و جانشین بعد از خود به شیعیان، از راه نشان دادن او به برخی از خواص و یاران مورد اعتماد خویش.

در آن شرایط، اگر حضرت فرزندش را به عنوان آخرین امام به شیعیان معرفی می کرد، مطمئناً این کار پیامدهای ناگواری در پی داشت و این موضوع به سرعت توسط نفوذی های دستگاه خلافت افشا می شد و این امر با هدف نخست، یعنی حفظ وجود امام سازگار نبود؛ چون در آن شرایط که دستگاه خلافت، مراقبت شدیدی بر خانه امام عسکری علیه السلام داشت به طوری که اصحاب و یاران حضرت، نامه ها و سؤالاتشان را داخل عصا و چوب جاسازی و به حضرت ارسال می کردند اگر دستگاه خلافت از وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با خبر می شد، یقیناً آن حضرت را به قتل می رساند.

از این رو، امام حسن عسکری علیه السلام فرزند گرامی اش، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را تنها به افراد معدودی از بزرگان شیعه و یاران ویژه خود نشان داد و آنان را ضمن توصیه به رازداری، به پذیرش امامت فرزندش و پیروی محض از ایشان فراخواند تا شیعیان در مورد آخرین حجّت الاهی دچار انحراف نشوند.

در تاریخ، گزارش کسانی که مشرف به دیدار حضرت مهدی در دوران کودکی شده اند، ثبت شده است. (۱) برای مثال، محمد بن عثمان، دومین نایب خاص امام

ص: ۷۰

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوید: همراه با چهل نفر از شیعیان در خانه امام یازدهم گرد آمدم. آن حضرت فرزندش را به ما نشان داد و فرمود: «هَذَا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ أَطِيعُوهُ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا مِنْ بَعْدِي فِي أَدْيَانِكُمْ فَتَهْلِكُوا أَمَا إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا» (۱) او پس از من، امام شما و جانشین من است. از او فرمان برید و بعد از من در دین خود پراکنده نشوید که هلاک خواهید شد و بدانید که از این پس او را نخواهید دید».

شرایط خفقان بار حاکم بر آن روزگار، نشان دهنده دشواری و پیچیدگی تدابیر امام عسکری علیه السلام و حُسن عمل ایشان است؛ به طوری که علاوه بر انجام توأمانِ معرفی و مخفی نگه داشتن حضرت حجت، با شیوه های خاصی مردم را برای تحمل دوران غیبت آماده نمود و توانست خطرات سنگینی را که متوجه تاریخ و سرنوشت جامعه شیعی شده بود، به خوبی دفع نماید.

اما با شهادت امام عسکری علیه السلام غیبت صغری آغاز شد. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این دوره تنها با نمایندگان خاص خود ارتباط داشت و آنان

ارتباط سری شیعیان با امام علیه السلام را مدیریت می کردند. با فرا رسیدن غیبت صغری، دست دشمنان از آن وجود مقدس کوتاه شد و این یک تدبیر الهی بود تا از این طریق، آن امام یگانه از خطر دشمنان محفوظ بماند.

### دیدار خواص شیعه با آخرین منجی

چنان که در بخش قبل گذشت، امام عسکری علیه السلام فرزندش امام دوازدهم علیه السلام را به تعدادی از یاران خاص خود، معرفی کرد و نشان داد تا آنان مشاهدات خود را به دیگران گزارش دهند. بزرگانی هم چون ابوهاشم بن جعفر، معاویه بن حکم، محمد بن ایوب بن نوح، محمد بن عثمان بن عمری و... از جمله کسانی بودند که در زمان حیات امام عسکری علیه السلام موفق به دیدار و شرفیابی به حضور فرزندش، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شدند.

احمد بن اسحاق، از اصحاب و وکلای امام هادی و امام عسکری علیه السلام نیز از

ص: ۷۱

جمله کسانی بود که به دیدار حضرت حجّت در زمان پدر بزرگوارش مشرّف شد. مرحوم شیخ صدوق، با ذکر سند، گزارش آن دیدار را این گونه نقل کرده است:

احمد بن اسحاق می گوید: بر امام عسکری علیه السلام وارد شدم و می خواستم در مورد جانشین ایشان سؤال کنم؛ اما آن حضرت، خود، آغاز به سخن

کرد و فرمود: «ای احمد بن اسحاق! خدای تعالی از زمان آدم علیه السلام زمین را خالی از حجّت نگذاشته و تا روز قیامت نیز خالی از حجّت نخواهد گذاشت. به واسطه او بلا را از اهل زمین دفع می کند و به خاطر او باران می فرستد و برکات زمین را بیرون می آورد». پرسیدم: «ای فرزند رسول خدا! امام و جانشین پس از شما کیست؟» حضرت شتابان برخاست، داخل خانه شد و سپس برگشت در حالی که بر شانه اش کودکی سه ساله بود که صورتش مانند ماه شب چهارده می درخشید.

پس فرمود: «ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خدای تعالی و حجّت های او گرامی نبودی، فرزندم را به تو نشان نمی دادم. او هم نام و هم کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، کسی است که زمین را پر از عدل و داد می کند؛ هم چنان که پر از ظلم و جور شده باشد. ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت، مثل خضر و ذوالقرنین است. او غیبتی طولانی خواهد داشت که هیچ کس در آن نجات نمی یابد، مگر کسی که خدای تعالی او را در اعتقاد به امامت ثابت بدارد و در دعا به تعجیل فرج موفق سازد».

پرسیدم: «ای مولای من! آیا نشانه ای هست که قلبم بدان مطمئن شود؟» پس آن کودک به زبان عربی فصیح به سخن در آمد و فرمود: «أنا

بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمِ مِنْ أَعْدَائِهِ» ای احمد بن اسحاق! پس از مشاهده، جست و جوی نشانه مکن! «من شاد و خرم بیرون آمدم و فردای آن روز به نزد امام عسکری علیه السلام باز گشتم و گفتم: «ای فرزند رسول خدا! شادی من به واسطه منتی که بر من نهادید، بسیار است، بفرمایید آن سنتی که او از خضر و ذوالقرنین دارد چیست؟» فرمود: «ای احمد! غیبت طولانی». گفتم: «ای فرزند رسول خدا! آیا غیبت او به طول خواهد انجامید؟» فرمود: «به خدا سوگند چنین است تا غایتی که اکثر معتقدان به او باز گردند و باقی نماند مگر کسی که خدای تعالی عهد و پیمان ولایت ما را از او گرفته و ایمان را در دلش نگاشته و با روحی از

جانب خود مؤید کرده باشد. ای احمد بن اسحاق! این امر الاهی و سزای از اسرار ربوبی و غیبی از غیب های پروردگار است. آن چه به تو عطا کردم، نگه دار و پنهان کن و از شاگردان باش تا فردا در علین همراه ما باشی» (۱).

از دیگر شخصیت های مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام سعد بن عبدالله قمی است. وی که از بزرگان شیعه بوده است، همراه احمد بن اسحاق قمی، وکیل امام حسن عسکری علیه السلام برای طرح سؤالات و دریافت پاسخ آن ها به محضر امام یازدهم رسیده و جریان دیدار خود را بازگو کرده است.

سعد بن عبدالله نقل می کند: «هنگامی که به محضر امام عسکری علیه السلام مشرف شدیم، خواستم از ایشان سؤال کنم، اما امام عسکری علیه السلام به فرزندش اشاره کرد و فرمود: «از نور چشم سؤال کن!» در این هنگام، کودک رو به من کرد و فرمود: «هر چه می خواهی سؤال کن»... پرسیدم: «مقصود از کهیص چیست؟»

فرمود: «این حروف از خبرهای غیبی است. خداوند، بنده خود، زکریا را از آن آگاه ساخته و سپس آن را برای محمد صلی الله علیه و آله و سلم باز گفته است. داستان از این قرار است که زکریا علیه السلام از پروردگارش خواست تا نام های پنج تن را به او بیاموزد. خداوند متعال، جبرئیل را بر او فرستاد و آن نام ها را به او یاد داد. زکریا چون نام محمد صلی الله علیه و آله و سلم علی، فاطمه و حسن علیه السلام را بر زبان می آورد، اندوه و گرفتاری اش برطرف می شد؛ اما وقتی حسین علیه السلام را یاد می کرد، بغض گلویش را می گرفت و مبهوت می شد.

روزی گفت: «بارالها! چرا وقتی آن چهار نفر را یاد می کنم از اندوه ها و نگرانی هایم راحت شده و دل آرام می شوم؛ اما چون حسین علیه السلام را به یاد می آورم، اشکم جاری و ناله ام بلند می شود؟!» خداوند او را از داستان

حسین علیه السلام آگاه کرد و فرمود: «کهیص». پس «کاف» رمز کربلا، «هاء» رمز هلاکت خاندان، «یاء» کنایه از نام «یزید»، «عین» یادآور عطش و تشنگی حسین علیه السلام و «صاد» نشانه صبر و بردباری اوست».

ص: ۷۳

پرسیدم: «مولای من! چرا مردم از برگزیدن امام برای خود منع شده اند؟» فرمود: «امام مُصلح است یا مفسد؟» گفتم: «امام مُصلح». فرمود: «با توجه به این که هیچ کس از درون دیگری آگاه نیست و نمی داند که آیا به صلاح و درستی می اندیشد یا فساد و تباهی، آیا احتمال ندارد که برگزیده مردم، تبهکار باشد؟» گفتم: «آری»، فرمود: «دلیل این امر، همان است». (۱)

## نام و القاب آخرین منجی

امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف «محمد» نام دارد و هم نام جدش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است. (۲) این نام گذاری، بر اساس حدیثی که شیعه و سنی آن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند، توسط خود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اعلام شده است. ایشان فرمود: «مهدی از فرزندان من است، نام او هم نام من و کنیه

او (ابوالقاسم) هم کنیه من است». (۳)

در بعضی از روایات، از تصریح به نام آن حضرت منع شده است. (۴) به همین جهت، بسیاری از علمای شیعه از ذکر صریح نام مبارک ایشان خودداری می ورزند. ظاهراً هدف از این منع با توجه به قرائن و شرایط زمان اعلام آن مخفی نگه داشتن امام و مشخصات اسمی وی از مخالفان است، تا دشمنان آن حضرت نتوانند به وی دست یابند؛ لذا این روایات را می توان به دوران اختفا، یعنی زمان کودکی و زندگی پنهانی آن امام علیه السلام که امکان تعقیب و جست و جوی حضرت وجود داشت، حمل نمود.

معروف ترین القاب آن حضرت عبارت است از: مهدی، قائم، منتظر، حجت، خَلَف صالح، ابوالقاسم، بقیت الله، صاحب الامر، صاحب الزمان و ولی عصر، که مشهورترین آن، مهدی است. (۵)

ص: ۷۴

- ۱- ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۹۰.
- ۲- ر.ک: ینابیع الموده، ص ۴۹۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۷.
- ۳- ر.ک: العمده، ص ۴۳۳؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۶۷.
- ۴- ر.ک: الغیبه، نعمانی، ص ۲۹۹.
- ۵- ر.ک: اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۴؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۸-۴۲.

## نسب آخرین منجی

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از تبار ابی طالب و عبدالمطلب، (۱) هاشمی، قرشی و کنانی است. (۲)

ایشان ذریه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم، (۳) از اولاد حضرت فاطمه علیها السلام (۴) و علی علیه السلام، (۵) نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه السلام (۶) و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام (۷) است.

در مورد نام و ملیت مادر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل های متفاوتی وجود دارد. در روایت معروف جناب حکیمه، دختر امام جواد و عمه امام عسکری علیه السلام نام مادر امام مهدی، «نرجس» ذکر شده است. (۸) در برخی نقل ها نیز از وی با نام هایی چون ریحانه، سوسن، صیقل و... یاد شده است. (۹)

ممکن است این اسامی که همگی نام گل هستند از سوی جناب حکیمه به وی لقب داده شده باشد؛ اما نام اصلی ایشان همان نرجس است که در روایت حکیمه، امام عسکری علیه السلام وی را بدان نام یاد کرده است.

## شمایل آخرین منجی

در روایات، آن حضرت از نظر شمایل و ویژگی ها و سیمای ظاهری، به جدش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تشبیه شده است.

در برخی از این روایات آمده است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چهره گندم گون، چشمان سرمه کشیده، ابروان کمانی، بینی باریک و کشیده و ریش پرپشت دارد. (۱۰) او دارای

ص: ۷۵

۱- ر.ک: عقد الدرر، ص ۱۹۷ .

۲- ر.ک: مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۱۱۵؛ عقد الدرر، ص ۴۲-۴۴.

۳- ر.ک: سنن ابن داود، ج ۴، ص ۱۰۷؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷؛ الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۶۷۲.

۴- ر.ک: شرح الاخبار، ج ۳، ص ۵۶۷؛ سیر اعلام النبلا، ج ۱۰، ص ۶۶۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۲ ص ۱۳۶۸ .

۵- ر.ک: العمده القاری، ص ۴۳۹.

۶- ر.ک: عقد الدرر، ص ۱۳۲، دلائل الامامه، ص ۴۷۵ .

۷- ر.ک: ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۱۵.

۸- ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۲۴-۴۲۶؛ اثبات الوصیه، ص ۲۴۸؛ الارشاد، ص ۳۹۰.

۹- ر.ک: الغیبه، طوسی، ص ۲۴۱.

۱۰- ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۶۸؛ ینابیع الموده، ج ۴ ص ۳۴۳.



دندان های درخشان، دندان های گشاده و پیشانی روشن و بلند است. (۱) سینه ای گشاده و کتف و شانه هایی قوی دارد. (۲) بر پشت او دو خال است که یکی به رنگ پوست وی و دیگری شبیه به خال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. (۳) رشته باریکی از مو بر سینه او روئیده که از وسط سینه تا ناف امتداد دارد (۴) و نیز دیگر خصوصاتی که در روایات بیان شده است.

## اوصاف آخرین منجی

### اشاره

در بینش اعتقادی شیعه، امام زمان علیه السلام و

دیگر اوصیای الهی، همانند خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارای ویژگی های منحصر به فرد و مقام های آسمانی و الهی هستند که مهم ترین آن عبارت است از علم، عصمت و امامت.

### الف) علم لدنی

علم امام، همانند علم پیامبر، لدنی (۵) است و گستره آن، غیب و شهود و گذشته و آینده را شامل می شود؛ چنان که در روایات بسیاری بدان تصریح شده است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أُعْطِيَ عِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَوَرِثَاهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ وَرِثَتَهُ» (۶) همه علوم گذشته و آینده تا قیامت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داده شده است و ما اهل بیت علیهم السلام همه آن علوم را از او به ارث برده ایم».

از سوی دیگر با توجه به اینکه وحی و قرآن کریم منبع همه علوم است، (۷) امام بر تمامی علوم شریعت و رموز قرآن کریم، مشرف و به تمامی مراتب قرآن، آگاه است.

در این زمینه امام باقر علیه السلام می فرماید: «مَا ادَّعَى أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ أَنَّهُ جَمَعَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ

ص: ۷۶

۱- ر.ک: کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۸۹؛ غایه المرام، ج ۷، ص ۱۰۲ .

۲- ر.ک: الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۶۹۱ .

۳- ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۵۳، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۶۸.

۴- ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۳۲۹؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۳۶؛ الغیبه، طوسی، ص ۲۳۳.

۵- برگرفته از آیه (مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ)؛ (سوره هود، آیه ۱).

۶- بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۲۹.

۷- (لَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ)؛ (سوره انعام، آیه ۵۹).

كَمَا أَنْزَلَ إِلَّا كَذَابٌ وَمَا جَمَعَهُ وَحَفِظَهُ

كَمَا نَزَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَّا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْأَثَمَةُ مِنْ بَعِيدِهِ؛ (۱) هیچ کس مدعی نیست که همه قرآن را به همان شکل که نازل شده جمع کرده، مگر شخص بسیار دروغگو. بلکه احدی قرآن را همان گونه که خداوند نازل کرده، جمع و نگه داری نکرده است جز علی بن ابی طالب علیه السلام و امامان پس از او».

نیز آن حضرت در سخنی دیگر فرمود: «مَا يَشِيءُ أَحَدٌ أَنْ يَدَّعَى أَنْ عِنْدَهُ جَمِيعَ الْقُرْآنِ كُلِّهِ ظَاهِرِهِ وَبَاطِنِهِ غَيْرَ الْأَوْصِيَاءِ؛ (۲) احدی نمی تواند مدعی شود که همه قرآن، از ظاهر و باطن، نزد او است، جز اوصیاء».

سلمه بن محرز نقل کرده است که شنیدم امام باقر علیه السلام فرمود: «إِنَّ مِنْ عِلْمٍ مَا أُوتِينَا تَفْسِيرَ الْقُرْآنِ وَ أَحْكَامَهُ وَ عِلْمَ تَغْيِيرِ الزَّمَانِ وَ حِدَاثَاتِهِ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ خَيْرًا أَسْمِعَهُمْ وَ لَوْ أَسْمِعَ مَنْ لَمْ يَسْمَعْ لَوْلَى مُعْرِضًا كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْ؛ از جمله علمی که به ما داده شده، تفسیر قرآن و احکام آن است و علم تغییر زمان و حوادث آن. هرگاه خدا خیر مردمی را بخواهد، آن ها را شنوا می سازد. کسی که گوش شنوا ندارد، از سخنی که به گوش او می رسد رو گردان است، گویی که آن که را نشنیده».

سپس اندکی از سخن باز ایستاد و پس از آن فرمود: «وَلَوْ وَجَدْنَا أَوْعِيَهُ أَوْ مُشْتَرِحًا لَقُلْنَا وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ (۳)؛ اگر

دل های وسیعی پیدا می کردیم که تاب تحمل حقایق را داشتند و اگر مردم نکته فهم و رازداری پیدا می شدند که مذاکره با آن ها وسیله آسایش خاطر بود، [آن چه خود می دانستیم، به آن ها] می گفتیم و خدا یاور ما است».

عبدالأعلى مولى آل سام نیز گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: «وَ اللَّهُ إِنِّي لَأَعْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ مِنْ أَوْلِهِ إِلَى آخِرِهِ كَأَنَّهُ فِي كَفِّي فِيهِ خَبْرُ السَّمَاءِ وَ خَبْرُ الْأَرْضِ وَ خَبْرُ مَا

ص: ۷۷

۱- الكافي، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲- الكافي، ج ۱، ص ۲۲۸.

۳- الكافي، ج ۱، ص ۲۲۹.

كَانَ وَ خَيْرٌ مَا هُوَ كَائِنٌ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: فِيهِ تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ؛ (۱) به خدا، من کتاب خدا را از اول تا آخرش می دانم چنان چه گویا در کف دست من قرار دارد. خبر آسمان و زمین و آن چه خواهد بود، در آن است و خدای عزوجل فرمود: در آن شرح هر چیزی است».

هم چنین عبدالرحمن بن کثیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که ایشان در تفسیر آیه (قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ) (۲) فرمود: «وَ عِنْدَنَا وَ اللَّهُ عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ؛ (۳) به خدا قسم، همه علم کتاب نزد ماست».

برید بن معاویه گوید: از امام باقر علیه السلام درباره معنای آیه (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) سؤال کردم.

حضرت فرمود: «إِيَّانَا عَنِّي وَ عَلَيَّ أَوْلْنَا وَ أَفْضَلْنَا وَ خَيْرُنَا بَعْدَ النَّبِيِّ؛ (۴) مقصود، ما هستیم و پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام اول و افضل و بهترین ما ائمه است».

احمد بن اسحاق قمی نقل کرده است: هنگامی که جهت تحویل وجوهات شرعی، خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدم، آن حضرت مرا به فرزند خردسالش محوّل کرد و فرمود: «ابن اسحاق! آن چه آورده ای بیرون بیاور تا فرزندم حلال و حرام آن را جدا کند». پس اولین کیسه را بیرون آوردم. آن کودک فرمود: «این کیسه از فلان شخص از فلان محله شهر قم است که در آن ۶۲ اشرفی است. ۴۵ اشرفی آن، بهای فروش زمین سنگلاخی است که صاحبش آن را از پدر خود ارث برده بود و ۱۴ دینار آن، بهای ۹ جامه ای است که فروخته و ۳ دینارش وجه اجاره دکان هاست».

امام عسکری علیه السلام فرمود: «فرزند عزیزم! راست گفתי. اکنون این مرد را راهنمایی کن که کدام حرام است». کودک با دقت تمام، سکه های حرام را مشخص کرد و علت حرام بودن آن ها را به روشنی بیان کرد!

ص: ۷۸

۱- الکافی، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲- سوره نمل، آیه ۴۰.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۲۲۹.

۴- الکافی، ج ۱، ص ۲۲۹.

آن گاه کیسه دیگری بیرون آوردم. آن کودک پس از بیان نام و نشان و محل سکونت صاحب آن فرمود: «در آن کیسه ۵۰ اشرفی است که

دست زدن بدان برای ما روا نیست». سپس علت ناپاکی آن اموال را یک به یک بیان کرد! آن گاه امام عسکری علیه السلام فرمود: «پسرم! راست گفتم». سپس رو به من کرد و فرمود: «همه را به صاحبش برگردان یا سفارش کن که آن ها را به صاحبانش برسانند و ما را بدان نیازی نیست».(۱)

## ب) عصمت

عموم مسلمانان درباره عصمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اتفاق نظر دارند؛(۲) اما اعتقاد به عصمت جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مختصات اندیشه شیعی است.

از دیدگاه شیعه، مقام امامت همانند مقام نبوت، یک منصب الهی و یک مقام آسمانی و فرابشری است که به انتصاب از سوی خداوند نیاز دارد و مهم ترین شرط آن نیز عصمت، یعنی مصونیت صد در صد از یک سو و گزینش الهی از سوی دیگر است. در حالی که اهل سنت قائل به لزوم عصمت امام و خلفای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمی باشند، بلکه آن را یک امر فقهی و مقام عرفی می دانند که با انتخاب و بیعت مردم ایجاد می شود.

اعتقاد اصیل شیعه به عصمت ائمه علیهم السلام مبتنی بر آیات قرآن و سخنان صریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره عصمت امامان است. قرآن کریم در برخی از آیات، به عصمت امامان علیه السلام اشاره کرده است؛ مانند آیه تطهیر: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)؛(۳) «همانا خداوند می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد» و نیز آیه اولو الامر: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ

ص: ۷۹

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۹۰.

۲- ر.ک: اوائل المقالات، ص ۶۲؛ عصمه الانبياء، ص ۲۶؛ عقائد الإمامیه، ص ۵۴.

۳- سوره احزاب، آیه ۳۳.

خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا»؛ (۱) «ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا و پیامبر او و اولوالامر را اطاعت کنید و اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید، هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید [و از آن ها داوری بطلبید]. این برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است».

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز جانشینان بعد از خود را با ویژگی عصمت معرفی فرموده است. برای نمونه، از ایشان روایت شده است: «أَنَا وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ

وَ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ»؛ (۲) من، علی، حسن، حسین و نه تن از فرزندان حسین، پاکیزه و معصوم از هرگونه گناه و اشتباهیم».

هم چنین آن حضرت خطاب به امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «أَنْتَ الْإِمَامُ أَبُو الْأَيْمَّةِ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُلْبِكَ أَيْمَةٌ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ وَ مِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمَلَأُ الدُّنْيَا قِسْطًا وَ عَدْلًا»؛ (۳) نیز در جای دیگری فرمود: «يُخْرِجُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةَ مِنْ الْأَيْمَةِ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ وَ مِنْهُمْ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّذِي يَقُومُ بِالدِّينِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»؛ (۴) از صلب حسین، نه امام معصوم و مطهر خارج خواهند شد که مهدی این امت، از آنان است و در آخر الزمان قیام می کند».

بر اساس این احادیث، جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همانند خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می بایست از هرگونه آلودگی و خطای فکری و عملی مصون باشند.

## ج) امامت

در اندیشه کلامی شیعه، امامت، طبق آن چه در قرآن کریم بیان شده، (۵) مقامی الهی است و معرفی مصداق آن بر عهده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز در معرفی

ص: ۸۰

۱- سوره نساء، آیه ۵۹.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۸۰؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۶؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۵۳؛ غایه المرام، ج ۱، ص ۱۹۵.

۳- غایه المرام، ج ۱، ص ۱۹۵.

۴- کفایه الأثر، ص ۱۳۵؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۱۱۷؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۳۱.

۵- ر.ک: سوره مائده، آیه ۵۵؛ سوره نساء، آیه ۵۹.

جانشینان خود، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عنوان دوازدهمین وصی و آخرین امام پس از خود ذکر فرموده است.

این دسته از احادیث نبوی دو گونه اند: برخی به طور عام از امامت امامان دوازده گانه خبر داده اند و برخی دیگر، به طور خاص، نام ائمه علیه السلام و مخصوصاً حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان کرده اند.

در برخی احادیث نبوی، تعداد جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منحصر در دوازده نفر ذکر شده که همگی قریشی تبارند. این احادیث بیشتر در مجامع حدیثی اهل سنت، نظیر صحیح مسلم، صحیح ابن حبان، جامع ترمذی، سنن ابی داود، سنن ابن ماجه، مسند احمد بن حنبل، مسند ابن جعد، مسند ابی یعلی، کنز العمال و... نقل شده است. مانند حدیث: «يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (۱) پس از من دوازده نفر جانشینان من خواهد بود» و حدیث «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ أَوْ يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (۲) همواره دین پایدار ماند تا قیامت فرارسد یا دوازده جانشین که همگی از قریش اند بر شما حکم فرما باشند».

در برخی از این احادیث، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از امامان بعد از خود با عنوان «دوازده امیر» یاد کرده است؛ مثلاً «يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا... كُلُّهُمْ مِنْ

قُرَيْشٍ» (۳) در برخی دیگر از این احادیث، عدد جانشینان پیامبر همانند عدد نقبای بنی اسرائیل بیان شده است؛ هم چون «إِنَّ عِدَّةَ الْخُلَفَاءِ بَعْدِي عِدَّةُ نُبُوءِ مُوسَى» (۴) «الْخُلَفَاءُ بَعْدِي إِثْنَا عَشَرَ كَعِدَدِ نُبُوءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (۵) و احادیث مشابه دیگر.

اما در نوع دوم احادیث معرفی خلفا، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ضمن تأکید بر دوازده نفر بودن جانشینان خود، به معرفی مصادیق این دوازده نفر پرداخته و آنان را اهل بیت خود دانسته است. در یک دسته از این احادیث، امیرمؤمنان علیه السلام اولین آنان و امام

ص: ۸۱

۱- مسند ابن جعد، ص ۳۹۰؛ الاحاد و المثانی، ج ۳، ص ۱۲۶.

۲- مسند احمد، ج ۵، ص ۸۶؛ مسند ابی یعلی، ج ۱۳، ص ۴۵۶.

۳- صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۲۷؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۹۴؛ سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۰.

۴- الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۳۵۰؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۸۹.

۵- الامالی، مفید، ص ۳۸۷؛ غایه المرام، ج ۲، ص ۲۷۱.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین آنان معرفی شده اند(۱) و اقرار به امامت آنان، مایه ایمان و انکار آنان سبب کفر شمرده شده است.(۲)

در برخی دیگر از این احادیث، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نه نفر از دوازده امام بعد از خود را از صلب امام حسین علیه السلام معرفی کرده و تصریح فرموده که آخرین آنان، حضرت قائم است.

به عنوان مثال، ابوذر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل

کرده است: «الْأئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ تَسَعَهُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ، ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَلَا إِنَّ مَثَلَهُمْ فِيكُمْ مَثَلُ سَيْفِيْنِهِ نُوحٍ مَنْ رَكَبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَ مَثَلُ بَابِ حِطَّةٍ فِي بَيْتِي إِسْرَائِيلَ؛(۳) امامان بعد از من دوازده نفرند. نه نفر آنان از نسل حسین هستند و نهمین آنان، قائم آنان است. آگاه باشید که داستان امامان دوازده گانه در میان شما همانند قضیه کشتی نوح است؛ پس هر کس به آنان متمسک شود، نجات می یابد و هر کس از آن دوری ورزد، هلاک می شود».

در بخشی دیگر از این دسته احادیث، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اسامی امامان بعد از خود را نیز بیان فرموده است. گاهی فقط اسامی مشترک میان ائمه علیهم السلام بیان شده است؛ مثل: «الْأئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلُهُمْ عَلِيٌّ وَ رَابِعُهُمْ وَ ثَامِنُهُمْ عَلِيٌّ وَ عَاشِرُهُمْ عَلِيٌّ وَ آخِرُهُمْ مَهْدِيُّ؛(۴) امامان بعد از من دوازده نفرند. اولین آنان، علی، چهارمین آنان، علی، هشتمین آنان، علی، دهمین آنان، علی و آخرین آنان مهدی است» یا «إِنَّ الْأئِمَّةَ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي عَلِيٌّ أَوْلُهُمْ وَ أَوْسَطُهُمْ مُحَمَّدٌ وَ آخِرُهُمْ مُحَمَّدٌ وَ هُوَ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّذِي يُصَلِّي عَيْسَى خَلْفَهُ؛(۵) امامان بعد از من دوازده نفر از اهل بیت من هستند. اولین آنان، علی، وسط آنان، محمد و آخر آنان،

محمد و مهدی این امت است؛ کسی که عیسی بن مریم در نماز به او اقتدا می کند» و گاهی بر اسامی تک تک ائمه علیهم السلام تصریح شده است.

ص: ۸۲

۱- الاعتقادات فی دین الامامیه، ص ۱۰۴؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۲.

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸۰.

۳- غایه المرام، ج ۳، ص ۲۲.

۴- معارج الیقین، ص ۶۲.

۵- کفایه الأثر، ص ۸۰؛ غایه المرام، ج ۲، ص ۲۳۸.

هنگامی که جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در باره جانشینان ایشان پس از علی علیه السلام سؤال می کند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ وی، تمامی امامان دوازده گانه را با اسامی و القاب شان معرفی نموده می فرماید: «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ثُمَّ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ فِي زَمَانِهِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ الْبَاقِرُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ سَتُدْرِكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا أَدْرَكَتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْكَاطِمُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ الرِّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ التَّقِيُّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ النَّقِيُّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الزَّكِيُّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ ابْنُهُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ مَهْدِيُّ أُمَّتِي الَّذِي يَمْلَأُ الْمَأْرُضَ قَسِيطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتَّ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛(۱) فرمود حسن و حسین دو سید جوانان اهل بهشت سپس سید العابدین زمان خود علی بن الحسین سپس باقر محمد بن علی ای جابر محققا او را درک کنی چون او را درک کردی از قول من به او سلام برسان سپس امام صادق جعفر بن محمد سپس کاظم موسی بن جعفر سپس رضا علی بن موسی سپس تقی محمد بن علی سپس نقی علی بن محمد سپس زکی حسن بن علی سپس پسرش قائم بالحق مهدی امت من آنکه زمین را پر از عدل و داد کند چنانچه پر از ظلم و جور شده است».

در حدیث معروف به «حدیث لوح» نیز آمده است: امام باقر علیه السلام از جابر بن عبدالله انصاری درخواست کرد که از آن چه در لوح حضرت فاطمه علیها السلام دیده است، خبر بدهد. جابر در پاسخ امام باقر علیه السلام عرض کرد: «خدا را شاهد می گیرم که من در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وارد خانه مادرت فاطمه شدم تا تولد فرزندش حسین علیه السلام را به او تبریک گویم. در دست دختر رسول خدا علیها السلام لوحی سبز رنگ دیدم که گمان کردم زمرده است. در آن لوح، نوشته هایی نورانی به چشم می خورد که مثل سفیدی نور خورشید در آن نقش بسته بودند. پرسیدم: ای دختر سول خدا! پدر و مادرم به فدایت، این چیست؟ فرمود: «هَذَا لَوْحٌ أَهْدَاهُ اللَّهُ إِلَيَّ رَسُولِهِ فِيهِ اسْمُ أَبِي وَ اسْمُ بَعْلِي وَ اسْمُ ابْنَتِي وَ اسْمُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِي وَ أَعْطَانِيهِ أَبِي لِيُبَشِّرَنِي بِذَلِكَ؛ این لوحی است که خداوند آن را به پدرم رسول خدا هدیه نموده است و در آن اسم پدرم

ص: ۸۳



و شوهرم علی و هر دو فرزندانم و اسامی دیگر اوصیا از فرزندانم ذکر شده است. پدرم آن را به من عطا نمود تا مرا شاد و مسرور نماید». آن گاه مادرت فاطمه، آن لوح را به من نشان داد و من آن را خواندم و از آن نسخه برداری کردم. پس از آن، جابر بنا به درخواست امام باقر علیه السلام نسخه مکتوب خود را به حضرت نشان داد که در آن، اسامی هر کدام از امامان دوازده گانه با

توصیفات خاص، ذکر شده بود. (۱)

□□□

ص: ۸۴

---

۱- ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۵۲۷؛ الامامه و التبصره، ص ۱۰۴؛ الإختصاص، ص ۲۱۰.

بخش چهارم: غیبت آخرین منجی

اشاره

ص: ۸۵

یکی از مهم ترین مقاطع تاریخ زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دوران طولانی غیبت آن حضرت است. این دوره، با توجه به ویژگی های اسرار آمیز آن و قطع ارتباط مستقیم جامعه با امام، تأثیرات عمیق و بنیادینی بر حیات دینی و سیاسی جامعه اسلامی داشته است.

دوران غیبت، به دلیل محرومیت مردم از برکات حضور امام و مدیریت معصومانه مقام امامت، پیامدهای ناگواری را به همراه داشته که مهم ترین آن، درهم آمیختگی حق و باطل و میدان داری مظاهر گوناگون فتنه، ظلم، فساد و طاغوت در جامعه است. بدیهی است که در این شرایط، شناخت مسیر هدایت و ثبات و پایداری در آن، بسی دشوار بوده و حرکت رو به آینده جامعه بشری با چالش های گوناگونی مواجه خواهد بود.

در این فصل، به مهم ترین فرازهای مربوط به این دوره از زندگی آن یگانه دوران و امید زمین و زمان می پردازیم.

### معناشناسی غیبت

واژه «غیبت» و «غیب» در لغت به معنای پوشیده بودن و مخفی بودن از انظار است. ابن فارس در معجم مقایس اللغه ذیل واژه غیب گفته است: «یدل علی تستر الشیء عن العیون؛<sup>(۱)</sup> غیب دلالت بر پنهان بودن چیزی از چشم ها می کند». این واژه برخلاف واژه «ظهور» است که بر آشکار بودن چیزی دلالت دارد: «یدل علی قوه و بروز، ظهر الشیء اذا انکشف».<sup>(۲)</sup>

ص: ۸۶

---

۱- معجم مقایس اللغه، ذیل کلمه «غیب».

۲- معجم مقایس اللغه، ذیل کلمه «ظهر».

شناخت پیشینه تاریخی غیبت، دو اثر مثبت را به همراه دارد: یکی محسوس شدن موضوع برای سهولت پذیرش مردم یعنی تبیین این مسأله که غیبت یک پدیده جدید و نوظهور نیست تا کسی بگوید این مسأله غیرعادی است و با عقل سازگار نمی باشد و دوم، اتصال حوادث مشابه در سلسله تاریخ و استفاده از تجربه و حوادث گذشته در فهم مسائل آینده.

بی شک موضوع غیبت و پنهان زیستی، پدیده ای بدیع و بی سابقه نیست که برای اولین بار و تنها درباره آخرین حجت الهی روی داده باشد؛ بلکه این پدیده قبلاً نیز در میان

اولیای الهی سابقه داشته است. از روایات فراوان استفاده می شود که تعدادی از پیامبران بزرگ الهی، بخشی از زندگی خود را پنهانی و در غیبت به سر برده اند و این امر به جهت حکمت و مصلحت خدایی بوده است، نه یک خواسته شخصی یا مصلحت خانوادگی.

براساس آیات و روایات، موضوع غیبت یکی از سنت های دیرینه خداوندی بوده است که گاه گاه در مقاطعی از تاریخ زندگی برخی انبیا و اولیا دیده شده است. قرآن کریم در آیات متعددی به جاری شدن این سنت الهی در زندگی برخی از پیامبران گذشته اشاره کرده است. (۱) روایات نیز از وقوع غیبت در زندگی برخی از انبیا خبر داده اند؛ پیامبرانی چون: ادریس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی، شعیب، الیاس، سلیمان، دانیال، عیسی و... علیه السلام. (۲)

برای مثال، حضرت یونس علیه السلام بعد از آن که امتش را انذار کرد و آن ها هدایت نشدند، آن ها را نفرین کرد؛ در حالی که اولی این بود که سعه صدر به کار برد و تحمّل کند. خداوند هم به جهت این ترک اولی، او را کیفر کرد و در شکم ماهی گرفتار نمود. از

این رو، حضرت یونس علیه السلام مدت زیادی از قومش غائب بود.

حضرت صالح علیه السلام نیز مدتی طولانی از میان مردم غائب بود و چون شکل و قیافه

ص: ۸۷

۱- سوره غافر، آیه ۵۸؛ سوره فتح، آیه ۲۳؛ سوره اسراء، آیه ۷۷.

۲- ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۴ - ۳۰۰.

آن حضرت پس از بازگشتن به جامعه تغییر کرده بود، مردم در قبال ایشان به سه دسته تقسیم شدند؛ یک عده منکر رسالت و نبوت حضرت شدند، یک عده درباره ایشان شک کردند و یک عده هم ایشان را پذیرفتند.

### ماهیت شناسی غیبت آخرین منجی

در خصوص ماهیت و چیستی غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و این که آیا غیبت آن حضرت، نوعی پنهان زیستی طبیعی است یا نتیجه به کارگیری عوامل قاهر غیرطبیعی، دو نگرش متفاوت وجود دارد.

پیروان شیخیه (۱) به رهبری «شیخ احمد احسائی» غیبت را نوعی خروج از حالت طبیعی، تلقی می کنند و زندگی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت را در عالمی متفاوت از این عالم تصور

می نمایند. از نظر آنان، حضرت هم اکنون در عالمی روحانی و مجرد، به نام «عالم هورقلیا» و در شهری به نام «جائلقا و جابرسا» زندگی می کند! (۲)

آنان معتقدند امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت، در شرایطی منقطع از عالم ماده و با بدن غیرعنصری زندگی می کند؛ به همین جهت، در این دوران از عوارض طبیعی، مثل پیری ناشی از طول عمر و... به دور خواهد بود.

روشن است که بر اساس تلقی شیخیه، غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای ماهیتی کاملاً غیرطبیعی و به معنای خروج از زندگی عادی و استقرار در شرایط غیرمعمول و عالمی متفاوت با این عالم است.

عقاید شیخیه به منظور حل چندین مسأله مهم کلامی و اعتقادی، مانند معاد جسمانی، مسأله معراج جسمانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و پدیده غیبت و حیات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در طول دوران غیبت شکل گرفته است. آنان این فرضیه را تنها محمل

ص: ۸۸

---

۱- فرقه شیخیه یا کشفیه، در اوائل قرن ۱۳ق به وسیله احمد بن زین الدین، معروف به شیخ احمد احسائی (۱۱۶۶-۱۲۴۱ ق) پدید آمد. افکار عجیب و قرائت های غیرمقبول وی از آموزه ها و تعالیم دینی، سبب انحرافات گوناگون در جامعه تشیع شد. افکار و برداشت های ناروای وی، زمینه را برای پیدایش فرقه های انحرافی دیگر، مثل «بابیه» و «بهائیه» هموار نمود.

۲- ر.ک: جوامع الکلم، شیخ احمد احسائی، رساله دوم، شیخی گری، بابی گری، ص ۷۴.

صحیح برای حل مسأله طول عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت پنداشته اند.

در حالی که این نوع تلقی نسبت به پدیده غیبت با تفاسیر مبهم و اصطلاحات نامفهومی

که در دیدگاه شیخیه دیده می شود، از چند جهت مخدوش و غیرقابل پذیرش است:

اولاً در متون دینی ما هیچ دلیل و شاهی بر اثبات ادعاها و عناوین نامفهومی نظیر «بدن هورقلیایی» و امثال آن وجود ندارد.

ثانیاً این تلقی نه تنها توجیه عقلانی نداشته، بلکه با مبانی کلامی شیعه در مورد موضوع امامت و شئون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ناسازگار است و با حیثیت پیشوایی و الگویی مقام امامت منافات دارد؛ زیرا در فرض انتقال امام به عالمی مجرد، روحانی، مثالی و به اصطلاح هورقلیایی و قطع ارتباط آن حضرت با زمینیان، سنخیت لازم میان امام و مأموم وجود نخواهد داشت و امام همانند یک فرشته خواهد بود. بدیهی است که هم چنان که فرشتگان مقرب الهی، مثل جناب جبرائیل علیه السلام و میکائیل علیه السلام نمی توانند الگو و پیشوای آدمیان باشند، شخص متعلق به آسمان و بریده از زمین نیز نمی تواند برای آدمیان پیشوا و الگو باشد.

ثالثاً دیدگاه شیخیه، علاوه بر ابهامات درونی، دارای تناقضات فراوانی است که بررسی نتایج باطل و پیامدهای منفی آن، خارج از موضوع بحث ما است.

در مقابل این دیدگاه، نگرش دیگری وجود دارد که تلقی درست از پدیده غیبت امام

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را تنها مبتنی بر تحلیل طبیعی از زندگی آن حضرت می داند. دیدگاه علمای شیعه امامیه در مقوله غیبت، بر این تحلیل استوار است. از نظر امامیه، پدیده غیبت دارای ماهیتی طبیعی است، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت، در همین عالم طبیعت و با بدن عنصری حضور دارد و زندگی غائبانه ایشان به صورت طبیعی و با حضور ناشناس در میان مردم جریان دارد.

براساس این دیدگاه، در این دوران، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند دیگر انسان ها از غذا، پوشاک و مسکن طبیعی استفاده می کند و حیاتی کاملاً طبیعی دارد؛ با این تفاوت که ایشان، بنا به مصالحی که خداوند در این امر قرار داده و آخرین حجت خود را برای

اهدافی عالی ذخیره کرده از نظرها پنهان و غایب است، تا زمانی که شرایط برای تحقق اهداف الهی فراهم گردد و امر ظهور آن حضرت فرا رسد.

بنابراین، وجه نخست، اگرچه از نظر ثبوتی فاقد محذورات عقلانی است، اما از نظر اثباتی، نمی توان آن را به صورت موجب کلیه پذیرفت و محمل صحیحی برای توجیه مسأله غیبت دانست؛ زیرا مرجع قضاوت در این خصوص، لسان روایات است.

از ظاهر روایات بر می آید که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

در عصر غیبت همانند زمان حضور، به طور طبیعی و با جسم عنصری زندگی می کند، نه مانند یک موجود نامرئی که بدن مثالی و زندگی صرفاً روحانی دارد؛ چنان که فرقه شیخیه دچار این پندار باطل شده اند. پس دلیلی بر استفاده از شیوه اعجاز به صورت مداوم برای پنهان زیستی حضرت وجود ندارد. این دیدگاه، هم از توجیه عقلانی و هم از شواهد و مؤیدات نقلی برخوردار است که در قسمت های بعد بدان اشاره خواهد شد.

### شیوه شناسی غیبت آخرین منجی

#### اشاره

بحث از چگونگی غیبت، در حقیقت، نتیجه و تابع چگونگی نگرش به ماهیت پدیده غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در این جا پرسش اصلی درباره شیوه ها و مکانیسم ناپیدا بودن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از انظار عموم است؛ به عبارت دیگر، در این بخش، درصدد پاسخگویی به این سؤال هستیم که آیا مخفی بودن امام از دید مردم، به معنای نامحسوس بودن و عدم رؤیت جسم شریف ایشان است یا به معنای ناشناس بودن حضرت در میان مردم؟ آیا غیبت حضرت از نوع «غیبت شخص» است یا «غیبت عنوان»؟<sup>(۱)</sup>

در تحلیل چگونگی پنهان زیستی حضرت، دو شیوه که هر کدام دارای نتایج متفاوت از دیگری است قابل طرح است؛ یکی مبتنی بر استفاده از نیروی اعجاز و به-

ص: ۹۰

---

۱- منظور از «غیبت شخص» عدم رؤیت جسم و دیده نشدن وجود فیزیکی امام است؛ اما مراد از «غیبت عنوان» ناشناس بودن حضرت در میان مردم و عدم آگاهی آنان نسبت به هویت امام می باشد.

کارگیری ولایت تکوینی و کرامات و دیگری بر پایه روش طبیعی استوار است.

طرح این دو تحلیل در تبیین مکانیسم غیبت، از این جهت دارای اهمیت است که می‌تواند مبنای دو رویکرد در بیان ماهیت غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. این دو رویکرد، ریشه در دو دستگی و اختلاف ظاهر روایاتی دارد که در مورد چگونگی غیبت و کیفیت پنهان زیستی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت وارد شده‌اند و هر کدام می‌توانند محملی برای تبیین چگونگی زندگی غائبانه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تلقی گردند. این امر، منشأ پیدایش این دو رویکرد و اختلاف نظر در این مورد شده است که هر کدام دلایل خاص خود را دارد.

### الف) شیوه اعجاز

این وجه، یعنی غیبت شخص و نامرئی بودن جسم شریف حضرت از دید مردم در دوران غیبت، مبتنی بر مکانیسم اعجاز است؛ با این تحلیل که پنهان زیستی و خفای حضرت، ناشی از تصرفات

تکوینی است که از ناحیه امام و به اذن الاهی صورت می‌گیرد.

این نوع تصرفات تکوینی، به دو شیوه ممکن است صورت پذیرد: اول، تصرف در سیستم بینایی افراد؛ یعنی امام با تصرفات ولایی خویش، مانع از دیدن خود توسط افراد می‌شود. دوم، تصرف در مکان حضور، به این معنا که امام در فضا و مکانی که در آن جا حضور دارد تصرف می‌کند تا آن مکان در چشم افراد، خالی از حضور امام دیده شود و خطری متوجه وجود ایشان نگردد.

مدعای اصلی در این تحلیل، ناپدید شدن جسم فیزیکی حضرت از راه تصرفات تکوینی است و منظور از غیبت، دیده نشدن و عدم رؤیت جسم امام توسط مردم می‌باشد که مستلزم به کارگیری قدرت اعجاز و خروج از حالت طبیعی است.

براین اساس، آن چه در نهان زیستی و ناپدید شدن امام از دیده‌ها نقش دارد، استفاده از تصرفات تکوینی ولایی و به کارگیری قدرت اعجاز برای دوری حضرت از دید مردم و حفاظت از خطر دشمنان است.



مستند این تحلیل، برخی روایاتی است که به حسب ظاهر، دلالت بر عدم امکان رؤیت امام علیه السلام از سوی مردم دارد؛ روایاتی که در آن

تعبیری مانند: «لَا يُرَى جِسْمُهُ وَلَا يُسَمَّى اسْمُهُ»<sup>(۱)</sup>، «إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ»<sup>(۲)</sup>، «يَفْقِدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ، يَشْهَدُ الْمَوْسِمَ فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْنَهُ»<sup>(۳)</sup>، «يَرَى النَّاسَ وَلَا يَرَوْنَهُ»<sup>(۴)</sup> به کار رفته است.

ظاهر این عبارات، گویای آن است که جسم حضرت دیده نمی شود و امکان مشاهده امام علیه السلام در زمان غیبت وجود ندارد؛ زیرا این دسته از روایات نشان می دهد که حضور امام در جوامع، یک جانبه است؛ یعنی ایشان مردم را می بیند، ولی خود دیده نمی شود. تعبیر به کار رفته در این روایات به حسب ظاهر بیانگر آن است که عدم رؤیت امام، معلول تصرفات ولایی آن حضرت است؛ و الا- اگر امام علیه السلام همانند دیگران حضور معمولی داشته باشد، طبیعتاً می بایست توسط حاضران رؤیت شود.

### ب) شیوه طبیعی

این وجه، یعنی ناشناس بودن حضرت میان مردم، مبتنی بر روش طبیعی و عادی است. این محمل، محذورات روش قبلی را نداشته و بر یک تحلیل معقول استوار است.

به این معنا که با توجه به شواهد قرآنی و روایی، سنت الهی ایجاب می کند که زندگی

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت، همانند زندگی سایر پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام به روال عادی و طبیعی جریان داشته باشد. زیرا این رویه به عنوان یک اصل عام عقلایی، مبنای زندگی جامعه انسانی است و زندگی پیامبران و اولیای الهی نیز از این قاعده مستثنی نبوده، مگر در موارد خاصی که حکمت یا مصالح مهمی با این رویه، قابل حصول نبوده باشند.

در این گونه موارد خاص، نیروی قهری و دست اعجاز به کار افتاده است تا از

ص: ۹۲

۱- الکافی، ج ۱، ص ۳۳۳؛ مسند الإمام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۸.

۲- علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۴۵؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۲.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۳۳۸؛ الغیبه، نعمانی، ص ۱۷۵.

۴- الغیبه، نعمانی، ص ۱۷۵.

طرق غیرعادی و با شیوه اعجاز، آن اهداف و مصالح عالیّه تحقق یابد. در غیر این صورت، زندگی برگزیدگان الهی به روال عادی و طبیعی جریان داشته و دارد.

براساس این تحلیل، خدای حکیم، جریان غیبت آخرین حجت را به گونه ای تدبیر و تنظیم نموده که آن حضرت بدون نیاز به نیروی اعجاز و با زندگی طبیعی، از راه خفای عنوان و ناشناس بودن، از خطر دشمنان مصون بماند. در این تدبیر الهی، زندگی غائبانه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت عادی و طبیعی جریان دارد و این روال هیچ گاه با مشکل و بن بست لاینحلی مواجه نخواهد شد که امام علیه السلام ناگزیر از به کارگیری شیوه اعجاز گردد؛

زیرا تدبیر حکیمانه الهی برای حفظ آن وجود مقدّس، گم نامی و ناشناس بودن را وسیله حراست وی قرار داده تا هم وجود آن حضرت از گزند دشمنان مصون بماند و هم به دور از تنگناهای سیاسی اجتماعی، به زندگی شخصی خود ادامه دهد و نیازی به استفاده از نیروی قهری و غیبی پدید نیاید.

با این نگاه، تفاوت زندگی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف با انبیای الهی و دیگر اولیای معصوم علیهم السلام صرفاً در تفاوت اهداف، شرایط و اقتضائات حاکم بر زندگی ایشان است؛ بدین معنا که زندگی خاتم اوصیا صلی الله علیه و آله و سلم متضمن اهداف و رسالت ویژه ای است که تحقق آن، نیاز به فراهم شدن شرایط و اقتضائات خاصّی دارد که بدون گذشت زمان طولانی میسر نخواهد شد.

این امر، وی را ناچار به پنهان زیستی و هجرت طولانی نموده است؛ غیبت و عزلتی که هرگز به معنای نفی حضور ایشان از جوامع یا عدم نظارت و اشراف ایشان بر جریان امور نیست؛ بلکه این دوری گزینی از سر ناچاری و بنا به مصالح بزرگی است که فلسفه وجود ایشان است. به عبارت دیگر، می بایست به هر شکل ممکن، آن یگانه دوران باقی بماند؛ هرچند به قیمت هزاران سال استتار و تحمّل مظلومیت و غربت.

وجه اشتراک این دو دیدگاه، تأکید بر لزوم حضور فیزیکی امام علیه السلام در جامعه و نیز ضرورت حفظ جان حضرت از راه پنهان زیستی است. اما نقطه اختلاف آن دو در چگونگی و تحلیل نحوه غیبت ایشان است.

برای تشخیص نحوه زندگی حضرت در دوران غیبت، می‌بایست به روایات مراجعه نمود؛ اما چنان که اشاره شد، در روایات، تعبیر به کار رفته در مورد وضعیت زندگی حضرت، دو گونه است؛ برخی خفای شخص را می‌رساند و برخی دیگر دلالت بر خفای عنوان دارد؛ نظیر روایاتی که در آن با تعبیر «بِرَوْنَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ»<sup>(۱)</sup> به دیدن حضرت توسط مردم تصریح شده است.

اگرچه در نگاه اول، ظاهر این روایات، متعارض به نظر می‌رسد، اما با دقت و تأمل در مضمون و کلمات به کار رفته در آن‌ها، معلوم می‌شود که میان شان تعارض و تنافی وجود ندارد؛ زیرا تعبیر «لَا تَرَوْنَ وَ لَا يَرَوْنَهُ» در روایات دسته اول، در صورتی می‌تواند نفی رؤیت را افاده کند که ماده «رَأَى» در هر دو مورد استعمال، دارای معنا و کاربرد واحدی باشد تا از نفی و اثبات آن چنین نتیجه‌ای به دست آید. در حالی که این ماده در این روایات،

کاربرد دوگانه دارد؛ یعنی هم به معنای دیدن و ندیدن با چشم سر استعمال می‌شود و هم تسامحاً به معنای کنایی و عرفی؛ یعنی نشناختن، تشخیص ندادن و عدم توجه و التفات.

در روایات و برخی از آیات نیز این دو نوع کاربرد در ماده «بِرَى» دیده می‌شود؛ چنان که امیر المؤمنین علیه السلام در توصیف نحوه حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت می‌فرماید: «فَوَرَبِّ عَلِيٍّ إِنَّ حُجَّتَهَا عَلَيْهَا قَائِمَةٌ مَا شَدِيئُهُ فِي طُرُقِهَا دَاخِلَةٌ فِي دُورِهَا وَ قُصُورِهَا جَوَّالَةٌ فِي شَرْقِ هَذِهِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَ تُسَلِّمُ عَلَى الْجَمَاعَةِ تَرَى وَ لَا تُرَى»<sup>(۲)</sup> به خدای علی سوگند، همانا [در آن زمان] حجت‌الاهی در جاده‌ها راه می‌رود، وارد خانه‌ها و قصرهای مردم می‌شود، در شرق و غرب این زمین رفت و آمد می‌کند، سخنان مردم را گوش می‌دهد و بر آنان سلام می‌فرستد، مردم را می‌بیند و مردم او را نمی‌نگرند».

در این روایت، تعبیر «لَا تُرَى» به قرینه «تُسَلِّمُ عَلَى الْجَمَاعَةِ» به معنای نشناختن به-

ص: ۹۴

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۵۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۴.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۱۴۴.

کار رفته است، نه به معنای ندیدن؛ چنان که در آیه (إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا) (۱) منظور از «یَرَوْنَهُ» و «نَرَاهُ» قطعاً رؤیت و دیدن با چشم

سر نیست، بلکه این واژه به معنای پنداشت و باور به کار رفته است. هم چنان که در محاورات عرف نیز گاهی تسامحاً در مورد پیش بینی و اظهار نظر پیرامون یک موضوع، تعابیر «می بینم» یا «نمی بینم» به کار برده می شود.

بنابراین، چون در لسان آیات و روایات و نیز در تفاهم عرف، کلمه «یَرَى» گاهی به معنای کنایی استعمال شده و عدم التفات نسبت به چیزی، به منزله ندیدن آن تلقی می گردد، لذا تعبیر «لَمَّا يَرَى» در روایات دسته اول نیز تعین در معنای نفی رؤیت ندارد، یا دست کم، هر دو احتمال در مفاد آن مطرح است.

از این رو، نه تنها میان این دو دسته از روایات، تعارضی دیده نمی شود، بلکه «لَمَّا يَرَى» و «لَمَّا يَرَوْنَ» و «لَمَّا يَرَوْنَهُ» در روایات دسته اول نیز به معنای عدم شناخت حمل می شوند. قرینه این حمل نیز روایاتی است که وضعیت حضرت در زمان غیبت را به وضعیت یوسف پیامبر علیه السلام و رابطه او با برادرانش تشبیه کرده، یا روایاتی که از زندگی طبیعی و معمولی حضرت و حضور ناشناس او در میان مردم و رفت و آمد او در شهرها خبر داده است. این گونه روایات می تواند روایات دسته اول را تفسیر و ابهام مفاد آن را برطرف نماید.

هم چنین صراحت کلام دومین نایب خاص حضرت، جناب محمد عثمان عمری، مؤید این دیدگاه است. وی سوگند یاد می کند: «وَاللَّهِ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيَحْضُرُ الْمُؤَسِّمَ كُلَّ سَنَةٍ فَيَرَى النَّاسَ وَيَعْرِفُهُمْ وَيَرَوْنَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ» (۲) به خدا سوگند، صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف هر ساله در مراسم حج شرکت می فرماید. او حاجیان را می بیند و می شناسد، آنان نیز حضرت را می بینند، اما نمی شناسند».

این سخن نیز قرینه روشنی بر خفای عنوان و ناشناس بودن حضرت است؛ زیرا

ص: ۹۵

- ۱- «آنان (کفار) آن روز (قیامت) را دور می بینند و ما آن را نزدیک می بینیم». سوره معارج، آیات ۶ و ۷.
- ۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۰؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۰.

اگر چه حدیث معصوم محسوب نمی شود و کلام نایب خاص حضرت است، اما در بردارنده مضمون روایاتی است که از عدم شناخت حضرت توسط مردم سخن به میان آورده اند.<sup>(۱)</sup>

مضافاً بر این که خفای شخص، مستلزم خروج از حالت عادی و زندگی طبیعی است؛ چون خفای شخص صرفاً با استفاده از قدرت اعجاز ممکن است؛ در حالی که دلیلی برای استفاده از نیروی اعجاز، جز در موارد خاص، وجود ندارد. سنت الاهی بر این است که در عالم

طبیعت، جریان امور به صورت عادی صورت پذیرد و چون اعجاز برخلاف روند طبیعی و قانون جاری عالم است، استفاده از آن محدود به موارد خاصی است.

براین اساس می توان گفت: حضرت در زمان غیبت به طور عادی و با خفای عنوان زندگی می کند؛ مگر در موارد خاصی که استفاده از قدرت اعجاز برای خفای شخص و جسم ایشان ضرورت یابد. روایاتی که در آن تعبیر «لَا تَرَوْنَهُ» و امثال آن به کار رفته است نیز مبین ناشناس بودن حضرت است، نه نامرئی بودن جسم ایشان.

### گونه شناسی غیبت آخرین منجی

غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بنا به مصالحتی، در دو مرحله کوتاه مدت و درازمدت انجام پذیرفت که اصطلاحاً «غیبت صغری» و «غیبت کبری» خوانده می شود.

با شهادت امام عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری قمری، غیبت کوتاه مدت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آغاز شد. از این دوره که تا سال ۳۲۹، یعنی حدود ۷۰ سال به طول انجامید به دلیل محدودیت زمانش، به غیبت صغری تعبیر می شود. این دوره، نقش بسیار مهمی در ایجاد آمادگی شیعه برای ورود به دوران غیبت کبری داشته است.

با سپری شدن مرحله کوتاه مدت غیبت، دوره غیبت کبری آغاز شد. ویژگی مهم این دوره، دو چیز است؛ یکی کامل بودن غیبت و قطع ارتباط علنی و پایان نمایندگی

ص: ۹۶

---

۱- نظیر آن چه از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «و اما سُنَّتُهُ مِنْ يُوسُفَ فَالَسَّتْرُ يَجْعَلُ اللّٰهُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْخَلْقِ حِجَاباً يَرَوْنَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۵۱).

افرد خاص و دوم، طولانی بودن زمان غیبت. این دوره تا زمانی که اذن خدا بر ظهور تعلق گیرد و زمینه های پذیرش رهبری و حکومت جهانی حضرت از نظر عده و عده فراهم گردد، ادامه خواهد داشت.

### زمینه شناسی غیبت آخرین منجی

غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بزرگترین آزمایش برای شیعیان بود تا پایداری ایمان و ثبات قدم آنان بر ولایت اهل بیت علیهم السلام مورد سنجش قرار گرفته و انسان های مؤمن و ثابت قدم از افراد سست ایمان متمایز شوند.

بدون شک، غیبت و قطع ارتباط معمولی جامعه شیعه با رهبری و امام معصوم، یکی از اتفاقات سخت و بحران آفرین تاریخ شیعه به شمار می آید؛ به گونه ای که اگر در این باره تدابیر ویژه ای از سوی امامان پیشین علیه السلام اندیشیده نمی شد، جامعه شیعه با انحراف عظیم هویتی مواجه می گشت.

از این رو، از همان روزهای نخست، یعنی از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تا دوره امام عسکری علیه السلام با تمهیدات و تلاش های پیگیر آن بزرگواران،

زمینه ها و مقدمات آماده سازی افکار عمومی برای غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده شد.

به طور قطع، اگر تدابیر حکیمانه شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام به ویژه امام عسکری علیه السلام نمی بود، این پیشامد، یعنی فقدان رهبری در جامعه شیعی می توانست شیعیان را با بحران های جدی و دشواری مواجه نماید؛ اما پیشگویی ها و دوران دیشی ها توانست پیامدهای منفی پدیده غیبت و قطع ارتباط جامعه با پیشوای معصوم را به حداقل برساند.

از جمله اقدامات معصومین برای آماده سازی افکار عمومی، بیان غیبت پیامبران پیشین بوده است. روایات از غیبت به عنوان یکی از سنت های الهی یاد کرده اند که در مورد پیامبران نیز اجرا شده و اساساً یکی از دلایل غیبت آن حضرت، اجرا شدن سنت انبیای پیشین در زندگی ایشان است. (۱)

ص: ۹۷

این تشبیهات و همگون سازی ها برای آن بوده است که غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای شیعیان آن حضرت، یک امر نامأنوس یا پدیده ای عجیب و غیرمنتظره تلقی نشود. از این رو، این موضوع، سال ها پیش از ولادت آن بزرگوار، از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام مکرراً

مطرح شده و حتی از بسیاری از خصوصیات آن و آن چه در زمان غیبت اتفاق خواهد افتاد (۱) و نیز وظایفی که مردم مؤمن در آن زمان به عهده دارند، خبر داده شده است. (۲)

اما در این میان، نقش امام عسکری علیه السلام و تدابیر حکیمانه آن حضرت پرننگ تر دیده می شود؛ زیرا آن حضرت از یک سو رسالت سنگین حفظ وجود مقدس فرزندش از خطرات احتمالی دستگاه حکومت را بر عهده داشت و از سوی دیگر، با نشان دادن فرزندش به خواص شیعه، امام پس از خود را معرفی کرد چنان که قبلاً اشاره شد تا شیعیان پس از ایشان، در مسأله امامت به انحراف دچار نشوند.

از این رو، با توجه به اهمیت موضوع و نگرانی های موجود درباره بحران آغازین دوران غیبت در جامعه شیعه، بزرگانی هم چون مرحوم نعمانی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و... با الهام از سیره امامان علیهم السلام به نشر و تبیین این موضوع مهم اقدام کردند و هر کدام برای رفع حیرت مردم و روشنگری و پاسخ گویی به سؤالات آنان، کتاب های ارزشمندی را در این خصوص تدوین نمودند.

## چرایی شناسی غیبت آخرین منجی

### اشاره

تحلیل فلسفه غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیازمند توجه به اهداف کلی ظهور است؛ همان چیزی که خطوط کلی آن در آیات قرآن کریم مطرح شده است.

براساس رهنمودهای قرآنی، خداوند حکیم، وجود مقدس حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف را برای هدفی والا و سترگ ذخیره نموده و آن، تحقق کامل حاکمیت دین الاهی و ارزش های والای انسانی در جامعه است: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ

ص: ۹۸

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۵۳۶.

۲- منتخب الأثر، ص ۳۱۲-۳۴۰.

الْحَقُّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۱). این هدف، به قدری بزرگ و پر ثمر است که خداوند همه پیامبران پیشین علیهم السلام را برای زمینه سازی این امر مهم، یعنی «حاکمیت دین پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم توسط آخرین وصی او حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» فرستاده است. از این نظر، حتی وجود مقدس پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم نیز زمینه ساز تحقق این هدف مهم بوده است؛ زیرا اگرچه ایشان پایه گذار این طرح عظیم بوده و اهداف و برنامه های او کامل ترین مرحله تکامل دین است، اما رسالت تحقق این اهداف متعالی، به

عهدده آخرین وصی او است. حکمت های غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در راستای این هدف متعالی و آرمانی قابل تفسیر است.

برخی از علل و حکمت های غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام باز گو شده و از عواملی مانند خوف قتل، رهایی از بیعت با ستمکاران، ستم پیشه بودن مردم، امتحان و آزمایش مردم و... به عنوان دلایل غیبت یاد شده است. در این جا به برخی از این عوامل اشاره می شود.

### الف) حفظ جان حضرت

در تعدادی از روایات، نبود امنیت جانی و خطر کشته شدن حضرت، مهم ترین دلیل غیبت عنوان شده است تا بدین وسیله، جریان امامت تداوم یابد و رسالت بزرگ حاکمیت دین به وسیله او محقق شود.

زراره نقل کرده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ ظُهُورِهِ؛ برای قائم ما قبل از این که به پا خیزد غیبتی است». من پرسیدم: «چرا؟» فرمود: «يَخَافُ؛ چون می هراسد»، سپس با دست به شکمش اشاره نمود؛ یعنی از ترس کشته شدن پنهان می شود.

زراره در روایت دیگری، از امام صادق علیه السلام نقل کرده: «لِلْقَائِمِ غَيْبَةٌ قَبْلَ قِيَامِهِ؛ قائم ما قبل از آن که قیام کند، ناگزیر از غیبت است» و در

پاسخ به پرسش زراره، مبنی بر

ص: ۹۹

---

۱- «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند؛ هر چند مشرکان کراهت داشته باشند»؛ (سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره صف، آیه ۹).



چرایی غیبت، ادامه داده است: «يَخَافُ عَلَى نَفْسِهِ الذَّبْحُ؛<sup>(۱)</sup> بر جانش نگران است و از بریدن سرش هراس دارد».

یونس بن عبدالرحمن نیز گوید: حضور امام هفتم، موسی بن جعفر علیه السلام شرفیاب شدم و به او عرض کردم: «یا بن رسول الله! شما قائم به حق هستی؟» فرمود: «أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَ لَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنَ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي لَهُ غَيْبَةٌ يَطُولُ أَمْدُهَا خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ يَزِيدُ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَنْبُتُ فِيهَا آخِرُونَ؛<sup>(۲)</sup> من هم قائم به حق هستم، ولی آن قائمی که زمین را از دشمنان خدای عزوجل پاک می کند و آن را پر از عدالت می نماید، چنان که پر از جور و ستم شده باشد، پنجمین فرزند من است و برای او غیبتی است طولانی؛ چون بر جان خود می ترسد. مردمی در آن مدت از اعتقادات خود برمی گردند و مردمی در آن ثابت می مانند».

بر اساس این دسته روایات، فلسفه غیبت و پنهان زیستی امام عجل الله تعالی فرجه الشریف حفظ جان و در امان ماندن از خطر دشمنان است؛ زیرا اگر غیبتی در کار نبود، مطمئناً دستگاه معتمد عباسی برای به شهادت رساندن آن وجود مقدس از هیچ اقدامی

کوتاهی نمی کرد.

از این رو به نظر می رسد که حکمت و راز اصلی غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حفظ جان آن حضرت از شر جباران و ستمگران باشد و اگر در سایر روایات، سخن از حکمت های دیگر به میان آمده، بیانگر آثار تحقق این هدف بزرگ است.

### **(ب) پرهیز از معاهده با حکام جور**

بدون شک در صورت عدم غیبت، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند اجداد طاهرینش، در برابر دشمنان هیچ راهی جز درگیری و شهادت یا پذیرش معاهده با آنان نداشت.

در برخی از روایات، حکمت غیبت، پرهیز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از امضای معاهده بیعت با طاغوت های زمان ذکر شده است تا در زمان قیام بتواند فارغ از تعهد هیچ

ص: ۱۰۰

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۱.

حاکمی، آزادانه عمل کند؛ چون هیچ یک از ائمه پیشین علیه السلام از تعهد اجباری حکام زمانشان آزاد نبوده اند.

اساساً تعهد حضرت نسبت به حکام زمان، با فلسفه وجودی آن حضرت سازگار نیست؛ چون ایشان مأموریت ویژه و بزرگی برعهده دارد که لازمه اش نقض این بیعت است. در حالی که بر فرض امضای چنین تعهدی، امام علیه السلام نمی تواند آن را نقض کند؛ زیرا اسلام، همانند مارکسیست ها، وسیله را به خاطر هدف توجیه

نمی کند، بلکه مشروعیت وسیله را نیز لازم می شمرد.

امام حسن مجتبی علیه السلام در این باره می فرماید: «مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَ يَقَعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَطَاغِيهِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ الَّذِي يُصَلِّي رُوحَ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلْفَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُخْفِيهِ وَلِدَاتُهُ وَ يُغَيِّبُ شَخْصَهُ لئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ؛ (۱) هر کدام از ما اهل بیت در زمان خود بیعت حاکمان و طاغوت های زمان را از روی تقيه به عهده دارد، مگر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که عیسی بن مریم علیه السلام به امامت او نماز می گذارد. خداوند ولادت او را مخفی نگه می دارد و برای او غیبتی مقرر می فرماید تا هنگامی که قیام کند، بیعت حاکمی بر گردنش نباشد.»

امام جواد علیه السلام نیز به نقل از اجداد طاهرینش از امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده است: «إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا إِذَا قَامَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ فَلِذَلِكَ تَخْفَى وَلِدَاتُهُ وَ يُغَيِّبُ شَخْصَهُ؛ (۲) همانا قائم ما عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگامی که به پا خیزد، از ناحیه هیچ کس بیعتی بر ذمه ندارد. به همین خاطر، ولادت وی پوشیده و شخص شریف او از دیده ها پنهان می گردد.»

خود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در پاسخ به پرسش احمد

بن اسحاق فرمود: «إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَطَاغِيهِ زَمَانِهِ وَ إِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَ لَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيَةِ فِي عُنُقِي؛ (۳) بر گردن همه پدرانم، بیعت سرکشان زمانه بود؛ اما من وقتی خروج نمایم، بیعت هیچ سرکشی بر گردنم نیست.»

ص: ۱۰۱

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۶؛ إعلام الوری، ص ۴۲۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۰۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۰.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۵.

یکی از سنت های جاری الاهی، امتحان مردم است. بر اساس آیات قرآن، بشر ناگزیر باید امتحان شود. این امتحان در میان امت های پیشین بوده و در آینده نیز خواهد بود. قرآن می فرماید: (أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ) (۱)؛ «آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: ایمان آوردیم، به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟! ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم و [شماها را نیز می آزماییم]. باید علم خدا درباره کسانی که راست می گویند و آنانی که دروغ می گویند تحقق یابد».

در روایات نیز اعتقاد به امام غائب محک و معیاری برای شیعیان ذکر شده تا میزان ایمان و تعهد آنان بدین وسیله مورد آزمایش قرار گیرد.

قرار گردد. این آزمون، سبب رویش انسان های ثابت قدم و ریزش افراد بی ایمان خواهد بود.

بر اساس روایات، خداوند سخت ترین امتحان را در رابطه به تعهدات خواهد گرفت؛ از این رو، در عصر غیبت، شیعیان را امتحان می کند؛ چراکه شیعیان این ملاک و معیار را پذیرفته و معتقد به غیبت حضرت مهدی هستند و طبعی است که امتحان برای کسانی که این ملاک را قبول نداشته باشند معنا نخواهد داشت.

چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: «... غَيْرَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ أَنْ يَمْتَحِنَ الشَّيْعَةَ» (۲) خداوند به وسیله غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شیعیان را امتحان می کند و میزان استواری ایمان و ثبات قدم آنان را می آزماید».

در روایات تأکید شده که غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف امتحان و غربالی برای انسان هاست تا افراد صالح و شایسته از دیگران جدا شوند. برای مثال، امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «أَمَّا وَاللَّهِ لَأُقْتَلَنَّ أَنَا وَابْنَايَ هَذَانِ وَلَيَعْتَنَّهُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُطَالِبُ بِدِمَائِنَا وَ لَيَغَيِّبَنَّ عَنْهُمْ تَمَيِّزًا لِأَهْلِ الصَّلَاةِ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ»

ص: ۱۰۲

۱- سوره عنكبوت، آیه ۲ و ۳.

۲- الکافی، ج ۱ ص ۳۳۷؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۲.

حَاجَهُ؛<sup>(۱)</sup> به خدا قسم، من و این دو فرزندم (حسن و حسین علیه السلام) شهید خواهیم شد و خداوند در

آخر الزمان مردی از فرزندانم را به خون خواهی ما بر خواهد انگیخت. او از دیده ها غایب خواهد شد، تا این آزمایش سبب جدایی گمراهان شوند، به گونه ای که افراد نادان می گویند: خدا به آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف نیازی ندارد».

امام حسین علیه السلام نیز می فرماید: «لَهُ غَيْبُهُ يَزِيدُ فِيهَا قَوْمٌ وَيَثْبُتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا آخِرُونَ فَيُؤْذُونَ فَيُقَالُ لَهُمْ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ، أَمَا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلم؛<sup>(۲)</sup> برای او (امام مهدی (عج)) غیبتی است که در آن، عده ای از دین خارج می شوند و جمعی بر مشکلات، صبر و پایداری می کنند. دشمنان گویند: کجاست این وعده خدا، اگر راست می گویند؟! آگاه باشید که اجر و پاداش صابران بر اذیت و تکذیب دشمنان، همانند اجر کسی است که در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علیه دشمنان شمشیر زده است».

بر پایه این روایات، غیبت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف محک و آزمایشی است که خداوند عموم بندگان را بدان می آزماید: «امتنح بها خلقه»<sup>(۳)</sup> و شیعیان و پیروان آن حضرت را به طور خاص بدین وسیله امتحان می کند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يَمْتَحِنَ الشَّيْعَةَ»،<sup>(۴)</sup> تا میزان

صداقت و ثبات قدم پیروان و معتقدان به آن حضرت مورد سنجش قرار گیرد.

#### د) افاضه تدریجی

امام معصوم واسطه فیض خدا بر خلق است و حضور مشهودانه ایشان، خود، فیضی مضاعف است؛ امّا این فیض رسانی با شرایط و مقدمات خاصّی ملازم است که بدون آن ها، موجود مستفیض، یا از فیض محروم می شود یا از آن، بهره تامّی نمی برد. زیرا رابطه میان فیاض و مستفیض سه گونه است:

ص: ۱۰۳

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۱۴۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۱۱۲.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۸؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۱۷؛ بحار الانوار، ج ۱ ص ۱۳۳.

۳- الامامه و التبصره، ص ۱۱۳؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۴۴.

۴- الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۴۲.

الف. فیاض و مستفیض، توان اعطا و دریافت دفعی فیض را دارند.

ب. نه فیاض در اعطا تام است و نه مستفیض در استفاضه.

ج. فیاض در اعطا تام است؛ اما مستفیض نمی تواند فیض را به طور دفعی دریافت کند.

خدای سبحان، عالم هستی را بر اساس آیه (وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ) (۱) یک باره ایجاد کرد؛ اما از آن جا که عالم طبیعت، توان استفاضه دفعی فیض از مبدأ فیاض را ندارد، نظر به آیه (وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ) (۲) این فیض دفعی را به تدریج دریافت کرده و می کند. کَلَّمَحٍ بِالْبَصْرِ

بنابراین، اگرچه اعطای فیض به شکل دفعی صورت پذیرفته است، اما به سبب نقص قابل، تدریجی دریافت می شود؛ زیرا افاضه فیض، بر اساس توان و استعداد قابل است و قانون عادی طبیعت بر وجود واسطه های فراوان در تحقق اشیا جریان دارد و حال آن که در چنین مواردی، فیض الاهی برخلاف قانون عادی و مبتنی بر حذف یا تقلیل واسطه ها ظهور می یابد.

بر این اساس، سخن از تدریج اعطا و افاضه الاهی، ناظر به عدم قابلیت مستفیض است، نه نقص فاعل فیاض؛ به این معنی که دریافت فیض تدریجی در هر درجه، قابل را برای دریافت فیض بعدی مستعد می کند.

بنابراین، برخورداری از فیض حکومت صالحان، گرچه از سوی مبدأ فیاض، بی گذراندن مقدمات مانعی ندارد، اما قابل ها فاقد استعداد لازم برای دریافت جمعی فیض و تابع شرایط، مقدمات و زمینه های لازم اند؛ به گونه ای که تا آن شرایط و مقدمات در بستر زمان فراهم نیاید، نمی توانند به این فیض الاهی برسند. و چون از شرایط اساسی استقرار حکومت صالحان، پرورش انسان های صالح و ایجاد آمادگی در مردم برای پذیرش حکومت عادلانه جهانی است، غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای تحقق این شرایط، ایجاد شده است. (۳)

ص: ۱۰۴

۱- سوره قمر، آیه ۵۰.

۲- سوره فصلت، آیه ۱۰.

۳- امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجود موعود، ص ۱۳۲ (با اندک تصرفی).

بر اساس برخی روایات، غیبت، دارای اسرار نامکشوفی است که ما آن را به صورت کامل نمی فهمیم؛ زیرا اسرار کامل غیبت در زمان ظهور آشکار خواهد شد.

جابر بن عبدالله انصاری از محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مورد غیبت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین سؤال کرد: یا رسول الله! آیا قائم که فرزند شماست غایب می شود؟ آن حضرت فرمود: «إِى وَ رَبِّى وَ لِيَمَحَّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ (۱) يَا جَابِرُ إِنَّ هَذَا لِأَمْرٍ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ مَطْوِيُّ عَنْ عِبَادِهِ فَإِيَّاكَ وَ الشَّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ فَهُوَ كُفْرٌ» (۲) به خدا قسم، آری! خداوند بدان وسیله اهل ایمان را امتحان نموده و خالص می گرداند و کافران را آزمایش کرده و از میان می برد. ای جابر! این از کارهای عجیب خداوند و سرّی از اسرار الاهی است که بر بندگانش پوشیده است. پس از شک در کار خدا بپرهیز که کفر است».

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بُدَّ مِنْهَا يَرْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ؛ برای صاحب الأمر غیبت ناگزیری است که در آن هر

باطل جویی به تردید می افتد». هنگامی که راوی در باره چرایی غیبت از حضرت سوال می کند، آن حضرت می فرماید: «لِأَمْرِ لَمْ يُؤْذَنْ لَنَا فِي كَشْفِهِ لَكُمْ؛ به جهت امری که ما اجازه نداریم آن را آشکار سازیم». دوباره راوی از حضرت سوال می کند: چه حکمتی در آن غیبت است؟ حضرت در پاسخ می فرماید: «وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَاتِ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُجَّجِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ إِنَّ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعِيدَ ظُهُورِهِ كَمَا لَمْ يَنْكَشِفْ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِيمَا آتَاهُ الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ خَرْقِ السَّفِينَةِ وَ قَتْلِ الْغُلَامِ وَ إِقَامَةِ الْجِدَارِ لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى وَقْتِ افْتِرَاقِهِمَا... إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنَ أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنَ غَيْبِ اللَّهِ وَ مَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَكِيمٌ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَفْعَالَهَ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَ إِنْ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ» (۳) حکمت غیبت او همان

ص: ۱۰۵

۱- سوره بقره، آیه ۲۷۶.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۸؛ کشف الغمّه، ج ۲، ص ۵۲۱.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۲؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۷۶؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۵۶.

حکمت غیبت حجت های الهی پیش از او است و وجه آن پس از ظهور آشکار خواهد شد؛ همان طور که حکمت اعمال خضر علیه السلام از شکستن کشتی و قتل پسر و به پا داشتن دیوار، بر حضرت موسی علیه السلام روشن نبود تا آن که وقت جدایی و فراق آن دو فرا رسید. این امر، امری از امور خداوند متعال و سزای از اسرار و غیبی از غیوب اوست. پس هنگامی که پی بردیم خداوند حکیم است، می پذیریم که تمام کارهای او حکیمانه است، هر چند وجه آن ظاهر نباشد».

در این روایت، عبارت «إِذَا مَرَّ لَمْ يُؤْذَنْ لَنَا فِي كَشْفِهِ لَكُمْ» نشان می دهد که حکمت های غیبت برای ما پوشیده و جزو اسرار است، و گرنه خود ائمه علیهم السلام آن را می دانند؛ اما بنا به مصالحی مجاز به گفتن آن نیستند. این اسرار در زمان ظهور برای ما نیز آشکار خواهد شد.

از این رو، معنای «سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ» یا این است که ائمه علیهم السلام بنا ندارند تمام حکمت های غیبت را بازگو کنند، بلکه برخی از امور باید تا زمان ظهور پنهان بماند، یا بدین معنا است که هنوز زمینه برای گفتن این امور فراهم نیست و فهم این اسرار به شرایط و گذشت زمان وابسته است.

بنابراین، ما نمی توانیم علل و حکمت های غیبت حضرت را محصور در چند چیز بدانیم؛ بلکه حکمت های فراوانی در کار است که برخی برای ما بازگو شده و برخی مکتوم مانده است.

اما جدا از چرایی اصل غیبت، پرسش دیگر، درباره چرایی طولانی شدن و به درازا کشیدن غیبت است. پاسخ به این پرسش را باید در عدم آمادگی جهانی برای تحقق اهداف و برنامه های عدالت گستر حضرت جستجو نمود؛ زیرا سنت الهی بر این است که هر گونه تغییر و تحولی در عرصه های مختلف حیات بشری، از مسیر اراده و انتخاب خود انسان ها صورت پذیرد.

از این رو، لازمه پایان یافتن دوران غیبت و محرومیت از برکات حضور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بلوغ فکری جامعه بشری، شناخت رهبری معصوم، درک ضرورت حضور وی و آمادگی برای پذیرش اهداف و برنامه های ایشان، یعنی حکومت عدل جهانی

است. در این صورت، بدون شك، عنایت خاصه الاهی شامل حال انسان ها گردیده و وعده ظهور محقق خواهد شد. در قسمت های بعد، به توضیح بیشتر این مطلب خواهیم پرداخت.

## پیامدشناسی غیبت آخرین منجی

### اشاره

پیامدهای این رخداد در جامعه شیعی معاصر آن، از ابعاد مختلفی، قابل تأمل است. می توان گفت مهم ترین پیامد منفی غیبت، بحران حیرت و مهم ترین پیامد مثبت آن، نهادینه شدن جریان نیابت بوده است.

### الف) بحران حیرت

در اوایل نیمه دوم قرن سوم، جهان تشیع با پدیده غیبت و نهان زیستی امام و پیشوای خود مواجه شد. بدون شك این پدیده اگر از پشتوانه تاریخی و دلایل نقلی کافی برخوردار نمی بود، برای پیروان ائمه علیهم السلام و معتقدان به جریان امامت، به یک بحران و سردرگمی جدی

تبدیل می شد؛ اما این موضوع به دلیل پیشگویی و یادکردهای پی در پی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام در انظار شیعیان مخصوصاً آگاهان و نخبگان آنان، یک رخداد عجیب و دور از انتظار نبود.

با این حال، نامأنوس بودن موضوع غیبت برای عموم، موجب حیرت و سردرگمی عده ای در مورد جانشین امام عسکری علیه السلام شده بود که آن ها نیز با پیش بینی ها و تدابیر حکیمانه امام عسکری علیه السلام در مورد نحوه معرفی آخرین حجت الاهی به خواص شیعیان و اصحاب و بیان کیفیت غیبت آن حضرت از انظار عمومی، به بهترین وجه توجیه شدند.

### ب) شکل گیری نهاد نیابت

### اشاره

جامعه شیعه، جریان نیابت و وکالت را قبل از فرا رسیدن زمان غیبت، یعنی در دوران امامان پیشین علیهم السلام تجربه کرده بود و با نهاد وکالت آشنایی اجمالی داشت.

امّا با آغاز دوران غیبت، به دلیل عدم حضور ملموس شخص امام در جامعه، این جریان با شکل و ساختار جدیدی در میان مردم پدیدار شد که تا حد زیادی پیچیده تر



از گذشته و با شرایط و محدودیت های خاصی همراه بود.

همان گونه که غیبت به دو مرحله کوتاه

مدت و دراز مدت تقسیم می شود، نیابت و مقام نمایندگی حضرت نیز دو گونه و دارای دو مرحله است؛ اول، نیابت خاصه که مربوط به دوران غیبت صغری است و دوم، نیابت عامه که به دوران غیبت کبری مربوط بوده و به فقهای جامع الشرایط اختصاص دارد.

شیوه انتصاب در هر کدام از گونه های نیابت نیز متفاوت است. در نیابت خاصه، انتصاب به صورت تعیین مستقیم امام بوده و فرد خاصی با اسم و رسم مشخص از سوی حضرت به این مقام تعیین می گردد و پس از وی نیز، نایب بعدی بنا به تعیین و دستور مستقیم حضرت به وسیله نایب پیشین به مردم معرفی می شود.

اما سیستم تعیین و انتصاب در نیابت عامه، به صورت غیرمستقیم است؛ یعنی امام با بیان ضوابط و ویژگی های نایب عام، حکم کلی مقام نیابت را برای فقها و عالمان وارسته، انشا نموده و تعیین افراد و مصادیق این حکم را به مردم واگذار کرده است. بر پایه این حکم، مقام نیابت عام به فقهای واجدالشرایط تفویض شده و هر فردی که آن ضوابط و شاخصه ها را در همه ابعاد دارا باشد یعنی فقیه عادل و مدیر و مدبر باشد به عنوان ولی فقیه و نایب عام امام شناخته می شود. چنین کسی از ناحیه حضرت، مسئولیت

اداره امور دینی و سیاسی جامعه اسلامی را در عصر غیبت برعهده دارد.

### ۱. نیابت خاصه

با شهادت امام عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری قمری و فرارسیدن غیبت کوتاه مدت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ارتباط علنی مردم با سیستم امامت، قطع و جامعه شیعه وارد مقطع دشوار غیبت صغری شد. این دوره، در حقیقت زمینه ساز آمادگی شیعه برای ورود به دوران غیبت کبری بود.

اگرچه امام در غیبت صغری از نظرها پنهان شد، اما به دلیل حضور افراد رابطی که سمت نیابت ایشان را داشتند، شیعیان می توانستند پیام، مشکلات و مسائل خود را به عرض امام برسانند و توسط آن افراد، پاسخ خود را دریافت کنند. به نمایندگان و

وکلای امام که در دوران غیبت صغری با آن حضرت تماس داشتند، نواب خاص گفته می شود.

مهم ترین ویژگی نهاد وکالت در این دوران، رازداری و فعالیت مخفیانه بود. نواب خاص، مسئولیت ایجاد تعامل و ارتباط میان امام و شیعیان را بر عهده داشتند و در واقع، امورات دینی و سیاسی جامعه شیعی، توسط این شبکه ارتباطی غیرعلنی، مدیریت و سازماندهی می شد.

در میان وکلای حضرت، چهار نفر که به

«نواب اربعه» مشهورند، دارای موقعیت خاصی بوده و مقام سروکیلی و نیابت خاصه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر عهده داشتند؛ آنان که همگی از علما و بزرگان شیعه بودند به ترتیب عبارت اند از:

۱. عثمان بن سعید عمری (سال های نیابت: ۲۶۷-۲۶۰ ه ق)

۲. محمد بن عثمان عمری (سال های نیابت: ۳۲۶ - ۳۰۵ ه ق)

۳. حسین بن روح نوبختی (سال های نیابت: ۳۲۶ - ۳۰۵ ه ق)

۴. علی بن محمد سمری (سال های نیابت: ۳۲۹ - ۳۲۶ ه ق)

نقش این چهار شخصیت بزرگ در سامان دادن امور شیعیان و ایجاد آمادگی برای ورود به دوران غیبت کبری، بسیار مهم و پررنگ تر از دیگر وکلاست.

## ۲. نیابت عامه (ولایت فقیه)

از آن جایی که حجت خدا در دوران غیبت کبری هم چون خورشید پس ابر، نورافشانی و بر امور نظارت دارد، (۱) برای مدیریت جامعه شیعی نیز

نیابت عامه را طراحی نموده است.

در دوران غیبت کبری، هیچ فردی به مقام نیابت خاصه نائل نمی شود و امام نیز با کسی ارتباط علنی و متعارف نخواهد داشت؛ لذا آن حضرت برای چاره جویی امر

ص: ۱۰۹

۱- وقتی از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره نحوه بهره مندی از آن حضرت در دوره غیبت سؤال شد، فرمودند: «وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَأَلِ الْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ؛ شیوه بهره مندی از وجود من در روزگار غیبتم، مانند سود بردن از خورشید است آن گاه که در پس ابرها از چشم ها پوشیده است»؛ (کمال الدین و تمام

النعمة، ج ٢، ص ٤٨٥؛ الاحتجاج، ج ٢، ص ٥٤١).

هدایت و رهبری جامعه، مسأله نیابت عامه و ولایت فقیه در عصر غیبت را مطرح و فقهای جامع الشرایط را بر اساس معیارها و ضوابط کلی، به عنوان نایبان عام خود به مقام زعامت دینی و سیاسی مردم برگزیده و با همسان خواندن دستورات دینی آنان با فرامین خویش، تبعیت و پیروی از آنان را بر مردم واجب شمرده است.

هم چنان که در توفیق صادر شده از ناحیه ایشان - که با سند صحیح از محمد بن عثمان، نایب خاص حضرت، نقل شده - امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فقهای جامع الشرایط و کارشناسان دینی را طی حکمی عام، به عنوان نایبان خود برگزیده و آنان را حجت خود بر مردم معرفی کرده است: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حَجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (۱) در رخدادها و پیشامدهای جاری به

روایت کنندگان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنانم».

در حدیث دیگری، امام صادق علیه السلام می فرماید: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقْلَدُوهُ» (۲) هر کدام از فقها که در مراقبت از خواسته های نفسش و حراست دینش و مخالفت با هوا و هوس خویش تلاش ورزد و مطیع فرمان مولایش باشد، بر عامه مردم لازم است که از او پیروی کنند».

بدین ترتیب، امور مسلمین در زمان غیبت کبری به ولی فقیه سپرده شده تا علاوه بر پاسخ گویی به مسائل فقهی، امورات اجتماعی مردم نیز با نظارت و صلاح دید او انجام پذیرد.

در روایت دیگری که به «مقبوله عمر بن حنظله» مشهور است، امام صادق علیه السلام در بیان وظیفه مردم در حل اختلافات و رجوع به یک مرجع ذی صلاح چنین می فرماید:

ص: ۱۱۰

۱- المحاسن، ج ۱، ص ۱؛ ( کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴؛ الغیبه، طوسی، ص ۲۹۱؛ فصول العشره، ص ۱۰).

۲- تفسیر منسوب به امام حسن العسکری علیه السلام، ص ۳۰۰؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۵۸؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۸۸.

«مَنْ كَانَ مِنْكُمْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيُزْضُوا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتِخْفَ بِحُكْمِ اللَّهِ وَعَلَيْنَا رَدُّ وَالرَّادُّ عَلَيْنَا كَالرَّادِّ عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى حَيْدِ الشُّرْكِ بِاللَّهِ؛ (۱) هر کس از

شما که راوی حدیث ما باشد و در حلال و حرام ما بنگرد و در احکام ما صاحب نظر باشد، او را به عنوان داور بپذیرید، چون من او را حاکم بر شما قرار دادم. پس اگر کسی حکم او را قبول نکرد، حکم خدا را سبک شمرده و ما را رد کرده است و آن کس که ما را رد کند، خدا را رد کرده و رد کردن خدا در حد شرک به خدای متعال است».

در این حدیث، عمومیت و اطلاق واژه «حاکم» در جمله «فَأِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا» همه موارد حاکمیت، اعم از قضاوت و داوری و نیز حکومت را شامل می شود. این حدیث با اعطای مقام نیابت عامه به فقها، حیطة اختیارات و نفوذ حکم ایشان را نیز بیان نموده است.

بر اساس این حدیث، امام صادق علیه السلام فقها و علمای راستین دین را به عنوان حاکمان مردم معرفی کرده و حکم فقیه را نظیر حکم خویش قرار داده و چون اطاعت از حکم امام معصوم واجب و الزامی است، اطاعت از حکم فقیه نیز واجب و الزامی می باشد؛ چه این که رد حکم فقیه همانند نپذیرفتن حاکمیت امام معصوم است و استخفاف حکم ایشان گناهی بزرگ و نابخشودنی است؛ زیرا به منزله نپذیرفتن حاکمیت تشریحی الهی و در حد شرک به خدای متعال است.

## آثار و فوائد منجی غائب

### اشاره

در اندیشه کلامی شیعه، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فلسفه بقای عالم هستی و تداوم حیات است و بر انسان و جهان، ولایت مطلقه دارد. او رابط خلق و خالق و واسطه فیوضات و نعمات الهی بر بندگان است. این فیض دو گونه است و در دو عرصه سریان دارد؛ یکی فیض تکوینی که همان فیض وجود عالم و آدم و نعمت های جاری

ص: ۱۱۱

در هستی است و دوم، فیض تشریحی، یعنی هدایت و مدیریت جهان هستی از سوی خدای متعال.

نکته قابل توجه این است که وساطت در فیض، اختصاص به زمان ظهور امام ندارد، بلکه وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در شرایط غیبت نیز مرکز جوشش فیض الاهی در عرصه تکوین و تشریح است؛ زیرا او در هر حال، خورشید عالم وجود و مربی و هادی انسان ها است.

به همین جهت، در روایات، افاضات و عنایات آن حضرت در دوران غیبت، به خورشید پس ابر تشبیه شده است؛ چنان که خود آن حضرت به احمد بن اسحاق قمی فرمود: «وَ اَمَّا وَجْهُ الْاِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْاِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ اِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْاَبْصَارِ السَّحَابِ» (۱) بهره بردن از من در غیبتم، مانند بهره گیری از

آفتاب است هنگامی که پشت ابرها پنهان باشد، من امان اهل زمینم، هم چنان که ستارگان، امان اهل آسمان ها هستند».

در این حدیث و احادیث دیگر، وجود مقدس صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت و انتفاع مردم از او، به خورشید پشت ابر و انتفاع مردم از آن تشبیه شده است؛ زیرا در علوم طبیعی و فلکیات، خورشید، مرکز منظومه شمسی است، جاذبه اش حافظ زمین است و آن را از سقوط نگه می دارد، زمین را دور خود می چرخاند، حرارتش سبب حیات حیوانات و گیاهان و انسان هاست، نورش روشنی بخش زمین است و... و برای این اثر بخشی، در ترتیب این آثار بین این که خورشید، ظاهر باشد یا پشت ابر، تفاوتی وجود ندارد؛ یعنی جاذبه، نور و حرارت خورشید در هر دو حال موجود است، گرچه کم و بیش دارد.

در تقسیم بندی رایج و مشهور، این فوائد به لحاظ نوع اثر، به دو گونه تکوینی و تشریحی تقسیم می شوند. فوائد تکوینی امام غائب ناظر به فیض وجود و فیض نعمت های مادی و معنوی است که در پرتو وجود او به دیگران می رسد. چون امام دارای مقام الاهی و مافوق طبیعی است و وجودش در حال غیبت و حضور دارای آثار و

ص: ۱۱۲

---

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۵؛ الغیبه، طوسی ص ۹۹؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۵.

فوائدی است که از ابعاد تکوینی شئون امامت نشأت و همه عالم ممکنات را در بر می گیرد. در ادامه به برخی از این آثار و فوائد اشاره خواهد شد.

اما مراد از فوائد تشریحی امام غائب، ابعاد هدایت بخشی مستقیم و غیر مستقیم است که در پرتو عنایات ویژه آن حضرت نصیب فرد و جامعه می شود. بدیهی است که بهره مندی از هدایت های امام در زمان غیبت با توجه به محدودیت های این دوره، با زمان حضور و بسط ید امام متفاوت خواهد بود.

بنابراین، اگرچه غیبت امام موجب محرومیت انسان ها از رهبری و مدیریت مستقیم ایشان شده است، اما تصرفات ولایی و آثار و برکات ناشی از شئون امامت آن حضرت، هیچ گاه تعطیل پذیر نبوده و در زمان غیبت نیز هدایت ها و عنایات مستقیم و غیرمستقیم آن حضرت، شامل حال مردم خواهد بود.

در این بخش، به برخی فوائد امام غائب در عرصه تکوین و تشریح اشاره می شود:

### **الف) واسطه فیض وجود**

در تفکر اعتقادی شیعه، امام دارای جایگاه محوری در جهان هستی است و از او با عنوان «قطب عالم» یاد می شود. از نظر شیعه، امام، واسطه فیض خالق بر کل هستی است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «نَحْنُ السَّبَبُ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ (۱) ما اهل بیت، واسطه میان شما و خداوند هستیم».

### **ب) واسطه بقا و تداوم هستی**

جهان هستی پس از وجود یافتن، یعنی مرحله ابداع، وارد مرحله جریان و استمرار شده است. در این مرحله، آن چه از فیوضات الهی به جهان هستی می رسد، از مجرای انسان کامل است. انسان کامل در وهله اول، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و در وهله دوم، ائمه طاهرین علیه السلام. واسطه فیض باید همیشه در عالم باشد؛ زیرا اگر زمین از حجت و واسطه فیض خالی بماند، به فرموده امام صادق علیه السلام: «وَلَوْ لَأَذَلِكْ

ص: ۱۱۳

لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا» (۱) زمین اهلش را در خود فرو می برد.

منظور از «حجّت» در این روایت، امام حی است و منظور از «ارض» تنها این کره خاکی نیست؛ بلکه مراد، کل عالم هستی است و این کلمه عنوان مشیر دارد.

### ج) واسطه دریافت نعمت

همه نعمت های مادی و معنوی الاهی از مجرای ولایت امام بر دیگر مخلوقات سریان دارد. از این رو امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دعاها واسطه نعمت،

کانون عالم هستی، مایه ثبات و برقراری آسمان و زمین و ریزش روزی بر مخلوقات معرفی شده است: «بِئَمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ بُوْجُودِهِ تَبَّتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ وَ بِهِ يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» (۲) به برکت وجود او همگان روزی می خورند و به سبب وجود او زمین و آسمان پابرجا است و به واسطه او زمین از عدل سرشار می شود پس از آن که ظلم فراگیر شده باشد.

همان گونه که امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره درباره جایگاه محوری امامان علیهم السلام می فرماید: «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتَمُ وَ بِكُمْ يُنْزَلُ الْعَيْثُ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ» (۳) خداوند با شما آغاز می کند و به شما ختم می کند و به برکت شما باران را فرو می بارد و به یمن وجود شما آسمان را نگه داشته تا بر زمین سقوط نکند».

از این رو امام باقر علیه السلام به همگان سفارش فرمود تا خواسته های خویش را از طریق وساطت اهل بیت علیهم السلام از خدا طلب نمایند: «مَنْ دَعَا اللَّهَ بِنَا أَفْلَحَ وَ مَنْ دَعَاهُ بغيرِنَا هَلَكَ وَ اسْتَهْلَكَ» (۴) هر کس خدا را به وسیله ما بخواند، رستگار (حاجت روا) شود و هر که به غیر وساطت ما وارد شود، بدبخت و محروم گردد».

ص: ۱۱۴

۱- الکافی، ج ۱، ص ۲۰۱.

۲- مفاتیح الجنان، ص ۴۲۳ (دعای عدیله).

۳- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۴- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۰۳.



## د) واسطه معرفت و عبادت

دریافت فیض و معرفت و بندگی نیز تنها از راه پیشوایان معصوم علیهم السلام دست یافتنی است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «بِنَا عِبَادَ اللَّهِ وَبِنَا عُرِفَ اللَّهُ وَبِنَا وَحَدَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ مُحَمَّدٍ حِجَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى» (۱). به وسیله ما خدا پرستش گردید و به وسیله ما خدا شناخته شد و به وسیله ما اعتقاد به یگانگی خدا تحقق یافت و محمد صلی الله علیه و آله و سلم حجاب خداست».

آن موجودات قدسی، حجت های الهی بر بندگان اند و خداوند آنان را برای دین داری افراد و ثواب و عقاب بندگان، شاخص و حجت قرار داده است تا به وسیله آنان مردم را در قیامت مؤاخذه کند و یا درجه و ثواب دهد.

## ه) واسطه دفع بلاها

امام مایه امنیت و آرامش انسان ها و سبب دفع بلا از آنان است؛ چنان که در کلمات خود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است: «وَإِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ» (۲) یا «أَنَا خَاتِمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِي وَشِيعَتِي» (۳). مراد از اهل در این روایت، خانواده نیست؛ بلکه همه کسانی که در زمره پیروان اهل بیت علیهم السلام هستند را شامل می شود و واو در «وَشِيعَتِي» عطف تفسیری است.

## و) واسطه قبول اعمال

امام غائب، واسطه قبول اعمال بندگان در پیشگاه الهی نیز هست؛ زیرا در روایات بسیاری، پذیرش اعمال بندگان منوط به ولایت پذیری آنان نسبت به ائمه علیهم السلام عنوان شده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام سوگند یاد فرمود: «وَ اللَّهُ لَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (۴). به خدا اگر کسی آن چنان سجده کند که گردنش قطع شود، خدا از او نپذیرد جز به ولایت ما خاندان».

ص: ۱۱۵

۱- الکافی، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۳۹.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۷۱.

۴- الکافی، ج ۲، ص ۴۵۷؛ الأمالی، صدوق، ص ۶۶۸.

امام حافظ اصالت دین است. اگر او رهبری نکند، دین دستخوش انحرافات می شود. منظور از حفظ شیعه، حفظ کل دین و تفسیر معصومانه از دین است.

در توفیق صادر شده از ناحیه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیخ مفید چنین آمده است: «فَإِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَمَّا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ... إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِيِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ أَصِيَطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ» (۱). ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان، شما را ریشه کن

می کردند». واقعاً با آن دوران تنگنا و خفقانی که در دوران بنی امیه و بنی عباس و شیعه بودن جرم محسوب می شد، حفظ خط تشیع، مدیون و مرهون ائمه، مخصوصاً امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

### ح) واسطه امید به آینده روشن

امیدبخشی و زنده نگه داشتن روح امید، یکی از برترین اسباب توفیق و پیشرفت در هدف است. هر گروهی که یأس و نومیدی خانه دلشان را تاریک کرده باشد، هرگز روی کامیابی نخواهند دید. تنها راه و روزنه امید همان انتظار فرج است. انتظار فرج، قلب های مأیوس و مضطرب را آرامش می دهد و مرهمی برای زخم دل محرومان است. این امید به آینده است که به انسان شادابی می دهد؛ لذا شیعیان با این انتظار و امید نسبت به آینده و فرجام تاریخ، الگوی حکومتی و طرح و برنامه روشنی برای همه ملت ها دارند که مرهون ایمان به مهدویت است.

### انتظار آخرین منجی

با توجه به تأثیرات عمیق مسأله غیبت و پیامدهای آن در بینش اعتقادی و رویکردهای فرهنگی - سیاسی شیعه، یکی از مهم ترین آموزه های مورد تأکید در روایات، انتظار

ظهور و باور به آمدن مصلح جهانی در آینده است؛ به گونه ای که

ص: ۱۱۶

جامعه منتظر شیعی در طول تاریخ، تحت تأثیر این آموزه بوده و با تکیه بر آن، به حیات اجتماعی و سیاسی خویش ادامه داده است.

## معناشناسی انتظار

کلمه «انتظار» مصدر ثلاثی مزید از ماده «نَظَرَ» است. این واژه و مشتقات آن در منابع لغت به معنای چشم دوختن، با تأمل نگاه کردن،<sup>(۱)</sup> نظاره گر بودن، توقع امری را داشتن و مراقب بودن آمده است.<sup>(۲)</sup>

انتظار به معنای لغوی، یعنی متوقع بودن و چشم به راهی، فی نفسه ارزش ندارد بلکه چشم به راهی و انتظار، با توجه به موضوع و متعلق آن، قابل ارزش یابی است و به تناسب متعلق آن، دارای ارزش مثبت یا منفی خواهد بود.

در اصطلاح روایات، کاربرد کلماتی مانند «انتظار» و «منتظر»، بیشتر در مفهوم ارزشی به کار رفته و نوعاً با واژه های «ظهور» و «فرج» قرین و همراه است و مراد از آن، چشم

به راه بودن و توقع داشتن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان است؛ انتظاری به وسعت همه تاریخ ریشه در جان همه انسان ها دارد.

## ماهیت انتظار

در فرهنگ شیعی، انتظار، صرفاً چشم به راهی و یک حالت روحی روانی معمول و متعارف نیست؛ بلکه ماهیت انتظار، نگرش فعال برخاسته از ایمان به ظهور است. بر این اساس، انتظار، یک رویکرد عمل گرایانه از یک اعتقاد عمیق قلبی است.

براین اساس، جوهر اصلی انتظار، اعتقاد و ایمان قلبی به حتمیت ظهور مصلح جهانی، حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و دخالت مستقیم این باور در رفتارهای فردی و اجتماعی انسان منتظر و نگرش او نسبت به چگونگی زندگی حال و آینده است. مادامی که ما دخالت مستقیم و نقش تأثیرگذار این اندیشه و باورداشت را در ساختار ذهنی، اسلوب اندیشه، شیوه زندگی و چگونگی حال و آینده خود، به عنوان

ص: ۱۱۷

۱- «النظر الانتظار: تأمل الشئ بالعين»؛ (الصالح، ج ۲، ص ۸۳۰).

۲- «يقال: نظرته و انتظرته إذا ارتقت حضوره»؛ (تاج العروس، ج ۷، ص ۵۳۹).

یک واقعیت نپذیریم و آن را در حیات فردی و اجتماعی خود به یک جریان فکری و رفتاری تبدیل نکنیم، هرگز به آثار پر برکت این تفکر دست نخواهیم یافت. بنابراین، نخستین قدم در این راستا، آن است که درک درست و تصور صحیحی از این مفهوم ارزشی و اسلامی

داشته باشیم تا به اهمیت آن پی ببریم.

با تأمل در روایاتی که به موضوع انتظار و الزامات آن پرداخته اند نیز به روشنی در می یابیم که در فرهنگ شیعی، انتظار صرفاً یک مفهوم ذهنی و دانستنی نیست تا در لغت نامه ها و کتاب خانه ها سراغ آن را بگیریم؛ بلکه یک مفهوم کاربردی و سازنده است که در متن زندگی سیاسی و اجتماعی خودمان می باید آن را جستجو کنیم.

ماهیت شناسی انتظار، در گرو تحلیل صحیح از رابطه ایمان قلبی با اقدام عملی و پیوند معنایی آن دو است. آموزه انتظار، اعتقادی فرهنگ زا و مسئولیت آفرین است. از این رو، در روایات از انتظار به «عمل» تعبیر شده و بلکه بهترین عمل (أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ) بیان شده است. این تعبیر، بیانگر پیوند معنایی ایمان و عمل در این مقوله است. برپایه این گونه روایات، اندیشه انتظار چنان در انگیزش اراده و خواست انسان منتظر، کارساز و نقش آفرین است که ذهن او را به سمت اهداف مورد انتظار سوق داده و باورهای او را به عزم و اراده تبدیل می کند.

از این رو، در تفکر شیعی، انتظار به عنوان یک نگرش کاربردی مبتنی بر آموزه های

دینی و ارزشی، مدنظر قرار گرفته است؛ نگرشی که شرایط گذشته و حال را به چشم انداز آینده پیوند می دهد و در رویکرد و انتخاب انسان، تأثیر گذار است. انتظار یک آموزه دینی هدایت بخش است که رفتاری هدفمند را در پی داشته و به تصمیمات و اقدامات اصلاح گرایانه در عرصه های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... منتهی می گردد. این تفکر جریان ساز و هویت آفرین، چگونه بودن و چگونه زیستن را برای ما تعریف و اهداف کلی حرکت جامعه به سوی آینده را تعیین می کند.

بنابراین، مهم آن است که ما با تأمل صحیح در روایات، دستورالعمل های عصر انتظار را استخراج و الزامات و کاربست های فردی و اجتماعی آن را بشناسیم و به کار گیریم. تأکید ویژه امامان علیهم السلام بر ارجمندی انتظار و منتظران، بیانگر فرهنگ ساز

بودن این مفهوم و جداناپذیری باور و رفتار در این مقوله است؛ زیرا این توصیفات با نگاه واپسگرا قابل تحلیل نمی باشد.

اگر در احادیث و روایات، این همه از فضیلت و ارزش انتظار و ارج گذاری منتظران سخن به میان آمده و از انتظار ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان و اوصافی چون برترین عمل «أَفْضَلُ»

أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ» (۱)؛ بافضیلت ترین عبادت «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ» (۲)؛ برترین جهاد در راه خدا «أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ» (۳) محبوب ترین عمل در پیشگاه الهی «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ» (۴) و... یاد شده، به دلیل ارتباط و پیوستگی این باور درونی با عملکرد بیرونی و رفتارهای سازمان یافته فردی و اجتماعی انسان منتظر است.

دلیل این امر نیز روشن است، زیرا این تشبیهات و یکسان سازی ها چه از نظر درجات ذاتی و چه از جهت دریافت اجر و پاداش بدون وجه تشبیه و وجود سنخیت، حتی از نظر یک فرد عادی، معقول و موجه نیست، چه رسد به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام؛ بلکه به حکم عقل نیز این همسانی و مشابهت، مستلزم نوعی یکسانی و همانندی است که می باید در انسان منتظر پدید آید تا در پرتو این مشابهت و سنخیت، با آن سردار به خون طپیده راه خدا، هم رنگ و هم سان شود.

## ابعاد انتظار

### اشاره

آموزه انتظار، دارای محتوای جامع و ابعاد فراگیر تاریخی، عقیدتی، سیاسی و... است:

### الف) بُعد تاریخی

انتظار ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در تاریخ انبیای الهی علیهم السلام سابقه داشته و با ظهور

ص: ۱۱۹

۱- الامامه و التبصره، ص ۲۱؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۴۴؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۴۴. در برخی از احادیث، در صدر این جمله، عبارت: «افضل اعمال شیعتنا...» آمده است. ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۷۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۸۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

۳- تحف العقول، ص ۳۸؛ بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۴۱.

۴- عیون الحکم و المواعظ، ص ۹۳.

اسلام این تفکر آرمانی در کلام رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام به بار نشسته است.

ارج گذاری به مقام منتظر و ابراز علاقه و اشتیاق نسبت به درک حضور آخرین ذخیره الاهی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از سوی پیشوایان دین، بیانگر اهمیّت و جایگاه سترگ اندیشه انتظار در فرهنگ شیعی است؛ از این رو، معصومین علیهم السلام ضمن اینکه نگاه مردم را به سوی یگانه دوران معطوف می نمودند، خود نیز نسبت به او ابراز علاقه می کردند.

هنگامی که یکی از یاران امام صادق علیه السلام از آن حضرت در باره تولد حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سؤال می کند: «هَلْ وُلِدَ الْقَائِمُ» آیا قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف متولد شده است؟ حضرت در پاسخ می فرماید: «قَالَ: لَا وَ لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَّمْتَهُ أَيَّامَ حَيَاتِي» (۱) خیر. اگر من حضور او را درک می کردم،

سراسر عمرم را به خدمت گذاری او می پرداختم!» در روایت دیگری، این جمله زیبا از زبان مبارک حضرت سید الشهداء، ابا عبد الله الحسین علیه السلام نقل شده است. (۲)

سرّ این همه شور و شیدایی، آن است که آن موعود الاهی، هم چنان که خود تجسم همه انبیا و اولیای الاهی است، ظهور او نیز تجلی گاه تمامی خوبی ها و نیکی ها و تحقق بخش همه آرمان ها و آرزوهای دوردست انسان هاست.

## ب) بعد اعتقادی

از نظر جایگاه اعتقادی نیز انتظار ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از چنان عظمتی برخوردار است که در روایات، قرین اصول و قواعد اساسی دین، نظیر توحید و نبوت ذکر شده است. وقتی یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام از دیانتی سؤال می کند که مورد پذیرش خداوند متعال باشد، حضرت بعد از ذکر شهادت به توحید و ایمان به نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اعتراف به وحیانی بودن قرآن و اقرار به ولایت ائمه اطهار علیه السلام

ص: ۱۲۰

---

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۳۸۵.

۲- موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۷۸۶؛ شرح احقاق الحق، ص ۵۸۹.

می فرماید: «... وَ أَنْتَظِرُ قَائِمًا فَإِنَّ لَنَا دَوْلَةً إِذَا شَاءَ اللَّهُ جَاءَ بِهَا (۱)؛ و منتظر بودن برای ظهور قائم ما اهل بیت؛

چراکه خداوند برای ما دولتی قرار داده و هر گاه بخواهد آن را محقق خواهد نمود».

در حدیث دیگری، ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِه؟ آیا می خواهید شما را خبر دهم از آن چه بدون آن، خداوند هیچ عملی را از بندگانش نمی پذیرد؟» و در ادامه، ضمن بر شمردن دیگر اصول و مبانی دین، فرمود: «... وَ الْأَنْتَظَارُ لِلْقَائِمِ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ» (۲) یعنی انتظار قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جزو مبانی دین و شرط پذیرش اعمال در درگاه الاهی است.

تأکید بر قرابت و هم ردیفی انتظار قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف با دیگر اصول اعتقادی دین اسلام، بیانگر عظمت و جایگاه رفیع مسأله انتظار در ساختار اعتقادی دین است. پس همان گونه که به نص قرآن کریم، (۳) دین و دیانت منهای ولایت، ناقص و ناتمام است، دین و اسلام منهای انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز فاقد ارزش و مقبولیت خداوندی است.

### ج) بعد سیاسی

از بعد سیاسی نیز اندیشه انتظار، با توجه به نقش سازنده و کارآمد آن در سازماندهی و مدیریت سیاسی جامعه، دارای نقشی تأثیر گذار در تغییر و اصلاح نظام سیاسی است. از این نظر اندیشه انتظار به دلیل استحکام مبانی اعتقادی و نیز بنا به تقابل ذاتی آن با ظلم و نفی حاکمیت جور در هر زمان، تمامی سازوکارهای لازم را برای اصلاح و تغییر نظام های سیاسی اجتماعی غیر اسلامی دارا می باشد.

ص: ۱۲۱

۱- الکافی، ج ۲، ص ۲۳؛ الامالی، صدوق، ص ۱۷۹؛ جامع الاحادیث الشیعه، ج ۱، ص ۴۳۰.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۴۱۷.

۳- (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)؛ «امروز (روز انتصاب و ابلاغ امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در غدیر خم) دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین شما پذیرفتم»؛ (سوره مائده، آیه ۳).

بشر پیوسته در جریان زندگی خویش، اهداف و انتظارات گوناگونی داشته و حیات فردی و اجتماعی او به تحقق و استمرار این انتظارات وابسته است. در این میان، انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دلیل جامعیت و فراگیر بودن آن، همه انتظارات مقدّس انسانی را هر اندازه که بزرگ و گسترده باشند در بر داشته و پوشش می دهد.

انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حقیقت، انتظار تحقق همه خوبی ها و برآورده شدن آرمان های همه انسان هاست. در این انتظار، بشر چشم به راه تحقق آرمان هایی است که بر اساس فطرت پاک خدایی، در آرزوی آن بوده، اما هیچ گاه به صورت

کامل به آن دست نیافته است. انتظار ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق آرمان سترگی است که هیچ جایگزینی ندارد و در طول تاریخ، پیامبران الاهی علیهم السلام نوید آن را داده اند و بشر قرن ها منتظر بوده است تا شاید وعده الاهی فرا رسد و همه آرزو های بلند و دیرین انسانی، به بار نشیند.

چنین انتظاری، به همان میزان که بزرگ و عظیم است، اقتضائات و بایسته های بسیاری را می طلبد.

### فضیلت انتظار

در باب ارزش انتظار، روایات فراوانی وارد شده است. در تجلیل از مقام منتظران، همین بس که انتظار آنان، هم سنگ شهادت و به خون طپیدن در راه خدا یاد شده است: «الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُسْحَطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (۱) و نیز منتظران ظهور چنان ارجمند خواننده شده اند که مردن در حال انتظار را همانند حضور در رکاب مقدّس قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده است: «مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ مُنْتَظِرًا لَهُ كَانَ كَمَنْ كَانَ فِي فُسْطَاطِ الْقَائِمِ» (۲) و یا همانند مجاهدانی که در

محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شمشیر زدن و با دشمنان پیکار کردند یکسان شمرده شده است: «الْمُنْتَظِرُ الثَّانِي عَشَرَ مِنْهُمْ كَالشَّاهِرِ

ص: ۱۲۲

۱- الخصال، ص ۶۲۶؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۴۵؛ شرح الاخبار، ج ۳، ص ۵۶۰؛ تحف العقول، ص ۱۱۵؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۷۵.

۲- المحاسن، ج ۱، ص ۱۷۳؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۴۴؛ بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۲۶.



سَيَفُهُ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَذُوبُ عَنْهُ»<sup>(۱)</sup> و... این گونه توصیفات و امثال آن، همه بیانگر اهمیت مسأله انتظار ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارجمندی مقام منتظران واقعی آن حضرت است.

## شناسه های منتظران

### اشاره

انتظار ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای ویژگی ها و نشانه هایی است که در اندیشه و چگونگی رفتار منتظران، نمود پیدا می کند. در روایات به برخی از این شناسه ها اشاره شده است:

### الف) شناخت امام

نخستین و مهم ترین شناسه و نشانه یک انسان منتظر، معرفت حجت است؛ چنان که در روایات و ادعیه بر شناخت و معرفت حضرت، تأکید خاص شده است.

امام صادق علیه السلام خواندن این دعا در زمان غیبت را سفارش کرد و به زراره فرمود: «اگر آن زمان را درک کردی مدام بخوان: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِيكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسِيكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حَجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي

حَجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»<sup>(۲)</sup> بارالها! خود را به من بشناسان، زیرا اگر تو خود را نشناسانی، رسولت را نخواهم شناخت. بارالها! رسولت را به من بشناسان، زیرا اگر رسولت را به من نشناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت. بار خدایا! حجت خود را به من بشناسان، زیرا اگر او را به من نشناسانی، از دینم گمراه خواهم شد».

امام باقر علیه السلام نیز فرموده است: «وَمَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ وَمَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ»<sup>(۳)</sup>

ص: ۱۲۳

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۹۲؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۳۵-۶۴۷؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۲۸.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۳؛ الغیبه، نعمانی، ص ۱۷۰.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۳۴۳.

کسی که با معرفت امام خویش بمیرد، از دیر یا زود شدن امر ظهور، خسارتی متوجه او نیست؛ چنین کسی همانند آن است که در خیمه و مقرّ فرماندهی حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف همراه ایشان حضور دارد».

در این زمینه روایات فراوانی وارد شده است؛ چنان که قبلاً به برخی از آن اشاره شد. (۱)

## ب) الگوپذیری از امام

چگونگی منش و رفتار هر کسی، برخاسته از نوع آگاهی و بینش اوست و چون پیشوایان دین، اسوه دین داری و پارسایی هستند، الگو

پذیری از ایشان نیز در گرو رفتار دین مدارانه و پیروی از آنان است.

از این رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم الگوپذیری از امام را مهم ترین ویژگی منتظران ظهور فرزندش مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی کرده و گام نهادن در راه او و دیگر امامان علیهم السلام را معیار تقرب به خدا و همنشینی با خود بیان فرموده است: «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ يَأْتُمُّ بِهِ وَ بِأَيْمَةِ الْهُدَى مِنْ قَبْلِهِ وَ يَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ أُولَئِكَ رُفَقَائِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ» (۲) خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت را درک کند و در غیبت او به امامانش معتقد باشد، با دوستانش دوست باشد و با دشمنانش دشمن. او در روز قیامت، از دوستان من و گرامی ترین فردامت نزد من خواهد بود».

امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز به یونس بن عبد الرحمن فرمود: «طُوبَى لِمَنْ يَتَّبِعُنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمَنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مَوَالِينَا وَ الْبِرَاءَةَ مِنَ أَعْدَائِنَا أُولَئِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أَنَّهُمْ وَ رَضِينَا بِهِمْ شَيْعَهُ فَطُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ وَ هُمْ وَ اللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۳) خوشا بر شیعیان ما که در غیبت قائم ما به رشته ولایت ما چسبیده اند و بر دوستی ما پا برجا هستند و از دشمنان ما بیزارند. آنان از ما آیند و ما از آن هائیم. آن ها ما را برای امامت پسندیده اند و ما هم

پیروی آنان را پسندیده ایم.

ص: ۱۲۴

۱- ر.ک: همین کتاب، بخش دوم (ضرورت معرفت).

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۷.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۱.

خوشا بر آن ها و خوشا بر آن ها. ایشان به خدا در روز قیامت هم درجه ما هستند».

به همین دلیل، امیرمؤمنان علیه السلام با فراخوان مردم به الگوپذیری از پیشوایان معصوم علیهم السلام آنان را از هرگونه تندروری و کندروی برحذر داشته، خطاب به اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند: «انظروا اهل بیت نبیکم فالزموا سیمتھم و اتبعوا اثرھم فلن یرجواکم من ھدی و لن یعیدوکم فی ردی فان لیدوا فالیدوا و ان نهضوا فانھضوا و لا تسبقوھم فضلوا و لا تتأخروا عنھم فتهلکوا» (۱) از خاندان نبوت الگو بگیرید و در جای قدم های آنان گام نهدید، زیرا آنان هیچ گاه شما را از راه راست بیرون نبرده و به پستی و هلاکت نمی افکنند. جایی که آنان سکوت کردند، شما نیز لب فرو بندید و با قیام آنان شما نیز پناخیزید. مبادا از آنان پیشی بگیرید که گمراه می شوید و هرگز از همراهی آنان باز نمانید که نابود می گردید».

ایشان در سخن دیگری مهم ترین شناسه پیروان راستین خویش را اخلاص و پای بندی به فرمان پیشوایان معصوم علیه السلام یاد کرده، فرمودند: «أستعد الناس من عرف فضلنا و تقرب إلى الله بنا و أخلص حُبنا و عمل بما إلیه ندبنا و انتهی عما عنہ نهینا فذاك منا و هو فی دار المقامه معنا» (۲)

سعادت مند ترین مردم کسانی هستند که با مهرورزی و الگوپذیری از امام خویش به سوی خدا نزدیکی جویند و نسبت به آن چه سفارش کرده ایم، پای بند و آن چه بر حذر داشته ایم، دوری گیرند. چنین کسانی از ما بوده و در بهشت نیز کنار ما خواهند بود».

لزوم اقتدا به آنان، برای این است که آنان شاخصه حق و پایه های استوار دین اند و دیگران باید رویه آنان را الگوی عملی خویش قرار دهند؛ تندروان به آنان بازگردند و کندروان خود را به آنان برسانند.

بنابراین، راه و رسم مهدی زیستی، در عمل به دین و تلاش برای زمینه سازی ظهور حضرت است؛ چون هدف و فلسفه ظهور حضرت، احیای ارزش های الهی در جامعه و رشد و تعالی انسانی است. لذا نمی توان منتظر ظهور بود، اما نسبت به

ص: ۱۲۵

۱- نهج البلاغه، خطبه ۹۷، ص ۱۴۳.

۲- غرر الحکم، ص ۱۱۵.

اهداف ظهور، دغدغه نداشت. زیرا مأموریت اصلی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق حاکمیت اسلام در جهان و اجرای عدالت در جامعه است. از این نظر، آن حضرت، مجری دین و شریعت جدش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است؛ شریعت و دینی که تاکنون شرایط لازم برای تحقق کامل و همه جانبه آن، پدید نیامده است. بنابراین شرط چنین انتظاری، تاسی و اقتدای عملی به آن حضرت است.

### ج) پارسایی در عمل

در روایات، بر ضرورت همگونی و پیوند فکری و عملی با امام در عصر انتظار تأکید شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَنْ سَيَّرَهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا هَنِينًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعَصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ؛ (۱) هر کس آرزو دارد که از اصحاب حضرت قائم باشد باید منتظر او باشد و در حال انتظار بر اساس تقوی و اخلاق نیک رفتار نماید. پس بر آراستگی اخلاقی و رفتاری جدی باشید و انتظار آن حضرت را بکشید که بر شما گوارا باد این انتظار و چشم به راهی، ای گروه اهل رحمت و نجات!» طبق این حدیث، تنها راه قرار گرفتن در صف یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف الگوپذیری عملی و اخلاقی از او در عصر انتظار است.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا) (۲) فرمود: «اصْبِرُوا عَلَىٰ أَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَدُوَّكُمْ وَ رَابِطُوا إِمَامَكُمْ؛ (۳) معنای آیه این است که در انجام واجبات دینی مقاوم و استوار باشید و در مقابل دشمنانان ایستادگی کنید و با امامی که در انتظار او نشسته اید، پیوند معنوی ایجاد نمایید».

هم چنین سفارش اصلی خود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به پیروان و منتظران ظهورش، جز

ص: ۱۲۶

---

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶؛ معجم الاحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۲۱۷.

۲- سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.

۳- الغیبه، نعمانی، ص ۳۴ و ص ۲۰۶؛ معجم الاحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۵، ص ۶۶.

ولایت پذیری و عمل به احکام و دستورات الاهی، چیز دیگری نیست. ایشان در توقیعی که برای شیخ مفید(ره) صادر فرموده، به شیعیان توصیه نموده است: «فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ يَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعُتَهُ فُجَاءَةً حِينَ لَمَّا تَنْفَعُهُ تَوْبَهُ وَ لَمَّا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَى حَوْثِهِ» (۱) هر یک از شما باید به آن چه موجب نزدیکی و جلب محبت ما اهل بیت می شود، عمل کند و از کارهایی که موجبات ناراحتی و خشم و رنجش ما می گردد، دوری گزیند؛ زیرا فرمان ظهور، دفعی و ناگهانی است. در آن زمان، توبه برای کسی سودی نخواهد داشت و پشیمانی کسی از کار زشت وی را از مجازات ما نجات نخواهد داد».

هم چنین آن حضرت در دعای: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بُعِيدَ الْمَعْصِيَةِ...» (۲) توفیق بندگی و عمل به دستورات دینی و دوری از معصیت و گناه را به عنوان نخستین خواسته انسان از خداوند، به شیعیان و منتظران ظهورش تعلیم فرموده است.

بدون شک، پارسایی و آراستگی به فضیلت تقوی و اخلاق نیکو، موجب برازندگی و زیبایی هر انسان عاشق کمال و فضیلت است. آن چه خواسته اصلی پیشوایان دین و شخص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و در احادیث و روایات بدان تأکید شده، عمل به بایدهای دینی و اهتمام ورزیدن نسبت به انجام وظایف فردی و اجتماعی است؛ زیرا لازمه معرفت و عشق به امام، الگوپذیری و تأسی به او در افکار، آداب، منش و رفتار است. از این نظر، معرفتی که انگیزه الگوپذیری و اقتدای عملی انسان به امام و مقتدا را در پی نداشته باشد، معرفت نیست؛ چرا که معرفت و شناخت حضرت، باید به ایجاد سنخیت میان مأموم و امام منجر شود.

اساساً امکان ندارد کسی حقیقتاً عاشق و شیفته امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، اما از راه و رسم مهدی زیستی، دور، یا نسبت به آن بی تفاوت بماند و آداب و رفتار وی، رنگ و بوی مهدوی نداشته باشد؛ زیرا بدون همراهی و هم رنگی، انتظار و چشم به راهی برای مهدی موعود، معنا و مفهومی نخواهد داشت.

ص: ۱۲۷

۱- الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳.

۲- مفاتیح الجنان، دعای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف .

بنابراین، یکی از نشانه های منتظر بودن، پیراستگی در عمل و تزیین به آراستگی های اخلاقی و ارزشی است. آن چه در این خصوص،

حائز اهمیت است، توجه ویژه به این نکته است که این تقوا پیشگی حتماً بر اساس الگو پذیری از امام و ولایت ایشان باشد.

#### (د) پایداری در سختی ها

منتظر باید استحکام ایمان و ثبات قدم داشته باشد تا در برابر حوادث و مصیبت ها از کوره در نرود و بتواند این رسالت سنگین را به دوش بکشد. این استحکام و پختگی از معرفت و آگاهی نسبت به وسعت توانایی و ظرفیت وجودی خویش نشأت می گیرد؛ به همین جهت، مهم ترین دعا و خواسته انسان منتظر از خداوند، طلب معرفت و فزونی شناخت امام و حجت حاضر «... اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي...» (۱) ثبات قدم در این راه «وَصَبِّرْ نِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ» (۲) است. منتظر باید از چنین روحیه ای برخوردار باشد تا بتواند همراه رنج ها و سختی ها، راحتی نیز داشته باشد؛ زیرا در زمان غیبت، مردم، مورد سخت ترین امتحانات قرار می گیرند و زیر و رو می شوند.

در این باره، امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَمَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ لَمَا وَاللَّهِ حَتَّى تُمَيِّزُوا لَمَا وَاللَّهِ حَتَّى تَمَحَّصُوا!» (۳)

این امر تحقق نخواهد یافت مگر بعد از یأس و ناامیدی از دیگران. نه؛ به خدا سوگند، امر ظهور به وقوع نخواهد پیوست تا زمانی که در اثر ابتلائات شدید، ماهیت افراد، آشکار شود و صف بندی ها مشخص گردد. امام رضا علیه السلام نیز در این مورد فرموده است: «إِنَّمَا يَجِيئُ الْفَرْجَ بَعْدَ الْيَأْسِ» (۴) ظهور زمانی رخ خواهد داد که مردم از دیگر راه ها ناامید شوند.

یکی از یاران امام باقر علیه السلام از حضرت سؤال کرد: «فرج شما کی حاصل

ص: ۱۲۸

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۲.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۷.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۱.

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۰؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۸۳.

می شود؟» امام در پاسخ فرمودند: «هَيَّيَاتَ هَيَّيَاتَ لَمَا يَكُونُ فَرَجًا حَتَّى تُعْزِبُوا ثُمَّ تُعْزِبُوا ثُمَّ تُعْزِبُوا ثَلَاثًا حَتَّى يَذْهَبَ الْكُدْرُ وَ يَبْقَى الصَّفْوُ؛ (۱) هرگز فرج ما نرسد مگر آنکه غربال شوید تا این که کدرها برود و صافی ها بماند».

آن حضرت در جای دیگری فرمودند: «لَمَا وَ اللَّهُ لَمَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُعْزِبُوا لَأَ وَ اللَّهُ لَأَ يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُمَيِّزُوا لَأَ وَ اللَّهُ لَأَ يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ لَأَ وَ اللَّهُ لَأَ يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى يَشْقَى مَنْ شَقِيَ وَ يَسْعِدَ مَنْ سَعِدَ؛ (۲) هیهات از آن چه آرزوی آن را در دل می پرورانید! به خدا سوگند، بدان چه چشم دوخته اید نخواهید رسید، مگر این که همگی در غربال امتحان، تکان سختی بخورید و در این امتحان، آزموده

شوید تا صف خوبان از بدان و ثابت قدمان از مدعیان، جدا گردد. به خدا سوگند، این آرزو عملی نخواهد شد، مگر بعد از یأس و ناامیدی، تا زمانی که افراد شقی، شقاوتشان و افراد اهل سعادت، لیاقت و صلاحیتشان را آشکار سازند».

در بعضی از نقل ها به جای «أَعْيُنَكُمْ» تعبیر «أَعْنَاقَكُمْ» (۳) آمده است؛ یعنی گردن کشیدن و با حرص و ولع در پی چیزی بودن و این تعبیر، حاکی از شدت تقاضای مردم برای رسیدن به این آرزوی بزرگ است.

در هر دو صورت، کلام امام باقر علیه السلام بیانگر این حقیقت است که این آرزوی بزرگ، بدون هزینه، قابل دست رسی نخواهد بود؛ بلکه به پختگی و استقامت نیاز دارد و این پختگی و استقامت، امری است لازم که باید در دوران انتظار حاصل شود؛ چراکه انتظار ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف بدون چنین پختگی و عزم عمومی در مهیاسازی زمینه های ظهور، فریادی است بی پاسخ و خداوند این نعمت بزرگ را بدون تقبل هزینه های سنگین و گذراندن امتحانات سخت، به جامعه بشری هدیه نخواهد کرد.

ص: ۱۲۹

۱- الغیبه، طوسی، ص ۳۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳.

۲- الغیبه، طوسی، ص ۳۳۶؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۲۰.

۳- الغیبه، نعمانی، ص ۲۱۷.

نکته قابل توجه و تکان دهنده در روایت مذکور، این است که در این غربال، کثرت

ریزش ها به حدی است که تعداد کسانی که می توانند خود را حفظ نمایند و در این غربال، سقوط نکنند، بسیار اندک است.

امام رضا علیه السلام نیز سوگند یاد کرده و فرموده است: **وَ اللَّهُ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُمَحَّصُوا وَ تُمَيَّرُوا وَ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ فَأَلْأَنْدَرُ؛ (۱)** قسم به خدا، آن چه در انتظار رسیدن آن هستید، فرانخواهد رسید تا ناخالصی های شما به خوبی پاک گردد. در این آزمون چندان کسی از شما باقی نمی ماند! آنگاه حضرت این آیه را تلاوت فرمود: **(أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهِدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمِ الصَّابِرِينَ)؛ (۲)** «آیا گمان کرده اید که رها گذاشته می شوید و خداوند شما را نمی آزماید تا افراد تلاشگر و اهل صبر را از میان شما بازشناساند؟»

در این حدیث، این جمله (حتی لما یبقی منکم...) هشدار و زنگ خطری است به آنانی که خود را منتسب به اهل بیت علیهم السلام و از گروه خودی ها و خواص می شمارند؛ چراکه با این تعبیر، امتحان آنان دشوارتر و رسالت آنان در عصر غیبت، سنگین تر از دیگران است.

#### **(ه) محبت و انس معنوی با امام**

لازمه طبیعی معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف محبت و انس

و ارتباط روحی با آن حضرت است. ممکن نیست کسی حضرت را به درستی بشناسد، اما محبت وی قلب او را تسخیر نماید و پیوسته و بی قرار در طلب او بر نیاید. امامی که در قلب ها و دل های مردم جا دارد، حکومت او بر پایه ایمان، معرفت، عشق و عاطفه استوار است. مردم از عمق قلب به او عشق می ورزند و حکومتش، حکومت بر دل ها و جان هاست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مورد محبوبیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان مردم می فرماید: **«أَبَشْرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَالٍ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ**

ص: ۱۳۰

۱- الغیبه، طوسی، ص ۳۳۶.

۲- سوره عنکبوت، آیه ۲.



قَسِيطًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛<sup>(۱)</sup> شما را به آمدن مهدی بشارت می دهم، کسی که در میان امتم به پا خواهد خواست و زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد و اهل آسمان و زمین از حکومت او راضی و خشنود خواهند بود».

در جای دیگری فرموده است: «الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي... يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ الطَّيْرُ فِي الْجَوِّ؛<sup>(۲)</sup> مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردی است که اهل آسمان و زمین حتی پرندگان هوا از حکومت او راضی است».

این محبوبیت و مقبولیت بی نظیر به خاطر آن است که مردم جهان، دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نماد تحقق آرزوهای خود می دانند و لذا با میل و

رغبت به سوی او روی می آورند. در روایت دیگری آمده است: «تَأْوِي إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا يَأْوِي النَّخِيلُ إِلَى يَعْسُوبِهَا؛<sup>(۳)</sup> شور و علاقه و دل بستگی مردم نسبت به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به گونه ای است که زنبور عسل نسبت به ملکه اش علاقه مند است». محبوبیت مردمی، یکی از ویژگی های حکومت مهدوی است که در هیچ دولتی، مشابه آن دیده نشده است. بدیهی است که نمود این محبت و عشق، بیش از همه در عصر انتظار، زینده و نکوهیده است.

#### (و) رضایت خواهی امام

از دیگر لوازم معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دغدغه رضایت مندی و اهتمام به جلب خشنودی آن حضرت است؛ زیرا بر اساس مفاد آیه شریفه (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ)<sup>(۴)</sup> اگر کسی در پی کسب رضایت الاهی است، باید از حجت الاهی تبعیت کند.

در توفیق شریفی که از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیخ مفید(ره)

ص: ۱۳۱

۱- الغیبه، طوسی، ص ۱۷۸.

۲- حقیقه الاعتقاد بالامام المهدی المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۷۵.

۳- حقیقه الاعتقاد بالامام المهدی المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۷۵.

۴- «بگو: اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد. و خدا آمرزنده و مهربان است»؛ (سوره آل عمران، آیه ۳۱).

صادر شده، اعمال ناشایست و گناہانی که از شیعیان آن حضرت سر می زند، یکی از اسباب و بلکه تنها سبب

طولانی شدن غیبت و دوری شیعیان از لقای آن حضرت شمرده شده است: **فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ؛ (۱)** تنها چیزی که میان ما و شیعیان فاصله انداخته است، همانا اعمال و رفتار ناشایست آن هاست که از آنان انتظار نمی رود و ما آن را نمی پسندیم» نیز بما توصیه فرمود: **«وَاجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ فَقَدْ نَصَحْتُ لَكُمْ وَاللَّهُ شَاهِدٌ عَلَيَّ وَعَلَيْكُمْ؛ (۲)** هدف و مقصد خویش را نسبت به محبت و دوستی ما اهل بیت، بر مبنای عمل به سنت و اجرای احکام الاهی قرار دهید؛ پس همانا که من موعظه ها و سفارش های لازم را نمودم و خداوند متعال نسبت به رفتار همه ما و شما شاهد و گواه است».

از این رو، پیروی از خواسته های امام و دوری گزیدن از گناہان و اعمال ناشایست، لازمه معرفت، دوستی و محبت صادقانه نسبت به ایشان است؛ زیرا رضایت حضرت، تنها با تبعیت و پی جویی راه آن حضرت و آراستن به تقوی و اخلاق نیکو، میسر خواهد شد.

### **(ز) دعا برای ظهور امام**

از دیگر آثار مهم معرفت و احساس نیاز نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا برای سلامتی و تعجیل فرج آن حضرت است. مراد از «دعا»

صرفاً خواندن زبانی نیست؛ بلکه آرزویی برآمده از قلب و عشق به امام است؛ یعنی هم چنان که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نماد همه آمال و آرزوهای انسان منتظر است، بزرگ ترین دغدغه انسان منتظر نیز باید تعجیل در ظهور آن حضرت باشد و با الحاح و التماس، آن را از پیشگاه خداوند مسئلت نماید؛ زیرا جهان آفرینش بر پایه اسباب و مسببات، استوار می باشد و پیدایش هر پدیده ای مشروط به وجود شرایط و زمینه های آن است.

طبق آموزه های دینی، دعا یکی از اسباب و عوامل تعجیل ظهور است؛ یعنی پدیده

ص: ۱۳۲

۱- الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹.

ظهور وابسته به تحقق شرایط و زمینه های آن می باشد و دعا یکی از اسباب آن و جزو سلسله علل ظهور است. به همین جهت، در ادعیه و روایات، بر کثرت دعا برای تعجیل فرج حضرت تأکید و از آن به عنوان فرج و گشایش شیعیان یاد شده است.

خود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در توقیعی که خطاب به اسحاق بن یعقوب صادر فرمود، شیعیان را توصیه نمود که برای تعجیل در ظهورش بسیار دعا کنند. حضرت در فرازی از این توقیع می فرماید: «وَ أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرْجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَوْجُكُمْ»<sup>(۱)</sup> برای تعجیل امر فرج، بسیار دعا کنید، زیرا

گشایش شما در آن است».

گرچه کلمه «فرج» به معنای مطلق گشایش است؛ امّا در این جا به قرینه سیاق توقیع و کلمه «تعجیل» که بیانگر موضوع دعا است، مراد از آن، ظهور حضرت است. ضمن این که خود «ظهور» بارزترین مصداق فرج است؛ لذا ظهور حضرت که فرج اکبر و مصداق اتم آن است، مشمول کلمه «فرج» می باشد. هم چنین، تأکید با کلمه «انّ» و کاربرد «ذلک» به جای ضمیر «ه» بر اهمیّت موضوع دعا و تأثیر قطعی آن در تعجیل ظهور، دلالت دارد.

این دعوت، خطاب به عموم مردم است، نه فرد یا افراد خاصّی. پیام حضرت در این فراز از توقیع، این است که اولاً فرارسیدن هرچه زودتر امر ظهور حضرت، می باید به خواسته قلبی همه مردم تبدیل شود، چون دعا صرفاً خواندن زبانی نیست، بلکه خواستن از روی شناخت همراه با عشق و احساس قلبی است و این در صورتی است که تعجیل ظهور، به عنوان مهم ترین دغدغه، در صدر خواسته های مردم قرار گیرد و بزرگ ترین حاجت آنان محسوب شود. ثانیاً این خواستن و احساس نیاز به ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باید فراگیر باشد و به یک اراده جمعی تبدیل شود تا موجب جلب عنایت الاهی و تحقق ظهور گردد.

امام حسن عسکری علیه السلام نیز در روایتی، دعا برای تعجیل ظهور فرزندش در زمان غیبت را یکی از نشانه های توفیق الاهی برای شیعیان خاص و منتظران ظهور آن حضرت ذکر نموده است. آن حضرت به احمد بن اسحاق قمی چنین فرمود: «وَاللَّهِ

ص: ۱۳۳

لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَهُ لَمَّا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ؛ (۱) به خدا سوگند، فرزندانم غیبتی خواهد داشت که در آن، کسی از هلاکت و گمراهی نجات نمی یابد مگر این که خداوند او را بر پذیرش امامت فرزندانم ثابت نماید و به دعا کردن برای ظهورش موفق کند».

این که در تعلیمات دینی (ادعیه و روایات) این همه بر توجّه مردم نسبت به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تأکید شده است، برای آن است که مردم اهمّیت دوران غیبت را درک کنند و بدانند که در این دوران، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تجسم همه انبیا و اولیا و واسطه همه فیوضات الاهی است و لذا در این عصر و زمان، می باید تمامی توجّهات و نگاه ها به سوی آن یگانه دوران، معطوف گردد و حاجات و نیازها، همه در ذیل توسل به آن وجود مقدّس، از خدا خواسته شود. در میان خواسته ها نیز، تعجیل در ظهور حضرت، مهم ترین خواسته و بلکه مقدم بر همه خواسته ها باشد.

به همین جهت، در دعای شریف افتتاح، توسل به ساحت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سایر معصومین علیهم السلام یک بار ذکر شده، اما وقتی نوبت به امام دوازدهم، حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف می رسد، به پیشگاه مقدّس آن حضرت، شش بار توسل می شود. هم چنین در این دعای شریف، همه حوائج مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، فردی و جمعی، ذیل توجّه به آن حضرت، از خداوند مسئلت شده است: «اللَّهُمَّ الْمُمْ بِه شَعَثْنَا وَ اشْعَبَ بِه صَدَعْنَا وَ ارْتُقَ بِه فَتَقْنَا وَ كَثُرَ بِه فِلْتَنَا وَ اعَزَّ بِه ذِلَّتْنَا وَ اغْنِ بِه عَائِلْنَا وَ اَقْضِ بِه عَن مَعْرَمِنَا وَ اجْبُرْ بِه فَقْرَنَا وَ سُدِّ بِه خَلَّتْنَا وَ يَسِّرْ بِه عُسْرَنَا وَ بَيِّضْ بِه وُجُوهُنَا وَ فُكِّ بِه أَسْرَنَا وَ أَنْجِحْ بِه طَلِبَتْنَا وَ أَنْجِزْ بِه مَوَاعِيدَنَا وَ اسْتَجِبْ بِه دَعْوَتَنَا وَ أَعْطِنَا بِه فَوْقَ رَغْبَتِنَا...» (۲) در تمامی این خواسته ها، انگشت اشاره، به سوی وجود مقدّس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. همه این تأکیدات و این نوع تعلیمات در ادعیه، برای این است که آن وجود مقدّس، مرکز ثقل توجّهات مردم در عصر غیبت باشد.

بنابراین، دعا به عنوان یک عامل معنوی مؤثر در تعجیل ظهور حضرت و نیز جلب

ص: ۱۳۴

۱- کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۳۴؛ الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۰۲؛ حیاه الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۰۵.

۲- مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

توجه مردم به سوی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در این زمان، یکی از بایسته های مهم انتظار زمینه ساز است تا تدریجاً این دعاها و احساس پیوندها، بستر را

برای ظهور حضرت فراهم سازد.

در روایتی، زراره از امام باقر علیه السلام نقل نموده است که فرمود: آیا می خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در تأثیر آن استثنائی قائل نشده است؟ عرض کردم بلی یا بن رسول الله، سپس فرمود: «الدُّعَاءُ الَّتِي يُرَدُّ الْقَضَاءَ الَّذِي أُبْرِمَ إِزْمَاماً» (۱) دعا جلو قضای الاهی را بعد از تأیید نیز می گیرد و آن را تغییر می دهد».

توضیح مطلب این است که گاهی مقدرات و زمینه های یک امر فراهم می گردد تا قضا بیاید و به آن حتمیت و فعلیت بخشد، اما وقتی عاملی مثل دعا بیاید، در تقدیرات اولیه اثر می گذارد و شرایط را عوض می کند. آن وقت با تغییر در تقدیرات، قضا نیز دچار تغییر می شود و در نتیجه آن چه مقدر شده بود، محقق نمی گردد.

اینکه گفته می شود همه امور به قضای الاهی تحقق می پذیرد، با تأثیرات دعا منافات ندارد؛ زیرا دعا دارای تأثیرات جوهری و تکوینی است و می تواند در سلسله طولی علل تحقق اشیا قرار گیرد. البته این تأثیرگذاری نیز به اذن و اراده الاهی انجام می گیرد. لذا اعتقاد به تأثیر دعا عین توحید است؛ زیرا همان خدایی که ما را

مأمور به دعا کردن نموده است (أدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ) (۲) دعای بندگان را نیز استجابت می کند و آن را مجرای تحقق اراده خود قرار می دهد.

بنابراین، امر ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف و تعجیل یا تأخیر در زمان آن، همانند سایر امور، وابسته به قضای الاهی است. در عین حال، ما نیز موظف به دعا هستیم و دعای ما نیز می تواند در تعجیل ظهور آن حضرت مؤثر باشد. مهم این است که دعا ناشی از خواست قلبی مردم باشد و آثارش در عمل و رفتار آنان نمود پیدا کند؛ یعنی شیعیان و منتظران عاشق آن حضرت، در پی دعوت خویش، با تلاش در تهذیب نفس و اصلاح امور، عملاً در تسریع امر فرج، سهیم شوند و زمینه را برای پذیرش حرکت عدالت خواهانه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده نمایند.

ص: ۱۳۵

۱- بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۲۲۸.

۲- سوره غافر، آیه ۶۰.

از آن جایی که ظهور در بستر جامعه بشری اتفاق خواهد افتاد، شرایط اجتماعی و عوامل انسانی در چگونگی یا تسریع و تأخیر آن نقش خواهند داشت؛ هم چنان که نبود زمینه های اجتماعی، باعث پیدایش غیبت و محرومیت مردم از نعمت حضور امام شد.

### فرق شرایط با علائم

#### اشاره

پایان یافتن دوران غیبت و تحقق ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مشروط به رفع موانع و تحقق زمینه ها و شرایط آن است. از این رو یکی از محورهای مهم مباحث مهدویت، شناخت شرایط و زمینه های ظهور و تفاوت آن با علایم و نشانه های نزدیکی زمان ظهور است.

شرایط، آن مقدماتی است که بدون آن ظهور محقق نمی شود؛ اما علائم صرفاً نشانه هایی برای ظهور هستند و ممکن است اصلاً اتفاق نیفتد.

شرایط، ناظر به علل و مقدمات تحقق ظهور است، به گونه ای که اگر این علل و مقدمات پدید نیاید، ظهور نیز محقق نخواهد شد؛ اما علامت و نشانه، اتفاقاتی هستند که از نزدیک شدن زمان ظهور خبر می دهند.

در شرایط، حتماً باید مجموعه مقدمات جمع شوند ولی در علائم، اجتماع همه موارد لازم نیست. در شرایط، ثبات و تداوم ضروری است و تا زمانی که این مشروط است شرایط باید ادامه پیدا کند؛ اما در علائم، ثبات و تداوم لازم نیست. از این رو، در مسأله ظهور، شرایط مهم تر از علائم هستند؛ چون اگر اختلالی در علائم ایجاد شود، مشکلی برای

ظهور پیش نمی آید، اما فقدان شرایط سبب نبود مشروط خواهد شد.

براین اساس، چند چیز را می توان به عنوان شرایط و مقدمات ظهور برشمرد:

### الف) وجود یاور

یکی از عوامل عمده و مؤثر در قیام جهانی حضرت، وجود یاورانی است که به همراه امام، بار سنگین قیام را به دوش می گیرند و تا آخر از همراهی و یاری رهبر

خود دست بر نمی دارند و او را تنها نمی گذارند.

در این رابطه، سخن امام صادق علیه السلام در گفتگو با سدیر صیرفی شنیدنی است؛ زیرا در این گفتگو حضرت به نقش یاران در قیام امام علیه السلام اشاره نموده است. سدیر می گوید: «با توجه به کثرت شیعیان و اطرافیان امام، از حضرت درباره علت عدم قیام ایشان علیه حکام جور وقت، پرسیدم. حضرت مرا به خارج مدینه برد تا آن که وقت نماز شد و در محلی پیاده شدیم. جوانی در آن محل مشغول چراندن گله ای بز بود. امام علیه السلام به آن گله نگاهی کرد و خطاب به من فرمود: «يَا سَدِيرُ لَوْ كَانَ لِي شَيْعَةٌ بَعْدَ هَذِهِ الْجَدَاءِ مَا وَسَّعَنِي الْقُعُودُ؛<sup>(۱)</sup> ای سدیر! به خدا قسم، اگر من به تعداد این بزها یار و یاور داشتم، بر جای

نمی نشستم [و قیام می کردم]». سدیر گوید: بعد از تمام شدن نماز، بزهای آن گله را شمردم و یافتم که عدد آن ها از هفده تجاوز نمی کند!»

بنابراین، تربیت و شکل گیری مجموعه ای از گروه یاوران به عنوان هسته های اولیه قیام جهانی حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف امری لازم و اجتناب ناپذیر است. می بایست عناصر فداکار و جمعیت پیشاهنگی برای جانبازی و حمایت از نهضت جهانی حضرت مهدی، در جامعه حضور داشته باشد. و این ضرورت نیز مبتنی بر این مسأله است که قیام حضرت از مجرای طبیعی و با کمک یاران و همراهان اتفاق خواهد افتاد؛ چنان که از مفاد روایات استفاده می شود.

## **(ب) آمادگی جامعه بشری**

لزوم آمادگی جامعه بشری برای ورود به عصر ظهور از دیگر شرایط ظهور است. تا زمانی که جامعه بشری آمادگی لازم برای پذیرش برنامه های حضرت را نداشته باشد، خداوند ظهور ایشان را محقق نخواهد کرد. از این رو، آمادگی فکری و اقبال مردم برای ظهور منجی، مهم ترین شرط تحقق زمینه های ظهور به شمار می آید. این آمادگی در دو سطح عام و خاص قابل تبیین است:

یکم. آمادگی عام: مراد از آن، آمادگی

نسبی عموم بشر برای پذیرش امر ظهور

ص: ۱۳۷

است. این آمادگی از سه راه اتفاق خواهد افتاد؛ اولاً افکار عمومی مردم باید رشد کافی پیدا کند تا بتوانند در اثر بلوغ فکری به یک قضاوت صحیح و درست دست یابند؛ چراکه اگر آگاهی های لازم ایجاد نشود، قضاوت بشر یک قضاوت ناقص خواهد بود. پس لازم است بشر از نظر آگاهی رشد پیدا کند تا بتواند در مورد مسائل مهمی نظیر تصمیم گیری در مورد چگونگی نظام حکومتی درست قضاوت کند.

ثانیاً بشر به مرور زمان، سیستم های حکومتی و الگوهای مختلف را تجربه کند و آثار و نتایج آن را عیناً ببیند و نقطه ضعف ها، چالش ها و بن بست های هر کدام که در طول زمان بروز و ظهور می کند روشن شود.

ثالثاً بعد از تجربه روش ها و سیستم های گوناگون حکومتی، بشر به نقطه یأس و ناامیدی برسد و متوجه شود که این سیستم ها کارایی ندارند؛ همانند آن چه در سیستم مارکسیسم و کمونیسم (۱) مشاهده شد.

از این رو، ظهور حضرت آن قدر به تأخیر می افتد تا همه مدعیان حکومت داری ببینند و افکار و روش های خود را تجربه کنند و الگوهای مد نظرشان را پیاده نمایند و بعد از ثبات ناکارآمدی شان، مردم دنیا از آن ها قطع امید کنند. چون اگر حضرت یک مرتبه ظهور و قیام کند، بشر ادعا خواهد کرد که ما هم می توانستیم حکومتی شبیه حکومت ایشان برقرار کنیم. لذا یکی از حکمت های تأخیر ظهور حضرت این است که مردم راه کارهای مدعیان اصلاح و سعادت را ببینند و تجربه کنند و عملاً به بطلان و بن بست آن ها پی ببرند. وقتی مردم از کارایی این سیستم ها ناامید شدند و به سوی حضرت روی آوردند، آنگاه حضرت ظهور خواهد کرد.

دوم. آمادگی خاص: این نوع آمادگی، ناظر به جامعه منتظر شیعی و تلاش زمینه سازانه آنان در راستای ظهور است. بدون شک مقدمات و بسترهای لازم برای

ص: ۱۳۸

---

۱- تفکر اومانیستی و مادی گرای مارکسیسم و کمونیسم، باعث شکل گیری امپراطوری بزرگی موسوم به شوروی شد که حدود ۷۰ سال حکومت کرد؛ اما با همه تبلیغات و هیاهویش یک دفعه سقوط کرد و به زباله دان تاریخ پیوست؛ به گونه ای که مردم دنیا - که مدت ها تحت هیمنه و ابهت مارکسیسم بودند- از این رخداد شگفت زده شده بودند.



ظهور، نیازمند فراهم سازی است و مردم موظف اند این زمینه ها را فراهم کنند. از این رو، یکی از مسائل کلیدی در عصر انتظار که می بایست در دستور کار جامعه منتظر قرار گیرد، توجه به

الزامات عقیدتی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی اندیشه انتظار و فراهم سازی زمینه های ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

با این نگاه، فرق است میان زمینه سازی با آمادگی؛ زیرا زمینه سازی ضمن این که وظیفه عمومی است، تکلیف خاصی برای معتقدان به ظهور آن حضرت نیز هست، برخلاف آمادگی که ناظر به رشد تدریجی عمومی است و اختصاص به شیعه ندارد.

از این نظر، انتظار ظهور و آرزوی رسیدن به حکومت مهدوی، بدون توجه به عمل کردن منتظران و عوامل زمینه ساز رخداد ظهور، بی معنا خواهد بود. آیات و روایاتی که بیانگر تأثیر نوع رفتار انسان ها در نحوه تعیین سرنوشت آن هاست نیز ضرورت اقدامات زمینه ساز برای رسیدن به اهداف ظهور را روشن می کند. مثلاً بر اساس آیه (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ) (۱) سرنوشت انسان به دست خود اوست، نه این که جبری در کار باشد.

در روایات نیز بر سیستمی بودن پدیده های اجتماعی تأکید شده است. امام صادق علیه السلام فرموده است: «أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابٍ فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا...» (۲) خداوند از این که جریان امور عالم را جز از

طریق اسباب و علل آن انجام دهد، پرهیز می کند. به همین علت برای هر چیزی سببی قرار داده است.

بدیهی است تا زمانی که اندیشه انتظار با اقدامات زمینه ساز همراه نباشد و از حالت ذهنی به یک جریان اجتماعی و تفکر غالب در جامعه تبدیل نشود و رنگ و بوی انتظار، در تربیت و فرهنگ و سلوک عمومی جامعه، مشهود نباشد، آثار و برکات آن نیز در جامعه پدیدار نخواهد شد. زیرا جوشش این اعتقاد با عمل کرد و فرهنگ جاری مردم، لازمه قطعی باورمندی به انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، اعتقاد و باوری که در شرایط غیبت، اطاعت منتظرانه را به همراه دارد.

ص: ۱۳۹

۱- سوره رعد، آیه ۱۱.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۱۸۳.

از این رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در توصیف منتظران ظهور فرزندش، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَسَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي عَيْتِهِ قَبِيلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَ يُعَادِي أَعْدَاءَهُ ذَاكَ مِنْ رُفَقَائِي وَ دَوِي مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمِ أُمَّتِي عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (۱) خوشا به حال آن کسی که زمان قائم اهل بیت مرا درک نماید، در حالی که قبل از فرا رسیدن قیام او و در زمان غیبتش، پیرو او بوده، دوستانش

را دوست داشته و با دشمنانش به دشمنی برخاسته است. چنین کسانی در بهشت جزو رفیقان و همراهان من و مورد مهر و محبت من خواهند بود و با من در زمره گرامی ترین افراد امت محشور خواهند شد».

براساس این حدیث شریف، وقتی فرهنگ عمومی جامعه، بر اساس آموزه های دینی، تعریف و نهادینه گردد، طبیعی است که سایر جهت گیری های اجتماعی و سیاسی جامعه نیز، صبغه دینی به خود می گیرد و کارکردها و عکس العمل های جاری در جامعه، بر اساس معیارهای دینی، سامان می یابد. آن زمان است که تولی و تبری، دشمن شناسی، حمایت از حق، یکپارچگی در برابر باطل و... در رفتارهای اجتماعی مردم به صورت هدف مند تثبیت شده و زمینه های ظهور را فراهم می آورد.

### علائم ظهور

حادثه ظهور دارای نشانه هایی است که برخی مدتی قبل از آن و بعضی در هنگامه آن واقعه مهم رخ می دهند تا نزدیک بودن زمان ظهور را بشارت دهند. فلسفه طرح علائم ظهور در روایات، تفکیک و شناسایی قیام حضرت از ادعاهای دروغین بوده است؛ لذا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیه السلام با بیان علائم و نشانه های خاص، جلوی ادعاهای کاذب مدعیان دروغین و سوء استفاده

آن ها را از این موضوع گرفته اند.

نشانه های ظهور از جهات مختلفی قابل تقسیم بندی است:

- تقسیم به لحاظ نوع و سنخیت (علائم طبیعی و غیرطبیعی)

- تقسیم به لحاظ زمان وقوع (علائم متصل به ظهور و علائم منفصل از ظهور)

ص: ۱۴۰

---

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۸۶؛ غایه المرام، ج ۷، ص ۱۳۲؛ نور الثقلین، ج ۲، ص ۵۰۵؛ ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۹۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۲؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۲۶۳.

- تقسیم به لحاظ وقوع و عدم وقوع تا به اکنون (علائم گذشته و آینده)

- تقسیم به لحاظ قطعی بودن و محتمل بودن (علائم حتمی و غیر حتمی).

آن چه در تقسیم بندی روایات مشاهده می شود، تقسیم از نوع اخیر است. البته در این گونه روایات علائم غیر حتمی به صورت متفرقه مطرح شده و آمار خاصی برای آن نیست. این نوع علائم بیشتر ناظر به وضعیت مردم در آخرالزمان است.

اما علائم حتمی به دلیل اهمیت آن، در روایات به خوبی تبیین شده اند. از جمله علائمی که در روایات بر حتمی بودن آن تصریح شده است عبارت اند از: خروج سفیانی، قیام یمانی، صیحه آسمانی، قتل نفس زکیه و خسف بیداء. (۱)

اگرچه این موارد به عنوان علائم و نشانه های ظهور شناخته می شود؛ اما برخی از آن ها در آستانه ظهور و برخی هم زمان یا اندکی بعد از ظهور رخ می دهد؛ از این رو، با توجه به هم زمانی و درهم تنیدگی این حوادث با رخدادهای دوران ظهور، توضیح بیشتر درباره هر کدام از این علائم را به بخش بعدی موکول می نمایم.

□□□

ص: ۱۴۱

---

۱- ر.ک: الغیبه، نعمانی، ص ۲۶۲؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۶۱.



بخش پنجم: ظهور آخرین منجی

اشاره

ص: ۱۴۳

دوران ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مهم ترین مقطع زندگی آن حضرت است. بنا به توصیف آیات و روایات، دوران ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عصر آرمانی و ایده آلی است که در طول تاریخ، تمام انسان ها رسیدن آن را به انتظار نشسته اند و پیامبران الهی علیه السلام و کتب آسمانی، تحقق آن را در آخرالزمان بشارت داده اند.

در آیات (۱) و روایات (۲) به گوشه هایی از دستاوردهای گسترده، شگفت انگیز و بهجت آور دوران طلایی ظهور اشاره شده است. برای مثال، در آن دوران، تمامی آرزوهای تاریخی و اهداف متعالی انسانی تحقق می یابد؛ دین اسلام بر همه ادیان و آئین ها چیره می شود؛ آئین یکتاپرستی در سراسر گیتی حکم فرما می گردد؛ شرک، بی دینی، فساد و تباهی پایان یافته و فضیلت و عدل و داد، جهان گیر می شود؛ امنیت و رفاه و آسایش، همه جا را

دربار می گیرد؛ اخلاق، تربیت، فرهنگ، رشد و عقلانیت بشر به درجه بلوغ و شکوفایی می رسد و ...

### مفاهیم (ظهور، قیام، خروج)

با توجه به این که در اصطلاح روایات، کلماتی مانند «ظهور»، «قیام» و «خروج» به معانی متفاوت از یک دیگر به کار نرفته اند، لازم است برای آگاهی بیشتر نسبت به این مفاهیم و تفاوت های آن، به توضیح هر کدام اشاره گردد:

ظهور: این واژه از ماده «ظهر» به معنای آشکار شدن و پدیدار شدن چیز پنهان است؛ بر خلاف «بطن» که به معنای پنهان و در درون بودن است، چنان که جوهری

ص: ۱۴۴

۱- سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره نور، آیه ۵۵.

۲- ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۲۵؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۷۵.

می گوید: «الظَّهْرُ خِلَافُ البَطْنِ». (۱)

ابن فارس نیز در توضیح معنای لغوی ظهور می گوید: «يُدلُّ على قوَّة و بُرُوز، مِنْ ذَالِكْ ظَهْر الشَّيْ يَظْهَرُ ظَهْورًا فَهوَ ظَاهِرٌ، اِذَا انْكَشَفَتْ وَ بَرُوزٌ وَ لِذَالِكْ سَمِيَ وَقْتُ الظَّهْرِ وَ هُوَ اِظْهَرَ اَوْقَاتِ النَّهَارِ وَ اَضْوُؤُهَا؛ (۲) ظهور بر قوت و شدت آشکار بودن و مکشوف بودن چیزی دلالت دارد. به همین جهت، نصف روز را ظهر گویند؛ چون آشکارترین و کامل ترین حالت درخشندگی خورشید، در آن لحظه

نمایان و پدیدار می گردد».

در کاربرد روایات، اصطلاح «ظهور» نوعاً در مقابل «غیبت» و به معنای ظاهر شدن و آشکار شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از پس پرده غیبت پس از مدت طولانی، جهت برپایی حکومت عدل جهانی در آخر الزمان، به کار رفته؛ لذا این واژه در روایات، غالباً با کلماتی چون «عصر»، «یوم» و... همراه است.

قیام: «قیام» در لغت، به معنای برخاستن و برپا بودن و در مقابل معنای نشستن است: «القیام نقيض الجلوس». (۳) در اصطلاح فقه، واژه قیام به حالت خاصی از ایستادن گفته می شود که در مقابل نشستن، رکوع و سجود است؛ اما این واژه، در روایات عام مربوط به سیره و تاریخ، به معنای نهضت و جهاد به کار رفته و در روایات خاص مربوط به مهدویت، ناظر به نهضت و انقلاب جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ظهور است.

خروج: این کلمه از ماده «خرج» به معنای بیرون شدن و برآمدن است و در مقابل واژه «دخول» که به معنای ورود است، استعمال می شود: «الخُرُوجُ نَقِيضُ الدَّخُولِ». (۴) در اصطلاح روایات، «خروج» به معنای نهضت، حرکت و قیام است،

اعم از آنکه حق باشد یا باطل.

با توجه به آن چه اشاره شد، مفاهیم و واژه های «ظهور»، «قیام» و «خروج» ضمن

ص: ۱۴۵

۱- الصحاح، ج ۲، ص ۷۳۰؛ تاج العروس، ج ۷، ص ۱۶۶.

۲- معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۴۷۱.

۳- لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۹۶.

۴- لسان العرب، ج ۲، ص ۲۴؛ تاج العروس، ج ۳، ص ۳۳۹.

آن که قریب المعنی هستند، فرق‌ها و تفاوت‌های اندکی نیز با هم دارند. مراد از واژه «ظهور» آشکار شدن، پدیدار شدن و خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از وضعیت غیبت و استتار است؛ اما مراد از واژه «قیام» آغاز نهضت و شروع حرکت اصلاحی حضرت است؛ چه این که واژه «خروج» نیز نزدیک به همین معناست و بر شروع ناگهانی و غافلگیرانه نهضت و قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف علیه نظام ظلم و جور دلالت دارد، به گونه‌ای که در اثر انقلاب و قیام حضرت، سیستم و نظام ظالمانه حاکم بر روابط و معادلات جهانی، به هم خورده و ابتکار عمل از دست قدرت‌های مستکبر جهان خارج می‌شود.

بنابراین، ترکیب هر کدام از این کلمات با نام مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به بُعد خاصی از این رخداد بزرگ اشاره دارد. با این حال، این اصطلاحات دارای معانی و مضمون مشترکی هستند و آن عبارت است از ظاهر شدن و آمدن موعود الاهی، یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان. البته با این ملاحظه که واژه «ظهور» بیشتر مبین علنی شدن نهضت عدالت خواهانه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در جهان و واژه «قیام» ناظر به اعلام رسمی نهضت مهدوی و آغاز حرکت اصلاحی آن حضرت در جهان است.

با توجه به آن چه اشاره شد، حوادث دوران ظهور به دلیل اهمیت خاص آن، بیش از همه در روایات انعکاس پیدا کرده است؛ از این رو، این بخش در سه فصل، به بیان مهم‌ترین رخدادها و تحولات جهانی عصر ظهور، یعنی اتفاقات مربوط به زمان آستانه ظهور، هنگام ظهور و پس از ظهور می‌پردازد.

## زمان ظهور

### اشاره

یکی از موضوعات پرسش برانگیز در باب مهدویت، زمان ظهور و چگونگی تعیین آن است. آن چه غالباً سؤال می‌شود این است که آیا در روایات از زمان ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف سخنی به میان آمده است؟ آیا می‌توان از زمان دقیق ظهور حضرت خبر داد؟ حکمت‌های نامعلوم بودن زمان ظهور چیست؟

برای روشن شدن پاسخ این پرسش‌ها، لازم است این موضوع از منظر روایات مورد تأمل قرار گیرد. روایات مربوط به این مسأله چند دسته هستند؛ برخی روایات به صورت



نامعین به سال و ماه و روز ظهور اشاره دارند، در برخی دیگر، بر ناگهانی بودن امر ظهور تأکید شده و در بسیاری از روایات بر نامعلوم بودن زمان ظهور و منع از توقیت تصریح شده است.

### الف) سال، ماه و روز ظهور

در برخی از روایات، به صورت کلی (نامعین) از زمان ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر داده شده و از سال و ماه و روزی که ظهور در آن واقع خواهد شد، نام برده شده است.

ابوبصیر از امام باقر علیه السلام روایت کرده است: «يَقُومُ الْقَائِمُ فِي وَتْرٍ مِنَ السَّنِينَ؛ تِسْعٍ، وَاحِدَةً، ثَلَاثٍ، خَمْسٍ؛ (۱) قِيَامَ حَضْرَتِ عَجَلِ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَةَ الشَّرِيفِ فِي سَالِ فَرْدٍ خَوَاهِدُ بُوْد، نُهْ، يَكْ، سَهْ، پَنَجْ».

هم چنین ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا فِي وَتْرٍ مِنَ السَّنِينَ سَنَةً؛ إِحْدَى أَوْ ثَلَاثٍ أَوْ خَمْسٍ أَوْ سَبْعٍ أَوْ تِسْعٍ؛ (۲) حَضْرَتِ عَجَلِ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَةَ الشَّرِيفِ قِيَامَ نَخَوَاهِدُ كَرْدِ مَكْرٍ فِي سَالِ هَايِ فَرْدِ، يَكْ يَا سَهْ يَا پَنَجْ يَا هَفْتْ يَا نَهْ».

در روایتی دیگر، ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ وَ يَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِكَأَنِّي بِهِ فِي يَوْمِ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمُحَرَّمِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ جَبْرَائِيلُ عَنْ يَدِهِ الْيَمْنَى يُنَادِي الْبَيْعَةَ لِلَّهِ فَتَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تُطَوِّى لَهُمْ طَيًّا حَتَّى يُبَايَعُوهُ؛ (۳) فِي سَبْتِ شِبِّ بَيْسْتِ وَ سَوْمِ فِي مَاهِ رَمَضَانَ، مَنَادِي نَامَ حَضْرَتِ عَجَلِ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَةَ الشَّرِيفِ رَا فَرِيَادَ بَرْمِي أَوْرَدَ وَ حَضْرَتِ فِي رُوزِ عَاشُورَاءَ، هَمَانَ رُوزِي كِه حَسِينِ بِنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِه قَتْلَ رَسِيدِ، قِيَامِ مِي كَنْدِ. كُو اَيْنِ كِه مِنْ اَن جَا هَسْتَمِ فِي رُوزِ شَنْبِهِ اَز دَهْمِ مُحْرَمِ، فِي حَالِي كِه حَضْرَتِ قَائِمِ مِيانِ رُكْنِ وَ مَقَامِ ايسْتَادِه وَ جَبْرَائِيلِ فِي مَقَابِلِ اَوْ قَرَارِ دَارِدِ وَ مَرْدَمِ رَا بَرَايِ بَيْعَتِ بَا اَوْ فَرَا مِي خَوَانِدِ. پَسِ شَيْعِيَانِ اَوْ بِه سُوِي اَوْ رُوِي مِي اَوْرَنْدِ وَ اَز اَطْرَافِ جِهَانِ بِه سُوِي اَوْ شَتَابَانَ حَرَكْتِ مِي كَنْنَدِ تَا بَا اَوْ بِيُونْدَنْدِ وَ بَيْعَتِ كَنْنَدِ».

ص: ۱۴۷

۱- الغيبة، نعمانی، ص ۲۶۲.

۲- الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۹؛ روضه الواعظین، ص ۲۶۳؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۶؛ كشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۱.

۳- الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۹؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۶.

در روایتی که ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده، حضرت روز جمعه را روز ظهور ذکر نموده است: «وَيَخْرُجُ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ يَقُومُ الْقِيَامَةَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ مَا مِنْ عَمَلٍ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ» (۱) قائم ما اهل بیت علیهم السلام در روز جمعه ظهور می کند و رستاخیز نیز در روز جمعه به پا خواهد شد و هیچ کاری در روز جمعه بهتر از درود فرستادن بر محمد و آل او علیه السلام نیست».

در روایت دیگری که علی بن ابی حمزه از ابوبصیر و او از امام باقر علیه السلام نقل کرده است، روز ظهور حضرت، شبیه ذکر شده است: «يَخْرُجُ الْقَائِمُ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ يَوْمَ السَّبْتِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (۲) حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روز شبیه ای که روز عاشورا است، روزی که حسین علیه السلام در آن روز به شهادت رسید، قیام خواهد کرد».

امّا در برخی از روایات، وقتی راوی در مورد تعیین زمان ظهور از معصوم سؤال کرده، امام به پاسخ کلی اکتفا نموده و زمان ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را به یأس و ناامیدی شیعیان، مرتبط دانسته است.

اباجارود می گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال کردم: «قائم شما چه زمانی قیام می فرماید؟» حضرت فرمود: «یا أبا الجارود! لا- تدرکون؛ ای اباجارود! شما آن زمان را نخواهید دید». عرض کردم: «اهل زمانش را چطور؟» فرمود: «وَلَنْ تُدْرِكَ أَهْلَ زَمَانِهِ، يَقُومُ قَائِمُنَا بِالْحَقِّ بَعْدَ إِيَّاسٍ مِنَ الشَّيْعَةِ، يَدْعُو النَّاسَ ثَلَاثًا فَلَا يُجِيبُهُ أَحَدٌ، فَإِذَا كَانَ الْيَوْمَ الرَّابِعَ تَعَلَّقَ بِأَسْتَارِ الْكُعْبَةِ، فَقَالَ: يَا رَبِّ، انصُرْنِي وَ دَعْوَتُهُ لَمَا تَشَقُّطُ، فَيَقُولُ: لِلْمَأْمَانِكِ الَّذِينَ نَصَرُوا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِمَ يَوْمَ بَيْدَرٍ وَ لَمْ يَحْطُوا سُرُوجَهُمْ وَ لَمْ يَضَعُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَيَبَايَعُونَهُ، ثُمَّ يَبَايَعُهُ مِنَ النَّاسِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا» (۳) اهل زمانش را هم نمی بینید. قائم ما بعد از مأیوس شدن و ناامید گشتن شیعیان قیام می کند و مردم را سه بار دعوت می کند و به کمک می طلبد، ولی هیچ کس پاسخ او را نمی دهد، تا آن که

ص: ۱۴۸

- ۱- الخصال، ج ۲، ص ۳۹۴؛ معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۴۹۶.
- ۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۳۳۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.
- ۳- دلائل الأمامه، ص ۴۵۵؛ معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۳۰۶.

روز چهارم به پرده کعبه می چسبد و می گوید: خدایا! یاری ام کن. دعایش

رد نمی شود و خداوند به ملائکه ای که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را در روز بدر یاری کردند دستور می دهد که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را یاری کنند و آن ها که تا آن زمان هنوز آماده باش بوده اند و زین اسب ها و اسلحه های خود را زمین نگذاشته اند با حضرت بیعت می کنند. سپس سیصد و سیزده مرد با حضرت بیعت می نمایند».

براساس برخی از زیارات، فرج و ظهور آن حضرت در روز جمعه بیشتر از روزهای دیگر محتمل دانسته شده؛ چنان که در زیارت مختص آن حضرت در روز جمعه تصریح شده است: «يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِ بَيْتِكَ هَذَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ هُوَ يَوْمُكَ الْمُتَوَقَّعِ فِيهِ ظُهُورُكَ وَ الْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدِكَ...» (۱) ای آقای من! درود خداوند بر تو و بر آل بیت تو باد. امروز جمعه است و این، روز توست که در آن، ظهورت و فرج مؤمنین به دستانت انتظار می رود».

بنابراین، روایاتی که به صورت نامشخص از ماه و روز خاصی نام برده اند، هرگز بر تعیین زمان ظهور دلالت ندارد؛ زیرا تعیین زمان با تعیین هر سه عنصر سال و ماه و روز ممکن خواهد بود و چون سال معین نشده است، ماه و روز نیز نامعین خواهد بود.

نتیجه این که زمان ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظر

سال و ماه و روز، دقیقاً روشن نیست و آن چه در برخی روایات، از سال و ماه و ایام هفته به عنوان وقت ظهور یاد شده نیز کلی است و قابل تطبیق بر مصادیق مشابه می باشد. از این رو، در هیچ روایت از روایات بسیاری که از پیامبر گران قدر و امامان معصوم علیه السلام پیرامون ابعاد گوناگون حیات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده، به طور مشخص به زمان ظهور آن حضرت تصریح نشده است؛ بلکه به عکس، در روایات بسیاری، کسانی که از زمان ظهور خبر می دهند به شدت تکذیب شده اند. لذا کسی دقیقاً نمی داند که آن حضرت چه وقتی ظهور خواهد کرد؛ زیرا حکمت الاهی اقتضا می کند که زمان ظهور آن حضرت از مردم پوشیده باشد.

ص: ۱۴۹

---

۱- الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۴۸.

براساس روایات، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت ناگهانی و در یک زمان نامعلوم رخ خواهد داد. برخی از احادیث، دفعی بودن حادثه ظهور را با تعبیر «بَغْتَهُ» توصیف کرده و برخی دیگر، واقعه ظهور را به واقعه قیامت تشبیه نموده اند.

دعبل خزاعی می گوید: وقتی در حضور امام رضا علیه السلام شعری خواندم و در آن، سخن از امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به میان آوردم، حضرت بسیار گریه کرد، سپس به من فرمود: «يَا خُزَاعِيُّ نَطَقَ رُوحُ الْقُدُسِ عَلَي لِسَانِكَ

بِهَذَيْنِ الْبَيِّنَاتَيْنِ فَهَلْ تَدْرِي مَنْ هَذَا الْإِمَامُ وَمَتَى يَقُومُ؟؛ ای خزاعی! در این دو بیت، روح الامین به زبانت سخن گفته است. آیا می دانی این امام کیست و کی قیام می کند؟ عرض کردم: نه ای مولایم جز این که شنیده ام امامی از شما ظهور می کند و زمین را از فساد پاک و از عدالت و داد پر می کند، چنان که از ستم پر شده است. فرمود: «يَا دِعْبِلُ الْإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدُ ابْنِي وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيُّ وَ بَعْدَ عَلِيِّ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّجَةُ الْقَائِمَةُ الْمُنْتَظَرَةُ فِي غَيْبَتِهِ الْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذِكْرَكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْمَأْرُضَ عَيْدًا كَمَا مِلْتُ جُورًا وَ أَمَا مَتَى فَاخْبَارٌ عَنِ الْوَقْتِ فَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم قِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ فَقَالَ: مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يُجَلِّبُهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ... لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَهُ؛(۱) ای دعبل! امام بعد از من، محمد علیه السلام است و پس از او فرزندش علی علیه السلام و بعد از او پسرش حسن علیه السلام و پس از حسن، پسرش حجت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف امام است؛ کسی که در غیبتش انتظار او را کشند و در ظهورش مطاع باشد. اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خدا آن روز را آن قدر طولانی کند که او ظهور نماید و زمین را پر از عدالت کند، چنان که پر از ستم شده باشد. اما زمان آن، خبر دادن از وقت است و حال آن که پدرم از پدرش و او از پدرانش برایم روایت کرده است که از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد: چه

زمانی قائم از ذریه ات خروج می کند؟ فرمود: مثل او مانند قیامت است که وقتش را جز خداوند آشکار نکند و

ص: ۱۵۰

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۷؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۳؛ کفایه الاثر، ص ۲۷۷.

رخ نمی دهد مگر به صورت ناگهانی».

امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش از امام حسین علیه السلام نقل کرده است: «فِي التَّاسِعِ مِنْ وُلْدِي سُنَّةٌ مِنْ يُوْسُفَ وَ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَ هُوَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُصَلِّحُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمْرَهُ فِي لَيْلِهِ وَاحِدَةً؛(۱) نهمین فرزند من، سنتی از یوسف و سنتی از موسی بن عمران علیه السلام را داراست و او قائم ما اهل بیت است که خداوند متعال در یک شب، امر ظهورش را سروسامان می بخشد».

در روایتی دیگر، اباجارود نقل می کند که امام باقر علیه السلام فرمود: «يُمَسِّي مِنْ أَحْوَفِ النَّاسِ وَ يُصْبِحُ مِنْ آمَنِ النَّاسِ يُوحَى إِلَيْهِ هَذَا الْأَمْرُ لَيْلَهُ وَ نَهَارَهُ؛ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام عصر، بیمناک ترین مردم است، اما صبح فردای آن، در امان ترین مردم نسبت به دشمنان و محفوظ تر از همه می باشد. خداوند امر قیام را در همان شب و روز به او وحی می نماید». اباجارود عرض کرد: «آیا به او وحی می شود؟» حضرت فرمود: «يَا أَبَا جَارُودٍ إِنَّهُ لَيْسَ وَحْيٌ تُبَوِّهُ وَ لَكِنَّهُ يُوحَى إِلَيْهِ كَوَحْيِهِ إِلَى مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَ إِلَى أُمِّ مُوسَى وَ إِلَى النَّحْلِ يَا بَا الْجَارُودِ إِنْ قَائِمٌ

آلِ مُحَمَّدٍ لَأَكْرَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَ أُمِّ مُوسَى وَ النَّحْلِ؛(۲) ای اباجارود! این وحی، مانند وحی نبوت نیست؛ بلکه مانند وحی ای است که به حضرت مریم و مادر موسی و زنبور عسل می شود. ای اباجارود! قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف نزد خداوند گرامی تر و عزیزتر از مریم، دختر عمران و مادر موسی و زنبور عسل است».

هم چنین از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَرْجَى مِنْكَ لِمَا تَرْجُو فَإِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَرَجَ لِيَقْتَبِسَ لِأَهْلِهِ نَارًا فَرَجَعَ إِلَيْهِمْ وَ هُوَ رَسُولُ نَبِيِّ فَأَصْلَحَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمْرَ عَبْدِهِ وَ نَبِيِّهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي لَيْلِهِ وَ هَكَذَا يَفْعَلُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِالْقَائِمِ الثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْأَيَّامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَصْلُحُ لَهُ أَمْرُهُ فِي لَيْلِهِ كَمَا أَصْلَحَ أَمْرُ

ص: ۱۵۱

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۱۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۹؛ معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۲۹۰.

نَبِيِّهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يُخْرِجُهُ مِنَ الْخَيْرِهِ وَ الْعَيْبِهِ إِلَى نُورِ الْفَرَجِ وَ الظُّهُورِ؛(۱) نسبت به آن چه در فکر آن نیستید، بیشتر امیدوار باشید، تا به آن چه که به آن ها مشغول و امیدوارید؛ زیرا حضرت موسی بن عمران علیه السلام رهسپار گشت تا برای خانواده اش آتش بیاورد، ولی برگشت در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود. خداوند متعال، کار بنده و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خود، حضرت موسی علیه السلام را یک شبه سروسامان داد. هم چنین خداوند متعال در مورد حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف که دوازدهمین امام است،

چنین خواهد نمود و امر قیام آن حضرت را مانند حضرت موسی علیه السلام در یک شب سروسامان خواهد داد و آن حضرت را از سرگردانی و غیبت، خارج و به نور فرج و ظهور، هدایت خواهد فرمود».

در روایت منقول از امام جواد علیه السلام نیز آمده است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيُضِلُّحُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلِهِ كَمَا أَضِلَّحُ أَمْرَ كَلِيمِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ ذَهَبَ لِيُقْتَبَسَ لِأَهْلِهِ نَارًا فَرَجَّحَ وَ هُوَ رَسُولُ نَبِيِّ؛(۲) خداوند بزرگ، امر ظهور ایشان را یک شبه به انجام می رساند، چنان که امر موسی، کلیم خود را چنین کرد؛ آن گاه که جهت برگرفتن آتش برای خانواده اش رهسپار شد، اما زمانی که برگشت، پیامبر و فرستاده خدا شده بود».

براساس این دسته روایات، واقعه ظهور، یک امر ناگهانی و غیر قابل پیش بینی است و کسی از زمان آن اطلاع دقیقی ندارد؛ لذا بر اساس روایات، اگر کسی برای ظهور حضرت، زمان و تاریخ تعیین کند، دروغگو است و ادعای وی اعتبار و ارزش دینی نخواهد داشت.

### مکان ظهور

براساس روایات، ظهور ابتدایی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مدینه منوره است؛ اما محل اعلام رسمی قیام آن حضرت، مکه معظمه خواهد بود. طبق

این روایات، زمانی که اوضاع کلی جهان مساعد شود و افکار مردم دنیا برای پذیرش برنامه های اصلاحی

ص: ۱۵۲

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۵۲؛ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۲.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۴۲؛ مدینه المعجز، ج ۷، ص ۴۰۸.

امام عصر عجل الله تعالى فرجه الشريف جهت تشکیل حکومت عدالت جهانی آماده گردد، خداوند متعال به حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف اذن خروج می دهد.

هم چنین بر اساس روایات، آغاز ظهور علنی امام مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف مقارن با یک خروش آسمانی خواهد بود؛ یعنی ابتدا این خبر به وسیله منادی آسمانی اعلام می شود و آن گاه حضرت در حالی که پشت به کعبه داده است، با ایراد سخنرانی، رسماً دعوت به حق و ظهور خود را به گوش مردم دنیا می رساند.

طبق این روایات، حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف ابتدا در مدینه حضور دارد؛ اما پس از انتشار خبر حضور امام در مدینه و تهاجم سپاه سفیانی به آن جا برای دستگیری حضرت، ایشان مدینه را به قصد مکه ترک گفته، شامگاهان به صورت مخفیانه وارد شهر مکه می شود و سپس دعوت الاهی خویش را از ام القرای اسلام به جهانیان اعلام می کند. از این رو، می توان حضور نیمه علنی حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف در مدینه را مقدمه ظهور و قیام علنی آن حضرت در مکه دانست.

یعقوب بن سراج روایت کرده است: از امام صادق علیه السلام در مورد زمان و مکان قیام حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف سؤال کردم. حضرت در پاسخ، بعد از

ذکر چند علامت برای ظهور فرمود: «خَرَجَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةِ بِثَرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ؛ صاحب این امر از مدینه به قصد مکه خارج می شود، در حالی که میراث پیامبر با اوست». عرض کردم: میراث پیامبر چیست؟ فرمود: «سَيِّفُهُ وَ دِرْعُهُ وَ عِمَامَتُهُ وَ بُرْدُهُ وَ رَايَتُهُ وَ قَصِيْبُهُ وَ فَرَسُهُ وَ لَأَمَّتُهُ وَ سَرَجُهُ» (۱) شمشیر و زره، عمامه و بُرد، پرچم، عصا، اسب، وسائل جنگی و زین آن حضرت».

در روایات به روشنی بیان نشده است که رژیم حاکم بر مدینه، در هنگام ظهور امام مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف چه موضعی خواهد گرفت؛ فقط این مطلب آمده است که خبر ظهور امام مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف به سرعت در منطقه پخش می شود و به سفیانی که در هنگامه ظهور بر منطقه وسیعی چون سوریه، اردن و فلسطین سلطه دارد می رسد و او مطلع می شود که حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف در مدینه حضور دارد و آماده قیام است.

ص: ۱۵۳

به دنبال این خبر، سفیانی برای دستیابی به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سپاهی را تجهیز می کند و به مدینه گسیل می دارد؛ اما آن حضرت، برای پرهیز از قیام زودرس، طبق فرمان خدا به شهر مکه می رود تا فرمان الاهی فرارسد. سپاه سفیانی برای دستگیری آن حضرت وارد مدینه می شوند، اما آن حضرت را نمی یابند؛ لذا به

دنبال حضرت به مکه روی می آورند که در بین راه، زمین آنان را می بلعد. (۱)

از این رو، روایاتی که محل ظهور و قیام را بیان کرده اند، تعارض و تنافی نخواهند داشت؛ چراکه هر کدام، به مرحله خاصی از جریان ظهور اشاره دارند. برخی ناظر به مرحله آغازین ظهور، یعنی حضور حضرت در مدینه و انتشار اخبار ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف از مدینه هستند و برخی که تصریح به ظهور حضرت از مکه دارند، بر دعوت و قیام علنی حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف از مکه مکرمه و اعلام آن به جهانیان دلالت دارند.

بنابراین، مقدمات حرکت حضرت از مدینه آغاز می شود، اما دعوت و قیام علنی ایشان در شهر مکه، در کنار کعبه و بعد از پیوستن یاران خواهد بود؛ چنان که در بخش های بعدی به این روایات اشاره خواهد شد.

ص: ۱۵۴

---

۱- ر.ک: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ص ۵۸۶.



مراد از وقایع پیش از ظهور، آن دسته از رخدادهایی است که در آستانه ظهور رخ می دهد؛ اعم از این که اندکی قبل از ظهور یا هم زمان با آن باشد. در آن زمان، حوادث و رخداد‌های مهمی به وقوع می پیوندد که منتهی به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد شد. بررسی و شناخت آن حوادث، هم به دلیل انعکاس گسترده آن در روایات و هم به لحاظ تأثیرات وسیع منطقه ای و جهانی آن، بسیار حائز اهمیت است.

عامل پیدایش این تحولات دو چیز است؛ اول، اختلاف و کشمکش در کشورهای عربی، مخصوصاً سرزمین حجاز، که منجر به ناامنی و بی ثباتی در این مناطق می شود و دوم، ظهور پدیده سفیانی در منطقه شام و گسترش فتنه و آشوب آن در دیگر سرزمین های اسلامی. وقوع این رخدادها در منطقه خاورمیانه، سبب پیدایش بحران سیاسی اجتماعی شدید در کشورهای عربی

(مناطق شامات و حجاز و عراق) گردیده و شرایط را برای ابتکار عمل شیعیان و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم می سازد.

در این فصل، با استفاده از روایات، به بررسی حوادث و تحولات منطقه خاورمیانه در هنگام ظهور یا اندکی پیش از آن می پردازیم.

### آغاز بی ثباتی در خاورمیانه

در آستانه ظهور، سرزمین های عربی در اثر سوء مدیریت حکام جور و فرمانروایان طغیانگر، دچار نابسامانی شدیدی می شود. درباره وضعیت اعراب در هنگامه ظهور و نکوهش فرمانروایان آنان روایات بسیاری وارد شده است. برای مثال، امام صادق علیه السلام

می فرماید: «وَيْلٌ لِّطَغَاهِ الْعَرَبِ مِنْ شَرِّ قَدِ اقْتَرَبَ»؛<sup>(۱)</sup> وای بر طاغیان عرب، از شری که به زودی گریبان گیر آنان خواهد شد».

هم چنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود: «يَقَعُ خُرُوجُهُ بَعْدَ تَدَاوُرٍ وَ اِخْتِلَافٍ بَيْنَ أُمَرَاءِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ إِلَى أَنْ يَصِيرَ الْأَمْرُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ أَبِي سَفِيَّانٍ»؛<sup>(۲)</sup> خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمانی به وقوع می پیوندد که نزاع و کشمکش و اختلاف شدیدی در میان فرمانروایان عرب و عجم، در گیرد و این کشمکش و نزاع در میان

آنان تداوم یابد تا آن که رشته امور به دست مردی از تبار ابوسفیان برسد».

بر اساس این حدیث، قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شرایطی به وقوع می پیوندد که جهان اسلام، مخصوصاً کشورهای عربی و منطقه خاورمیانه، دچار آشوب، هرج و مرج و بی ثباتی شدیدی شده باشند تا زمینه برای به قدرت رسیدن عناصر پلید و خون آشامی چون سفیانی پدید آید. از این رو، تحولات بنیادین در خاورمیانه، سرآغاز تحولات بزرگ جهانی و زمینه ساز رخداد بزرگ ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. از این لحاظ، این رخدادها بستر رشد و بالندگی جریان عدالت خواهی و پیروزی نهایی حق طلبان است.

این تحولات با محوریت دو جریان متخاصم شکل می گیرد؛ اول، جریان قدرت طلب، تمامیت خواه و ستمگر با محوریت سفیانی و دوم، نهضت های حق گرا و عدالت خواه با تفکرات ناب شیعی که در تقابل با سفیانی قرار دارند. آنان گرچه همانند جریان سفیانی، یک پارچه و متمرکز نیستند، اما دارای هدف و آرمانی واحدند و آن، ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تلاش در این راستا است. رهبری این جریان را شخصیت های برجسته ای مثل یمانی، خراسانی، شعیب بن صالح، سید حسنی و... برعهده دارند.

ص: ۱۵۶

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۴.

۲- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ج ۳، ص ۲۳.

یکی از رخدادهای مهم در آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور پدیده سفیانی در منطقه شام و فتنه انگیزی این جریان است که در روایات از نشانه های حتمی ظهور شمرده شده است. خروج سفیانی از نظر زمانی اولین نشانه از نشانه های حتمی است که پیش از دیگر نشانه ها تحقق می یابد. موضوع خروج سفیانی در روایات اسلامی بسیار دقیق، روشن و شفاف بیان شده است؛ به گونه ای که هرگز قابل انطباق با هیچ فرد دیگری نمی باشد.

براساس روایات، این فتنه چنان فراگیر می گردد که در اندک زمانی، بخش وسیعی از کشورهای عرب را تسخیر می کند. در این وضعیت بحرانی، فرد قدرت طلب و فتنه انگیزی چون سفیانی به قدرت می رسد و با جنگ افروزی و توسعه طلبی، بسیاری از شهرها و کشورهای منطقه از جمله مناطق شام، عراق، مدینه و... را به تصرف خود در می آورد و مسلمانان به ویژه شیعیان را به خاک و خون می کشد.

بر این اساس، بیشترین جنگ افروزی ها قبل از ظهور توسط سفیانی خواهد بود. از این رو، با توجه به انعکاس وسیع جریان سفیانی و پیامدهای فاجعه بار این حرکت شوم برای مناطق مسلمان نشین، لازم است روایاتی که

خصوصیات و اوصاف سفیانی و نیز سیر تحولات ناشی از حرکت ضد اسلامی و ضد شیعی وی را بیان نموده اند، مورد توجه قرار گیرد تا وضعیت و شرایط جاری این منطقه در آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به خوبی روشن گردد.

### الف) ویژگی های سفیانی

درباره خصوصیات اسمی سفیانی نقل های متفاوتی وجود دارد. در منابع روایی شیعی، وی با نام عثمان بن عنبسه و از تبار ابوسفیان یاد شده است؛ شخصی بسیار سفاک و خون آشام که مهم ترین خصیصه او آدم کشی و خون ریزی است. او هر حرام خدا را حلال نموده و به هر جنایتی دست می زند، وی سنگ دل ترین انسان هاست و هیچ رحم و عاطفه ای در زندگی اش دیده نمی شود.

در برخی از دیگر کتاب ها، از وی با نام هایی چون حرب بن عنبسه، عنبسه

بن

مرّه، عنبسه بن هند، عبدالله بن یزید، ابوعتبه و معاویه بن عتبه (۱) یاد شده است؛ اما لقب معروف وی، سفیانی است. چراکه او از نسل ابوسفیان است. روایات، او را از نسل بنی امیه (شجره ملعونه) از تبار یزید بن معاویه و از بطن هند جگرخواره، معرفی کرده اند.

امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید: «يَخْرُجُ ابْنُ آكَلِهِ الْأَكْبَادِ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ وَ هُوَ رَجُلٌ رَبْعَةٌ وَ حَشُّ الْوَجْهِ ضَخْمٌ الْهَامَهُ بِوَجْهِهِ أَنْتَرُ الْجُدْرِي إِذَا رَأَيْتَهُ حَسِبْتَهُ أَعْوَرَ» (۲) پسر هند جگرخواره از وادی یابس خروج می کند. او مردی میان بالا، با چهره ای وحشتناک، سر ستبر و آبله روی می باشد. هنگامی که او را ببینی، او را یک چشم می پنداری».

سفیانی مرد خون آشامی است که وقتی به شهری حمله ور می شود آن را به خاک و خون می کشد، به کودکان و پیران نیز رحم نمی کند و حتی شکم زنان باردار را می درد! او پلیدترین انسان روی زمین است و همواره فریاد «انتقام، انتقام» سر می دهد. وی آن چنان سنگ دل است که حتی همسرش را زنده به گور می کند؛ چنان که امام صادق علیه السلام در ترسیم چهره کریه وی می فرماید: «إِنَّكَ لَوْ رَأَيْتَ السُّفْيَانِي لَرَأَيْتَ أَحَبَّ النَّاسِ أَشَقَرَ أَحْمَرَ أَرْقَ يَقُولُ يَا رَبِّ تَأْرِي تَأْرِي تَمَّ النَّارَ وَ قَدْ بَلَغَ مِنْ حُبِّيهِ أَنَّهُ يَدْفِنُ أُمَّ وَ لِدٍ لَهُ وَ هِيَ حَيْثُ مَخَافَهُ أَنْ تَدُلَّ عَلَيْهِ» (۳) اگر سفیانی را ببینی، پلیدترین انسان ها را دیده ای. او بور، سرخ روی و زاغ چشم است، گوید: خدایا! انتقام، انتقام، سپس دوزخ! او به قدری خبیث است که مادر بچه اش را از ترس این که

مبادا مخفیگاهش را نشان بدهد، زنده به گور می کند».

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز نقل شده است که فرمود: «فَيَقْتُلُ حَتَّى يَبْقُرَ بَطُونَ النِّسَاءِ وَ يَقْتُلُ الصُّبْيَانَ» (۴) سفیانی کشتار راه می اندازد، تا جایی که حتی شکم زنان را می شکافد و کودکان را از دم تیغ می گذراند».

ص: ۱۵۸

۱- عقد الدرر، ص ۹۱.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۲.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱.

۴- کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۲.

سفیانی و یارانش نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شیعیان آنان، دل‌هایی ملامت‌آمیز از کینه و دشمنی دارند و مردان و زنانی را که هم‌نام با خاندان پیامبر علیه السلام باشند از بین می‌برند. امام باقر علیه السلام درباره دشمنی و کینه توزی شدید او علیه شیعیان می‌فرماید: «فَإِنَّ حَنْقَهُ وَ شَرَّهُهُ إِنَّمَا هِيَ عَلَيَّ شَيْعَتِنَا؛ (۱) خشم و کینه او تنها نسبت به شیعیان ما است».

وی گرچه تظاهر به اسلام می‌کند، لیکن صلیبی از طلا برگردن دارد که نشان‌دهنده گرایش و وابستگی وی به مسیحیت است.

## ب) حتمی بودن خروج سفیانی

خروج سفیانی و کشتارهای او از نشانه‌های حتمی ظهور است. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «إِنَّ خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ؛ (۲) خروج سفیانی از امور حتمی است».

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَمْسُ عَلَامَاتٍ مَحْتُمَاتٍ؛ الْيَمَانِيُّ وَ السُّفْيَانِيُّ وَ الصَّيْحَةُ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَ الْخُسْفُ بِالْبَيْدَاءِ؛ (۳) پیش از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پنج نشانه حتمی است: یمانی، سفیانی، بانگ آسمانی، قتل نفس زکیه و خسف بیداء».

در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده که فرمود: «إِنَّ أَمْرَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ وَ خُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ؛ (۴) سفیانی از نشانه‌های حتمی است و خروج وی در ماه رجب خواهد بود».

از امام رضا علیه السلام نیز روایت شده که فرمود: «إِنَّ أَمْرَ الْقَائِمِ حَتْمٌ مِنَ اللَّهِ وَ أَمْرُ السُّفْيَانِيِّ حَتْمٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَا يَكُونُ قَائِمٌ إِلَّا بِسُّفْيَانِي؛ (۵) قیام قائم از سوی خدا حتمی

ص: ۱۵۹

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۳۰۱.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۳.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۰.

۴- الغیبه، نعمانی، ص ۳۰۰.

۵- قرب الاسناد، ص ۳۷۳.

است، خروج سفیانی نیز از سوی خدا حتمی است، بدون سفیانی هرگز قائمی نخواهد بود».

### ج) زمان خروج سفیانی

زمان خروج سفیانی در روایات، ماه رجب بیان شده است. در این زمینه دو روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده است. روایت یکم همان روایت پیشین است که مرحوم صدوق آن را در کمال الدین نقل کرده است که حضرت صادق علیه السلام

فرمود: «إِنَّ أَمْرَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ وَخُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ؛ (۱) همانا خروج سفیانی از نشانه های حتمی است که در ماه رجب روی خواهد داد». روایت دوم را نعمانی در الغیبه از امام صادق علیه السلام این چنین آورده است: «السُّفْيَانِيُّ لَا بُدَّ مِنْهُ وَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي رَجَبٍ؛ (۲) به طور قطع سفیانی قیام خواهد کرد و خروجش جز در ماه رجب نخواهد بود».

### د) محل خروج سفیانی

محل خروج سفیانی در روایات، سرزمینی خشک از مناطق شام (۳) ذکر شده است. امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «يَخْرُجُ مِنْ نَاحِيَةِ مَدِينَةِ دِمَشْقَ فِي وَادٍ يُقَالُ لَهُ وَادِي الْيَابِسِ؛ (۴) سفیانی از سرزمین خشکی به نام وادی یابس در دمشق به پا می خیزد».

پیامبراکرم نیز درباره سفیانی می فرماید: «يَخْرُجُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ السُّفْيَانِيُّ فِي عُمُقِ دِمَشْقَ وَ عَامَهُ مَنْ يَتَّبِعُهُ مِنْ كَلْبٍ؛ (۵) مردی از دل دمشق خروج می کند که به او سفیانی گویند و همه پیروانش از قبیله کلب هستند».

هم چنین امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

«فَأَوَّلُ أَرْضٍ تَخْرَبُ أَرْضُ الشَّامِ ثُمَّ

ص: ۱۶۰

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۵۵.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۴۱۹.

۳- در منابع تاریخ اسلام و حدیث، هر جا نامی از سرزمین شام و شامات برده شده، منطقه سوریه فعلی، لبنان، اردن و فلسطین منظور بوده است.

۴- معجم الاحادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج ۳، ص ۸۸.

۵- کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۲.

يَحْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِكَ عَلَى ثَلَاثِ رَأْيَاتٍ رَأَيْهِ الْأَصْهَبُ وَ رَأَيْهِ الْأَبْقَعُ وَ رَأَيْهِ السُّفْيَانِيُّ فَيَلْتَقِي السُّفْيَانِيُّ بِالْأَبْقَعِ فَيَقْتُلُونَ فَيَقْتُلُهُ السُّفْيَانِيُّ وَ مَنْ تَبِعَهُ ثُمَّ يَقْتُلُ الْأَصْهَبُ؛ (۱) اولین سرزمینی که خراب می شود، شام است. آن گاه سه پرچم با یک دیگر به جنگ بر می خیزند: پرچم اصهب و ابقع و سفیانی. سفیانی با ابقع مواجه می شود و با آن می جنگد. سفیانی او و یارانش را می کشد و پس از آن اصهب را به قتل می رساند».

در روایت دیگر امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «يَخْرُجُ بِالشَّامِ فَيَنْتَقِدُ لَهُ أَهْلُ الشَّامِ إِلَّا طَوَائِفَ مَنِ الْمُقِيمِينَ عَلَى الْحَقِّ يَعِصُهُمُ اللَّهُ مِنَ الْخُرُوجِ مَعَهُ؛ (۲) او در شام قیام می کند، پس شامیان از او اطاعت می کنند، مگر عده ای از کسانی که حق باورند و خداوند آن ها را از همراهی با او نگه می دارد».

سفیانی با تظاهر به دینداری، گروه زیادی از مسلمانان را فریب می دهد. او در ابتدا به تثبیت قدرت خویش در شام می پردازد، سپس وارد بیکار در عراق شده، پس از جنگ های متعددی، شهرهای عراق و حجاز را تسخیر می کند؛ آن گاه به شام باز می گردد.

روایات مربوط به سرزمین شام و حوادث و شخصیت های آن در زمان ظهور فراوان است؛ اما

محور اصلی این دسته روایات، جنبش سفیانی است که بر سرزمین شام استیلاء یافته و آن را به طور یک پارچه تحت فرمان خود در می آورد. وی به منظور جلوگیری از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیروهای خود را به یاری فرمانروای حجاز می فرستد؛ (۳) زیرا سفیانی با وجود فتوحات بسیار، نگران قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود که در آن روزها اخبار قیام او از مکه و مدینه بر سرزبان ها خواهد افتاد.

سپاهیان سفیانی پس از تهاجم به مدینه و اشغال آن شهر، تمامی شیعیان آن جا را قتل عام می کنند و با شنیدن خبر خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مدینه به سمت مکه، حدود دوازده هزار نفر از آن ها به تعقیب حضرت، راهی شهر مکه می شوند که در میان

ص: ۱۶۱

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۳۹۱.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۴۲۳.

۳- ر.ک: عصر ظهور، ص ۹۸.

راه، در بیابان بیداء، همگی به درون زمین فرو می روند و تنها دو یا سه نفر از آنان باقی می ماند تا این واقعه را گزارش کند.

## ه) اهداف سفیانی

جنبش سفیانی در منطقه شام در اثر درگیری های فرقه ای جناح های سه گانه قدرت، به پیروزی می رسد: «تَخْرُجُ بِالسَّامِ ثَلَاثَ رَايَاتٍ؛ الْأَصْهَبِ وَالْأَبْقَعِ وَالسُّفْيَانِي؛<sup>(۱)</sup> در شام سه گروه پرچم بر

افراشته، به جنگ افروزی می پردازند: اصهب، ابقع و سفیانی.

سفیانی، با هدف توسعه طلبی و تسلط بر کشورهای خاورمیانه، از بیابان یابس (منطقه ای در دمشق) خروج می کند و به سوی فلسطین هجوم می آورد و مناطقی مثل دمشق، فلسطین، اردن، حمص، حلب و... را فتح می کند و به تصرف خود در می آورد. در مقابل او، اصهب و ابقع به قصد دست یابی به حکومت در شام، با وی به پیکار می پردازند، اما با شکست مواجه شده و کشته می گردند. پس از آن، دغدغه اصلی سفیانی، تسلط بر شیعیان اهل بیت علیهم السلام و جنگ با آنان خواهد بود.

از این رو، سیر حرکت سفیانی نشان می دهد که هدف او از قیام و درگیری، در ابتدا قدرت طلبی سیاسی است، اما در ادامه و پس از پیروزی بر رقبای، با توجه به خصومت شدید با شیعیان، دست به اقدامات خشونت بار علیه آنان می زند، به همین دلیل، پس از تصرف شهرهای عراق و مدینه به جنایات هولناکی علیه شیعیان دست می زند.

## و) جنایات سفیانی

از بلایای بزرگی که در آستانه ظهور دامن گیر مسلمانان می شود، فتنه سفیانی و جنایات وسیع و بی رحمانه ای است که او در شهرهای

مختلف بر مردم تحمیل می کند. وی به دنبال کسب پیروزی بر رقبای خود در شام، اقدام به لشکرکشی به سوی شهرهای عراق، مدینه و مکه می کند تا این مناطق را غارت کرده و به تصرف خود در

ص: ۱۶۲

---

۱- معجم الاحادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج ۳، ص ۸۱.



آورد. در این میان، مهم ترین دغدغه او تصرف شهرهای عراق است؛ لذا سپاهی را تجهیز و به سوی عراق گسیل می دارد.

امام باقر علیه السلام وقتی جریان خروج سفیانی را برای جابر جعفی توضیح می دهد، می فرماید: «ثُمَّ لَا يَكُونُ لَهُ هِمَّةٌ إِلَّا الْإِقْبَالَ نَحْوَ الْعِرَاقِ؛ (۱) سپس [بعد از پیروزی بر رقبای خود] تمام هم و تلاش او، این است که به سوی عراق حمله ور شود».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز در مورد بروز این فتنه ویران گر، هشدار داده، می فرماید: «يَخْرُجُ عَلَيْهِمُ السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ فِي قَوْرِ ذَلِكَ حَتَّى يَنْزِلَ دِمَشْقَ فَيَبْعَثُ جَيْشَيْنِ جَيْشًا إِلَى الْمَشْرِقِ وَ آخَرَ إِلَى الْمَدِينَةِ حَتَّى يَنْزِلُوا بِأَرْضِ بَابِلَ مِنَ الْمَدِينَةِ الْمَلْعُونَةِ يَعْنِي بَغْدَادَ فَيَقْتُلُونَ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَ يَفْضَحُونَ أَكْثَرَ مِنْ مِائَةِ امْرَأَةٍ وَ يَقْتُلُونَ بِهَا ثَلَاثَةَ مِائَةٍ كَبِشٍ مِنْ بَنِي الْعَبَّاسِ ثُمَّ يَنْجِدُونَ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَخْرُبُونَ مَا حَوْلَهَا ثُمَّ يَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِينَ إِلَى الشَّامِ؛ (۲) در زمانی که مردم گرفتار انواع فتنه اند، عنصر پلیدی به نام سفیانی از وادی یابس (دره خشک) بر آنان خروج می کند و در دمشق فرود می آید. آن گاه

دو سپاه، یکی به سوی مشرق و دیگری به سوی مدینه گسیل می دارد. سپاه او در سرزمین بابل و شهر بغداد - که نفرین شده است - فرود می آید و بیش از سه هزار نفر را می کشد و بیش از یک صد زن را هتک حرمت می کند و سیصد نفر از چهره ها و شخصیت های بنی عباس از بین می برد؛ سپس به کوفه سرازیر می گردد و خانه های اطراف آن را تخریب می کند، پس از آن به شام روی می آورد».

جنایات هولناک سفیانی و قساوت و بی رحمی او تاجایی است که شکم زنان حامله را دریده و کودکان آنان را زنده زنده در دیگ می جوشاند: «يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ فَيَقَاتِلُ حَتَّى يَبْقُرَ بَطُونَ النِّسَاءِ وَ يُغْلِي الْأَطْفَالَ فِي الْمَرَاجِلِ؛ (۳) هنگامی که سفیانی خروج نماید، کشتار به راه می اندازد؛ تا جایی که حتی شکم زنان حامله را پاره کرده و اطفال و کودکان آن ها را در دیگ های بزرگ می جوشاند و می پزد».

ص: ۱۶۳

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۵؛ الغیبه، نعمانی، ص ۲۸۹؛ الإختصاص، ص ۲۵۶.

۲- مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۲۸؛ تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۲۲۷.

۳- معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج ۱، ص ۴۱۹.

در حدیث دیگری که ابن خثیم از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده، آمده است: «يُقْتَلُ السُّفْيَانِيُّ كُلَّ مَنْ عَصَاهُ وَ يَنْشُرُهُمْ بِالْمَنَاشِيرِ وَ يَطْبُخُهُمْ بِالْقُدُورِ سِتَّةَ أَشْهُرٍ»<sup>(۱)</sup> سفیانی هر که با او مخالفت کند را به قتل می رساند، او را در مراکز عام معرفی می کند و آنان را در دیگ

های بزرگ می پزد، این رویه را تا شش ماه خواهد داشت».

هم چنین از ایشان نقل شده است که فرمود: «يَخْرُجُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ السُّفْيَانِيُّ فِي عُمُقِ دِمَشْقٍ وَ عَامَهُ مَنْ يَتَّبِعُهُ مِنْ كَلْبٍ فَيَقْتُلُ حَتَّى يَبْقُرَ بَطُونَ النِّسَاءِ وَ يَقْتُلُ الصُّبْيَانَ»<sup>(۲)</sup> مردی به نام سفیانی از دمشق خروج می کند که تمامی قبیله کلب از او پیروی می کنند. او کشتار به راه می اندازد تا آن جا که شکم زنان حامله را می درد و بچه ها را به قتل می رساند. آن گاه یمنی ها (قبائل قیس) جمع می شوند تا با او بجنگند، اما سفیانی آن ها را می کشد، به طوری که هیچ کس پناهی نمی یابد».

سفیانی پس از چیره شدن بر رقبای خود و تسلط بر شام، با هدف توسعه طلبی به مناطق عراق و شهرهای حجاز لشکرکشی می کند، بدین منظور سپاه عظیمی را سازماندهی می کند؛ بخشی را برای فتح عراق و بخشی دیگر را به سوی حجاز و مدینه گسیل می دارد. حرکت سفیانی، ابتدا از منطقه شام (دمشق) آغاز و به سرعت توسعه می یابد، سپس به سمت عراق و حجاز ادامه پیدا می کند.

در روایات بسیاری از جنایات هولناک او در شهرهای عراق خبر داده شده است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ يَوْمَ جُمُعَةٍ فَيَصْعَدُ مِئْبَرِ دِمَشْقٍ

وَ يُبَايِعُ النَّاسَ عَلَى أَنْ لَا يُخَالِفُوا أَمْرَهُ رِضْوَةً أَمْ كَرْهًا. ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى الْغُوطَةِ، فَيَجْتَمِعُ إِلَيْهِ خَمْسُونَ أَلْفَ مَقَاتِلٍ ثُمَّ تَخْتَلِفُ الرَّايَاتُ الثَّلَاثُ: فَرَايَةُ التَّزُوكِ وَ الْعَجْمِ وَ هِيَ سَوْدَاءٌ وَ رَايَةُ لَيْلِي الْعَبَّاسِ صَيْفَرَاءٌ وَ رَايَةُ السُّفْيَانِيِّ حُمْرَاءٌ فَيَغْلِبُهُمُ السُّفْيَانِيُّ بَعِيدًا أَنْ يَقْتُلَ مِنْهُمْ سِتِّينَ أَلْفًا وَ يَسِيرُ إِلَى حُمْصِ فَالَى الْفُرَاتِ»<sup>(۳)</sup> سفیانی در روز جمعه خروج می کند و بر منبر دمشق می نشیند و از مردم به زور بیعت می گیرد که خواه ناخواه از او اطاعت کنند. سپس به

ص: ۱۶۴

۱- معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج ۱، ص ۴۲۰.

۲- الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۴۱؛ الميزان، ج ۱۶، ص ۳۹۳.

۳- شرح احقاق الحق، ج ۲۹، ص ۵۶۷؛ معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج ۳، ص ۹۲.

سوی منطقه غوطه (نواحی دمشق) حرکت می کند. در آن جا پنجاه هزار جنگاور گرد او می آیند. آنگاه سه گروه با سه پرچم، پشت سر هم خروج می کنند، پرچم ترکان و عجم که سیاه رنگ است، پرچم عباسیان که زرد رنگ است و پرچم سفیانی که به رنگ سرخ است. سفیانی با آنان به مقابله برمی خیزد و پس از آن که شصت هزار تن از آن ها را می کشد، بر آنان چیره می شود و به سوی حمص و سپس به سوی فرات حرکت می کند».

سفیانی بعد از تسلط بر شهر کوفه، به اسارت، شکنجه و کشتار شیعیان می پردازد، این اقدام جنایتکارانه سفیانی چنان با بی رحمی و قساوت همراه است که حتی کودکان و از کار افتادگان نیز در امان نمی مانند و هر که شیعه باشد از دم تیغ خواهد گذشت.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «إِنَّا وَ آلَ أَبِي سُفْيَانَ أَهْلُ بَيْتَيْنِ تَعَادَيْنَا فِي اللَّهِ قُلْنَا صَدَقَ اللَّهُ وَقَالُوا كَذَبَ اللَّهُ قَاتَلَ أَبُو سُفْيَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ قَاتَلَ مُعَاوِيَةَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ قَاتَلَ يَزِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ السُّفْيَانِيُّ يُقَاتِلُ الْقَائِمَ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ؛ (۱) ما و آل ابی سفیان دو خاندان هستیم که در امر خدا با یک دیگر دشمنی داریم، ما می گوئیم: خداوند راست می گوید و آن ها می گویند: خداوند دروغ می گوید! ابوسفیان با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم معاویه با علی بن ابی طالب علیه السلام و یزید بن معاویه با حسین بن علی علیه السلام جنگید و سفیانی هم با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جنگ خواهد کرد».

سپاه متجاوز سفیانی، در منطقه ای در اطراف نجف که «روحاء» نام دارد پیاده می شود و ده ها هزار نفر از آنان برای اشغال نجف و کوفه حرکت می کنند؛ اما در ابتدا با مقاومت ستونی از مدافعانی که از بغداد می رسند، مواجه شده و با آنان درگیر می شوند و میانشان، جنگ سختی درمی گیرد که بالاخره سپاه سفیانی، پیروز می شود و کوفه را به اشغال خود درمی آورد و در آن جا به کشتار و غارت و اسارت مردم، می پردازد.

گرچه در مقابل تجاوز سفیانی، برخی از مردم برای دفاع از کوفه و مردم بی دفاع

ص: ۱۶۵

۱- معانی الاخبار، ص ۳۴۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰.

قیام می کنند، اما قیام آنان سرکوب می گردد.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است: «إِذْ خَرَجَ السُّفْيَانِيُّ فِي سَتِينٍ وَ ثَلَاثَمَائَةٍ رَاكِبٌ حَتَّى يَأْتِيَ دِمَشْقَ، فَلَا يَأْتِي عَلَيْهِمْ شَهْرٌ حَتَّى يُتَابِعَهُ مِنْ كَلْبٍ ثَلَاثُونَ أَلْفًا فَيَبْعِيثُ جَيْشًا إِلَى الْعِرَاقِ فَيَقْتُلُ بِالزُّورَاءِ مِائَةَ أَلْفٍ وَ يَخْرُجُونَ إِلَى الْكُوفَةِ، فَيَنْتَهَبُونَهَا؛ (۱) هنگامی که سفیانی با سیصد و شصت سوار خروج کند، سی هزار نفر از قبیله کلب با او بیعت می کنند تا به دمشق رسد، هر ماه که بگذرد سی هزار سپاه از تبار کلب به او ملحق شوند سپس او سپاهی را تجهیز و به سوی شهرهای عراق می فرستد. آنها در بغداد، صد هزار نفر را می کشند و به سوی کوفه می روند و آن جا را می کوبند و لگد مال می کنند».

عمر بن اَبان کلبی، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «كَأَنِّي بِالسُّفْيَانِيِّ أَوْ بِصَاحِبِ السُّفْيَانِيِّ قَدْ طَرَحَ رَحْلَهُ فِي رَحِيَّتِكُمْ بِالْكُوفَةِ فَنَادَى مُنَادِيَهُ مَنْ جَاءَ بِرَأْسِ شَيْعَةِ عَلِيٍّ فَلَهُ أَلْفٌ دِرْهَمٍ فَيَثْبُ الْجَارُ عَلَى جَارِهِ وَ يَقُولُ هَذَا مِنْهُمْ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ وَ يَأْخُذُ أَلْفَ دِرْهَمٍ أَمَا إِنَّ إِمَارَتَكُمْ يَوْمئِذٍ لَا يَكُونُ إِلَّا لِأَوْلَادِ الْبَغَايَا وَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى صَاحِبِ الْبُرْقُعِ قُلْتُ وَ مَنْ صَاحِبِ الْبُرْقُعِ؛ گویا می بینم که سفیانی یا نماینده او بار و بنیه خود را در میدان کوفه پهن کرده (کنایه از اشغال و غارت) و منادی او فریاد می زند که هر کس سر یکی از شیعیان علی علیه السلام را بیاورد، هزار درهم جایزه می گیرد. آن گاه همسایه بر همسایه یورش می برد و به بهانه این که او از شیعیان علی علیه السلام

است، او را گردن زده و هزار درهم می گیرد. آگاه باشید که حکومت شما در آن روز با زنازادگان خواهد بود. گویا می بینم کسی را که نقاب به صورت دارد». راوی عرض می کند: «چه کسی نقاب به صورت دارد؟» سپس آن حضرت فرمود: «فَقَالَ رَجُلٌ مِنْكُمْ يَقُولُ بِقَوْلِكُمْ يَلْبَسُ الْبُرْقُعَ فَيَحُوشِكُمْ فَيَعْرِفُكُمْ وَ لَمَّا تَعْرِفُونَهُ فَيَغْمِزُ بِكُمْ رَجُلًا رَجُلًا أَمَّا إِنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا ابْنُ بَغِي؛ (۲) شخصی از خود شما که ظاهراً شیعه است، اما نقاب به صورت می کند و شما را شناسایی می کند، اما شما او را نمی شناسید. سپس یکی یکی

ص: ۱۶۶

۱- معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج ۱، ص ۳۵۵.

۲- الغيبة، طوسی، ص ۴۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۱۵.

معرفی می کند. بدانید که او نیز زنازاده است».

امیر مؤمنان علیه السلام نیز می فرماید: «لم یزل السفیانی من اسمه محمد و علی و الحسن و الحسین و جعفر و موسی و فاطمه و زینب و مریم و خدیجه و سکینه و رقیه حنقا و بعضاً لال محمد صلی الله علیه و آله و سلم؛ (۱) سفیانی هر که از مردان و زنان را که محمد، علی، حسن، حسین، جعفر، موسی، فاطمه، زینب، مریم، خدیجه، سکینه و رقیه نام داشته باشند، به خاطر دشمنی با آل پیامبر علیه السلام می کشد».

جابر بن یزید جعفری از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «وَ يَطْهَرُ السُّفْيَانِيُّ وَ مَنْ مَعَهُ حَتَّى لَا يَكُونَ لَهُ هِمَّةٌ إِلَّا آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ شِيعَتَهُمْ فَيَبْعَثُ بَعْثًا إِلَى الْكُوفَةِ فَيَصَابُ بِأَنَاسٍ مِنْ شِيعَةِ آلِ

مُحَمَّدٍ بِالْكُوفَةِ قَتْلًا وَ صَيْلًا؛ (۲) سفیانی و هواداران او پیروز می گردند، تا آن جا که هیچ همتی جز دست یابی به آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و پیروان و شیعیان آن ها ندارند. بدین منظور سپاهی به کوفه اعزام می شوند و پیروان آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را کشتار نموده و به دار می آویزند».

در روایت دیگری که آن را نیز جابر بن یزید جعفری از امام باقر علیه السلام نقل کرده، آمده است: «وَ يَبْعَثُ السُّفْيَانِيُّ جَيْشًا إِلَى الْكُوفَةِ وَ عَدَّتُهُمْ سَبْعُونَ أَلْفًا فَيَصِيبُونَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ قَتْلًا وَ صُلْبًا وَ سَبِيًّا؛ (۳) سفیانی لشکری هفتاد هزار نفری به کوفه گسیل می دارد. آنان اهل کوفه را می کشند و به دار می آویزند و برخی را نیز به اسارت می گیرند».

لشکریان سفیانی در طول سه روز، به تاراج و کشتار وسیع مردم کوفه می پردازند: «يَدْخُلُ السُّفْيَانِيُّ الْكُوفَةَ فَيَسْبِيهَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ يَقْتُلُ مِنْ أَهْلِهَا سِتِّينَ أَلْفًا وَ يَمْكُثُ فِيهَا ثَمَانِي عَشْرَةَ لَيْلَةً يَقْسِمُ أَمْوَالَهَا؛ (۴) سفیانی وارد شهر کوفه می شود و در طول سه روز، آن جا را پایمال کرده و شصت هزار نفر از ساکنان آن را به قتل می رساند. سپس حدود هجده شب در آن جا می ماند و اموال غارت شده مردم را در میان

سپاه خود تقسیم می کند».

ص: ۱۶۷

۱- مجمع النورین، ص ۳۳۰.

۲- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲.

۳- الغیبه، نعمانی، ص ۲۸۹؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۸۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸.

۴- معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج ۱، ص ۴۰۰.

عراق و مخصوصاً شهر شیعه نشین کوفه در زمان تسلط سفیانی، به کلی تخریب می شود: «وَأَمَّا الْكُوفَانِ فَيُخْرِبُهَا رَجُلٌ مِنْ آلِ عَبَّسَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ يَعْنِي السُّفْيَانِيَّ؛ (۱) مردی از تبار عنبسه بن ابی سفیان (سفیانی) کوفه (عراق) را خراب خواهد کرد».

تبعات خرابی و ویرانی ناشی از سلطه سفیانی، نظیر فقر، نفرت، اختلاف، ناامنی، فساد و تباهی، دامن گیر سراسر مردم این منطقه خواهد شد؛ مخصوصاً عراق که هیچ گاه روی آرامش و قرار را نخواهد دید. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «يُزَجِرُ النَّاسُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَجَلَ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ عَنْ مَعَاصِيهِمْ بِنَارٍ تَطْهَرُ لَهُمْ فِي السَّمَاءِ وَ حُمْرِهِ تُجَلَّلُ السَّمَاءَ وَ حَسْفٍ بَبْغَدَادَ وَ حَسْفٍ بَبَلَدِهِ الْبُصَيْرَةَ وَ دِمَاءٍ تُسْفِكُ بِهَا وَ خَرَابٍ دُورِهَا وَ فَنَاءٍ يَقَعُ فِي أَهْلِهَا وَ شُمُولِ أَهْلِ الْعِرَاقِ خَوْفٌ لَأ يَكُونَ مَعَهُ قَرَارٌ؛ (۲) قبل از قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به واسطه پدیدار شدن آتشی در آسمان و بالا رفتن بزرگ شدن سرخی [شعله های جنگ] در آسمان، مردم کیفر گناهان و معاصی خود را دیده و عذاب خواهند شد. هم چنین مردم به واسطه فرورفتن شهرهای بغداد و بصره در زمین، ریخته شدن خون ها، خراب شدن خانه ها، نابود شدن مردم، ظاهر شدن ترس و وحشت در میان مردم عراق که آرامش و قرار را از

آن ها سلب خواهد کرد، عذاب می گردند».

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز نقل شده است که فرمود: «يُوشِكُ أَهْلُ الْعِرَاقِ أَنْ لَا يَجِيءَ إِلَيْهِمْ قَفِيْزٌ وَلَا دِرْهَمٌ، قَفِيْلٌ مِنْ أَيْنَ؟ قَالَ: مِنْ قَبْلِ الْعَجَمِ يَمْنَعُونَ ذَلِكَ، ثُمَّ قَالَ: يُوشِكُ أَهْلُ الشَّامِ أَنْ لَا يَجِيءَ إِلَيْهِمْ دِينَارٌ وَلَا مَدْي، قِيلَ مِنْ أَيْنَ ذَلِكَ؟ قَالَ: مِنْ قَبْلِ الرُّومِ وَ مَنَعَتِ الْعِرَاقَ قَفِيْزَهَا وَ دَرَهَمَهَا وَ مَنَعَتْ مِصْرَ إِرْدَبُهَا وَ دِينَارَهَا وَ عَدَّتُمْ مِنْ حَيْثُ بَدَأْتُمْ؛ يَعْنِي يَخْرُجُ النَّاسُ عَنِ الدِّينِ فَوْجًا فَوْجًا؛ (۳) عراق از پیمانانه مخصوص به خود و درهمش توسط عجم ها منع می شوند، اهل شام از پیمانانه مخصوص به خود و دینارش توسط رومی ها (غرب) ممانعت می شوند (تحریم اقتصادی می شوند) و مصر

ص: ۱۶۸

۱- معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۴۲۱.

۲- الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۸؛ المستجاد، ص ۲۶۲؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۵؛ كشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۶۱.

۳- كنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۳۱؛ بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۱۷۸؛ معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱،

ص ۳۰۲.

از پیمانانه مخصوص به خود و دینارش محروم می شوند و بر می گردید به همان جایی که شروع کردید؛ یعنی مردم گروه گروه از دین خارج می شوند».

## قیام خراسانی

بر اساس روایات، یکی از نیروهایی که در آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به پا می خیزد، سید خراسانی<sup>(۱)</sup> است. خصوصیات فردی این شخصیت در روایات به طور شفاف بیان نشده است؛ اما

آن چه مسلم است این که شخصیت خراسانی به دلیل برخورداری از توان نظامی، نقش مهمی در رویارویی و جنگ با سفیانی و حمایت از جبهه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد. طبق روایات، فرماندهی لشکر انبوه سید خراسانی در نبرد با سفیانی را شعیب بن صالح بر عهده دارد.

سید خراسانی چند ماه مانده به ظهور و در ماه مبارک رجب، هم زمان با سفیانی و یمانی قیام می کند، در حالی که هدف همه آن ها عراق است.

امام باقر علیه السلام فرمودند: «يَخْرُجُ شَابٌّ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ بِكَفِّهِ الْيُمْنَى خَالٌ وَ يَأْتِي مِنْ خُرَّاسَانَ سُوْدٌ بَيْنَ يَدَيْهِ شَعِيبُ بْنُ صَالِحٍ، يِقَاتِلُ أَصْحَابَ السَّفِيَانِيِّ فِيهِمْ مَهْمٌ؛<sup>(۲)</sup> جوانی از نسل هاشم که در دست راست وی خالی است، از طرف خراسان با پرچم های سیاه خروج می کند. فرمانده لشکر او شعیب بن صالح است و او با لشکر سفیانی نبرد کرده و آنان را متلاشی می نماید».

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ بَعْدِي بَلَاءً وَ تَشْرِيداً وَ تَطْرِيداً حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قَبْلِ الْمَشْرِقِ وَ مَعَهُمْ رَايَاتٌ سُوْدٌ فَيَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَيَقَاتِلُونَ وَ يُنْصَبُ رُؤَسَاءٌ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَ حَتَّى يَدْفَعُوهُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلُؤُهَا قِسِطاً كَمَا مَلَّوْهَا جَوْرًا؛<sup>(۳)</sup> ما خاندانی هستیم که خداوند آخرت را در مقابل دنیا برای ما برگزیده

است. همانا پس

ص: ۱۶۹

۱- در اصطلاح روایات، واژه خراسان، ناظر به ایران آن زمان است و تا مناطق ماوراءالنهر را شامل می شود. ایران، افغانستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان، بخش هایی از خراسان قدیم هستند.

۲- الملاحم و الفتن، ص ۵۳.

۳- الدر النظیم، ۷۹۹؛ شرح إحقاق الحق، ج ۲۹، ص ۱۴۱.

از من دودمانم آواره و مطرود مردم واقع خواهند شد، تا آن گاه که پرچم های سیاه از سوی مشرق پدیدار شود. پس آنان حق را طلب کنند، لیکن به ایشان داده نشود. پس می جنگند و پیروز می شوند. هر کس از شما یا نسل شما ایشان را درک کرد، باید خود را به آنان رساند؛ اگر چه بر روی یخ ها بخزد. آنان امر را به مردی از خاندان من می سپارند که زمین را از عدل و داد لبریز می سازد، پس از آن که از ظلم و جور مالا مال شود».

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «تَنْزِيلُ الرَّايَاتِ السُّودِ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ إِلَى الْكُوفَةِ فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ بُعِثَ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ (۱)؛ بیرق های سیاهی از خراسان بیرون می آید و به جانب کوفه به حرکت در می آیند. پس چون مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر شود، نزد او برای بیعت حاضر می شوند».

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السُّودَ قَدْ أَقْبَلَتْ مِنْ خُرَاسَانَ فَاتَّبِعُوهَا وَ لَوْ حَبَوًّا عَلَى الثَّلْجِ فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَهْدِيَّ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِرْجَةَ الشَّرِيفِ (۲)؛ هنگامی که مشاهده کردید پرچم های سیاه از سوی خراسان می آیند، با هر وسیله ممکن به سوی آن ها بشتابید، هر چند مجبور باشید

برای این کار روی برف و یخ سینه خیز بروید، چراکه خلیفه خدا، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان آن پرچم ها حضور دارد».

ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَمَّا يُعْطَوْنَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سِيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَ لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صِيَابِحِكُمْ فَتَلَاهُمُ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَبْقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ (۳)؛ گویا می بینم قومی را که در مشرق خروج کرده اند، حق را مطالبه می کنند امّا به ایشان داده نمی شود. باز مطالبه حق می کنند و به ایشان داده نمی شود. پس چون چنین ببینند، شمشیرهای خود را بر دوش خود گذارند، آن گاه آن چه می خواستند به ایشان داده شود

ص: ۱۷۰

۱- الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۵۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۲.

۳- الغيبة، نعمانی، ص ۲۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳.



و ایشان قبول نکنند تا این که قیام کنند و دولت را جز به صاحب شما تحویل ندهند. کشته های ایشان شهید هستند. آگاه باشید اگر من آن زمان را درک می کردم خود را برای صاحب این امر نگاه می داشتم».

این روایت دلالت روشنی بر اصالت و حقانیت نهضت مردمان مشرق زمین و نقش زمینه ساز آن دارد. ظاهراً کلمه «مشرق» در این روایت نیز ناظر به منطقه خراسان است؛ همان چیزی که در دیگر روایات بدان تصریح شده است. از

این روایت استفاده می شود که تشکیل سپاه و سازماندهی رزمندگان خراسان، با مدیریت مستقیم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا حداقل با هماهنگی و اشراف آن حضرت خواهد بود. آنان در مقابله با دشمنان حضرت در عراق، یعنی جنبش سفیانی، نقش مؤثری خواهند داشت.

در رابطه با قیام خراسانی، چند نکته قابل ذکر است:

۱. عنوان خراسان تا بلخ و بخارا را شامل می شود؛ لذا در مورد محل دقیق خروج وی و این که از کدام قسمت خراسان خروج می کند، در روایات مطلبی نیامده است.

۲. ماهیت و چگونگی قیام خراسانی نیز در روایات به صورت شفاف بیان نشده است. به همین جهت در این خصوص و نیز شخصیتی که رهبری این قیام را به عهده دارد، اطلاعات دقیقی وجود ندارد. در برخی روایات، از سید خراسانی و در برخی دیگر از سید حسنی، سخن به میان آمده است. به همین جهت این احتمال وجود دارد که این دو عنوان برای یک نفر باشد یا این که از خراسان دو قیام با رهبری دو نفر صورت خواهد پذیرفت.

۳. قیام خراسانی نقش برجسته ای در زمینه سازی و حمایت از قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد. همان گونه که در روایت ابو خالد کابلی از

امام باقر علیه السلام اشاره شد، حضرت ضمن این که بر حقانیت انقلاب اهل خراسان و کشته شدگان آن ها تأکید کرده، از نقش حمایتی آنان در برپایی حکومت عدل مهدوی خبر داده است.

۴. هم زمانی قیام خراسانی با خروج سفیانی به گونه ای خواهد بود که در روایات به دو اسب مسابقه تشبیه شده اند که یکی از مشرق و دیگری از مغرب به طرف کوفه در حرکت اند: «يَخْرُجُ عَلَيْهِمُ الْخُرَّاسَانِيُّ وَالسُّفْيَانِيُّ هَذَا مِنَ الْمَشْرِقِ وَ هَذَا مِنَ الْمَغْرِبِ»

يَسْتَبِقَانِ إِلَى الْكُوفَةِ كَفَرَسَى رِهَانٍ» (۱). هم چنین حرکت سپاهیان خراسانی هم زمان است با حرکت نیروهای یمن به فرماندهی شخصی موسوم به «یمانی» که روایات مربوط به این هم راهی و هم زمانی را در قسمت بعدی بیان خواهیم نمود.

### قیام شعیب بن صالح

از جمله قیام هایی که در آستانه ظهور به وقوع می پیوندد، قیامی است با فرماندهی چهره شاخصی به نام شعیب بن صالح که برای مقابله با دشمنان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حمایت از ایشان صورت می گیرد. شعیب بن صالح نام شخصی است که بنابر روایات اسلامی، در نزدیکی ظهور به عنوان فرمانده سپاه خراسان توسط سید خراسانی برگزیده می شود. در این رابطه

بیان چند نکته بایسته است:

برخی روایات، وی را مردی از تبار بنی تمیم معرفی کرده اند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود: «ثُمَّ يُقْبَلُ الرَّجُلُ التَّمِيمِيُّ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحِ بْنِ سَيْقَى اللَّهِ بِإِلَادَةِ شُعَيْبِ بْنِ الزَّيَّاتِ السُّودَاءِ الْمَهْدِيِّهِ بِنَصِيرِ اللَّهِ وَكَلِمَتِهِ حَتَّى يُبَايِعَ الْمَهْدِيَّ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ» (۲). بعد از آن، مرد تمیمی که شعیب بن صالح نام دارد خدا شهرهای شعیب را آباد می کند و با بیرق سیاه به نصرت دین خدا می آید تا این که بین رکن و مقام با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت نماید.

در برخی از روایات، قیام وی از منطقه سمرقند ذکر شده است. از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است که بعد از خروج عوف سلمی در تکریت عراق، شعیب بن صالح از سمرقند خروج می کند: «يَكُونُ خُرُوجُ شُعَيْبِ بْنِ صَالِحٍ مِنْ سَمَرْقَنْدٍ ثُمَّ يَخْرُجُ الشُّفْيَانِيُّ الْمَلْعُونُ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ» (۳). شعیب بن صالح از سمرقند خروج می کند پس از وی سفیانی ملعون از سرزمین خشک خروج می کند.

زمان قیام وی نیز ظاهراً هم زمان با خروج سفیانی یا کمی پیش از آن است. در

ص: ۱۷۲

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۶۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.

۲- الملاحم و الفتن، ص ۱۳۸. وی در سخنی که از محمد بن حنفیه نقل شده نیز تمیمی یاد شده است: «علی مقدمتهم رجل يقال له شعیب بن صالح أو صالح بن شعیب من تمیم». الملاحم و الفتن، ص ۵۲.

۳- الغیبه، طوسی، ص ۴۴۴؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۵۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳.

روایتی از امام رضا علیه السلام قیام شعیب بن صالح هم زمان با خروج سفیانی و یمانی ذکر شده است: «فَبَلَّ هَذَا الْأَمْرَ السُّفْيَانِيَّ وَالْيَمَانِيَّ وَالْمَرْوَانِيَّ وَشُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ» (۱) در روایتی دیگر، جذلم بن بشیر روایت کرده که در محضر امام زین العابدین علیه السلام عرض کردم: «آمدن مهدی و نشانه ها و علائم آن را برای من بیان فرمائید تا بدانم کی ظهور می کند». حضرت فرمود: «يَكُونُ قَبِيلَ خُرُوجِهِ خُرُوجَ رَجُلٍ يُقَالُ لَهُ عَوْفُ السُّلَمِيِّ بِأَرْضِ الْجَزِيرَةِ وَ يَكُونُ مِأْوَاهُ تَكْرِيتٌ وَقَتْلُهُ بِمَسْجِدِ دِمَشْقَ ثُمَّ يَكُونُ خُرُوجُ شُعَيْبِ بْنِ صَالِحٍ مِنْ سَمَرْقَنْدَ ثُمَّ يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ الْمَلْعُونُ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ» (۲) پیش از آمدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردی به نام عوف بن سلمی از جزیره خروج می کند. او در تکریت سکونت دارد و در مسجد دمشق کشته می شود. آنگاه شعیب بن صالح از سمرقند خروج می کند و سپس سفیانی ملعون از بیابان یابس می آید».

بر اساس روایات، قیام وی همانند خراسانی با هدف مقابله با جریان ستمگر سفیانی انجام می گیرد. این قیام، اندکی قبل از ظهور به وقوع می پیوندد و به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتهی می شود. با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شعیب بن صالح و نیروهای تحت امرش با ایشان بیعت می کنند و به حمایت از ایشان می پردازند.

بر اساس برخی روایات، وی پس از پیوستن به لشکریان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جزو سرداران سپاه حضرت خواهد شد؛ تا جایی که از وی به عنوان علمدار سپاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است: «ثُمَّ يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ عَلَى لَوَائِهِ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ» (۳) «إِذَا بَلَغَ السُّفْيَانِي الْكُوفَةَ وَقَتَلَ أَعْوَانَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ الْمَهْدِيُّ عَلَى لَوَائِهِ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ» (۴) هنگامی که سفیانی به کوفه رسید و یاران آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را کشت، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج می کند در حالی که شعیب بن صالح پرچم دار او خواهد بود».

امیر المومنین علیه السلام می فرماید: «إِذَا خَرَجَتِ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنَ السُّفْيَانِي الَّتِي فِيهَا

ص: ۱۷۳

- ۱- مسند الإمام الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۲۱۸.
- ۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳.
- ۳- الغيبة، طوسی، ص ۴۶۴؛ معجم الاحادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۳۹۹.
- ۴- الملاحم و الفتن، ص ۵۵.

شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ تَمَنَّى النَّاسَ الْمَهْدِيَّ فَيَطْلُبُونَهُ فَيَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ؛<sup>(۱)</sup> هرگاه پرچم های سیاهی که شعیب بن صالح فرماندهی آن را به عهده دارد ظاهر شوند و لشکریان سفیانی را شکست دهند، مردم آرزوی مهدی کنند و به جستجوی او برآیند و او از مکه خروج کند». هم چنین جابر از حضرت باقر علیه السلام نقل کرده است: «وَ يَأْتِي مِنْ خُرَّاسَانَ بَرَايَاتٍ سُودَ بَيْنَ يَدَيْهِ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ يُقَاتِلُ أَصْحَابَ السَّفِيَانِي فِيهِزْمُهُمْ»<sup>(۲)</sup> شعیب بن صالح با لشکریان سفیانی جنگ خواهد کرد و آنان را شکست خواهد داد».

این گونه روایات نشان می دهد که قیام شعیب بن صالح و نبرد و جهاد وی با جبهه سفیانیان، نقش مهمی در تقویت جبهه حق و فراهم سازی مقدمات ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد داشت. سخن امام سجاد علیه السلام نیز که فرمود: «فَإِذَا ظَهَرَ السَّفِيَانِي اخْتَفَى الْمَهْدِيُّ ثُمَّ يَخْرُجُ بَعْدَ ذَلِكَ»<sup>(۳)</sup> بیانگر نقش مؤثر قیام شعیب در حمایت از حضرت و شکست سفیانی است.

## قیام یمانی

### اشاره

یکی از رخدادهای مهم و تأثیر گذار در هنگام ظهور، نهضت یمنی ها به فرماندهی شخصی به نام «یمانی»<sup>(۴)</sup> است که در روایات، قیام او از نشانه ها و علائم حتمی ظهور معرفی شده است. یمانی احتمالاً در ماه رجب و از یمین به پشتیبانی از اهل بیت علیه سفیانی قیام می کند و مردم را به حق و عدل فرا می خواند. سپاه او در عراق با سپاهی که از خراسان آمده متحد می شود.

بر پایه روایات، اصل قیام یمانی در هنگامه ظهور حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف یک امر قطعی و مسلّم و جزو علائم حتمی ظهور است. بر اساس تتبع

نگارنده، بیش از چهل

ص: ۱۷۴

۱- الملاحم و الفتن، ص ۶۴.

۲- الملاحم و الفتن، ص ۲۷۰.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳.

۴- مسأل ه قیام یمانی در آستان ه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، صرفاً در منابع روایی شیعی منعکس شده و در مجامع روایی اهل سنت سخنی از آن به میان نیامده است.

و پنج روایت در این رابطه در مجامع حدیثی شیعه نقل شده که از این مجموع، تعداد روایاتی که بدون تکرار در منابع معتبر قدیمی وارد شده، حدود شانزده روایت است.

با توجه به عنایت خاص روایات به قیام یمانی و اهمیت و ویژگی های آن، لازم است ابعاد مختلف این قیام، نظیر رهبری نهضت، زمان قیام، مکان قیام، ملیت یمانی، خصوصیات شخصی یمانی، اهداف قیام، ویژگی های قیام و... مورد توجه قرار گیرد.

### الف) هویت یمانی

در روایات، خصوصیات اسمی و نسبی این شخصیت، چندان شفاف بیان نشده است؛ بلکه تنها دو روایت وجود دارد که از او با نام حسن و حسین یاد کرده اند:

الف) در کتاب بشاره الاسلام آمده است: «يَخْرُجُ مَلِكٌ فِي صَنْعَاءِ الْيَمَنِ اسْمُهُ حُسَيْنٌ أَوْ حَسَنٌ»؛ (۱) فرمانروایی از صنعای یمن به نام حسین یا حسن قیام خواهد کرد و در پرتو قیام او که خجسته و طاهر است، فتنه ها از میان می رود و حق پس از پنهان شدن آشکار می گردد».

ب) روایت دوم در کتاب بشاره الاسلام و نور

الابصار شبلنجی به نقل از امام صادق علیه السلام وارد شده است که اشاره به نسبت یمانی دارد: «خُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ عَمِّي زَيْدٍ بِالْيَمَنِ»؛ (۲)

آن چه در کتاب های متأخرین در مورد مشخصات اسمی یا نسبی یمانی ذکر شده نیز مبتنی بر همین دو روایت است. نویسنده کتاب عصر ظهور با اشاره به روایت اول، احتمال داده است که این شخص همان «کرعه» و از یمن باشد. (۳)

آیه الله صافی گلپایگانی نیز در کتاب منتخب الاثر معتقد است که وی از یمن خروج می کند: «الْيَمَانِي رَجُلٌ يَدْعُوا إِلَى الْمَهْدِيِّ وَيَخْرُجُ مِنَ الْيَمَنِ»؛ (۴) یمانی مردی است که مردم را به سوی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرا می خواند و از یمن خروج می نماید».

ص: ۱۷۵

۱- بشاره الاسلام، ص ۱۸۷.

۲- بشاره الاسلام، ص ۱۸۷.

۳- عصر ظهور، ص ۱۵۹.

۴- منتخب الاثر، ص ۵۶۳.

به نظر می رسد دلالت این روایات بر اثبات مطلب، جای تأمل دارد؛ زیرا ظاهر دو روایت مورد اشاره، دلالت روشنی بر این که مراد از یمانی، همان یمانی مورد نظر در باب علائم ظهور باشد، ندارد. چون در هیچ کدام از این دو روایت، صحبتی از خروج در هنگام ظهور یا نزدیک به ظهور نشده است. لذا این احتمال وجود دارد که مراد از یمانی در این دو روایت، یمانی معهود در عصر راوی باشد.

بنابراین در مورد شناسنامه اسمی و نسبی یمانی به خاطر عدم شفافیت مسأله در روایات، نمی توان قضاوت قطعی کرد.

## ب) خروج حتمی یمانی

در بعضی از روایات تصریح شده که خروج یمانی یکی از علائم ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. برای مثال، امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: «مِنَ الْمُحْتَمِومِ الَّذِي لَا بُدَّ مِنْهُ أَنْ يَكُونَ قَبْلَ الْقَائِمِ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَخَسْفُ الْبَيْدَاءِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالصَّيْحَةُ مِنَ السَّمَاءِ وَخُرُوجُ الْيَمَانِيِّ»<sup>(۱)</sup> از امور حتمی که به ناچار باید قبل از قیام قائم رخ دهد، خروج سفیانی، فرو رفتن زمین در صحرا، کشته شدن نفس زکیه، صیحه آسمانی و خروج یمانی است.

عمر بن حنظله نیز از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ مِنَ الْعَلَامَاتِ الصَّيْحَةُ وَالسُّفْيَانِيُّ وَالْخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ وَخُرُوجُ الْيَمَانِيِّ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ»<sup>(۲)</sup>؛ پنج چیز پیش از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از نشانه های حتمی است: صدای آسمانی، خروج سفیانی، خسف بیداء، خروج یمانی و کشته شدن نفس زکیه.

در حدیث مفصل دیگری محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «وَأَنَّ مِنْ عِلَامَاتِ خُرُوجِهِ خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ وَخُرُوجَ الْيَمَانِيِّ وَصَيْحَةً مِنَ السَّمَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ

مُنَادٍ يُنَادِي بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ»<sup>(۳)</sup> از علامات قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج سفیانی از شام، خروج یمانی از یمن، صیحه آسمانی در ماه رمضان و ندای آسمانی است که منادی او را به نام خودش و پدرش می خواند.

ص: ۱۷۶

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۴۹؛ الخصال، ص ۳۰۴.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۸.

در روایات، قیام یمانی هم زمان با قیام خراسانی و خروج سفیانی و در یک سال و یک ماه و یک روز بیان شده است. از سوی دیگر، با توجه به این که خروج سفیانی در ماه رجب ذکر شده چنان که گذشت معلوم می شود که قیام یمانی نیز در ماه رجب اتفاق خواهد افتاد. در این جا به چند نمونه از روایات اشاره می کنیم:

ابوبصیر در حدیثی مفصل نقل می کند که امام باقر علیه السلام فرمود: «خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَ الْيَمَانِيِّ وَ الْخُرَاسَانِيِّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ وَ فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ وَ نِظَامٍ كَنِظَامِ الْخُرَزِيِّ يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا؛ (۱) آمدن سفیانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز می باشد، مانند گردن بندی که دانه های آن منظم و یکی از پی دیگری است».

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

«الْيَمَانِيُّ وَ السُّفْيَانِيُّ كَفَرَسَى رِهَانٍ؛ (۲) یمانی و سفیانی [در رقابت در جبهه حق و باطل] مانند دو اسب تیزرو هستند».

عمر بن حنظله نیز از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ الْيَمَانِيُّ وَ السُّفْيَانِيُّ وَ الْمُنَادِي يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ وَ خَشَفَ بِالْبَيْدَاءِ وَ قَتَلَ النَّفْسَ الزَّكِيَّةَ؛ (۳) پنج چیز قبل از قیام قائم به ظهور خواهد رسید، یمانی، سفیانی، فریاد منادی از آسمان، فرو رفتن در بیابان و قتل نفس زکیه».

امام باقر علیه السلام در روایت دیگری با اندکی تفاوت می فرماید: «وَ أَنَّ مِنْ عَلَامَاتِ خُرُوجِهِ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ وَ خُرُوجِ الْيَمَانِيِّ وَ صَيْحِهِ مِنَ السَّمَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ مُنَادٍ يُنَادِي بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ؛ (۴) و از نشانه های خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج سفیانی است از شام و خروج یمانی است از یمن و صیحه ای است آسمانی در ماه رمضان و منادی ای است که از آسمان به نام او و نام پدرش فریاد می کشد».

باید توجه داشت که در این روایات، ضمن تأکید بر حتمی بودن خروج یمانی قبل

ص: ۱۷۷

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۳.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۳۰۶.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۹؛ الغیبه، طوسی، ص ۴۳۶.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۸؛ الخصال، ص ۲۴۴.

از قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف محل خروج وی را نیز یمن عنوان کرده اند، که مؤید احتمال یمنی بودن

اوست؛ چنان که قبلاً نیز اشاره شد. زیرا ظاهر کلام حضرت در روایت اخیر (الیمانی من الیمن) و تعبیر «خروج الیمانی من الیمن» در روایت نخست به قرینه جمله «خروج السفیانی من الشام» که قبل از آن مطرح شده، این است که حضرت محل خروج وی را یمن می داند.

امام صادق علیه السلام در جای دیگری می فرماید: «خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ الْخُرَّاسَانِيَّةِ وَ السُّفْيَانِيَّةِ وَ الْيَمَانِيَّةِ فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرِ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ؛ (۱) آمدن خراسانی و سفیانی و یمنی در یک سال و یک ماه و یک روز خواهد بود».

یعقوب بن سراج نیز نقل کرده است که خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: «فرج شیعیان شما چه زمانی خواهد بود؟» حضرت پاسخ داد: «إِذَا اخْتَلَفَ وُلْدُ الْعَبَّاسِ وَ وَهَى سُلْطَانُهُمْ وَ طَمَعَ فِيهِمْ مَنْ لَمْ يَكُنْ يَطْمَعُ وَ خَلَعَتِ الْعَرَبُ أَعْنَئَهَا وَ رَفَعَ كُلُّ ذِي صِيصَةٍ بِهِ صِيصِيَّتُهُ وَ ظَهَرَ السُّفْيَانِيُّ وَ أَقْبَلَ الْيَمَانِيُّ وَ تَحَرَّكَ الْحَسَنِيُّ خَرَجَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ بِتَرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمٍ؛ هنگامی که بنی عباس به اختلاف دچار شوند و اساس حکومتشان سست گردد و در ایشان کسی طمع ورزد که هرگز طمع و خیال آن را نمی داشته و عرب لجام خود را بگسلد و هر صاحب وسیله دفاعی، وسیله دفاع خود را برافرازد و سفیانی ظهور کند و یمنی پدیدار گردد و حسنی به جنبش خیزد، آنگاه صاحب این امر با میراث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از مدینه

به سوی مکه خروج می کند». عرض کردم: میراث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چیست؟ فرمود: «قُلْتُ وَ مَا تَرَاثُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمٍ فَقَالَ سَيِّفُهُ وَ دِرْعُهُ وَ عِمَامَتُهُ وَ بُرْدُهُ وَ رَايَتُهُ وَ قَصِيْبُهُ وَ فَرَسُهُ وَ لَأْمَتُهُ وَ سَرْجُهُ؛ (۲) شمشیر، زره، عمامه، برد، پرچم، عصا، اسب، و سائل جنگی و زین آن حضرت».

در این روایت نیز خروج یمنی همانند خروج سفیانی و حرکت سید حسنی (که شاید مراد، همان سید خراسانی باشد که در روایات دیگر آمده است) اندکی قبل از

ص: ۱۷۸

۱- الارشاد، ج ۲، ص ۴۴۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۷.



ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یا متصل به آن ذکر شده است. تعبیر «وَ أَقْبَلَ الْيَمَانِيَّ» در این روایت بیان گر اقدامات تمهیدی و زمینه ساز جناب یمانی جهت استقبال از حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد.

#### (د) محل خروج یمانی

با توجه به روایاتی که محل خروج یمانی را یمن گفته اند، می توان احتمال داد که ملیت او نیز یمنی است. مثلاً در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «وَ إِنَّ مِنْ عَلَامَاتِ خُرُوجِهِ خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ وَ خُرُوجَ الْيَمَانِيِّ مِنَ الْيَمَنِ؛ (۱) و از نشانه های قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج سفیانی از شام و خروج یمانی از یمن است».

ایشان در روایت دیگری فرموده است: «ثُمَّ يَسِرُّ إِلَيْهِمْ مَنْصُورُ الْيَمَانِيِّ مِنْ صَنْعَاءَ بِجُنُودِهِ... فَيَلْتَقِي هُوَ وَالْأَخْوَصُ... فَيَكُونُ

بَيْنَهُمَا قِتَالٌ شَدِيدٌ؛ (۲) سپس منصور یمانی با سپاهی که از صنعا تدارک دیده است، به سوی آنان (لشکریان سفیانی در عراق) حرکت می کند تا این که با اخوص (سفیانی) روبرو و سخت با او درگیر نبرد می شود».

حضرت صادق علیه السلام نیز از یمانی به عنوان کسی که چشم سفیانی را از حدقه در می آورد، یاد کرده و فرموده است: «ذَكَرَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ السُّفْيَانِيُّ فَقَالَ: أَنِّي يَخْرُجُ ذَلِكَ وَ لَمْ يَخْرُجْ كَاسِرٍ عَيْنِهِ بِصَيْحَةٍ نَعَاءَ؛ (۳) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج نمی کند، مگر این که قبل از او کسی که چشم سفیانی را از حدقه در می آورد (یعنی یمانی) از صنعا یمن خروج کند».

امریا این روایات درباره این که مراد از یمن، کشور فعلی یمن است که مرکز آن صنعا است یا این که منطقه گسترده و وسیع تری را شامل می شود، صراحت ندارند. از این رو با توجه به این که در روایات از اهل یمن به دلیل نقش مؤثر آنان در زمینه سازی ظهور و یاری حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف تجلیل و ستایش شده است، این احتمال وجود

ص: ۱۷۹

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۸.

۲- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۲۷۶.

۳- الغیبه، نعمانی، ص ۲۸۶.

دارد که وی از اهل یمن باشد و چون هیچ قرینه ای دال بر این که یمن در گذشته دارای قلمرویی بیشتر از یمن فعلی بوده باشد، وجود ندارد، احتمال می رود که

منظور از یمن در روایات، کشور فعلی یمن است.

## ه) اهداف قیام یمانی

در میان شخصیت های مؤثر در زمینه سازی و قیام برای دفاع و حمایت از حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف هیچ شخصیتی همانند یمانی در روایات، مورد تجلیل و عنایت قرار نگرفته است. قیام او بیش از دیگران از جهت قداست هدف و خلوص انگیزه و دعوت به سوی حق از سوی ائمه علیه السلام مورد تأیید و تکریم خاص قرار گرفته است.

امام صادق علیه السلام در توصیف قیام یمانی می فرماید: «وَلَيْسَ فِيهَا رَأْيَةٌ أَهْدَى مِنْ رَأْيِهِ الْيَمَانِيُّ لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ؛ (۱) هیچ پرچم و حرکتی در هنگامه ظهور، رشد یافته تر از حرکت یمانی نیست. او مردم را به سوی حق، هدایت و راهنمایی می کند».

در روایت ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نیز آمده است: «وَلَيْسَ فِي الرِّاياتِ رَأْيَةٌ أَهْدَى مِنْ رَأْيِهِ الْيَمَانِيُّ هِيَ رَأْيَةٌ هُدَى لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى صِيَابِكُمْ فَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ حَرَّمَ بَيْعَ السَّلَاحِ عَلَى النَّاسِ وَ كُلِّ مُسْلِمٍ وَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَانْهَضْ إِلَيْهِ فَإِنَّ رَأْيَهُ رَأْيٌ هُدَى وَ لَمَّا يَجِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَلْتَوَى عَلَيْهِ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ؛ (۲) در میان پرچم ها، راهنماتر از پرچم یمانی نیست. پرچم او، پرچم هدایت است؛ زیرا دعوت به صاحب شما می کند؛ پس

هنگامی که یمانی خروج کند، خرید و فروش سلاح برای مردم و هر مسلمانی ممنوع است و چون یمانی خروج کرد به سوی او بشتابید، چراکه پرچم او پرچم هدایت است و برای هیچ مسلمانی روا نیست که با آن پرچم مقابله نماید. پس هر کس چنین کند، از اهل آتش است؛ زیرا او به سوی حق و راه مستقیم فرا می خواند».

تعابیر و فرازهای به کار رفته در این حدیث شریف، گویای درخشش شخصیت ممتاز یمانی در هنگام ظهور و صحت قیام و انقلاب وی می باشد. جالب این است که

ص: ۱۸۰

۱- الغیبه، طوسی، ص ۴۴۶؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۵.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۳.

این توصیفات در مورد یمانی، بعد از قرارداد نام او در کنار نام سید خراسانی است؛ یعنی بعد از این که قیام او و قیام خراسانی هم زمان ذکر شده، روایات به تجلیل از شخصیت منحصر به فرد وی و تأیید کامل قیام ایشان پرداخته اند که نشانگر آن است که قیام او از نظر خلوص انگیزه و صداقت در اهداف، از دیگران متمایز است.

### (و) ویژگی های قیام یمانی

در روایات از قیام یمانی بسیار تجلیل شده و ویژگی های منحصر به فردی برای آن عنوان شده است. در این رابطه، توجه به دو نکته مهم، ضروری است:

نکته اول؛ تأیید روایات، حقانیت قیام یمانی را تأیید و آن را کاملاً امضا فرموده اند؛ نظیر آن چه در عبارات «لَيْسَ فِي الرَّايَاتِ رَايَةٌ أَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ»؛ «هِيَ رَايَةٌ هُدًى»؛ «يَدْعُو إِلَى صَاحِبِكُمْ»؛ «يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ» و... مشاهده می شود. در این عبارات، کلمه «هدی» که به صورت مطلق ذکر شده و نیز تعبیر «أهدى» و تعبیر دیگری که در جهت تعلیل انگیزه های قیام یمانی به کار رفته، گویایی مشروعیت کامل این قیام است و وجه حقانیت آن را در دعوت به سوی حق و امام زمان علیه السلام که محور حق است، بیان می کند.

نکته دوم؛ روایات بر وجوب حمایت از قیام یمانی بسیار تأکید کرده اند؛ چنان که امام صادق علیه السلام مردم را مکلف به پیوستن و همراهی با او کرده است «إِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَأَنْهَضْ إِلَيْهِ» و مخالفت و پشت کردن با او را نه تنها حرام، بلکه مستلزم کفر و شقاوت دانسته و عذاب آن را آتش اعلام نموده است: «فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ».

ایشان علاوه بر بیان حرمت مخالفت فکری با یمانی، مخالفت عملی و عدم اطاعت از وی را در ممنوع بودن فروش اسلحه نیز یاد آور شده است که همه این ها بیان گر اهمیت و نقش برجسته حرکت انقلابی یمانی در آستانه ظهور حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف و هجوم فتنه ها در آن عصر و زمان است.

اما این که چرا در روایات نهضت یمانی هدایت بخش تر از دیگران توصیف شده و وجه برجستگی و هدایت گری پرچم وی از دیگر پرچم ها و قیام ها چیست، پرسشی

است که با تأمل در روایات قبل، می توان پاسخ آن را به دست آورد.

نویسنده کتاب عصر ظهور، در پاسخ به این پرسش چند احتمال را مطرح کرده است:

وجه اول: شاید رهبری آسمانی، از جهت سادگی و قاطعیت، به اسلام و دستورات مربوط به توسعه و گسترش اسلام و الزامات آن نزدیک تر باشد.

وجه دوم: ممکن است این امتیاز به خاطر وجود نیروهای مطیع، مخلص و تسخیر ناپذیر در سپاه یمانی باشد.

وجه سوم: ممکن است عدم پای بندی و تعهد به عناوین ثانوی و معاهدات بین المللی، حرکت یمانی را نسبت به نهضت های دیگر برتری بدهد، برخلاف نهضت خراسانی از ایران که با توجه به سابقه سیاسی و تعهدات متقابل با نظام های بین المللی، در چنین وضعیتی قرار ندارد.

وجه چهارم: شاید یمانی به دیدار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نائل می گردد و مستقیماً از رهنمودهای امام علیه السلام برخوردار می شود. به همین جهت قیام

او خالص تر و مطمئن تر از قیام های دیگر است.<sup>(۱)</sup>

ایشان در نهایت، وجه اخیر را ترجیح می دهد؛ اما دلیلی وجود ندارد که اثبات کند جناب یمانی مستقیماً از حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف کسب دستور می کند یا این که شخصاً با حضرت دیدار دارد.

به نظر می رسد در توجیه و تحلیل برتری و هدایت بخش بودن قیام یمانی، احتمال اول و سوم مناسب تر است.

### قیام سید حسنی

در هنگام ظهور، گروه های دیگری نیز جهت یاری امام مهدی از مناطق مختلف قیام می کنند و از کوفه، شام، مصر و... به یاری حضرت می شتابند. یکی از آن قیام ها، قیامی است که با پرچمداری شخصی به نام سید حسنی به وقوع می پیوندد. در روایات، از وی به عنوان جوانی هاشمی که جمعی از سادات دور او را گرفته و از

ص: ۱۸۲

مشرق زمین قیام می کند و با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کوفه بیعت می نماید، یاد شده است که بیانگر هدف او در حمایت از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیعت با آن حضرت علیه السلام است.

البته شخصیت سید حسنی نیز مانند سید خراسانی به خوبی روشن نیست؛ اما ظاهراً وی از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام است که با

اصحاب خود وارد کوفه می شود و وقتی به او خبر می دهند که حضرت حجّت علیه السلام ظهور کرده و از مدینه به کوفه تشریف آورده است، با اصحاب خود، به محضر آن حضرت مشرف شده و از ایشان دلائل امامت و مواریث انبیا را مطالبه می کند. او می داند که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر حق است، لکن مقصودش این است که حقانیت امام را بر مردم و اصحاب خود ظاهر نماید. پس آن حضرت دلائل را نشان می دهد و سید حسنی با ایشان بیعت می کند و به پیروی از او، سپاهش نیز بیعت می کنند.

در روایتی طولانی که مفضل از امام صادق علیه السلام نقل کرده و در آن بسیاری از رخدادهای آستانه ظهور و بعد از آن، تفصیلاً شرح داده شده است، ماجرای خروج حسنی و بیعت او با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین تبیین شده است: «ثُمَّ يَخْرُجُ الْحَسَنِيُّ الْفَتَى الصَّيْحُ الَّذِي نَحْوَ الدَّيْلَمِ يَصْهِيحُ بِصَوْتٍ لَهُ فَصَاحَ يَحِ يَا آلَ أَحْمَدَ أَجِيبُوا الْمَلْهُوفَ وَالْمُنَادِيَ مِنَ حَوْلِ الضَّرِيحِ فَتَجِيبُهُ كُنُوزُ اللَّهِ بِالطَّلَقَانِ كُنُوزٌ وَ أَى كُنُوزٍ لَيْسَتْ مِنْ فَضِّهِ وَ لَمَّا ذَهَبَ يَلُ هِيَ رِجَالُ كُرْبِرِ الْحَدِيدِ عَلَى الْبِرَازِينَ الشُّهْبِ بِأَيْدِيهِمُ الْحِرَابُ وَ لَمْ يَزَلْ يَقْتُلُ الظَّلْمَةَ حَتَّى يَرِدَ الْكُوفَةَ وَ قَدْ صَفَا أَكْثَرُ الْأَرْضِ فَيَجْعَلُهَا لَهُ مَعْقَلًا؛ آنگاه سید حسنی، آن جوان زیبا، از سرزمین دیلم خروج کرده و با صدای رسا بانگ می دهد: «ای آل محمد! دعوت آن کس را که از غیبتش متأسف بودید اجابت کنید». این صدا از ضریح پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بلند می شود. پس

گنج های خدا از طالقان او را پذیرا می شوند. آن ها گنج هستند، اما نه از طلا و نقره؛ بلکه مردانی هستند که ایمانی فولادین دارند و بر اسب های چابک سوار هستند و اسلحه به دست دارند و پی در پی ستمگران را می کشند تا آن که وارد کوفه می شوند و در آن زمان بخش زیادی از زمین را از لوٹ وجود بی دینان پاک کرده اند. آن ها کوفه را محل اقامت خود قرار می دهند: «فَيَتَّصِلُ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ خَبْرُ الْمُهَدِيِّ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ وَ يَقُولُونَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَنْ هَذَا الَّذِي قَدْ نَزَلَ بِسَاحَتِنَا فَيَقُولُ أَخْرُجُوا

بِنَا إِلَيْهِ حَتَّى نَنْظُرَ مَنْ هُوَ وَمَا يُرِيدُ وَ هُوَ وَاللَّهِ يَعْلَمُ أَنَّهُ الْمَهْدِيُّ وَإِنَّهُ لَيَعْرِفُهُ وَلَمْ يُرِدْ بِذَلِكَ الْأَمْرِ إِلَّا لِيَعْرِفَ أَصْحَابَهُ مَنْ هُوَ فَيَخْرُجَ الْحَسَنِيُّ فَيَقُولُ إِنْ كُنْتَ مَهْدِيَّ آلِ مُحَمَّدٍ فَأَيْنَ هِرَاوَهُ حَيْدَكَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَخَاتَمَهُ وَبُرْدَتَهُ وَدِرْعَهُ الْفَاضِلَ وَعِمَامَتَهُ السَّحَابَ وَفَرَسَهُ الزُّبُوعَ وَنَاقَتَهُ الْعَضْبَاءَ وَبَغْلَتَهُ الدُّلْدُلَ وَحِمَارَهُ الْيَغْفُورَ وَنَجِيئَهُ الْبِرَاقَ وَمُضِيحَهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ فَيَخْرُجُ لَهُ ذَلِكَ ثُمَّ يَأْخُذُ الْهِرَاوَةَ فَيَغْرِسُ بِهَا فِي الْحَجَرِ الصَّلْدِ وَتُورِقُ وَلَمْ يُرِدْ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يُرَى أَصْحَابَهُ فَضَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ حَتَّى يُبَايِعُوهُ فَيَقُولُ الْحَسَنِيُّ اللَّهُ أَكْبَرُ مَدَّ يَدَكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى تُبَايِعَكَ فَيَمْدُ يَدَهُ فَيُبَايِعُهُ وَ يُبَايِعُهُ سَائِرُ الْعَسَائِرِ الَّذِي مَعَ الْحَسَنِيِّ إِلَّا أَرْبَعِينَ أَلْفًا أَصْحَابُ الْمَصَاحِفِ الْمَعْرُوفُونَ بِالزَّيْدِيَّةِ فَإِنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ عَظِيمٌ فَيَخْتَلِطُ الْعَسَاكِرَانِ فَيَقْبَلُ الْمَهْدِيُّ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ عَلَى الطَّائِفَةِ الْمُنْحَرِفَةِ فَيَعْظُمُهُمْ وَ يَدْعُوهُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَلَمَّا يَزْدَادُونَ إِلَّا طُغْيَانًا وَ كُفْرًا فَيَأْمُرُ بِقَتْلِهِمْ فَيُقْتَلُونَ جَمِيعًا... (1)؛ پس چون خبر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سید حسنی و یارانیش می رسد، به او می گویند: «این کیست که در

قلمرو ما فرود آمده؟» سید حسنی می گوید: «با من بیاید تا بینم او کیست و چه می خواهد». به خدا قسم که سید حسنی می داند که او مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و او را می شناسد، ولی برای این می گوید که به اصحابش بفهماند که او کیست. سید حسنی بیرون می آید تا به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برسد و از وی می پرسد: «اگر تو مهدی آل محمد هستی، عصای جدت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم انگشتر و پیراهن او، زرهش فاضل، عمامه اش سحاب، اسبش یربوع، شترش غضبساء، قاطرش دلدل، الاغش یعفور، اسبش براق و قرآنی که امیرمؤمنان جمع آوری کرده کجاست؟» مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تمام آن ها را بیرون آورده به سید حسنی نشان می دهد. آنگاه عصای پیغمبر را گرفته و به سنگ سختی می زند، فی الحال سنگ مانند درخت سبز می شود و شاخ و برگ در می آورد. مقصود سید حسنی این است که فضیلت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به اصحاب خود نشان دهد تا حاضر شوند با وی بیعت کنند. آنگاه سید حسنی عرض می کند: «الله اکبر! یابن رسول الله دست مبارکت را بده تا با شما بیعت کنیم. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دستش را دراز کرده و ابتدا سید حسنی و سپس سایر لشکریانش با وی بیعت می کنند، مگر چهل -

ص: ۱۸۴

هزار نفر که قرآن‌ها را با خود دارند و معروف به زیدیه می‌باشند و از بیعت کردن امتناع می‌ورزند. آن‌ها می‌گویند

این کار چیزی جز یک سحر بزرگ نیست و با این حرف دو لشکر به جان هم می‌افتند. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طرف طائفه زیدیه می‌آید و سه روز آن‌ها را موعظه می‌نماید و دعوت به آرامش و پذیرش خود می‌کند، ولی آن‌ها بر سرکشی و کيفر خود می‌افزایند. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز ناچار دستور قتل آن‌ها را صادر نموده و همه آن‌ها را از دم شمشیر می‌گذرانند.

### قیام نجبای مصر

در برخی از روایات، به یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در هنگام ظهور از مناطق مختلف قیام می‌کنند، با عناوینی چون «عصائب»، «نجباء»، «أبی‌دال» و... یاد شده است. (۱) از جمله، گروهی از مصر به یاری حضرت برمی‌خیزند که در روایات، نجبای مصر خوانده شده‌اند.

### قیام اهالی طالقان

در برخی روایات، از اهالی طالقان به عنوان یاران و اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تجلیل شده است. از امام صادق علیه السلام در مورد اهالی طالقان نقل شده است که فرمود: «وَلَهُ كُنُوزٌ لَا ذَهَبٌ وَلَا فِضَّةٌ إِلَّا خُيُولٌ مُطَهَّمَةٌ وَرِجَالٌ مُسَوَّمَةٌ يَجْمَعُ اللَّهُ لَهُ مِنْ أَقَاصِي الْبِلَادِ عَلَى عَدَدِ أَهْلِ بَدْرٍ

ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا» (۲) در طالقان گنج‌هایی ست که از طلا و نقره نیستند؛ بلکه اسبان زیبا و تندرو و مردان چابک سوار و نشان‌داری هستند که خداوند آنان را از دورترین بلاد پیرامون یک‌دیگر جمع خواهد کرد؛ به تعداد اصحاب بدر سیصد و سیزده مرد اند.

هم‌چنین از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است: «وَيُحَاكِمُ لِلطَّلَقَانِ فَإِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا كُنُوزًا لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ وَ لَكُنْ بِهَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمْ

ص: ۱۸۵

۱- ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۸.

۲- إعلام الوری، ص ۴۰۳؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۹۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

أَيْضاً أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛(۱) خوشا به حال طالقان، که از برای خداوند عزوجل در آن گنج‌هایی است، نه از جنس طلا و نقره؛ بلکه مردانی هستند اهل ایمان، که خدا را از روی معرفت شناخته‌اند. آنان انصار و یاوران مهدی در آخر الزمان هستند».

آنچه اشاره گردید، صرفاً نمونه‌هایی از قیام‌ها و حرکت‌های عدالت‌خواهانه‌ای بود که براساس روایات در هنگامه ظهور برای حمایت از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ می‌دهند.

از آن چه گذشت، روشن می‌شود که تنها رزمندگان خراسانی و یمانی به صورت نیروهای منظم که دارای تشکیلات نظامی هستند، در صحنه ظاهر می‌شوند و به ایفای نقش می‌پردازند.

□□□

ص: ۱۸۶

---

۱- کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۷۸؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۷.



### اشاره

بر اساس روایات، حادثه ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دفعی و ناگهانی است؛ اما این بدان معنا نیست که این واقعه عظیم هیچ گونه مقدمات و نشانه هایی ندارد.

### مدینه و مکه، کانون تحولات

شهر مقدّس مدینه، نقطه آغاز قیام رهایی بخش امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. براساس روایات، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ابتدا در مدینه حضور خواهد یافت و بعد از تسلط سفیانی بر آن جا، به سوی مکه رهسپار خواهد شد و پس از ملحق شدن و بیعت یاران در مکه، به اذن الاهی، رسماً قیام و ظهورش را به جهانیان اعلام خواهد کرد.

### تهاجم سفیانی به شهر مدینه

پس از آن که سفیانی بر مخالفان خود در شام و عراق تسلط یافت، از حضور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مدینه اطلاع می یابد و لشکری را به آن جا

می فرستد؛ اما لشکر در حالی به مدینه می رسد که پیش از ورود آن ها، حضرت از آن جا خارج شده و به سوی مکه رهسپار شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می فرماید: «يَخْرُجُ عَلَيْهِمُ السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ فِي فَوْرِ ذَلِكَ حَتَّى يَنْزِلَ دِمَشْقَ فَيَبْعَثُ جَيْشَيْنِ جَيْشًا إِلَى الْمَشْرِقِ وَ آخَرَ إِلَى الْمَدِينَةِ حَتَّى يَنْزِلُوا بِأَرْضِ بَابِلَ مِنَ الْمَدِينَةِ الْمَلْعُونَةِ يَعْنِي بَغْدَادَ فَيَقْتُلُونَ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَ يَفْضَحُونَ أَكْثَرَ مِنْ مِائَةِ امْرَأَةٍ وَ يَقْتُلُونَ بِهَا ثَلَاثِمِائَةَ كَبْشٍ مِنْ بَنِي الْعَبَّاسِ ثُمَّ يَنْحَدِرُونَ

إِلَى الْكُوفَةِ فَيَخْرُبُونَ مَا حَوْلَهَا ثُمَّ يَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِينَ إِلَى الشَّامِ فَتَخْرُجُ رَأْيَهُ هُدًى مِنَ الْكُوفَةِ فَتَلْحَقُ ذَلِكَ الْجَيْشَ فَيَقْتُلُونَهُمْ لَا يُفْلِتُ مِنْهُمْ مُخَبِّرٌ وَ يَسْتَتِقِدُونَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنَ السَّبِيِّ وَالْغَنَائِمِ وَ يَحِلُّ الْجَيْشُ الثَّانِي بِالْمَدِينَةِ فَيَنْتَهُونَهَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ بَلِيَالِيهَا ثُمَّ يَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِينَ إِلَى مَكَّةَ...؛ (۱) سفیانی از یابس خروج کرده وارد دمشق می شود آنگاه دو لشکر فراهم نموده یکی را به شرق (عراق) گسیل می دارد، دیگری را به مدینه. چون لشکر اخیر به سرزمین «بابل» که جزو سرزمین لعنت شده یعنی بغداد است می رسند بیش از سه هزار نفر را به قتل می رسانند و افزون از صد زن را مورد تجاوز قرار می دهند و سیصد جوان رشید از بنی عباس را می کشند، سپس مانند سیل به کوفه می ریزند و حوالی آن را ویران می سازند سپس از آن جا بیرون آمده روی به شام می آورند. در آن وقت لشکری با پرچم هدایت

بیرون آمده لشکر سفیانی را دنبال می کنند تا به آن ها می رسند و تمام آن ها را به قتل می رسانند. به طوری که یک نفر از آن ها را باقی نمی گذارند تا خبری از آن ها برسد! و اسیران و آنچه را به غارت برده اند از آن ها می گیرند. سپس لشکر دوم به مدینه آمده سه شبانه روز دست به تاراج می زنند، آنگاه به مکه روی می آورند».

### جنایات هولناک سفیانی در مدینه

لشگریان سفیانی پس از تصرف مدینه، آن جا را غارت می کند و شیعیان را به خاک و خون می کشد. در روایات از جنایات هولناک سپاه سفیانی در مدینه خبر داده شده است.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که در باره جنایات سفیانی فرمود: «يَعْتُ السُّفْيَانِيُّ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَأْمُرُ بِقَتْلِ كُلِّ مَنْ كَانَ فِيهَا مِنْ بَنِي هَاشِمٍ حَتَّى الْجِبَالِي وَ ذَلِكَ لِمَا صَبَحَ الْهَاشِمِي الَّذِي يَخْرُجُ عَلَى أَصْحَابِهِ مِنَ الشَّرْقِ، يَقُولُ: مَا هَذَا الْبَلَاءُ كُلُّهُ! وَ قَتَلَ أَصْحَابِي إِلَّا مَنْ قَتَلْتَهُمْ، فَيَأْمُرُ بِقَتْلِهِمْ فَيَقْتُلُونَ حَتَّى لَا يَعْرِفُ مِنْهُمْ بِالْمَدِينَةِ أَحَدٌ وَ يَفْتَرِقُوا مِنْهَا هَارِبِينَ إِلَى الْبُؤَادِي وَ الْجِبَالِ وَ إِلَيَّ مَكَّةَ حَتَّى نَسَاؤُهُمْ يَضَعُ جَيْشَهُ فِيهِمْ»

ص: ۱۸۸

السَّيْفِ أَيَّاماً ثُمَّ يَكْفُ عَنْهُمْ فَلَا يَظْهَرُ مِنْهُمْ إِلَّا خَائِفٌ حَتَّى يَظْهَرَ أَمْرُ الْمَهْدِيِّ بِمَكَّةَ فَإِذَا ظَهَرَ بِمَكَّةَ اجْتَمَعَ كُلُّ مَنْ شَدَّ مِنْهُمْ إِلَيْهِ بِمَكَّةَ؛<sup>(۱)</sup> سفیانی سپاهی را تجهیز و به مدینه اعزام می کند و

به آنان دستور می دهد که هر که از بنی هاشم یافتند، حتی زنان حامله را بکشند. این کار را به این جهت انجام می دهد که شخصی هاشمی از مشرق علیه یاران سفیانی خروج می کند و سفیانی می گوید تمام این بلاها و کشتن یاران من به خاطر آن هاشمی و یاران اوست. پس دستور قتل آن ها را صادر می کند، تا جایی که دیگر در مدینه کسی از بنی هاشم باقی نمی ماند و همه، حتی زنان، از ترس، به سوی بیابان ها و کوه ها یا به سوی مکه فرار می کنند و پس از آن که سفیانیان دست از قتل و تعقیب آنان برداشتند نیز ترسان و هراسان خواهند بود تا آن که خبر ظهور حضرت در مکه را می شنوند. آن گاه تمامی آن ها در مکه گرد می آیند».

امیر مؤمنان علیه السلام در باره جنایات هولناک سفیانی در مدینه می فرماید: «یكتب السفیانی إلى الذی دخل الکوفه بخيله بعد ما یرکها عرک الأدمیم یأمره بالمسیر إلى الحجاز، فیسیر إلى المدینه، فیضع السیف فی قریش، فیقتل منهم و من الأنصار أربعمائیه رجل و یبقر البطون و یقتل الولدان و یقتل أخوین من قریش رجل و اخته یقال لهما: محمّد و فاطمه و یصلبهما علی باب المسجد بالمدینه؛<sup>(۲)</sup> بعد از آن که فرمانده سپاه سفیانی، کوفه (عراق) را به شدت زیر پا گذاشت و آن جا را کاملاً کوبید، سفیانی به او دستور می دهد که به

طرف حجاز حرکت کند و او هم وارد مدینه شده و در میان قریش با شمشیر عمل می کند و از قریش و انصار چهار صد نفر را می کشد، شکم زنان حامله را پاره می کند، اطفال و کودکان را به قتل می رساند و یک برادر و خواهر از قریش به نام های محمد و فاطمه را می کشد و جلوی در مسجد مدینه به دار می آویزد».

در حدیث دیگری امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «بیعت السفیانی بجیش إلى المدینه فیأخذون من قدروا علیه من آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلم و یقتل من بنی هاشم رجالا و نساء فعند ذلك یهرب المهدي و المبیض من المدینه إلى مکة فیبعث فی طلبهما و قد لحقا بحرم الله و

ص: ۱۸۹

۱- الملاحم و الفتن، ص ۱۲۶؛ معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۴۲۲.

۲- الملاحم و الفتن، ص ۱۲۵؛ عصر ظهور، ص ۱۳۱.

آمنه؛<sup>(۱)</sup> سپاهی به مدینه فرستاده می شود و آن ها هر کسی از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بیابند، به اسارت می گیرند و مردان و زنان بنی هاشم را می کشند. آن زمان است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و میبض، از مدینه به مکه می گریزند و افرادی به دنبال آن ها فرستاده می شوند و آن دو به حرم الاهی پناهنده می گردند».

یونس بن ابی یعفور نیز از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «إِذَا خَرَجَ السَّفِيَانِي يَبْعَثُ جَيْشًا إِلَيْنَا وَ جَيْشًا إِلَيْكُمْ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَأَتُونَا عَلَى كُلِّ صَعْبٍ وَ ذَلُولٍ؛<sup>(۲)</sup> زمانی که سفیانی خروج کند، سپاهی به سوی ما (مدینه)

و سپاهی به سوی شما (عراق) خواهد فرستاد. اگر این مسأله اتفاق افتاد، خود را با هر مرکب چموش و غیر چموش (به هر وسیله ممکن) به ما (مدینه) برسانید».

امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال یعقوب سراج که از زمان ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیده بود، فرمودند: «...حَتَّى يَنْزَلَ بِأَعْلَى مَكَّةَ فَيُخْرِجَ السَّيْفَ مِنْ غَمْدِهِ وَيَلْبَسَ الدَّرْعَ وَيُنْشُرَ الرِّايَةَ وَ الْبُرْدَةَ وَ يَعْتَمَّ بِالْعِمَامَةِ وَ يَتَنَاوَلَ الْقَضِيْبَ بِبِيَدِهِ وَ يَسْتَأْذِنُ اللَّهَ فِي ظُهُورِهِ فَيَطْلِعُ عَلَى ذَلِكَ بَعْضُ مَوَالِيهِ فَيَأْتِي الْحَسَيْنِي فَيُخْبِرُهُ الْخَبْرَ فَيَبْتَدِرُهُ الْحَسَيْنِي إِلَى الْخُرُوجِ فَيَثْبُ عَلَيْهِ أَهْلُ مَكَّةَ فَيَقْتُلُونَهُ وَ يَبْعَثُونَ بِرَأْسِهِ إِلَى الشَّامِيِّ فَيُظَهَّرُ عِنْدَ ذَلِكَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ فَيَبَايِعُهُ النَّاسُ وَ يَتَّبِعُونَهُ وَ يَبْعَثُ عِنْدَ ذَلِكَ الشَّامِي جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيُهْلِكُهُمُ اللَّهُ دُونَهَا وَ يَهْرُبُ مِنَ الْمَدِينَةِ يَوْمَئِذٍ مَنْ كَانَ بِالْمَدِينَةِ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مَكَّةَ فَيَلْحَقُونَ بِصَاحِبِ الْأَمْرِ وَ يُقْبَلُ صَاحِبُ الْأَمْرِ نَحْوَ الْعِرَاقِ وَ يَبْعَثُ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَأْمُرُ أَهْلَهَا فَيَرْجِعُونَ إِلَيْهَا؛<sup>(۳)</sup> هنگامی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد مکه شود، شمشیر از نیام بکشد، زره بر تن کند، پرچم به اهتزاز در آورد، عبا و عمامه بپوشد و عصا به دست گیرد، آن زمان است که خداوند اجازه ظهور را به آن حضرت می دهد. آن گاه بعضی از دوستان و آشنایان آن حضرت که از قضیه با خبر می شوند، به سید حسنی

ص: ۱۹۰

- ۱- الملاحم و الفتن، ص ۱۲۵؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۹.
- ۲- الغيبة، نعمانی، ص ۳۱۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۹۱.
- ۳- الکافی، ج ۸، ص ۲۲۵؛ الغيبة، نعمانی، ص ۲۷۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۱.

خبر می دهند و او نیز به سرعت خروج می کند [که به یاری حضرت برود] اما اهل مکه بر او یورش می برند و وی

را می کشند و سرش را نزد شخص شامی (سفیانی) می فرستند. آن گاه حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کرده و مردم با او بیعت می کنند و از او فرمان می برند. شخص شامی پس از این قضیه، سپاهی به مدینه می فرستد که خداوند آن ها را به مدینه نرسیده، نابود می سازد. آن هنگام تمامی فرزندان علی علیه السلام (سادات علوی) از مدینه فرار کرده و در مکه به حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف ملحق می شوند. سپس حضرت به عراق می رود و سپاهی به مدینه می فرستد تا امنیت را در آن شهر برقرار کنند و مردم بتوانند به آن جا باز گردند.

حذیفه بن یمان نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از آشوبی که میان مردم شرق و غرب پدید می آید، سخن به میان آورد و فرمود: «فَبَيْنَا هُمْ كَذَلِكَ يَخْرُجُ عَلَيْهِمُ السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ فِي قَوْرِ ذَلِكَ حَتَّى يَنْزِلَ دِمَشْقَ فَيَبْعَثُ جَيْشَيْنِ جَيْشًا إِلَى الْمَشْرِقِ وَ آخَرَ إِلَى الْمَدِينَةِ حَتَّى يَنْزِلُوا بِأَرْضِ بَابِلَ مِنَ الْمَدِينَةِ الْمَلْعُونَةِ يَعْنِي بَغْدَادَ فَيَقْتُلُونَ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَ يَفْضَحُونَ أَكْثَرَ مِنْ مِائَةِ امْرَأَةٍ وَ يَقْتُلُونَ بِهَا ثَلَاثَ مِائَةٍ كَبِشٍ مِنْ بَنِي الْعَبَّاسِ ثُمَّ يَنْحَدِرُونَ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَخْرُبُونَ مَا حَوْلَهَا ثُمَّ يَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِينَ إِلَى الشَّامِ؛ (۱) در اثنايي که آن ها سرگرم کشمکش هستند، سفیانی از یابس بر آن ها حمله می برد تا آن که وارد دمشق می شود. آنگاه دو لشکر فراهم

نموده، یکی را به شرق می فرستد و دیگری را به مدینه. لشکر به بابل که از توابع سرزمین لعنت شده، یعنی بغداد است می رسند و در آن جا بیش از سه هزار نفر را می کشند و بیش از صد زن را مورد تجاوز قرار می دهند و سیصد جوان رشید از بنی عباس را به قتل می رسانند. سپس مانند سیل به کوفه می ریزند و حوالی آن را ویران می کنند. سپس از آن جا بیرون آمده، به سمت شام روی می آورند.

در حدیث دیگری که ام سلمه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده، آمده است: «يَكُونُ اخْتِلافٌ عِنْدَ مَوْتِ خَلِيفِهِ فَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ هَارِبًا إِلَى مَكَّةَ فَيَأْتِيهِ نَاسٌ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ فَيَخْرُجُونَهُ وَ هُوَ كَارِهِ فَيَبَايَعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ يُبْعَثُ إِلَيْهِ بَعْتُ الشَّامِ

ص: ۱۹۱

فَتَنخَسِفُ بِهِمُ الْبَيْدَاءُ بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ فَإِذَا رَأَى النَّاسُ ذَلِكَ أَتَاهُ أُبْدَالُ الشَّامِ وَ عَصَائِبُ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَيَبَايَعُونَهُ؛ (۱) پس از مرگ خلیفه (حاکم حجاز) اختلافی خواهد افتاد. آن گاه مردی (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) از مدینه خارج شده و به مکه می رود و مردم به سوی او می روند و هر چند، آن حضرت از بیعت ناخشنود است، ولی در میان رکن و مقام با او بیعت می کنند. سپس سپاهی از شام به سمت حضرت می آیند، اما همین که به زمین بیداء می رسند، زمین آن ها را در کام خود فرو می برد. آن گاه مؤمنین و بزرگان عراق و شام، خدمت آن حضرت رسیده و با

ایشان بیعت می نمایند».

### پیک حضرت به سوی مردم مکه

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قبل از حرکت به سوی مکه، برای آزمودن مردم آن جا و به محک کشیدن میزان وفاداری و حمایت آنان از قیام الاهی اش، با اعزام نماینده ای، مردم را به یاری می طلبد. اما آنان نه تنها از پذیرش دعوت حضرت خود داری می کنند، بلکه فرستاده و پیام رسان ایشان (نفس زکیه) را نیز به قتل می رسانند!

ظاهراً این اقدام حضرت با توجه به روایتی که در ادامه بدان اشاره خواهد شد با هدف اتمام حجت بر مردمان اهل مکه صورت می گیرد، زیرا حضرت بر دشمنی آن ها با خاندان اهل بیت علیهم السلام واقف است و حتی با پیک خود در هنگام اعزام به سوی مکه، از دشمنی و عدم حمایت مردم آن جا و نامهربانی آنان سخن می گوید.

با این حال، چون امام، حجت الاهی بر بندگان است و از طرفی، نقطه آغاز حرکت توحیدی و انقلاب جهانی ایشان باید از شهر مکه، به عنوان مرکز توحید و یکتاپرستی باشد، امام با فرستادن نماینده ویژه خویش، رسماً آنان را به یاری و همراهی دعوت می کند تا حجت بر آنان تمام شود؛ هم چنان که در

سایر موارد نیز، رویه حضرت چنین است.

### شهادت نماینده حضرت در مکه

از جمله وقایعی که در اوائل ظهور و اندکی قبل از قیام علنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ص: ۱۹۲

در مکه اتفاق می افتد، حادثه تلخ به شهادت رسیدن یکی از یاران باوفای ایشان، جوان رشیدی موسوم به «نفس زکیه» توسط مردم مکه است. وی از سوی امام، حامل پیامی است که می باید آن را به مردم مکه ابلاغ نماید، اما اهالی مکه در اولین اقدام خصمانه خود نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف او را در خانه خدا و حرم امن الاهی، به قتل می رسانند و مرتکب این جنایت بزرگ می شوند.

نفس زکیه در ۲۵ ذی الحجه و بین حجرالاسود و مقام ابراهیم به شهادت می رسد. این جوان، از سادات و از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و در روایات از او با نام «محمد بن حسن» و توصیفات «غلام» و «نفس زکیه» یاد شده است. وی از سوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مأموریت می یابد تا به سوی مردم مکه بشتابد و آنان را به یاری آن حضرت فرا بخواند؛ ولی آنان بر او می شورند و او را به خاطر نمایندگی و پیام رسانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بین رکن و مقام گردن می زنند. این جوان پاک باخته را «نفس زکیه» می خوانند؛ چون بدون هیچ جرم و گناهی، به شهادت می رسد. این اتفاق، چند روز قبل از اعلام قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روی خواهد داد و در روایات، از نشانه های قطعی ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده شده است.

در این جا به برخی از روایاتی که در این مورد رسیده، اشاره می گردد:

ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «يَقُولُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَصْحَابِهِ يَا قَوْمِ إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ لَا يُرِيدُونَنِي وَ لَكِنِّي مُرْسِلٌ إِلَيْهِمْ لِأَخْتِجَ عَلَيْهِمْ بِمَا يَنْبَغِي لِمَثَلِي أَنْ يَخْتَجَّ عَلَيْهِمْ فَيَدْعُو رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ فَيَقُولُ لَهُ امْضِ إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ فَقُلْ يَا أَهْلَ مَكَّةَ أَنَا رَسُولُ فَلَانِ إِلَيْكُمْ وَ هُوَ يَقُولُ لَكُمْ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ مَعْدِنِ الرَّسَالَةِ وَ الْخِلَافَةِ وَ نَحْنُ ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ وَ سَيِّمَالَةُ النَّبِيِّينَ وَ إِنَّا قَدْ ظَلَمْنَا وَ اضْطَهَدْنَا وَ قَهَرْنَا وَ ابْتَرْنَا مِنْكُمْ حَقًّا مُنْذُ قُبِضَ نَبِيُّنَا إِلَى يَوْمِنَا هَذَا فَنَحْنُ نَسْتَنْصِرُكُمْ فَانصُرُونَا فَإِذَا تَكَلَّمْتَ هَذَا الْفَتَى بِهَذَا الْكَلَامِ أَتَوْا إِلَيْهِ فَذَبَحُوهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ هِيَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ فَإِذَا بَلَغَ ذَلِكَ الْإِمَامَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ أَلَا أُخْبِرُكُمْ أَنَّ أَهْلَ مَكَّةَ لَا يُرِيدُونَنَا فَلَا يَدْعُونَهُ حَتَّى يَخْرُجَ؛ (۱) حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به اصحاب خویش می گوید: «ای مردم! اهل مکه خواهان من نیستند، اما من

ص: ۱۹۳

برای اتمام حجّت و روشن گری حقایق، سفیری را به سوی آنان گسیل می دارم». آن گاه حضرت مردی از یاران خویش را فرا می خواند و به او دستور می دهد: «به سوی مردم مکه بشتاب و به آنان بگو: ای اهل مکه! من فرستاده حجّت خدا هستم و پیام ایشان به شما این است که ما خاندان مهر و رحمت و مرکز و محور رسالت

و خلافت هستیم، ما نسل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و همه پیام آوران خداییم. در طول تاریخ به ما ستم شده، حق مسلم ما از هنگام رحلت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم تاکنون به غارت رفته و مقام و موقعیت ما نادیده گرفته شده است. اینک شما را به یاری حق و عدالت فرا می خوانم تا به سوی حق بشتابید و ما را مدد رسانید. هنگامی که آن جوان رشید، پیام و دعوت امام خود را به مردم مکه می رساند، شرارت پیشگان بر او حمله ور می شوند و او را در میان رکن و مقام سر می برند و این جوان است که نفس زکیه نام دارد. زمانی که این خبر به حضرت می رسد به اصحابش می گوید: «به شما نگفتم که اهل مکه ما را نمی خواهند؟! و آن ها امام را دعوت نمی کنند تا آن که قیام کند».

امام باقر علیه السلام در جای دیگری فرموده است: «وَقُتِلَ غُلَامٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ... فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجَ قَائِمِنَا؛ (۱) نوجوانی گران قدر از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان رکن و مقام کشته می شود که نامش محمد بن حسن است. در آن هنگام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام خواهد نمود».

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

«لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَبَيْنَ قَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ إِلَّا خَمْسَ عَشْرَةَ لَيْلَةً؛ (۲) میان قیام قائم آل محمد علیه السلام و شهادت نفس زکیه، تنها پانزده روز فاصله است».

لازم به ذکر است که عنوان «نفس زکیه» به شخصی که در هنگام تجاوز سپاه سفیانی، همراه با هفتاد نفر از یارانش در اطراف کوفه به شهادت می رسد نیز اطلاق شده است؛ اما تردیدی نیست که مراد از «نفس زکیه» در این دسته از روایات، شخص جوانی است که کشته شدن او در مسجد الحرام به عنوان یکی از نشانه های قطعی

ص: ۱۹۴

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۳۱؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۲؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۴۳.

۲- الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۵؛ الغیبه، طوسی، ص ۴۴۶؛ الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۶۳.



ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده و بین شهادت او و ظهور حضرت، تنها ۱۵ روز فاصله است.

## خروج حضرت از مدینه

به دنبال طغیانگری سفیانی و تسلط لشکریان ستمگر وی بر مدینه، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقدام به خروج از آن شهر می کند؛ زیرا با توجه به وضعیت خفقان بار حاکم بر مدینه، به ویژه خصومت و برخورد شدید ستمگران سفیانی با شیعیان اهل بیت علیهم السلام این شهر برای حضور امام ناامن می شود.

خبر خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به فرمانده نیروهای

سپاه سفیانی گزارش می شود. سفیانیان به محض اطلاع از خبر هجرت امام به مکه، نیروهای خود را برای تعقیب و دستگیری آن حضرت به سوی مکه گسیل می دارند، اما آنان در سرزمین بیداء (بین مدینه و مکه) گرفتار عذاب الاهی شده و در اثر یک معجزه الاهی به شکل عجیبی نابود می شوند.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «وَيَبْعَثُ السُّفْيَانِيُّ بَعَثًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيُنْفِرُ الْمَهْدِيَّ مِنْهَا إِلَى مَكَّةَ فَيَبْلُغُ أَمِيرَ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ أَنَّ الْمَهْدِيَّ قَدْ خَرَجَ إِلَى مَكَّةَ فَيَبْعَثُ جَيْشًا عَلَى أَثَرِهِ فَلَا يُدْرِكُهُ حَتَّى يَدْخُلَ مَكَّةَ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ؛ (۱) گروهی از سپاه سفیانی به مدینه اعزام می شوند و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن جا به مکه مهاجرت می کند به تعقیب او سپاهی فرستاده می شود اما به ایشان دست نمی یابند تا آنکه وارد مکه می شود درحالی که هراسناک است».

## سپاه سفیانی در تعقیب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

جابر بن یزید جعفری نیز از ایشان نقل کرده است: «وَيَبْعَثُ بَعَثًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَقْتُلُ بِهَا رَجُلًا وَيَهْرُبُ الْمَهْدِيَّ وَالْمَنْصُورُ مِنْهَا وَ يُؤَخِّدُ آلَ مُحَمَّدٍ صَ غَيْرُهُمْ وَ كَبِيرُهُمْ لَا يُتْرَكُ مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا حَبَسَ وَ يُخْرِجُ الْجَيْشُ فِي طَلَبِ الرَّجُلَيْنِ وَ يُخْرِجُ الْمَهْدِيَّ مِنْهَا عَلَى سُنَّةِ مُوسَى

ص: ۱۹۵

خَائِفًا يَتَرَقَّبُ حَتَّى يَقْدَمَ مَكَّةَ؛<sup>(۱)</sup> سفیانی گروهی را به مدینه اعزام می کند و در آن جا مردی را به قتل می رساند و

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و «منصور» از آن شهر می گریزند و پس از آن، کوچک و بزرگ آل محمد دستگیر می شوند و بی آن که یک تن از آن ها رها شود، همگی به زندان افکنده می شوند. پس لشکری به دنبال امام و همراه او فرستاده می شود و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حالی از مدینه خارج می شود که مانند حضرت موسی نگران و ترسان است...».

در روایات از کسی که حضرت را در این سفر همراهی می کند، با عنوان «منصور» یا «مبیط» یاد شده، اما درباره هویت او و اینکه منظور از «منصور» و «مبیط» کیست، سخنی به میان نیامده است.

### رخداد عجیب «خسف بیداء»

«خسف» به معنای پنهان شدن و فرورفتن در چیزی است؛<sup>(۲)</sup> از این رو به ماه گرفتگی «خسوف» گفته می شود، زیرا ماه در تاریکی فرو رفته و ناپدید می گردد. واژه «خسف» هم چنین به فرو ریختن چیزی در زمین گفته شده است: «الخسف؛ سُؤْخُ الْأَرْضِ بَمَا عَلَيْهِ». <sup>(۳)</sup> چنان که قرآن کریم در مورد قارون می فرماید: (فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ) <sup>(۴)</sup>؛ «ما او را با خانه اش در زمین فرو بردیم».

«بیداء» در لغت به معنای دشت هموار، پهناور و خالی از سکنه و بی آب و علف است: «البیداء: مفازة لا شىء فيها». <sup>(۵)</sup> بیابان بیداء، سرزمین پهناور و دشت شن زاری است که در حدود چهار فرسخی مدینه و در مسیر مکه واقع شده است. لشکریان سفیانی در این منطقه، به اذن الاهی در زمین فرو می روند و ناپدید می شوند.

ص: ۱۹۶

---

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۵، ص ۲۰.

۲- العین، ج ۴، ص ۲۰۱؛ لسان العرب، ج ۹، ص ۶۷.

۳- لسان العرب، ج ۹، ص ۶۷.

۴- سوره قصص، آیه ۱۸۱.

۵- العین، ج ۸، ص ۸۴.

وقتی آنان به سرزمین پیدا می رسند، جبرئیل امین فریاد برمی آورد: «ای سرزمین بیداء! این گروه ستمگر را در کام خود فرو ببر». پس زمین دهان باز می کند و همه آن ها را در کام خود می کشد. (۱)

امیر مؤمنان علیه السلام ذیل آیه (وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ) فرموده است: «کمی پیش از قیام مهدی، سفیانی خروج می کند و به اندازه دوران حاملگی یک زن (نزدیک به نه ماه) حکومت می کند. لشکریان او وارد مدینه می شوند تا این که به بیداء می رسند و خداوند آنان را در زمین فرو می برد». (۲)

جابر بن یزید جعفی، رخداده خسف بیداء را به نقل از امام باقر علیه السلام این گونه روایت کرده است: «وَيَبْعَثُ السُّفْيَانِيَّ بَعْثًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَنْفِرُ الْمَهْدِيُّ مِنْهَا إِلَى مَكَّةَ فَيَبْلُغُ أَمِيرَ جَيْشِ

السُّفْيَانِيَّ أَنَّ الْمَهْدِيَّ قَدْ خَرَجَ إِلَى مَكَّةَ فَيَبْعَثُ جَيْشًا عَلَى أَثَرِهِ فَلَمَّا يُدْرِكُهُ حَتَّى يَدْخُلَ مَكَّةَ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ عَلَى سُنَّةِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فَيَنْزِلُ أَمِيرُ جَيْشِ السُّفْيَانِيَّ الْبَيْدَاءَ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَا بَيْدَاءُ أَيْدِي الْقَوْمِ فَيَخْسِفُ بِهِمْ فَلَا يُفْلِتُ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثَةً نَفَرٍ يُحَوِّلُ اللَّهُ وُجُوهُهُمْ إِلَى أَقْفَيْتِهِمْ وَهُمْ مِنْ كَلْبٍ وَفِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمَنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمَسَ وُجُوهاً فَتَرُدَّهَا عَلَى أُدْبَارِهَا) (۳). وَ الْقَائِمُ يَوْمَئِذٍ بِمَكَّةَ قَدْ أَسْبَدَ ظَهْرُهُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ مُسْتَجِيرًا بِهِ...؛ (۴) سفیانی، لشکری را به سوی مدینه اعزام می کند. پس مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن جا به سوی مکه حرکت می کند. به فرمانده سپاه سفیانی خبر می رسد که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سوی مکه خارج شده است. پس لشکری را به دنبال وی می فرستند اما او را نمی یابند، تا این که حضرت وارد مکه می شود در حالی که همانند موسی بن عمران علیه السلام خوف ناک و امید وار است. فرمانده سپاه سفیانی وارد سرزمین بیداء می شود. پس منادی از آسمان ندا می دهد: «ای بیداء! این گروه را در خود فرو ببر». پس زمین آنان را در خود فرو می برد و هیچ کدام از

ص: ۱۹۷

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۷۹.

۲- تاریخ غیبت کبری، ص ۶۴۸.

۳- سوره نساء، آیه ۴۷.

۴- الغیبه، نعمانی، ص ۲۹۰؛ الاختصاص، ص ۲۵۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

آنان را باقی نمی گذارد مگر سه نفر (۱) که خداوند روی آنان را

به طرف پشت شان برمی گرداند. آنان همگی از طایفه بنی کلب هستند و این آیه در مورد آنان نازل شده است: «ای کسانی که کتاب [خدا] به شما داده شده! به آن چه [بر پیامبر خود] نازل کردیم و هماهنگ با نشانه هایی است که با شماست، ایمان بیاورید، پیش از آن که صورت هایی را محو کنیم، سپس به پشت سر باز گردانیم، یا آن ها را از رحمت خود دور سازیم، همان گونه که اصحاب سبت (گروهی از تبهکاران بنی اسرائیل) را دور ساختیم؛ و فرمان خدا، در هر حال، انجام شدنی است». پس قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن روز، در مکه به دیوار بیت الله الحرام تکیه زده و به آن پناهنده شده است.»

در روایت دیگری که آن را نیز جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل نموده، آمده است: «وَ يَخْرُجُ الْجَيْشُ فِي طَلَبِ الرَّجُلَيْنِ وَ يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ مِنْهَا عَلَى سِنِّهِ مُوسَى خَائِفًا يَتَرَقَّبُ حَتَّى يَقْدَمَ مَكَّةَ وَ يُقْبَلُ الْجَيْشُ حَتَّى إِذَا نَزَلُوا النَّيْدَاءَ وَ هُوَ جَيْشُ الْهَمَلَاتِ حُسَيْفَ بِهِمْ فَلَمَّا يُفْلِتُ مِنْهُمْ إِلَّا مُخْبِرٌ (۲) سپاهی به تعقیب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و همراهش خروج می کند و حضرت از مدینه خارج می شود، در حالی که همانند موسی علیه السلام بیمناک و امیدوار است، تا آن که وارد مکه می شود و سپاه به دنبال او وارد سرزمین

بیدا می شوند و در آن فرو می روند، به گونه ای که هیچ کدام جان زنده به در نمی برند، جز یک نفر که خبر فرورفتن آن ها را به دیگران می رساند.»

أمیر المؤمنین علیه السلام نیز می فرماید: «... وَ يَبْعَثُ خَيْلًا فِي طَلَبِ رَجُلٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ قَدْ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ نَاسٌ مِنَ الشَّيْعَةِ يَعُودُ إِلَى مَكَّةَ أَمِيرَهَا رَجُلٌ مِنْ غَطَفَانَ إِذَا تَوَسَّطَ الْقَصَاعَ الْأَبْيَضَ حُسَيْفَ بِهِمْ فَلَمَّا يَنْجُو إِلَّا رَجُلٌ يُحَوِّلُ اللَّهُ وَجْهَهُ إِلَى قَفَاءٍ لِيُنْذِرَهُمْ وَ يَكُونَ آيَةً لِمَنْ خَلْفَهُمْ وَ يَوْمِنِذٍ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ: (وَ لَوْ تَرَى إِذْ فَرَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ) (۳)؛ (۴) اسب سوارانی را به دنبال مردی از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم (حضرت مهدی)

ص: ۱۹۸

۱- در روایات، تعداد افرادی که از واقعه خسف بیداء جان سالم به در می برند، متفاوت ذکر شده است. در بعضی روایات یک نفر، در بعضی، دو نفر و در بعضی سه نفر ذکر شده است.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۳- سوره سبأ، آیه ۵۱.

۴- مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۹۹؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸۳.

می فرستند، در حالی که در مکه، عده ای از مستضعفین گرد او آمده اند. فرمانده آن گروه از طائفه غطفان است. وقتی آنان در دامنه های سفید وادی بیداء قرار می گیرند، زمین آن ها را در خود فرو می برد و هیچ کدام نجات نمی یابند مگر یک نفر که خداوند روی او را به طرف پشت سرش بر می گرداند تا این واقعه برای دیگران عبرت و نشانه قدرت الاهی باشد. آن وقت است که تأویل این آیه روشن می شود: «اگر بینی هنگامی که فریادشان بلند می شود، اما نمی توانند [از عذاب الاهی]

بگریزند و آن ها را از جای نزدیکی [که حتی انتظارش را ندارند] می گیرند».

در حدیثی منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره چگونگی خسف بیداء آمده است: «ثُمَّ يَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِينَ إِلَى مَكَّةَ حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ بَعَثَ اللَّهُ جِبْرِيْلَ فَيَقُولُ يَا جِبْرِيْلُ أَذْهَبَ فَأَبْدَهُمْ فَيَضْرِبُهَا بِرِجْلِهِ ضَرْبَةً يَحْسِفُ اللَّهُ بِهِمْ عِنْدَهَا وَلَا يُفَلِّتُ مِنْهَا إِلَّا رَجُلَانِ؛(۱) پس از آن که [لشکر سفیانی] به سوی مکه روی آوردند، به بیابانی می رسند. در آن جا خداوند جبرئیل را به سوی آنان برمی انگیزد و دستور می دهد که برود و آنان را نابود سازد. جبرئیل با پای خود ضربتی بر آن زمین می زند و زمین به فرمان خدا همه آنان را در کام خود فرو می برد و جز دو نفر باقی نمی ماند».

چگونگی و چرایی زنده ماندن فرد یا افراد باقی مانده از واقعه بیداء در روایت منقول از امیرمؤمنان علیه السلام این گونه بیان شده است: «إِذَا نَزَلَ جَيْشٌ فِي طَلَبِ الَّذِينَ خَرَجُوا إِلَى مَكَّةَ فَنَزَلُوا بِالْبَيْدَاءِ خَسَفَ بِهِمْ وَبِيَادَ بِهِمْ وَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: (وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ)(۲) من تحت أقدامهم و يخرج رجل من الجيش في طلب ناقه له، ثم يرجع إلى الناس فلا يجد منهم أحدا ولا يحس بهم و

هو الذي يحدث الناس بخبرهم؛(۳) لشكريان به دنبال کسانی که به سمت مکه رفته اند، حرکت می کنند تا این که در منطقه بیداء فرود می آیند و زمین زیر پایشان آن ها را در

ص: ۱۹۹

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۶؛ معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج ۱، ص ۴۸۱.

۲- سوره سباء، آیه ۵۱.

۳- الملاحم و الفتن، ص ۱۵۹؛ كنز العمال، ج ۱۱، ص ۲۸۵؛ معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج ۳، ص ۹۹.

کام خود فرو می برد. و این قول الاهی است که فرمود: «اگر بینی هنگامی که فریادشان بلند می شود اما نمی توانند بگریزند و آن ها را از جای نزدیکی می گیرند». [اندکی قبل از خسف] یکی از آنان از میان لشکر خارج شده و به دنبال شتر خود می رود، وقتی برمی گردد نه هیچ کدام از رفقای خود را می بیند و نه اثری از آنان می یابد! این شخص است که خبر فرو رفتن همراهان خود را به مردم می رساند.

جالب این است که طبق برخی روایات، این حادثه عبرت انگیز، به قدری عجیب و غافلگیر کننده است که حتی فرمانده لشکر سفیانی در مدینه نیز از شنیدن آن، عمیقاً متعجب شده و در تصمیم خود در قبال حضرت، دچار تردید می شود: «فَيَقُولُ الَّذِي بَعَثَ الْجَيْشَ حِينَ يَبْلُغُهُ الْخَبْرَ يَا إِلِيَّا: لَعَمْرُ اللَّهِ لَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ فِي هَذَا الرَّجُلِ عِبْرَةً، بَعَثْتُ إِلَيْهِ مَا هِيَاتُ فَسَاخُوا فِي الْأَرْضِ، إِنَّ فِي هَذَا لِعِبْرَةً وَبَصِيرَةً» (۱) کسی که آن سپاه را فرستاده

وقتی می شنود که آن حضرت در ایلیا فرود آمده، می گوید: به خدا سوگند، این مرد دارای عبرت و عجائبی است؛ زیرا من برای تعقیب و دستگیری او سپاهی فرستادم، ولی آنان همگی در اعماق زمین فرو رفتند.

نیروهای متجاوز سفیانی که در تعقیب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سوی مکه حرکت می کردند، در حالی در وادی بیداء ناپدید می شوند که امام در مکه به حرم امن الاهی پناه برده و خبر فرو رفتن آنان در زمین را دریافت می کند.

### ورود حضرت به مکه

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و شخص همراه او که در روایات «منصور» و «مببض» خوانده شده، بعد از خروج از مدینه، در حالی که دشمنان در تعقیب آنان هستند، به طور ناشناس وارد مکه می شوند تا فرمان و اذن الاهی برای ظهور فرا رسد.

در روایتی که ابن محبوب از یعقوب سراج و او از امام صادق علیه السلام نقل است، جریان خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از شهر مدینه و ورود ایشان به مکه این گونه تشریح شده است: «إِذَا اخْتَلَفَ وُلُودُ الْعَبَّاسِ وَوَهَى سُلْطَانُهُمْ» (۱) «وَطَمَعَ فِيهِمْ مَنْ لَمْ

ص: ۲۰۰

۱- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۵۰۵ و ج ۳، ص ۳۱۳.

يَكُنْ يَطْمَعُ وَ خَلَعَتِ الْعَرَبُ أَعْتَتَهَا وَ رَفَعَ كُلَّ ذِي صَيْصِيهِ صَيْصِيَّتَهُ وَ ظَهَرَ السُّفْيَانِيُّ وَ الْيَمَانِيُّ وَ تَحَرَّكَ الْحَسَنِيُّ خَرَجَ صَاحِبُ هَذَا  
الْأَمْرِ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ بُتْرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ قُلْتُ وَ مَا تُرَاثُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ فَقَالَ  
سَيْفُهُ وَ دِرْعُهُ وَ عِمَامَتُهُ وَ بُرْدُهُ وَ قَصِيْبُهُ وَ فَرَسُهُ وَ لَأُمَّتُهُ وَ

سَرْجُهُ؛(۱) زمانی که بنی عباس با یک دیگر اختلاف کنند و قدرت و حکومت آن ها از هم گسسته شود و کسانی که جرأت  
تعرض به آن ها نداشتند به حکومت آن ها طمع ورزند و عرب مشکلات خود را رها کرده و شخص شامی (سفیانی) ظهور  
کند و یمانی روی آورد و سید حسنی حرکت کند، صاحب این امر، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مدینه به  
سمت مکه خارج می شود در حالی که میراث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یعنی شمشیر، زره، عمامه، عبا (برد) عصا،  
پرچم، لباس جنگ و زین اسب او را به همراه دارد و در آن حال وارد مکه می شود».

□□□

ص: ۲۰۱

---

۱- الکافی، ج ۸، ص ۲۲۵؛ الغیبه، نعمانی، ص ۲۷۹؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۲.

نحوه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام و حرکت ایشان از مکه به سوی مدینه، در روایات به گونه های مختلفی نقل شده است.

جناب مفضل، صحابی خاص امام صادق علیه السلام می گوید: در خدمت حضرت بودم و از محضر ایشان پرسیدم که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از کجا و چگونه ظهور می کند؟ حضرت فرمود: «يَا مُفَضَّلُ يَظْهَرُ وَحْدَهُ وَيَأْتِي الْبَيْتَ وَحْدَهُ وَيَلْبِغُ الْكَعْبَةَ وَحْدَهُ وَيَجُنُّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَحْدَهُ فَإِذَا نَامَتِ الْعُيُونُ وَغَسَقَ اللَّيْلُ نَزَلَ إِلَيْهِ جِبْرَائِيلُ وَمِيكَائِيلُ وَالْمَلَائِكَةُ صُفُوفًا فَيَقُولُ لَهُ جِبْرَائِيلُ: يَا سَيِّدِي قَوْلُكَ مَقْبُولٌ وَأَمْرُكَ جَائِزٌ، فَيَمْسَحُ يَدَهُ عَلَى وَجْهِهِ وَيَقُولُ: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنْ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنَعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ) (۱)؛ (۲) ای مفضل! او به تنهایی ظهور می کند و به تنهایی کنار خانه کعبه می آید و به تنهایی شب را در آن جا

می گذرانند. پس وقتی که چشم همه در خواب فرو رفته و تاریکی شب همه جا را فراگرفت، جبرئیل و میکائیل همراه با صفوفی از فرشتگان به حضور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شرفیاب می شوند. جبرئیل به حضرت عرض می کند: سرور من! خواسته شما پذیرفته و فرمان شما نافذ است. آنگاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دستش را به صورت مبارکش می کشد و این آیه شریفه را قرائت

ص: ۲۰۲

۱- سوره زمر، آیه ۷۴.

۲- مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۷۹؛ الزام الناصب، ص ۲۲۴؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷.



می کند: «خدا را سپاس که وعده جانیشینی ما بر روی زمین را تحقق بخشید تا بشتاییم به هر آن چه از نعمت های بهشتی که بخواهیم و چقدر نیکوست پاداش اهل عمل».

امام باقر علیه السلام نیز نحوه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را این گونه بیان نموده است: «يَخْرُجُ فِيهِبُطُ مِنْ عَقَبَةِ طُوى فِي ثَلَاثِمَائِهِ وَ ثَلَاثَةِ عَشَرَ رَجُلًا عَدَّهُ أَهْلُ بَدْرِ حَتَّى يَأْتِيَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَيُصَلِّي فِيهِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ وَ يُسَيِّدُ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجْرِ الْأَسْوَدِ ثُمَّ يَحْمَدُ اللَّهَ وَ يُثْنِي عَلَيْهِ وَ يَذْكُرُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ يُصَلِّي عَلَيْهِ وَ يَتَكَلَّمُ بِكَلَامٍ لَمْ يَتَكَلَّمْ بِهِ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ فَيَكُونُ أَوَّلُ مَنْ يَضْرِبُ عَلَى يَدِهِ وَ يُبَايِعُهُ جَبْرَائِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ يَقُومُ مَعَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فَيَدْفَعَانِ إِلَيْهِ كِتَابًا جَدِيدًا هُوَ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ بِخَاتَمِ رَطْبٍ فَيَقُولُونَ لَهُ اْعْمَلْ بِمَا فِيهِ وَ يُبَايِعُهُ الثَّلَاثِمَائِهِ وَ قَلِيلٌ مِنَ أَهْلِ مَكَّةَ ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ حَتَّى يَكُونَ فِي مِثْلِ الْحَلَقَةِ قُلْتُ وَ مَا الْحَلَقَةُ قَالَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ ثُمَّ يَهْرُ الرَّاْيَةَ الْجَلِيَّةَ وَ يَنْشُرُهَا وَ هِيَ رَاْيَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ السَّحَابَةُ وَ دِرْعُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ السَّابِغَةُ وَ يَتَقَلَّدُ بِسَيْفِ رَسُولِ

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ذِي الْفَقَّارِ؛(۱) حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج می کند و در گردنه طوی، در میان ۳۱۳ نفر به تعداد اهل بدر فرود می آید، سپس به مسجدالحرام می رود، چهار رکعت نماز در مقام ابراهیم می خواند و پس از آن به حجر الاسود تکیه می دهد. آن گاه خدا را حمد و ثنا کرده و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را یاد نموده و بر او صلوات می فرستد و چنان سخن می گوید که هیچ کس تا آن زمان چنان سخن نگفته است. پس اولین کسانی که با او بیعت می کنند، میکائیل و جبرئیل می باشند و همراه آن دو، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و امیرمؤمنان علیه السلام بر می خیزند و نامه ای به آن حضرت می دهند که مطالب آن شدیداً علیه عرب است و مهر آن هنوز خیس می باشد. پس به آن حضرت می فرمایند: «به آن چه در نامه است عمل نما». سپس آن سیصد نفر و عده کمی از اهل مکه با آن حضرت بیعت می کنند. سپس حضرت از مکه خارج می شود تا آن که وارد چیزی مانند حلقه می شود که در حقیقت ده هزار مرد هستند. جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ حضرت قرار می گیرند. آن گاه پرچم گران مایه ای را باز کرده و به اهتزاز در می آورد و آن پرچم

ص: ۲۰۳

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۲۹۵.

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم است که نامش سحابه می باشد و نیز زره رسول

الله صلى الله عليه وآله وسلم به نام سابعه و شمشیر ایشان به نام ذوالفقار، همراه آن حضرت خواهد بود).

در روایتی که ابوبصیر آن را از امام صادق علیه السلام نقل کرده، کیفیت قیام پیروزمندانه و باشکوه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین بیان شده است: «لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يَكُونَ تَكْمِلُهُ الْحَلَقَةُ قُلْتُ وَ كَمْ تَكْمِلُهُ الْحَلَقَةُ قَالَ عَشْرَةٌ أَلْفٍ جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ ميكائيل عَنْ يَسَارِهِ ثُمَّ يَهْزُ الرِّايَةَ وَيَسِيرُ بِهَا فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ فِي الْمَشْرِقِ وَ لَا فِي الْمَغْرِبِ إِلَّا لَعْنَهَا وَ هِيَ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نَزَلَ بِهَا جَبْرَائِيلُ يَوْمَ بَدْرٍ؛ (۱) قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج نکند تا آنگاه که حلقه کامل گردد. عرض کردم: حلقه [کامل شدنش] چقدر است؟ فرمود: ده هزار که جبرئیل از سمت راستش و میکائیل از سمت چپش باشد، سپس پرچم را به اهتزاز در آورد و با پرچم حرکت کند؛ یک نفر در خاور و باختر نماند مگر آنکه پرچم را لعنت کند و آن پرچم رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم است که جبرئیل آن را روز بدر فرود آورد. سپس امام صادق علیه السلام خطاب به من (ابوبصیر) فرمود: «ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا هِيَ وَ اللَّهُ قُطْنٌ وَ لَا كَتَانٌ وَ لَا قَزٌّ وَ لَا حَرِيرٌ؛ به خدا سوگند، آن پرچم از پنبه یا ابریشم یا حریر نیست! ابوبصیر گوید: عرض کردم: پس از چیست؟ حضرت فرمود: «قَالَ: مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ نَشَرَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَوْمَ بَدْرٍ ثُمَّ لَفَّهَا وَ دَفَعَهَا إِلَيَّ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمْ تَزَلْ عِنْدَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى إِذَا كَانَ يَوْمَ الْبُضَيْرِ نَشَرَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ ثُمَّ لَفَّهَا وَ هِيَ عِنْدَنَا هُنَاكَ لَا يَنْشُرُهَا أَحَدٌ حَتَّى يَفُومَ الْقَائِمُ فَإِذَا هُوَ قَامَ

نَشَرَهَا فَلَمْ يَبْقَ أَحَدٌ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ إِلَّا لَعْنَهَا وَ يَسِيرُ الرُّعْبُ قُدَّامَهَا شَهْرًا وَ وَرَاءَهَا شَهْرًا وَ عَنْ يَمِينِهَا شَهْرًا وَ عَنْ يَسَارِهَا شَهْرًا؛ (۲) از برگ های بهشتی است که رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم آن را در جنگ بدر باز نمود و سپس آن را بست و به علی علیه السلام داد و آن حضرت همیشه آن را داشت تا آن که در روز بصره (جنگ جمل) آن را باز نمود و خداوند پیروزی را نصیبشان فرمود. آن گاه حضرت علی علیه السلام آن را بست و هم اکنون آن پرچم نزد ماست و کس دیگری آن را باز نخواهد کرد تا آن که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام نماید. هنگام قیام آن

ص: ۲۰۴

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۳۰۷.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۳۲۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۰.

حضرت با اینکه تمام مردم در شرق و غرب جهان آن پرچم را نفرین می کنند و به مخالفت با آن برمی خیزند، اما با برافراشتن آن، از جلو و پشت سر و از راست و چپ، دشمنان آن حضرت را رُعب و وحشت فرا می گیرد».

## پیوستن اصحاب حضرت

### اشاره

یکی از مهم ترین شرایط و مقدمات لازم برای تحقق ظهور، وجود یاورانی شایسته و لایق برای پشتیبانی از قیام و انجام کارهای حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ زیرا سنت الاهی بر این قرار گرفته که امور عالم از مجرای طبیعی و علل و اسباب عادی انجام گیرد و چنین انقلاب عظیمی بدون نیروهای

مؤمن و فوق العاده توانمند و مؤثر، امکان تحقق نخواهد یافت. نقش یاران در موفقیت و نتیجه بخشی حرکت های اصلاحی پیامبران الاهی علیه السلام نیز تعیین کننده بوده است.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آنان را به خاطر داشتن ویژگی ایمان، معرفت، توانایی، کفایت، مدیریت و صلاحیت های لازم به عنوان فرماندار و حاکم به سراسر جهان گسیل می دارد: «يُفَرِّقُ الْمَهْدِيُّ أَصْحَابَهُ فِي جَمِيعِ الْبُلْدَانِ وَ يَأْمُرُهُم بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ يَجْعَلُهُمْ حُكَّامًا فِي الْأَقَالِيمِ» (۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اصحاب خاصش را به سراسر جهان اعزام می کند و آنان را به اجرای عدالت و نیکی فرمان می دهد و آنان را فرمانروایان کشورها قرار می دهد».

درباره اصحاب ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نکاتی چون تعداد، مشخصات فردی و ملیت آنان، چگونگی پیوستن آنان به حضرت، بیعت آنان با امام علیه السلام اوصاف و ویژگی های آنان و... در مجامع روایی مطرح شده است که در ادامه اشاره می گردد.

### الف) تعداد اصحاب

درباره شمار اصحاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات آمار و ارقام مختلفی ذکر شده است. بیشتر روایات، تعداد یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را سیصد و سیزده تن ذکر کرده اند. روایات مربوط به

این موضوع دو دسته اند:

ص: ۲۰۵

در یک دسته از روایات، تعداد یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سیصد و سیزده تن به تعداد اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر ذکر شده اند. اکثر روایات این عدد را مطرح کرده اند. (۱) نظیر آن چه از امام صادق علیه السلام نقل شده است. حضرت فرموده است: «أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ» (۲) اصحاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سیصد و سیزده نفر به تعداد اهل بدر اند.

دسته دیگر، روایاتی است که تعداد اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیش از سیصد و سیزده نفر ذکر کرده اند. در این دسته از روایات رقم یاران حضرت، ده هزار عنوان شده است چنان که مرحوم نعمانی در کتاب الغیبه به نقل از ابوبصیر، این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يَكُونَ تَكْمِلَةُ الْحَلْقَةِ، قُلْتُ وَ كَمْ تَكْمِلَةُ الْحَلْقَةِ؟ قَالَ: عَشْرَةٌ أَلْفٍ» (۳) قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج نمی کند، مگر هنگامی که حلقه (تعداد یاران حضرت) کامل شود. ابوبصیر می گوید: پرسیدم: حلقه با چه تعداد کامل می شود؟ حضرت فرمود: ده هزار نفر. در جای دیگر، ابوبصیر نقل می کند که

مردی کوفی از امام صادق علیه السلام تعداد یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را پرسید و گفت: «مردم می گویند اصحاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به تعداد اصحاب بدر سیصد و سیزده نفرند». حضرت در پاسخ فرمود: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور نمی کند مگر با نیروی قدرتمندی که تعداد آنان کمتر از ده هزار رزمنده نخواهد بود». (۴)

در این دسته روایات، برخی تعداد اصحاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در هنگام ظهور، دوازده هزار یا پانزده هزار (۵) و حتی عدد یکصد هزار نفر نیز، نقل شده است. (۶)

ص: ۲۰۶

- ۱- بصائر الدرجات، ص ۳۱۱؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۴؛ الخصال، ص ۶۴۹.
- ۲- کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۷۳؛ الخصال، ص ۶۴۹؛ بصائر الدرجات، ص ۳۱۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.
- ۳- الغیبه، نعمانی، ص ۳۲۰؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۴۵.
- ۴- ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۴؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۹۸؛ العدد القویّه، ص ۶۵.
- ۵- ملاحم ابن طاووس، ص ۶۵.
- ۶- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷ و ۳۶۷؛ بشاره الاسلام، ص ۱۹۰؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۷۸.

در بیان وجه جمع این دو دسته روایات می توان گفت باتوجه به قرائن موجود، روایات دسته نخست که عدد سیصد و سیزده را ذکر کرده اند ناظر به اصحاب ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مرحله آغازین ظهور حضرت است؛ همان کسانی که هسته اصلی قیام حضرت را تشکیل می دهند و در روایات از آنان به عنوان پرچمداران و فرماندهان لشکر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشند؛ اما روایات دسته دوم که عدد بیش از سیصد و سیزده نفر را ذکر نموده اند ناظر به مجموع نیروهایی

است که به جمع سیصد و سیزده نفر می پیوندند و تحت فرماندهی آنان عمل می کنند و در زمره سپاه حضرت قرار می گیرند. شاهد این مطلب نیز برخی روایاتی است که دلالت دارد بر اینکه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سیصد و سیزده نفر از اصحاب ویژه آغاز می گردد سپس سایر یاوران حضرت به سرعت به آنان ملحق می شوند و تحت فرماندهی اصحاب ویژه حضرت، سپاهیان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را جهت آغاز قیام تشکیل می دهند. مانند آنچه جناب عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام نقل کرده که فرمود: «...يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقَاصِي الْأَرْضِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ (أَيُّنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ فَإِذَا كَمَلَ لَهُ الْعَقْدُ وَ هُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ فَلَا يَزَالُ يُقْتَلُ أُعْدَاءُ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى عَزَّ وَ جَلَّ؛ (۱) سیصد و سیزده مرد به تعداد اهل بدر از دورترین نقاط زمین در کنار او (حضرت قائم) حاضر شوند و این مصداق سخن خدا است که فرمود: هر کجا باشید خدا شمارا جمع می کند و او به همه چیز توانا است، پس هر گاه این عدد از اهل اخلاص جمع گردند، خداوند امر ظهور آن حضرت را مقدر گرداند و چون تعداد آن جماعت اهل اخلاص به عقد کامل؛ یعنی آن

ده هزار مرد رسند، حضرت خروج نموده و مدام دشمنان خدا را بکشند تا رضایت پروردگار حاصل گردد».

مفضل بن عمر جعفی نیز از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «إِذَا أَدَانَ اللَّهُ عَزَّ اسْمُهُ لِلْقَائِمِ فِي الْخُرُوجِ... وَ قَدْ وَافَاهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ بَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فَيُبَايِعُوهُ وَ

ص: ۲۰۷

يُقِيمُ بِمَكَّةَ حَتَّى يَتِمَّ أَصْحَابُهُ عَشْرَةَ آلَافِ نَفْسٍ ثُمَّ يَسِيرُ مِنْهَا إِلَى الْمَدِينَةِ؛<sup>(۱)</sup> هر گاه خدای متعال به قائم آل محمد اجازه ظهور دهد، در حالی که سیصد و اندی مرد با او بیعت می کنند و حضرت در مکه توقف می فرماید تا یاران او به ده هزار نفر می رسند؛ سپس از آن جا به سوی مدینه حرکت می فرماید».

از این نظر، روایاتی که اعداد و ارقامی مثل ده هزار یا بیشتر (که بیانگر کثرت آنان است) ذکر کرده اند، ناظر به گروه انصار هستند و شامل همه کسانی می شوند که به نحوی در حمایت از این حرکت الهی و تحکیم و تقویت انقلاب جهانی حضرت سهم دارند. مانند آنچه روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمود: «آنان (اصحاب مهدی) سیصد و سیزده نفرند که هر کدام نیز خود را در میان سیصد و سیزده نفر می بینند».<sup>(۲)</sup> براساس این گونه روایات، هر کدام از این

سیصد و سیزده تن، فرماندهی سیصد و سیزده نفر را برعهده دارند. لذا آمار و ارقام یاد شده در این نوع روایات، بیانگر تعدد سپاهیان و یاوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

### **(ب) خصوصیات اسمی و ملیتی اصحاب**

در روایات، یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای صفات ممتاز معنوی و اخلاقی معرفی شده اند؛ رادمردانی که شیران روز و نیایشگران شب اند، دل هایشان مانند پاره های آهن محکم و استواراند؛ جنگجویی که رُعب و هیبت آنان دشمنان را زمین گیر می کنند و در راه انجام مأموریت خود، بسیار قاطع و نترس اند و هرگز هراسی به دل راه نمی دهند، جز شهادت در راه خدا آرزوی دیگری ندارند و در برابر رهبر و مولای خویش سخت مطیع و فرمانبردارند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: «بِأَبِي وَ أُمِّي مِنْ عَدَّةِ أَسْمَاءُ هُمْ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفَةٌ وَ فِي الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ»<sup>(۳)</sup> پدر و مادرم فدای گروه اندکی باد که در آسمان (میان ملکوتیان) آشنایند و در زمین (یعنی در میان مردم) ناشناخته اند.

ص: ۲۰۸

۱- الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۳.

۲- ر.ک: دلائل الإمامه، ص ۳۲۰؛ المحججه، ص ۴۶.

۳- نهج البلاغه، ص ۲۷۷؛ بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۲۱۲.

«خطبه البیان» معروف است در ستایش اوصاف یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین فرمود: «هُم ثَلَاثٌ مِائَةٌ وَ ثَلَاثَةٌ عَشْرَ رَجُلًا كُلُّهُمْ لُيُوثٌ قَدْ خَرَجُوا مِنْ غَايَاتِهِمْ مِثْلَ زُبْرِ الْحَدِيدِ، لَوْ أَنَّهُمْ هَمُّوا بِإِزَالَةِ الْجِبَالِ الرَّوَاسِي لَأَزَالُوهَا عَنْ مَوَاضِعِهَا فَهُمْ الْعَذِينَ وَحَدُّوا اللَّهَ تَعَالَى حَقَّ تَوْحِيدِهِ، لَهُمْ بِاللَّيْلِ أَصْوَاتٌ كَأَصْوَاتِ التَّوَاكِلِ حَزَنًا مِنْ حَسْبِيهِ اللَّهُ تَعَالَى، قَوَّامِ اللَّيْلِ صَوَامِ النَّهَارِ كَأَنَّمَا رَبَّاهُمْ أَبٌ وَاحِدٌ وَ أُمٌّ وَاحِدَةٌ، قُلُوبُهُمْ مُجْتَمِعَةٌ بِالْمَحَبَّةِ وَ النَّصِيحَةِ، أَلْمَا وَ إِيَّي لِمَا عَرَفُوا أَسْمَاءَهُمْ وَ أَمْصَرَهُمْ؛ (۱) آنان (اصحاب مهدی) سیصد و سیزده مرد اند که همگی همگون شیرانی اند که از آشیانه شان بیرون آمده باشند، مانند پاره های آهن دارای عزم فولادین اند که اگر تصمیم بگیرند کوه استواری را برکنند، از جا برمی دارند. آنان کسانی اند که حقیقتاً به وحدانیت خدای تعالی باورمندند، شب ها همانند مادران فرزند مرده، از خوف خدا ناله های جانسوزی دارند، نمازگزاران شب و روزه داران روز اند، گو این که همگی دست پرورده یک پدر و مادر اند، در دوستی و خیرخواهی، دل هایشان باهم اند. آگاه باشید که من آنان را با نام ها و شهرهایشان می شناسم».

بر پایه گزارش ابو بصیر از امام صادق علیه السلام: «هُمُ النَّجْبَاءُ وَ الْقُضَاءُ وَ الْحُكَّامُ عَلَى النَّاسِ؛ (۲) آنان (یاران مهدی) مردان برگزیده و مرجع داوری مردم و فرمانروایان جهان اند».

در سخنی دیگر امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ سَبَابٌ لَا كَهُولَ فِيهِمْ إِلَّا كَالْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ أَوْ كَالْمِلْحِ فِي الرَّادِ وَ أَقَلُّ الرَّادِ الْمِلْحُ؛ (۳) اصحاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همگی جوان اند مگر تعداد اندکی مانند کمی سرمه در چشم و یا کمی نمک در غذاست و کم ترین جزء غذا نمک است».

امام جواد علیه السلام از قول اجداد طاهرینش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل کرده است: «يَجْمَعُ اللَّهُ لَهُ مِنْ أَقَاصِي الْبِلَادِ عَلَى عَدَةِ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشْرَ رَجُلًا مَعَهُ

ص: ۲۰۹

۱- إلزام الناصب، ج ۲، ص ۱۶۵.

۲- دلائل الإمامه، ص ۵۵۵.

۳- الغيبة، نعمانی، ص ۳۱۶.

صَحِيفَةً مَخْتُومَةً فِيهَا عِدَّةُ أَصْحَابِهِ بِأَسْمَائِهِمْ وَبُلْدَانِهِمْ وَطَبَائِعِهِمْ وَحُلَاهُمْ وَكُنَاهُ؛ (۱) خداوند مردان ناموری به تعدد اصحاب بدر؛ یعنی سیصد و سیزده نفر که از اقطار جهان به او روی گرداند، در دست حضرت نامه مهر شده ای ست که تعداد یارانش با اسامی و شهرها و خصوصیات اخلاقی و اوصاف و کینه های آن ها در آن نوشته شده است.

در برخی از روایات، خصوصیات اسمی سیصد و سیزده نفر یار ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نام های پدران و قبایل آنان همراه با شهرها و محل زندگی شان ذکر شده و از شهرهایی چون: کوفه، بصره، مدائن، هرات، حران، قزوم، خیبر، طرابلس، بیروت، طالقان، همدان، ری، اهواز، قم، قزوین، نیشابور، کرمان، مرو، طوس و ...

نام برده شده است. (۲)

در این رابطه توجه به چند نکته ضروری است:

اولاً- اماکن و شهرهایی که در این روایات از آن نام برده شده، ناظر به مکان هایی است که در هنگام صدور روایت با این عناوین و نام ها شناخته می شدند. به همین جهت در بسیاری از موارد، تطبیق این اسامی با اماکن و شهرهایی که بعدها بدین اسامی، نام گذاری و مشهور شده اند، درست نیست؛ زیرا بسیاری از شهرهای نامبرده، در گذر زمان تغییر نام یافته یا محدوده ای بزرگ تر یا کوچک تر پیدا کرده اند. نیز ممکن است در ثبت و ضبط نام این شهرها تصحیفی رخ داده باشد. هم چنین در برخی موارد، شهرهای جدیدی احداث شده که با آن چه در روایات آمده است، صرفاً تشابه اسمی دارد. مضافاً اینکه در اسامی و مکان های یاد شده در این گونه روایات، اندک تفاوت هایی دیده می شود.

ص: ۲۱۰

---

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۱.

۲- دلائل الامامه، ص ۵۵۶-۵۷۵؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۴، ص ۲۸. امیر مؤمنان علیه السلام در سخنرانی خویش در میان مردم بصره، اسامی و شهرهای یاران مهدی علیه السلام را به تفصیل بر شمرده است. ر.ک: إلزام الناصب فی إثبات الحجج الغائب، ج ۲، ص ۱۶۵-۱۶۷.



ثانیاً بیان مشخصات قطعی یاران حضرت، نیازمند وجود روایات معتبر است و نمی توان به حدیثی که دارای سند قوی نیست، اعتماد کرد. از این رو، درباره این گونه روایات، باید جانب احتیاط را مد نظر داشته باشیم و در پذیرفتن آن ها شتاب نکنیم؛ بلکه شایسته است علم این مسأله را به امام معصوم واگذاریم. به یقین، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در پرتو هدایت خداوند، مردم را از اسرار هستی آگاه می کند، در وقت مناسب این موضوع را برای آنان آشکار می سازد تا کسی نتواند با سوء استفاده از آن، دیگران را به گمراهی بکشاند.

ثالثاً دانستن نام اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و آگاهی از موطن و ملیت آنان، گرچه مطلوب است، امّا از نظر معرفتی چندان اثری برای ما نخواهد داشت؛ بلکه آن چه در این خصوص مهم و لازم است توجه به ویژگی های شخصیتی یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تأسی عملی به آنان می باشد.

### ج) چگونگی پیوستن اصحاب

طبق نقل روایات، اصحاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور ناگهانی و معجزه آسا، از مسافت های دور و نزدیک، با طی الارض و در کمتر از چشم به هم زدنی، در مکه معظمه گرد می آیند و به حضور امام می رسند.

امیرمؤمنان علیه السلام در مورد نحوه فراخوانی و پیوستن یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند: «خداوند، یاران مهدی را در کمتر از چشم به هم زدنی، از مشرق و مغرب، در کنار کعبه، گرد می آورد» (۱). هم چنین در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «یاران مهدی با طی الارض به سوی او می شتابند و در مکه با او بیعت می کنند» (۲).

جناب مفضل از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «وَيَقِفُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ فَيَصْرُخُ صَرْخَةً فَيَقُولُ يَا مَعْشَرَ نُقْبَائِي وَ أَهْلَ خَاصَّتِي وَ مَنْ ذَخَرَهُمُ اللَّهُ لِنُصْرَتِي قَبْلَ ظُهُورِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَتُونِي طَائِعِينَ فَتَرِدُ صَيْحَتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَ هُمْ عَلَى

ص: ۲۱۱

۱- ر.ك: الملاحم، ص ۱۴۶.

۲- روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۳؛ عقد الدرر، ص ۶۵؛ البرهان، ص ۱۴۵.

مَحَارِبِهِمْ وَعَلَى فُرْشَتِهِمْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا فَيَسْمَعُونَهُ فِي صَيْحِهِ وَاحِدِهِ فِي أُذُنِ كُلِّ رَجُلٍ فَيَجِيئُونَ نَحْوَهَا وَلَا يَمْضِي لَهُمْ إِلَّا كَلِمَتُهُ بِصَيْرٍ حَتَّى يَكُونَ كُلُّهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ... وَهُمْ لَمَّا يَعْلَمُونَ بِظُهُورِ قَائِمِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ يُصِيبُونَ وَقُوفاً بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُيْمَ ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا بَعْدَهُ أَصْحَابُ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ بَدْرٍ؛ (۱) حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف میان رکن و مقام توقف می نماید. در آن جا با صدای بلند خطاب به یاران خود می فرماید: ای گروه برگزیدگان من و ای کسانی که خداوند، قبل از ظهور، شما

را در اطراف جهان برای یاری من ذخیره نمود! به سوی من آئید و از من اطاعت کنید. آنان ندای حضرت را می شنوند و در حالی که سلاح در دست، در منازل و خانه های خود در گوشه های مختلفی از شرق و غرب جهان مستقرند، همگی با یک صدا حضرت را اجابت می نمایند و به سوی او می شتابند و به مدت کمتر از چشم به هم زدنی همگی خود را در حضور امام خود بین رکن و مقام حاضر می بینند. تعداد آنان سیصد و سیزده مرد به تعداد اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر است.

ابوخالد کابلی از امام زین العابدین علیه السلام نقل می کند که فرمود: «الْمَقْفُودُونَ عَنْ فُرْشَتِهِمْ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ فَيُصِيبُونَ بِمَكَّةَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (أَيْنَمَا تَكُونُوا يُاتِي بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا) وَ هُمْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ عَجَلِ اللَّهُ تَعَالَى فِرْجَهُ الشَّرِيفِ؛ (۲) کسانی که شب هنگام از بسترهای خود ناپدید می شوند، سیصد و سیزده نفر به تعداد اهل بدر هستند، که صبحگاهان در مکه حضور می یابند و این گفته خداست که فرمود: «هر کجا باشید، خداوند شما را گرد خواهد آورد». آنان یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.

بر پایه گزارش ابی الجارود، امام باقر علیه السلام فرمود: «أَصْحَابُ الْقَائِمِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا أَوْلَادُ الْعَجَمِ بَعْضُهُمْ يُحْمَلُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا يُعْرَفُ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ نَسَبِهِ وَ حَلِيتِهِ وَ بَعْضُهُمْ نَائِمٌ

عَلَى فِرَاشِهِ فَيَوَافِيهِ فِي مَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ؛ (۳) اصحاب

ص: ۲۱۲

۱- مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۷۲؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۲۳؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۴.

۳- الغیبه، نعمانی، ص ۳۱۵.

قائم سیصد و سیزده مرد از فرزندان عجم هستند که پاره ای از آنان در روز میان ابر برده می شود و نام خودش و نام پدرش و نسبش و خصوصیاتش شناخته می شود، بعضی از آنان در بسترش خفته باشد و بدون قرار قبلی در مکه با او دیدار کند».

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: آیه: (أَيُّنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا) (۱) در مورد اصحاب حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نازل شده است، بعد فرمود: «إِنَّهُمْ لَيَفْتَقِدُونَ عَنْ فُرْشِهِمْ لَيْلًا فَيُضِضُونَ بِمَكَّةَ وَبَعْضُهُمْ يَسِيرُ فِي السَّحَابِ يُعْرِفُ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَحَلَّتِيهِ وَنَسَبِهِ. قَالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّهُمْ أَكْبَرُ؟ قَالَ: الَّذِي يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا؛ (۲) آنان شبانه از محل خوابشان ناپدید می شوند و صبح خود را در مکه می بینند! بعضی بر فراز ابر حرکت می کنند. (شاید مراد از ابر، ابزارهای پیشرفته باشد) آنان با اسم و نسب، افراد آشنا و شناخته شده اند». مفضل می گوید: از حضرت پرسیدم: جانم به فدایت! ایمان کدام یک از آنان بیش تر است؟ فرمود: آنکه در وسط روز بر فراز ابر سیر و حرکت می کند!».

این گونه روایات که بیانگر نوع فراخوانی و گردهمایی یاران حضرت در هنگام ظهور است، مربوط به اصحاب خاص آن حضرت، یعنی آن گروه ویژه سیصد و سیزده نفری است. اما نحوه پیوستن سایر یاران و سپاهیان حضرت، ظاهراً به صورت عادی و تدریجی است.

#### (د) اوصاف و ویژگی های اصحاب

آن چه موجب برازندگی و برگزیدگی یاران خاص حضرت شده، وجود خصوصیات و اوصاف غبطه برانگیزی است که توجه به آن، بسی آموزنده و در ابعاد فردی و اجتماعی قابل تأمل است.

یاران حضرت، هم از بعد جسمانی، نیرومند و پرتوان اند و هم در بعد معنوی، مجهز به سلاح ایمان و تقوی و دارای قدرت و اراده نافذ هستند؛ به طوری که بر انبوه مشکلات فائق می آیند و خواسته های رهبر و پیشوای خویش را بی کم و کاست به

ص: ۲۱۳

۱- سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۳۱۳؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۲.

آن چه موجب درخشش یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود، اطاعت و فرمانبری کامل آنان از دستورات امام علیه السلام و ثبات و پایداری بی نظیر آنان در پیشبرد اهداف حضرت، در آن شرایط حساس دوران آغازین ظهور است. یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انسان هایی خودساخته، شجاع، دریادل و نیرومندی اند و هیچ کسی در برابر آنان، تاب مقاومت ندارد.

امام جواد علیه السلام از قول اجداد طاهربینش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قاطعیت و اطاعت پذیری یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را چنین بیان کرده است: «كَدَّادُونَ مُجِدُّونَ فِي طَاعَتِهِ؛ (۱) آنان با سختی و تلاش در پی انجام فرمان مولای خویش است».

امام صادق علیه السلام در توصیف یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامَ وَ أَصِيحَابِهِ فِي نَجْفِ الْكُوفَةِ... قَدْ أَثَرَ السُّجُودُ بِجَبَاهِهِمْ لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ يُعْطَى الرَّجُلُ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا لَمَا يَقْتُلُ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا كَافِرٌ أَوْ مُنَافِقٌ؛ (۲) گویا می بینم که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف با یاران خویش در نجف نزدیک کوفه حضور دارند، آثار سجده در پیشانی آنان نمایان است؛ شیران روز و زاهدان شب اند، دل های شان از شدت ایمان همانند پاره آهن اند هر یک از آنان توانمندی چهل مرد را دارند، هیچ کدام آنان جز منافق و کافر را نمی کشند».

بر پایه گزارش ابی بصیر، امام صادق علیه السلام در بیان صلابت و شهامت آنان چنین فرمود: «مَا كَانَ يَقُولُ لُوطٌ عَلَيْهِ السَّلَامَ (لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ) (۳) إِلَّا تَمَتَّيْتُ لِقُوَّةِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامَ وَ لَا ذَكَرَ إِلَّا شِدَّةَ أَصِيحَابِهِ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ إِنَّ قَلْبَهُ لَأَشَدُّ مِنْ زُبُرِ الْحَدِيدِ وَ لَوْ مَرُّوا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ

لَقَطَعُوهَا لَا يَكْفُونَ سُبُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ؛ (۴) این گفتار حضرت لوط به قومش که (ای کاش

ص: ۲۱۴

- ۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۱.
- ۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۷.
- ۳- سوره هود، آیه ۸۰.
- ۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص: ۶۷۴؛ شرح الاخبار، ج ۳، ص ۵۶۹؛ نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۸۸؛ ينابيع الموده، ج ۳، ص ۲۴۲.

من در برابر شما توانائی داشتم یه به سوی رکن شدیدی ماوی داشتم» مقصودش جز این نبود که نیروی حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او را آرزو داشت، همان استوانه هایی استواری که هر کدام نیروی چهل مرد را دارد و دل های آنان از شدت ایمان سخت تر از پاره های آهن اند و اگر بر کوه های آهن بگذرند، آن را متلاشی می کنند! آنان در حمایت از دین خدا، هرگز شمشیرها را در نیام نمی برند تا خدای بزرگ از آنان خشنود گردد».

از امام باقر علیه السلام نقل است که در تأویل آیه (فَإِذَا جَاءَ وَعِيدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا)؛ (۱) گروهی از بندگان خویش را که جنگاورانی رزمنده و با صلابت بودند بر سر شما فرستادیم. سپس فرمود: «ثُمَّ قَالَ: وَهُوَ الْقَائِمُ وَأَصْحَابُهُ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ»؛ (۲) این بندگان سخت مقاوم و با صلابت، حضرت قائم و یاران جنگاور او هستند».

از امیرمؤمنان علیه السلام نیز نقل شده است: «فَيَجْمَعُ اللَّهُ

تَعَالَى لَهُ قَوْمًا قَزَعُ كَقَزَعِ السَّحَابِ، يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَا يَسْتَوْحِشُونَ إِلَى أَحَدٍ وَلَا يَفْرَحُونَ بِأَحَدٍ دَخَلَ فِيهِمْ عَلَى عِدَّةِ أَصْحَابِ يَدْرٍ، لَمْ يَشِبْ قَبْلَهُمُ الْأُولُونَ وَلَا يَدْرِكُهُمُ الْآخِرُونَ، عَلَى عِدَدِ أَصْحَابِ طَالُوتَ الَّذِينَ جَاوَزُوا مَعَهُ النَّهْرَ»؛ (۳) آن گاه خداوند متعال گروهی را که مانند ابرهای پاره پاره متفرق بوده اند جمع و بین آن ها دوستی حاکم می کند. آنان از احدی نمی ترسند و از این که کسی به جمع آن ها وارد، به آن ها اضافه شود، خوشحال نمی شوند. [زیرا آنان فقط فریفته امام خویش اند و بود و نبود اشخاص دیگر برای آنان مهم نخواهد بود] تعداد آن ها به عدد اصحاب بدر است. نه کسی از پیشینیان بر آنان سبقت می گیرد و نه کسی از آیندگان موقعیت آنان را در می یابد! آنان به تعداد اصحاب طالوت پیامبرند که همراه با او از نهر گذشتند».

روشن است که شدت عمل و انعطاف ناپذیری یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه از روی

ص: ۲۱۵

۱- سوره اسراء، آیه ۵.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۷.

۳- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۱۰۰.

خسونت و بی رحمی، بلکه مبتنی بر آیه شریفه (أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ) (۱) نوعی شدت آمیخته با رحمت و عطف است. شدت در مقابل دشمنان بی رحم و عطف و مهربانی در برابر سایر خلق الله. لذا از نظر وجه اجتماعی، آنان از بیشترین محبوبیت در میان مردم و جامعه برخوردارند.

جابر بن یزید از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ فَلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ حَتَّى سَبَّحَ الْأَرْضِ وَ سَبَّحَ الطَّيْرُ يَطْلُبُ رِضَاهُمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى تَفْخَرُ الْأَرْضُ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولُ مَرَّ بِي الْيَوْمَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ؛ (۲) گویا اصحاب حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را می بینم که بر شرق و غرب جهان تسلط یافته اند و همه چیز، حتی درندگان آسمان و زمین مطیع آن ها هستند و به دنبال رضایت آنان می باشند، تا آن جا که جایی از زمین بر جای دیگر، فخر و مباهات می کند و می گوید: امروز یکی از یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر من گام نهاد و از این جا گذشت».

این روایت حاکی از اوج سرافرازی و محبوبیت آنان در میان خلق الله است. آنان پارسایان شب زنده دار و شیران صحنه های پیکارند. کسانی که روحیه اطاعت و بندگی و شهادت طلبی در آنان موج می زند و عاشقانه در راه خدمت به دین و خلق خدا، از همگان سبقت می گیرند.

طبق نقل روایات، همه اصحاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جوان اند، مگر تعداد اندکی، هم چون سرمه در چشم

یا نمک در غذا. (۳) در برخی روایات، یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیران روز و نیایشگران شب زنده دار که دل هایشان مانند پاره های آهن محکم و استوار است، توصیف شده اند. (۴) آنان رادمردانی هستند که جز شهادت در راه خدا، آرزوی دیگری ندارند و در برابر رهبر و مولایشان، سخت مطیع و فرمانبرند. ابهت و هیبت این

ص: ۲۱۶

۱- سوره فتح، آیه ۲۹.

۲- الامامه و التبصره، ص ۱۳۲؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۷۳.

۳- الغیبه، طوسی، ص ۲۸۴؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴.

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

جنگ جویان مصمم و فولادین، در دل دشمنان رعب می افکند و آنان را زمین گیر می کنند. (۱) در راه انجام مأموریت خود، بسیار قاطع و نترس اند و از دشمن هراسی به دل راه نمی دهند. (۲)

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با چنین اصحاب و یارانی، اسلام را در سراسر گیتی حکم فرما و عدالت و دادگری را جایگزین ستم و بیداد می کند.

## ه) مأموریت اصحاب

اصحاب ویژه حضرت به دلیل ویژگی های شخصیتی و جایگاه ویژه ای که نزد امام دارند، از سوی حضرت به مسئولیت های دشواری گماشته می شوند. آنان هم چنان که در فتح و پیروزی های زمان قیام سهم جدی دارند،

در حکومت آن امام نیز هر کدام مسئول فتح و آبادانی گوشه ای از جهان خواهند بود.

به عبارت دیگر، آنان هم هسته های اولیه نهضت مهدوی را تشکیل می دهند و سنگینی بار مبارزه را به دوش می کشند و هم در ادامه راه، بازوان اجرایی حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند شد. چنان که در روایات نیز به این موضوع اشاره شده است: «يُفَرِّقُ الْمَهْدِيُّ أَصْحَابَهُ فِي جَمِيعِ الْبُلْدَانِ وَيَأْمُرُهُم بِالْعِدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَيَجْعَلُهُمْ حُكَّامًا فِي الْأَقَالِيمِ»؛ (۳) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با اعزام اصحاب و یارانش به سراسر جهان آنان را به اجرای عدالت و نیکی با مردم سفارش کرده و به فرمانروایی کشورها می گمارد.

بر پایه نقل مفضل بن عمر، امام صادق علیه السلام فرمود: «أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا عَدَّةُ أَهْلِ يَدْرِ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ»؛ (۴) یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سیصد و سیزده مرد به عدد اهل بدر اند؛ آنان پرچم داران و فرمانروایان خداوند بر روی زمین و در میان بندگان اند.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْمَهْدِيَّ يُفَرِّقُ أَصْحَابَهُ وَ هُمُ الَّذِينَ عَاهَدُوهُ فِي أَوَّلِ

ص: ۲۱۷

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۱۴.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۳- روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۳.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.

خُرُوجِهِ فَيُوجِّهُهُمْ إِلَىٰ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ وَيَأْمُرُهُم بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَكُلِّ رَجُلٍ مِنْهُمْ يَحْكُمُ عَلَيَّ مِنْ الْأَرْضِ وَيَعْمُرُونَ جَمِيعَ مَدَائِنِ

الدُّنْيَا بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ؛<sup>(۱)</sup> مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاران ویژه خویش را که در آغاز ظهور از آنان بیعت گرفته بود، به سوی شهرهای مهم دنیا گسیل می‌دارد و آنان را مأمور اجرای عدالت و نیکی با مردم می‌کند. هر کدام از آنان فرمانروایی بخشی از سرزمین‌ها را بر عهده می‌گیرند و با شیوه عدالت و احسان به مردم، به آبادانی شهرها می‌پردازند.

### (و) حضور کم رنگ اعراب در جمع اصحاب

در پاره ای از روایات از حضور چشم گیر غیر اعراب در میان یاران حضرت خبر داده شده است. براساس این روایات، اکثریت اصحاب و یاران حضرت را افرادی تشکیل می‌دهند که دارای ملیت غیر عرب اند و عده بسیار اندکی از عرب تبارها، جزو لشکریان امام علیه السلام هستند.

ابن ابی یغفور می‌گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام «وَيْلٌ لِّطُغَاةِ الْعَرَبِ مِنْ أَمْرِ قَدْ اقْتَرَبَ! قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ كَمْ مَعَ الْقَائِمِ مِنَ الْعَرَبِ؟ قَالَ: نَفَرٌ يَسِيرٌ قُلْتُ وَاللَّهِ إِنَّ مَنْ يَصِفُ هَذَا الْأَمْرَ مِنْهُمْ لَكَثِيرٌ قَالَ: لَا بَيْدَ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُمَحَّصُوا وَيُمَيَّزُوا وَيُعْرَبَلُوا وَيُسَيَّرَ فِي الْغُرَبَالِ خَلْقٌ كَثِيرٌ؛<sup>(۲)</sup> وای به حال سرکشان عرب از امری (ظهور) که محققاً نزدیک است. پرسیدم: جانم به فدایت! چند نفر از یاران حضرت قائم عرب

هستند؟ فرمود: افراد اندکی. عرض کردم: گفته می‌شود که عرب‌ها در آن سهم فراوانی دارند؟ فرمود: ناچار مردم باید آزمایش شوند و در این آزمون، بسیاری از آنان از غربال امتحان و ابتلا خارج می‌شوند.»<sup>(۳)</sup>

جالب این است که وزرا و کابینه حضرت، هیچ کدام عرب نیستند؛ گرچه به زبان

ص: ۲۱۸

۱- الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۷۲.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۳۷۰؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۴، ص ۴۵.

۳- لازم به یادآوری است که این روایت در منابع روایی معتبر شیعه، به صورت «مِنْ شَرِّقَدْ اقْتَرَبَ» نیز نقل شده است (الغیبه، نعمانی، ص ۱۹۴ و ۲۰۴ و ۲۶۳) در این صورت، مراد حضرت از «شر» فتنه ای است که گریبانگیر طایفان عرب خواهند شد.



عربی تکلم می کنند. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این خصوص نقل شده است که فرمود: «وَزَرَاءُ الْمَهْدِيِّ مِنَ الْأَعْيَانِ يَتَكَلَّمُونَ الْعَرَبِيَّةَ وَهُمْ أَخْلَصُ الْوُزَرَاءِ وَأَفْضَلُ الْوُزَرَاءِ»<sup>(۱)</sup> وزرا و دستیاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همگی غیر عرب اند که به زبان عربی سخن می گویند<sup>(۲)</sup>؛ آنان مخلص ترین و برترین وزرا به شمار می روند.

در روایتی که علی بن اسباط، از پدرش اسباط بن سالم و او از موسی الابرار و او از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «أَتَقِيَ الْعَرَبَ

فَإِنَّ لَهُمْ خَيْرَ سَوْءٍ أَمَا إِنَّهُ لَا يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ مِنْهُمْ وَاحِدًا»<sup>(۳)</sup> بهره‌یز از عرب جماعت که آن‌ها آینده بدی خواهند داشت، بدان که از آنان حتی یک نفر همراه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام نخواهند کرد!

در این رابطه باید توجه داشت که مراد امام صادق علیه السلام در این روایت با توجه به قرائن موجود در روایات دیگر، مطمئناً همه افراد عرب تبار نیست، بلکه ممکن است سخن حضرت ناظر به طاغیان عرب باشند؛ زیرا ظاهر روایت پیش گفته با روایات دیگری که بر حضور نجبای مصر، اخیار اهل عراق، ابدال اهل شام و... در جمع یاران حضرت دلالت دارد، در تعارض است.

بنابراین، مفاد و مضمون این روایت در صورت صحت سند، باید تأویل شود و به معنای ناچیز بودن و حضور کم‌رنگ اعراب در میان اصحاب خاص حضرت حمل شود؛ چنان که در روایت قبلی عبارت «نَفَرَيْسِيْر» بدان اشاره داشت یا این که به گروه خاصی از طغیان عرب و مخالفان حضرت تطبیق شود؛ کسانی که حضرت در برخورد با آنان انعطاف ناپذیر است. چنان که در روایت امام باقر علیه السلام آمده است: «فَيَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَكَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ نَاوَاهُ وَ خَالَفَهُ وَ خَالَفَ أَمْرَهُ وَ كَانَ مِنْ أَعْدَائِهِ وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ كِتَابٌ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٌ جَدِيدَةٌ وَ قَضَاءٌ جَدِيدٌ عَلَى

الْعَرَبِ شَدِيدٌ وَ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا الْقَتْلَ لَا يَسْتَبْقَى أَحَدًا وَ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ

ص: ۲۱۹

۱- روزگار رهایی، ج ۲، ص ۵۹۹؛ علامه مجلسی نیز آن را به نقل از کتاب فتوحات آورده است ر.ک: بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۰۵.

۲- شایان ذکر است که واژه «اعاجم» جمع «عجم» و به اقوام غیر عرب اطلاق می شود.

۳- الغیبه، طوسی، ص ۴۷۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳.

لأئيم؛<sup>(۱)</sup> خوشا به حال کسی که ظهور او (مهدی) را درک کند و در زمره یاران او باشد، وای به حال کسی که با قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف مخالفت و دشمنی ورزد. او به دستور جدید و قانون جدید و شیوه جدید و داوری جدید اقدام می کند و بر عرب ها بسیار سخت گیر است. شیوه او تنها شمشیر است، توبه کسی را نمی پذیرد و در راه خدا از ملامت هیچ ملامت گری نمی هراسد».

### ز) حضور زنان در میان اصحاب

در برخی روایات از حضور عده ای از زنان در میان یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر داده شده است. این تعداد، در بخش های مربوط به بهداشت و درمان، انجام وظیفه خواهند کرد. البته تعداد آنان در روایات، متفاوت ذکر شده است. طبق روایت مفضل، سیزده نفر زن در میان اصحاب حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور دارند که زخمی ها را مداوا و بیماران را پرستاری می کنند. در این روایت، اسامی نه نفر از این زنان ذکر شده است.

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «مَعَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثَ عَشْرَةَ امْرَأَةً، قُلْتُ: وَ مَا يَصْنَعُ بِهِنَّ؟ قَالَ: يُدَاوِينَ الْجُرْحَى وَيُقِمْنَ عَلَى الْمَرْضَى، كَمَا كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلم قُلْتُ:

فَسَيَمُهِنَّ لِي فَقَالَ: الْقَنْوَاءُ بِنْتُ رَشِيدٍ وَ أُمُّ أَيْمَنَ وَ حُبَابَةُ الْوَالِيَّةِ وَ سُمَيَّةُ أُمُّ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ وَ زُبَيْدَةُ وَ أُمُّ خَالِدِ الْأَحْمَسِيِّهِ وَ أُمُّ سَعِيدِ الْحَنْفِيِّهِ وَ صَبِيحَةُ الْمَاشِطَةِ وَ أُمُّ خَالِدِ الْجَهَنِّيِّهِ؛<sup>(۲)</sup> سیزده زن همراه قائم خواهند بود. آن ها زخمی ها را مداوا و از بیماران پرستاری می کنند، همان گونه که در جنگ های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زنانی بودند که این کار را انجام می دادند. عرض کردم آنان را برایم نام ببرید، حضرت اسامی برخی از آنان را یاد آور شد مانند: قنواء دختر رشید، ام ایمن، حبابه والیه، سمیه مادر عمار یاسر، زبیده، ام خالد احمسیه، ام سعید حنفیه، صبیانه ماشطه و ام خالد جهنیه».

در بعضی دیگر از روایات، از حضور پنجاه زن و در برخی دیگر از نقل ها، عدد

ص: ۲۲۰

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۹؛ مختصر بصائر الدرجات، ص ۲۱۳.

۲- دلائل الامامه، ص ۲۵۹؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۷۵.

بیشتری ذکر شده است. (۱) جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «وَيَجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ قَرَعًا كَقَرَعِ الْخَرِيفِ يَتَّبِعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا؛ (۲) به خدا سوگند، سیصد و اندی نفر همراه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند بود که پنجاه نفر زن در میان آنان است. آنان بدون وعده قبلی در مکه گرد می آیند و مانند قطعه های ابر

در فصل پائیز به هم می پیوندند».

در این روایت، ظاهر تعبیر «فِيهِمْ» نشان می دهد که این پنجاه زن نیز جزو سیصد و سیزده تن اصحاب خاص حضرت اند؛ اما کلمه «رَجُلًا» گویای مرد بودن یاران خاص است. لذا آن سیصد و سیزده نفر، ظاهراً فقط مردان هستند؛ چراکه در روایات دیگر نیز، در مورد آنان عبارت «رَجُلًا» به کار رفته است (۳) که می تواند قرینه باشد بر این که در این روایت نیز، مراد، همراهی پنجاه زن با اصحاب خاص است، نه اینکه آنان جزو سیصد و سیزده نفر هستند. از این رو، شاید بتوان گفت که روایت منقول از امام باقر علیه السلام و روایات مشابه آن، ناظر به آن دسته از زنانی است که پس از قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای یاری رسانی و مشارکت در کارها، حضرت را همراهی می کنند و جزو یاران و دستگاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار می روند.

### ح) رجعت برخی از صالحان

در برخی روایات، از بازگشت گذشتگان در زمان ظهور سخن به میان آمده است. مفاد این گونه روایات به رجعت برخی از صالحان در آن زمان دلالت دارد، اما این بدان معنا نیست

که آنان جزو سیصد و سیزده تن اصحاب خاص حضرت، یعنی همان افرادی که ظهور منوط به آمادگی آن هاست، قرار داشته باشند.

براساس منابع روایی، از جمله کسانی که در زمان ظهور در جمع اصحاب و سپاهیان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار می گیرند، عده ای از مؤمنان شایسته و برجسته اند که پیش تر از دنیا رفته و خداوند آنان را دوباره زنده می کند تا به سپاه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ملحق شوند. در

ص: ۲۲۱

۱- ر.ک: الملاحم و الفتن، ص ۱۵۱.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۲ و ۳۰۱؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۵، ص ۲۱.

۳- ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۷.

میان این اشخاص که در روایات بعضاً از آن‌ها نام برده شده کسانی هستند که جزو امت‌های پیشین بوده‌اند، مانند یوشع بن نون، وصی موسی علیه السلام مؤمن آل فرعون و اصحاب کهف. (۱)

برخی دیگر از رجعت‌کنندگان، پیشگامان و صالحان عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام هستند؛ نظیر سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مالک اشتر نخعی، (۲) جبیر بن خاربون، (۳) اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام، (۴) عبدالله بن شریک عامری، (۵) مفضل بن عمر (۶) و ...

## اعلامیه جهانی ظهور (ندای آسمانی)

### اشاره

یکی از سردرگمی‌های مردم که در شرایط بحرانی هنگامه ظهور برای عده‌ای پدید می‌آید، ابهام در مورد تشخیص حق از باطل و تردید و شبهه در میان برخی از کسانی است که به دلیل عدم برخورداری از درایت کافی، تحلیل و تشخیص حق از باطل برایشان دشوار است. این موضوع در ابتدای امر، موجب پیچیدگی مسأله برای بسیاری از جویندگان حقیقت می‌گردد.

در آن شرایط، دو جریان مهم در برابر هم قرار دارند. یکی جریان اهل بیت علیهم السلام که در قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نمود پیدا می‌کند و دیگری جریان سفیانی که بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های اسلامی را در کنترل خود می‌گیرد. یکی نماد کامل ایمان است و دیگری نماد کفر؛ اما هر کدام مدعی حق‌اند.

در این میان، یکی از علائم کمک‌کننده در تشخیص جریان حق از باطل، ندای آسمانی است که توسط سفیر غیبی الهی به گوش مردم می‌رسد. این علامت همان

ص: ۲۲۲

- ۱- ر.ک: دلائل الأمامه، ص ۵۵۴؛ ارشاد القلوب، ص ۳۶۵، حلیه الأبرار، ج ۲، ص ۶۰۱.
- ۲- ر.ک: روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۶؛ دلائل الأمامه، ص ۲۷۴؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۸۹.
- ۳- ر.ک: الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۸۵.
- ۴- ر.ک: الايقاظ، ص ۲۶۶.
- ۵- ر.ک: اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۶۱؛ الايقاظ، ص ۲۶۶.
- ۶- ر.ک: دلائل الأمامه، ص ۲۴۸؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۷۳.

بانگ آسمانی است که سومین نشانه از نشانه های حتمی ظهور خوانده شده است.

بدیهی است که رخداد با شکوهی همچون ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می طلبد که پیش از وقوع آن، یک اعلامیه جهانی، آن هم در گسترده ترین سطح و روشن ترین معنا و مفهوم منتشر شود. و چون این نهضت آسمانی و عدالت خواهانه و انسان ساز، یک نهضت جهانی است و به همه بشریت تعلق دارد، زیننده است که همه جهانیان از وقوع آن آگاهی یابند و بدانند که به زودی آن حضرت با ظهور خویش، روند جامعه و تاریخ را به کلی دگرگون می کند و زندگی را به مسیر دیگری می برد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَنْزِلُ فِي صُورِهِ طَيْرٌ أبيضٌ فَيُبَايِعُهُ ثُمَّ يَضَعُ رِجْلًا عَلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَرِجْلًا عَلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ ثُمَّ يُنَادِي بِصَوْتٍ طَلِقٍ ذَلِقٍ تَشْمَعُهُ الْخَلَائِقُ أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ» (۱) نخستین کسی که با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت خواهد کرد، فرشته وحی حضرت جبرائیل است، او به صورت پرنده ای سفید از آسمان فرود می آید و با آن حضرت، دست بیعت می دهد. آنگاه یک پا بر بیت الله الحرام و پای دیگر را در بیت المقدس می گذارد (۲) و با ندای زیبا و رسایی که همگان آن را می شنوند، می گوید: (۳) فرمان خدا فرا رسید پس آن را به شتاب نخواستید».

### الف) انتشار فراگیر خبر ظهور

خبر مسرت بخش ظهور، با صدای فرشته الاهی به گوش همه مردم جهان می رسد و هرکس در هر کجا آن را به زبان مادری خود می شنود. این ندای آسمانی که ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به مردم دنیا بشارت می دهد، به سرعت در سراسر جهان منتشر می شود. جالب این است که دریافت این بشارت به گونه ای است که همه مردم از هر قوم و قبیله ای و به هر زبان و فرهنگی، خروش آسمانی جبرئیل علیه السلام را به زبان و لغت

ص: ۲۲۳

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۷۱.

۲- شاید مراد از گذاشتن پا در بیت الله الحرام و بیت المقدس، کنایه از پخش این صدا از این دو نقطه باشد.

۳- سوره نحل، آیه ۱.

رایج خویش می شنوند و پیام آن را درک می کنند و این یکی از اسرار شگفت انگیز این ندای آسمانی است که بر پیوند عمیق قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با قدرت الاهی و نیروی غیبی دلالت دارد.

براساس روایات، طنین فراگیر ندای آسمانی چنان است که هر کس در خواب باشد، وحشت زده بیدار می شود و آن که نشسته است، از ترس به پا می خیزد و آن کس که ایستاده بی اختیار به زمین می افتد و بانوان با عفت از سراپرده خویش از خوف و هراس بیرون می روند. به

عبارت دیگر، به هنگام طنین آن ندای آسمانی، موج عظیمی از ترس و دلهره جامعه بشری را فرا می گیرد و از جهان، قرار و آرامش سلب می شود؛ به گونه ای که هیچ کس نمی تواند آن خروش آسمانی را نادیده بگیرد یا آن را کوچک شمارد و یا به طبیعت و رخدادهای طبیعی نسبت دهد؛ چراکه همگان آن ندا و پیامش را به خوبی درک می کند.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ لَا يَبْقَى رَاقِدٌ إِلَّا اسْتَيْقَظَ وَ لَمَّا قَائِمٌ إِلَّا قَعِدَ وَ لَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَى رِجْلَيْهِ فَرِعَاً مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ فَرِحَ اللَّهُ مِنْ اعْتَبَرَ بِذَلِكَ الصَّوْتِ فَأَجَابَ فَإِنَّ الصَّوْتِ الْأَوَّلَ هُوَ صَوْتُ جَبْرَائِيلَ الرُّوحِ الْأَمِينِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ (۱) نداکننده ای از آسمان به نام قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف ندا می دهد و آن را همه کسانی که در شرق و غرب عالم هستند می شنوند. خفته ای نمی ماند جز این که بیدار می شود و ایستاده ای نمی ماند جز این که می نشیند و نشسته ای نمی ماند جز این که وحشت زده به پا می خیزد. خدا رحمت کند کسانی را که از آن ندای آسمانی پند و اندرز گیرند؛ چرا که نداگر اول جبرئیل است».

انتشار خبر ظهور توسط فرشته الاهی چنان فراگیر است که همه موجودات زنده از آن آگاه می شود. ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل

کرده است که فرمود: «فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ خَلَقَ اللَّهُ فِيهِ الرُّوحَ إِلَّا يَسْمَعُ الصَّيْحَةَ فَتَوْقُظُ النَّائِمِ وَ يَخْرُجُ إِلَى صَحْنِ دَارِهِ وَ

ص: ۲۲۴

تُخْرِجُ الْعَذْرَاءَ مِنْ خَدْرِهَا وَيَخْرِجُ الْقَائِمُ مِمَّا يَسْمَعُ وَ هِيَ صَيِّحَةٌ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛<sup>(۱)</sup> هیچ جاننداری نمی ماند مگر آنکه آن صیحه را می شنود، شنیدن این صدا خفته از خواب بیدار می کند و از اطاق به حیاط خانه بیرون می آید و دوشیزگان از پشت پرده اش بیرون می دود و حضرت قائم چون آن صدا بشنود خروج کند و آن صدا آواز جبرئیل علیه السلام است».

### (ب) چگونگی دریافت خبر ظهور

اگرچه در روایات، چگونگی و نحوه ی دریافت این صدا به روشنی بیان نشده است؛ امّا با توجه به مضمون روایات پیش گفته، دو فرضیه در این خصوص قابل طرح است:

۱. فرضیه نخست بر این احتمال استوار است که خروش آسمانی، تنها به واژه و زبان عربی فصیح و رسا، در سراسر جهان طنین افکن می شود، آنگاه در کمترین زمان ممکن طنین آن سراسر گیتی را فرا می گیرد و توسط رسانه ها و خبرگزاری ها به همه زبان ها در سراسر جهان مخابره می شود و آنانی که به واژه و فرهنگ عربی آگاهی ندارند نیز این پیام را دریافت می کنند.

این فرضیه که مبتنی بر درک مستقیم و غیر مستقیم پیام ندای آسمانی است، اگرچه با ظاهر روایاتی که دلالت بر دریافت و درک مستقیم ندای آسمانی از سوی همگان دارد، همخوانی ندارد مانند کلام امام صادق علیه السلام در روایت پیشین که فرمود «يَسْمَعُهُ كُلُّ قَوْمٍ بِاللِّسَانِ»؛ امّا با این حال این نکته نیز در خور توجه است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیه السلام به هنگام خبر دادن از آینده با توجه به سطح خرد و اندیشه مردم سخن می گفتند و می دانیم که افکار عمومی در آن روزگار نمی توانست رسانه های گروهی و وسایل خبررسانی جهان امروز و نقش آن ها را در رساندن اخبار و رویدادها به دورترین نقاط گیتی در کوتاه ترین فرصت ممکن درک کنند. از این رو، ممکن است کلام امام صادق علیه السلام در روایت پیشین ناظر به همین نکته باشد.

ص: ۲۲۵

۲. فرضیه دوم آن است که بنا به ظاهر روایات، اهل هر جامعه و تمدنی، این ندای آسمانی را به صورت مستقیم و اعجاز آمیز، طبق فرهنگ و زبان خویش دریافت می کنند؛ به گونه ای که همه مردم دنیا به طور همزمان، ندای آسمانی را با زبان و لغت بومی خویش دریافت کرده و درک می کنند. چنین چیزی هیچ استبعادی ندارد؛ زیرا خداوند بر هر کاری تواناست و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با معجزات

و کارهای اعجاز آمیز و ماورای طبیعی همراه است.

بنابراین، اگرچه حقیقت این صدا و کیفیت دریافت آن برای ما در این زمان به درستی مکشوف و قابل درک نیست، اما آن چه قطعی و مسلم است و روایات فراوانی بر آن صراحت دارد، این است که این ندا از ناحیه آسمان و از جانب فرشته اعظم الاهی حضرت جبرائیل علیه السلام طنین انداز می شود و خبر مسرت بخش ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را با ذکر نام ایشان، به اطلاع جهانیان می رساند.

### ج) زمان نشر خبر ظهور

در مورد این که آن صدا در چه روزی از ماه رمضان و در چه ساعتی به گوش خواهد رسید، تعبیر متفاوتی در روایات وارد شده است. در روایت ابو حمزه ثمالی که قبلاً اشاره گردید، زمان وقوع ندای آسمانی در اول روز ذکر شده است: «يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ». اما در چند روایت دیگر، زمان ندا، شب جمعه بیست و سوم رمضان (شب قدر) عنوان شده است؛ چنان که از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «الصَّيْحَةُ الَّتِي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَكُونُ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ لِثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ مَضَيْنَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ»؛ (۱) آن خروش آسمانی که در ماه رمضان طنین

می افکند، در شب جمعه خواهد بود؛ در حالی که بیست و سه روز از ماه رمضان گذشته است».

ابی بصیر از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمود: «يَكُونُ الصَّوْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ جُمُعَةِ لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ فَلَا تَشْكُوا فِي ذَلِكَ وَ اسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا... فَإِذَا سَمِعْتُمُ الصَّوْتَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا تَشْكُوا فِيهِ أَنَّهُ صَوْتُ جِبْرَائِيلَ وَ

ص: ۲۲۶



عَلَمَاهُ ذَلِكَ أَنَّهُ يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَاسْمِ أَبِيهِ؛ (۱) آن صدا در ماه رمضان در شب جمعه شب بیست و سوم واقع خواهد شد و تردیدی در این نداشته باشید و به گوش بسپارید و فرمان برید، پس آنگاه که صدا را در ماه رمضان شنیدید تردیدی نداشته باشید که آن صدای جبرئیل است و نشانه اش آنکه به نام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و نام پدرش آواز دهد».

در گزارش دیگری ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «وَلَمَّا يَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّى يُنَادِيَ بِاسْمِهِ مِنْ جَوْفِ السَّمَاءِ فِي لَيْلِهِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةَ جُمُعَةٍ؛ (۲) قائم خروج نمی کند تا آنکه در شب جمعه بیست و سوم ماه رمضان در فضای آسمان نامش را اعلام نمایند».

در برخی روایات، زمان شنیده شدن این ندای غیبی، در ماه های دیگر غیر از رمضان نقل شده است. مانند آنچه از امام رضا علیه السلام

روایت شده است که فرمود: «يُنَادُونَ فِي رَجَبٍ ثَلَاثَةَ أَصْوَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ صَوْتًا مِنْهَا أَلَّا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ الصَّوْتِ الثَّانِي أَرْفَتِ الْمَآزِفُ يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الصَّوْتِ الثَّلَاثِ يَرُونَ يَدَنَا يَارِزًا نَحْوَ عَيْنِ الشَّمْسِ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ كَرَّ فِي هَلَاكِ الظَّالِمِينَ؛ (۳) در ماه رجب سه ندا از آسمان طنین انداز می شود. یکی می گوید: به هوش باشید که لعنت خدا بر ستمکاران است. دومی می گوید: ای اهل ایمان روز حادثه نزدیک است فرارسد و در صدای سوم شخصی را در سمت خورشید می بیند که می گوید: این امیر المؤمنین است که برای کشتن بیدادگران بازگشته است».

با توجه به آنچه اشاره شد، روایت در باره زمان دقیق وقوع ندای آسمانی اتفاق نظر ندارد، بلکه تعدد محتوای این روایات نشان از آن دارد که در آستانه ظهور، ندهای متعددی در فاصله های زمانی متفاوت شنیده می شوند. اما در این میان، آن

ص: ۲۲۷

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۴.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۴.

۳- الغیبه، طوسی، ص ۴۴۰؛ تاج الموالید، ص ۷۳؛ مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۵۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۹.

ندایی که از نشانه های قطعی ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده شده و بشارت آمدن آن حضرت را می دهد، خروش آسمانی است که در بیست و سوم ماه مبارک رمضان (شب یا روز آن) از ناحیه آسمان توسط فرشته الاهی، در همه جا طنین انداز می شود.

### د) پیام اعلامیه ظهور

پیام آغازین خبر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که به وسیله ندای آسمانی منتشر می شود، دو چیز است؛ یکی معرفی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به جهانیان، دوم اعلام حقانیت مکتب ولایی جدش امیرمؤمنان علیه السلام و شیعیان آن حضرت. در حقیقت این پیام، نشان رسمیت و جهانی شدن مکتب اهل بیت علیهم السلام در عصر ظهور است.

در این ندای آسمانی، فرشته وحی، خبر ظهور را با ذکر نام آن حضرت علیه السلام به گوش جهانیان می رساند، تا هیچ گونه ابهامی برای کسی باقی نماند. امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «فَيَقُولُ جَبْرَائِيلُ فِي صَيْحَتِهِ: يَا عِبَادَ اللَّهِ اسْمَعُوا مَا أَقُولُ: إِنَّ هَذَا مَهْدِيُّ آلِ مُحَمَّدٍ، خَارِجٌ مِنْ أَرْضِ مَكَّةَ فَأَجِيبُوهُ» (۱) جبرئیل در ندای خویش گوید: ای بندگان خدا! به آن چه می گویم گوش فرا دهید. همانا این مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف است که از مکه ظهور کرده، پس او را لیبک گوید و فرمانش را اطاعت کنید».

جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ... فَيُنَادِي الْمُنَادِي بِمَكَّةَ بِاسْمِهِ وَ أَمْرِهِ مِنَ السَّمَاءِ حَتَّى يَسْمَعَهُ أَهْلُ الْأَرْضِ كُلُّهُمْ اسْمُهُ اسْمُ نَبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ» (۲) آنگاه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در مکه خروج خواهند کرد، پس صدایی از سوی منادی آسمان در مکه می پیچد که نام

و خبر ظهور او را اعلام می کند و همه مردم دنیا این ندا را می شنوند که او هم نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است».

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام در باره پیام و محتوای خبر آسمانی سؤال می کند: «قُلْتُ بِمِ يُنَادَى؟ يُنَادَى بِاسْمِهِ مِنْ جَوْفِ السَّمَاءِ فِي لَيْلِهِ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلِهِ جُمُعَةٍ قُلْتُ بِمِ يُنَادَى قَالَ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ أَلَا إِنَّ فُلَانًا بَنَ فُلَانٍ قَائِمٌ آلِ

ص: ۲۲۸

۱- الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۷۴.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

مُحَمَّدٍ فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوهُ؛(۱) عرض کردم: مضمون اعلامیه چیست؟ فرمود اعلامیه به نام او و نام پدرش صادر می شود که آگاه باشید فلانی فرزند فلانی قائم آل محمد است سخنش را بشنوید و فرمانش را گردن نهد».

این معرفی با اسم و خصوصیات، برای آن است که فضای فکری مردم را روشن کند تا فریب فتنه دروغ پردازان را نخورند؛ زیرا در شرایط آغازین ظهور، ستیز حق و باطل همچنان ادامه دارد و دو جریان در مصاف هم قرار دارند. سرپرستی جریان باطل را شیطان به عهده می گیرد و او نیز با ادعای حقانیت، مردم را به تبعیت از باطل فرامی خواند. ابو حمزه ثمالی گوید از محضر امام صادق علیه السلام در باره ندای آسمانی پرسیدم: «قُلْتُ وَ كَيْفَ يَكُونُ النَّدَاءُ؟» حضرت فرمود: «يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيِّ وَ شِيعَتِهِ ثُمَّ يُنَادِي إِبْلِيسَ لَعَنَهُ اللَّهُ فِي آخِرِ النَّهَارِ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي الشُّفِيَانِيِّ وَ

شِيعَتِهِ فَيَزُتَابُ عِنْدَ ذَلِكَ الْمُبْطِلُونَ؛(۲) اول روز گوینده ای از آسمان صدا می زند، به طوری که همه مردم با لغات مختلف خود آن را می شنوند و می گوید: آگاه باشید که حق در پیروی از علی و شیعیان اوست، آنگاه شیطان در آخر همان روز از زمین صدا می زند، آگاه باشید! که حق در پیروی از سفیانی و پیروان اوست و در آن وقت است که اهل باطل دچار تردید می شوند».

در روایت دیگر زراره از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «يُنَادِي مُنَادٍ إِنَّ عَلِيًّا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ، قُلْتُ: فَمَنْ يُقَاتِلُ الْمُهَيْدِيَّ بَعْدَ هَذَا؟ فَقَالَ: إِنَّ الشَّيْطَانَ يُنَادِي إِنَّ فُلَانًا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ لِرَجُلٍ مِنْ بَنِي أُمِّيَّةٍ قُلْتُ فَمَنْ يَعْرِفُ الصَّادِقَ مِنَ الْكَاذِبِ قَالَ يَعْرِفُهُ الَّذِينَ كَانُوا يَزُورُونَ حَيْدِثَنَا وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ يَكُونُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ وَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُمْ هُمُ الْمُحَقُّونَ الصَّادِقُونَ؛(۳) ندا دهنده ای فریاد می زند که بی تردید علی و شیعیان او رستگار و اهل سعادت اند. زراره گوید که عرض کردم: پس با این حال چه کسانی با

ص: ۲۲۹

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۹۰.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۲. در برخی نقل ها به جای «سفیانی» نام «عثمان» عنوان شده است که در هر دو صورت مراد سفیانی است (ر.ک: الغیبه، طوسی، ص ۴۳۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۹).

۳- الغیبه، نعمانی، ص ۲۶۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۵.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می جنگند؟ حضرت فرمود: در مقابل، شیطان نیز ندا می دهد که فلانی (یکی از امویان) و پیروان او کامیاب و رستگارند! زراره سوال می کند: چه کسی راستگو را از دروغ پرداز باز می شناسد؟

حضرت فرمود: آنانی که سخنان ما را می شناسند و روایت می کنند و پیش از آنکه واقع شود وقوعش را نقل می کنند و می دانند که آنان بر حق و راست گویند».

امام باقر علیه السلام می فرماید: إِذَا سَمِعْتُمُ الصَّوْتَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا تَشْكُوا فِيهِ أَنَّهُ صَوْتُ جِبْرِئِيلَ وَ عَلَامَهُ ذَلِكَ أَنَّهُ يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ أَبِيهِ حَتَّى تَسْمَعَهُ الْعِيدْرَاءُ فِي خِدْرِهَا فَتَحْرُضُ أَبَاهَا وَ أَخَاهَا عَلَى الْخُرُوجِ وَ قَالَ لَا بَيْدَ مِنْ هَذَيْنِ الصَّوْتَيْنِ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ صَوْتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ هُوَ صَوْتُ جِبْرِئِيلَ بِاسْمِ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ الصَّوْتِ الثَّانِي مِنَ الْأَرْضِ وَ هُوَ صَوْتُ إِبْلِيسَ اللَّعِينِ يُنَادِي بِاسْمِ فُلَانٍ أَنَّهُ قَبْلَ مَطْلُومًا يُرِيدُ بِذَلِكَ الْفِتْنَةَ فَاتَّبِعُوا الصَّوْتِ الْأَوَّلَ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْأَخِيرَ أَنْ تُفْتَنُوا بِهِ؛ (۱) هنگامی که ندای آسمانی را در ماه رمضان شنیدید، در آن تردید نکنید؛ چرا که ندای فرشته امین است و علامت آن این است که به نام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و پدر گرانقدرش ندا می دهد، ندایی که دوشیزگان نیز در سراپرده ی خویش آن را می شنوند و پدران و برادران خویش را برای حرکت از خانه و پیوستن به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تشویق می نمایند. این دو ندا پیش از ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف حتماً رخ خواهند داد که اولی از طرف آسمان به وسیله جبرئیل است و دومی از زمین از سوی شیطان برای فریب مردم است، پس مراقب باشید که از صدای نخستین پیروی کنید و مبادا صدای دوم شمارا فریب دهد».

در حقیقت این اعلامیه آسمانی، بارزترین دلیل و برهان قطعی بر حقانیت مذهب شیعه و مکتب اهل بیت علیهم السلام است؛ همان چیزی که آسمانیان نیز بر آن اعتراف دارند و نوید ظهور شکوهمند آخرین منجی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیانگر تداوم این راه نورانی است.

## ه) شادمانی عمومی

خبر ظهور و قیام عدالت گستر جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجی از سرور و شادی

ص: ۲۳۰

را در میان اهل زمین و آسمان، مخصوصاً انسان های اهل ایمان برمی انگیزد؛ هم چنان که این واقعه بزرگ، موجبات نگرانی و ناخشنودی کفار و مشرکان را پدید می آورد؛ زیرا همان گونه که این نوید آسمانی و اعلام خبر ظهور آخرین منجی الاهی، سبب شادمانی و سرور در چهره مؤمنان و مستضعفان عالم می شود، همچنین ترس و اضطراب و وحشت، قلوب ظالمان و جنایتکاران عالم را فرا می گیرد؛ چون در پی خبر ظهور، آنان تمامی قدرت و شوکت خود را در معرض زوال دیده و هیچ چشم انداز امید بخش و راه گریزی برای حفظ و نجات خود نمی یابند.

این خرسندی و شادمانی جهانی در سطوح مختلف و با اشکال گوناگونی در روایات بیان شده است. در بعضی روایات، از خرسندی و استقبال مردم از قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن به میان

آمده است و حتی برخی روایات، از آرزوی مردگان برای زنده شدن و دیدن شکوه و عظمت ظهور آن حضرت خبر داده اند. امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «يَفْرَحُ بِخُرُوجِهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَ سَيِّكَاثُهَا» (۱). با خروج او اهل آسمان ها و ساکنین شان خرسند خواهند شد».

امام کاظم علیه السلام می فرماید: «يَفْرَحُ بِخُرُوجِهِ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَ لَا يَبْقَى كَافِرٌ وَ لَا مُشْرِكٌ إِلَّا كَرِهَ» (۲). به سبب خروج حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف همه مؤمنان و ساکنان آسمان ها خشنود می شوند و هیچ کافر و مشرکی باقی نمی ماند، جز آن که خروج او را نمی پسندد».

حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند: «يَفْرَحُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ الطَّيْرُ وَ الْوُحُوشُ وَ الْحَيَاتَانِ فِي الْبَحْرِ وَ تَزِيدُ الْمِيَاهُ فِي دَوْلَتِهِ وَ تَمُدُّ الْأَنْهَارُ وَ تُضَعِفُ الْأَرْضُ أَكْلَهَا وَ تَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ» (۳). به سبب ظهور او، ساکنان آسمان و زمین و پرندگان و حیوانات وحشی و ماهیان دریا، همگی خوشحال می شوند. در دولت او آب ها فزونی می گیرد و رودها پر آب می گردد و زمین فراوان حاصل می دهد و گنج های آن بیرون کشیده می شود».

ص: ۲۳۱

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۱۵.

۲- يوم الخلاص، ص ۳۳۳.

۳- عقد الدرر، ص ۱۴۹.

ابوسعید خدری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این حدیث را نقل کرده است: «بَلَاءٌ يُصِيبُ هَذِهِ الْأُمَّةَ حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً يُلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ فَيَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ

قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ لَا يَدْعُ السَّمَاءَ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَّهُ مَذْرَارًا وَلَا يَدْعُ الْأَرْضَ مِنْ نَبَاتِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ حَتَّى يَتَمَنَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتُ؛ (۱) بلایی به این امت خواهد رسید که مردم در آن روزگار پناهگاهی نمی یابند تا از ظلم بدان پناه برند پس خدا مردی را از عترت و اهل بیت من برمی انگیزد که به وسیله او زمین را پر از قسط و عدل کند، هم چنان که پر از ظلم و ستم شده است. ساکنان آسمان و زمین از او خشنود خواهند بود. آسمان قطره بارانی را فرو گذار نمی کند، جز اینکه آن را مرتب می باراند و زمین از روئیدنی های خود چیزی باقی نمی گذارد مگر آن که آن را بیرون می دهد تا آن جا که زندگان برای مردگانشان آرزوی زنده شدن می کنند».

در جای دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَمَازِلٍ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛ (۲) شما را به آمدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بشارت می دهم. وی در حالی قیام و خروج خواهد کرد که امت من گرفتار اختلاف و پریشانی شدیدی است. او زمین را از قسط و عدل پر می کند، هم چنان که

از ظلم و جور پر شده است. اهل آسمان و ساکنان زمین همگی از آمدن او شادمان و خشنود خواهند بود».

این سرور و شادی فراگیر به گونه ای است که نه تنها همه اهل عالم بلکه حتی مردگان نیز از بشارت ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شادمان اند، امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «فَإِذَا هَزَّ رَأْيَتَهُ أَضَاءَ لَهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ يَضَعُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِيَادِ فَلَمَّا بَقِيَ مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ أَشَدَّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ لَا يَبْقَى مَيِّتٌ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ الْفَرْحَةُ فِي قَبْرِهِ وَ هُمْ يَتَرَاوَرُونَ فِي قُبُورِهِمْ وَ يَتَبَاشَرُونَ بِقِيَامِ الْقَائِمِ؛ (۳) وقتی

ص: ۲۳۲

۱- الطرائف، ج ۱، ص ۱۷۸؛ غایه المرام، ج ۷، ص ۹۶؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۶۳۹.

۲- بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۹۲.

۳- الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۵۰.

پرچم او برافراشته شود، ما بین مشرق و مغرب را روشن می سازد و دست رحمتش را بر سر بندگان قرار می دهد و مؤمنی باقی نمی ماند مگر اینکه قلبش از پاره آهن گداخته شده، سخت تر می شود و خداوند نیروی چهل مرد را به او می دهد و هیچ مرده ای باقی نمی ماند مگر اینکه آن شادی در قبرش بر او وارد می شود و مردگان در قبرهایشان به دیدار یک دیگر رفته و همدیگر را به قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بشارت می دهند».

## (و) اقتدار شیعه

بدون شک دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دوران حاکمیت مکتب اهل بیت علیهم السلام و فصل شکوفائی و

اقتدار شیعیان است، از این رو، این رخداد بزرگ علاوه بر شادمانی عمومی، برای پیروان اهل بیت عصمت علیه السلام دوران آغار سروری و شکوفائی به شمار می رود؛ زیرا در این دوره، رشته امور جهان در قبضه قدرت آنان خواهند بود.

اما سجاد علیه السلام در این باره می فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَيَنَامَهَا؛ (۱) هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند بیماری و رخوت را از شیعیان ما برطرف می سازد و دل های آنان را همچون پاره های آهن می کند و به هر مردی از آن ها نیروی چهل مرد می دهد و آن ها حکمرانان زمین و رؤسای اجتماع خواهند بود».

امام صادق علیه السلام در باره نقش کلیدی شیعیان در دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اقتدار جهانی آنان می فرماید: «يَكُونُ مِنْ شِيعَتِنَا فِي دَوْلَةِ الْقَائِمِ سَنَامُ الْأَرْضِ وَ حُكَّامُهَا يُعْطَى كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا؛ (۲) برخی شیعیان ما در دولت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف استوانه های محکم و فرمانروایان زمین اند؛ هر کدام به قدر چهل مرد توانمند اند»

## سخنرانی های حضرت

ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ابتدا به وسیله منادی

آسمانی اعلام می گردد، آن گاه

ص: ۲۳۳

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

۲- الاختصاص، ص ۸.

حضرت در ضمن چندین سخنرانی، هدف و پیام انقلاب جهانی خویش را برای مردم جهان تشریح می کند. از این رو، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز ظهور چندین خطبه ایراد خواهد فرمود چنان که در برخی روایات بدان اشاره شده است:

۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از اخذ بیعت از یاران خویش، با مردم شهر مکه سخن می گوید و در حالی که پشت به کعبه داده است، ظهور خود را به اطلاع آنان می رساند و ایشان را به تبعیت و یاری خویش فرا می خواند. در این باره، ابو بصیر از امام باقر علیه السلام چنین نقل می کند: «يَخْرُجُ فِيهِبُطٍ مِنْ عَقْبِهِ طَوًى فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةِ عَشْرٍ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ يَدْرِ حَتَّى يَأْتِيَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَيَصِلُنِي فِيهِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ وَيُسَبِّحُ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجْرِ الْأَسْوَدِ ثُمَّ يَحْمَدُ اللَّهَ وَ يُثْنِي عَلَيْهِ وَ يَذْكُرُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ يُصَلِّي عَلَيْهِ وَ يَتَكَلَّمُ بِكَلِمَاتٍ لَمْ يَتَكَلَّمْ بِهَا أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ؛ (۱) پس (قائم) خروج می کند در حالی که از گردنه طوی با سیصد و سیزده تن از یاران خود که به تعداد اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر می باشند فرود می آید، سپس وارد مسجدالحرام می شود. در آن جا در کنار مقام ابراهیم علیه السلام چهار رکعت نماز می خواند آنگاه به دیوار کعبه و حجرالاسود تکیه داده و با ثنای خداوند و درود بر پیامبر و خاندان طاهرینش علیه السلام لب به سخن می گشاید و سخنانش را به زبان

می آورد که احدی از مردم چنین سخنی را نگفته است».

۲. یکی دیگر از سخنرانی های حضرت، خطبه ای است که در مسجدالحرام و بعد از نماز عشا، ایراد خواهد شد. در این زمینه جابر از امام باقر علیه السلام می فرماید: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مکه به هنگام نماز عشا ظهور می کند؛ در حالی که پرچم و پیراهن و شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به همراه دارد و چون از نماز عشا فارغ شود، به مردم جهان این گونه خطاب می کند: «أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ أَيُّهَا النَّاسُ وَ مَقَامِكُمْ بَيْنَ يَدَي رَبِّكُمْ، فَقَدْ اتَّخَذَ الْحُجَّةَ وَ بَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ وَ أَنْزَلَ الْكِتَابَ وَ أَمَرَكُمْ أَنْ لِمَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ أَنْ تَحْفَظُوا عَلَى طَاعَتِهِ وَ طَاعَةِ رَسُولِهِ وَ أَنْ تُحْيُوا مَا أَحْيَا الْقُرْآنَ وَ تُمِيتُوا مَا أَمَاتَ وَ تَكُونُوا أَعْوَانًا عَلَى الْهُدَى وَ وُزَرَءَ عَلَى التَّقْوَى، فَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ دَنَا فَنَاوُهَا وَ زَوَالِهَا وَ أذْنَتْ بِالْوَدَاعِ، فَإِنِّي

ص: ۲۳۴



أَدْعُوكُمْ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ وَ الْعَمَلِ بِكِتَابِهِ وَ إِمَاتِهِ الْبَاطِلِ وَ إِحْيَاءِ سُنَّتِهِ؛ (۱) ای مردم! شما را به یاد و ذکر خدا و به ایستادن در برابر خدا [در روز قیامت] متذکر می شوم؛ در حالی که حجتش را در دنیا بر شما تمام کرده، پیامبران را مبعوث نموده و قرآن را فرو فرستاده است. خداوند به شما فرمان می دهد که به او شرک نرزید و فرمانبر او و پیامبرانش باشید. آن چه را قرآن امر به احیای آن کرده است، احیا و

زنده کنید و آن چه را که امر به نابودی آن کرده است، نابود سازید و یاوران راه هدایت باشید و بر تقوا و پرهیزگاری همکاری نمایید؛ زیرا فنا و زوال دنیا فرا رسیده و نفخه وداع سر داده شده است. من شما را به سوی خدا و رسولش و عمل به کتاب او و نابودی باطل و احیای سنت و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دعوت می کنم».

۳. از دیگر مواردی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ایراد سخن می پردازد، خطبه ای است که در میان رکن و مقام ایراد می فرماید. در این خطبه، قیام و دعوت رسمی خویش را به اطلاع مردم جهان می رساند تا همانند جدش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نخست دعوت و پیامش را به گوش مردم برساند و بر آنان اتمام حجت کند. آنگاه عده ای دعوتش را می پذیرند و عده ای نیز کارشکنی و توطئه گری کرده و به مخالفت و دشمنی برمی خیزند. امام علیه السلام بعد از اتمام حجت ناگزیر در برابر این طیف، به قیام مسلحانه دست می زند. در این باره امام باقر علیه السلام می فرماید: «فَيَقُومُ الْقَائِمُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ فَيَصِلُ وَ يَنْصِيرُ وَ مَعَهُ وَزِيرُهُ فَيَقُولُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ عَلَيَّ مَنْ ظَلَمَنَا وَ سَلَبَ حَقَّنَا، مَنْ يُحَاجُّنَا فِي اللَّهِ فَإِنَّا أَوْلَى بِاللَّهِ وَ مَنْ يُحَاجُّنَا فِي آدَمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ وَ مَنْ حَاجَّنَا فِي نُوحٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِنُوحٍ وَ مَنْ حَاجَّنَا فِي إِبْرَاهِيمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ وَ مَنْ حَاجَّنَا بِمُحَمَّدٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ وَ مَنْ حَاجَّنَا فِي النَّبِيِّينَ فَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ وَ مَنْ

حَاجَّنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ فَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ إِنَّا نَشْهَدُ وَ كُلُّ مُسْلِمٍ الْيَوْمَ أَنَّا قَدْ ظَلَمْنَا وَ طَرِدْنَا وَ بَغَى عَلَيْنَا وَ أَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَمْوَالِنَا وَ أَهَالِنَا وَ قَهَرْنَا إِلَّا أَنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ

ص: ۲۳۵

الْيَوْمَ وَ كُلِّ مُسْلِمٍ؛(۱) حضرت قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف بین رکن و مقام می ایستد و نماز می گزارد و به اتفاق وزیرش راه می افتد و آنگاه خطاب به مردم جهان می گوید: ای مردم! در مقابل کسانی که به ما ستم روا داشته و حق ما را غصب کردند، از خدا کمک می طلبیم. هر کس درباره خدا با ما محاجه کند، پس ما به خدا سزاوارتریم. هر کس درباره آدم علیه السلام با ما محاجه کند، ما سزاوارترین مردم به آدم علیه السلام هستیم. هر کس درباره نوح علیه السلام با ما محاجه نماید، ما سزاوارترین شخص به نوح علیه السلام هستیم. هر کس درباره ابراهیم علیه السلام با ما محاجه کند، ما سزاوارترین فرد به ابراهیم علیه السلام هستیم. هر کس در باره محمد صلی الله علیه و آله و سلم با ما محاجه نماید، ما سزاوارترین شخص به محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستیم. هر کس درباره نسبت با پیامبران با ما محاجه کند، ما سزاوارترین مردم نسبت به پیامبران هستیم. هر کس درباره کتاب خدا با ما به محاجه پردازد، ما سزاوارترین مردم به کتاب خدا (قرآن) هستیم. ما و همه مسلمانان امروز گواهی می دهیم که مورد ظلم و ستم

قرار گرفته و آواره شده ایم، برضد ما شوریدند و ما را از شهر و دیار و اموال و اهل خود دور و ما را مغلوب کردند. آگاه باشید که ما امروز از همه مسلمانان در راه خدا یاری می طلبیم».

۴. از جمله خطبه های دوره آغازین ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف ایراد خطبه در مسجدالحرام خواهد بود. در این سخنرانی، امام علیه السلام ضمن بیان فضایل نسی و پیوند خویش با پیامبران الاهی علیه السلام به ویژه رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و احتجاج به آن، همگان را به اطاعت و پیروی از دین خدا و پذیرش دعوت خود، فرا می خواند تا او را در راه خدا یاری نمایند. این فراخوان و دعوت امام علیه السلام عمومی و جهانی است و مخاطب حضرت اعم از حاضرین و غائبین است. حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف این خطابه تاریخی را در شرایطی ایراد می فرماید که خود از سوی نیروهای سفیانی تحت تعقیب است؛ اما بنا به فرمان الاهی، سپاهیان مهاجم سفیانی در بیداء به قعر زمین فرو می رود. در این خصوص امام باقر علیه السلام می فرماید: «وَالْقَائِمُ يَوْمَئِذٍ بِمَكَّةَ قَدْ أَشْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ

ص: ۲۳۶

---

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف ج ۵، ص ۲۰.

مُسْتَجِيرًا بِهِ فَيُنَادِي يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ فَمَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ فَأَنَا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَ  
بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَمَنْ حَاجَّنِي فِي آدَمَ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي نُوحٍ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِنُوحٍ وَ مَنْ  
حَاجَّنِي فِي إِبْرَاهِيمَ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي

النَّبِيِّينَ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى  
الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ فَأَنَا بَقِيَّةُ مِنْ آدَمَ وَ ذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ وَ مُصِطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ صِفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَلَا فَمَنْ حَاجَّنِي فِي كِتَابِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ أَلَا وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى  
النَّاسِ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَأَنْشُدُ اللَّهَ مَنْ سَمِعَ كَلَامِي الْيَوْمَ لَمَّا بَلَغَ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ وَ أَسْأَلُكُمْ بِحَقِّ اللَّهِ  
وَ حَقِّ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ بِحَقِّي فَإِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقَّ الْقُرْبَى مِنْ رَسُولِ اللَّهِ إِلَّا أَعْتَمُونَا وَ مَنَعْتُمُونَا مِمَّنْ يَظْلِمُنَا فَقَدْ  
أَخْفَنَا وَ ظَلَمْنَا وَ طَرَدْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَبْنَانِنَا وَ بَعِي عَلَيْنَا وَ دَفَعْنَا عَنْ حَقِّنَا وَ افْتَرَى أَهْلُ الْبَاطِلِ عَلَيْنَا فَاللَّهُ اللَّهُ فِينَا لَا تَخْذُلُونَا وَ انْصُرُونَا  
يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ تَعَالَى؛ (۱) حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز قیام الاهی خویش به فرمان خدا وارد مسجدالحرام  
می شود و بر دیوار خانه خدا تکیه می زند. آنگاه پس از ستایش خدا و نثار خالصانه ترین و پاک ترین درودها بر پیامبر صلی  
الله علیه و آله و سلم و خاندان پاک و مطهرش، جهانیان را مخاطب قرار داده و می فرماید: ای مردم! ما و هرکس که ما را  
اجابت کند، از خدا یاری می طلبیم. ما خاندان پیام آور شما، محمد هستیم و شایسته ترین و نزدیک ترین و سزاوارترین مردم  
به خدا و پیامبرش هستیم. هر کس با من در مورد آدم گفتگو کند، من نزدیک ترین مردم به آدم هستم و هرکس در مورد  
نوح، ابراهیم و محمد صلی الله علیه و آله و سلم با من بحث و گفتگو کند، من نزدیک

ترین انسان ها به این پیامبران بزرگ و پرچمداران هدایت و رسالت هستیم. آیا خداوند در کتاب آسمانی خود فرموده است:  
«خداوند، آدم، نوح، خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برتری داد، فرزندان بودند که برخی از نسل برخی دیگر  
پدیدار گشتند و خدا شنوا و داناست». بدانید که من شایسته ترین باقی مانده از

ص: ۲۳۷

فرزندان آدم و بهترین ذخیره از نوح پیامبر علیه السلام و برترین برگزیده از ابراهیم و آخرین امامان راستین از نسل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستیم. آگاه باشید که هر کس در مورد کتاب خدا با من گفتگو نماید، من نزدیک ترین انسان ها به کتاب آسمانی هستم و هر کس در مورد سنت و روش پیام آور خدا سخن دارد، من نزدیک ترین و سزاوارترین فرد به سنت و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عامل به آن و تحقق دهنده آرمان های والای قرآن و سنت هستم. از این رو، اینک همه را سوگند می دهم که شما حاضران و شنوندگان، پیام مرا به آنانی که غایب هستند و نمی شنوند، برسانید. و شما را به حرمت خدا و پیام آورش و به حرمت حق خویش - که حق قرابت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است - فراخوانده و سوگند می دهم که ما را در راه تحقق آرمان های والای آسمانی یاری کنید و از ما و اهداف بلند ما حمایت و دفاع کنید. در

روزگاران گذشته، ستمکاران، ما را به جرم دفاع از حق و عدالت مورد تهاجم و تهدید قرار دادند. ما را از شهر و دیار و خانه و خاندان خویش راندند. حقوق ما را پایمال ساختند و میان ما و حقمان جدایی افکندند و بر ما دروغ و بهتان بستند. اینک خدا را در رعایت حقوق و پذیرش آرمان های بلند ما فراموش نکنید و ما را تنها وامگذارید و دست از یاری ما برندارید، تا خداوند نیز شما را یاری نماید».

### بیعت با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

#### اشاره

با اعلام ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مکه و انتشار این خبر، عاشقان و منتظران ظهور آن حضرت، در حالی که از شوق این خبر، دل هایشان لبریز از غرور و شادی است، برای نصرت و یاری امام، به سوی مکه رهسپار می شوند تا مفتخر به یاری و بیعت با آن وجود مقدس گردند و به جمع یاران آن حضرت پیوندند.

#### الف) بیعت فرشتگان

در مسأله بیعت و هم پیمانی با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گویا ملکوتیان آسمانی بر زمینیان سبقت می گیرند و پیشاپیش گروه فرشتگان، دو فرشته اعظم الاهی یعنی حضرت جبرائیل و میکائیل حضور دارند که مفتخر به بیعت با آخرین حجّت

الاهی می شوند.

براساس روایات، در مراسم بیعت، ابتدا فرشتگان الاهی دعوت امام علیه السلام را لیبیک می گویند، سپس سیصد و سیزده یار ویژه آن حضرت، با امام و مقتدای خویش بیعت می کنند. مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: «إِذَا أَدَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْقَائِمِ فِي الْخُرُوجِ صِدْقَ الْمُنْتَبِرِ وَ دَعَا النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ وَ نَاشَدَهُمْ بِاللَّهِ وَ دَعَاهُمْ إِلَى حَقِّهِ وَ أَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسَيْرِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ يَعْمَلُ فِيهِمْ بِعَمَلِهِ فَيَبْعَثُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ جِبْرِيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يَأْتِيَهُ فَيَنْزِلُ عَلَى الْحَاطِمِ ثُمَّ يَقُولُ لَهُ إِلَى أَيِّ شَيْءٍ تَدْعُو فَيُخْبِرُهُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَقُولُ جِبْرِيْلُ أَنَا أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُكَ ابْسُطْ يَدَكَ فَيَمْسَحُ عَلَى يَدِهِ وَ قَدْ وَافَاهُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ بَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فَيُبَايِعُونَهُ وَ يُقِيمُ بِمَكَّةَ حَتَّى يَتِمَّ أَصْحَابُهُ عَشْرَةَ أَلْفٍ أَنْفُسٍ ثُمَّ يَسِيرُ مِنْهَا إِلَى الْمَدِينَةِ؛ (۱) زمانی که خداوند متعال به حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف اجازه قیام دهد، آن حضرت از منبر بالا رفته و مردم را به سوی خود دعوت نموده و آن ها را درباره حق خود به خدا سوگند می دهد و تصریح می کند که در میان آنان به سنت و عمل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رفتار کرده و عمل می نماید. آنگاه خداوند، جل جلاله، جبرئیل را به سوی او می فرستد. جبرئیل درحطیم، بر آن حضرت نازل گشته و از آن حضرت می پرسد: «به چه چیز دعوت می کنی؟» حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف او را در جریان قرار می دهد. آنگاه جبرئیل می گوید: «من نخستین کسی هستم

که با تو بیعت می کنم، دستت را بگشا» و آن گاه دستش را به دست حضرت می کشد. در آن زمان سیصد و اندی نفر گرد حضرت جمع شده و با او بیعت می کنند و آن حضرت در مکه اقامت نموده تا این که تعداد یاران و اصحابش به ده هزار نفر برسد. سپس رهسپار مدینه می شوند».

ابی الجارود، به نقل از امام باقر علیه السلام جریان باشکوه بیعت فرشتگان، را این چنین گزارش می کند: «فَيَقُولُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِلْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ نَصَرُوا رَسُولَ اللَّهِ يَوْمَ يَدْرٍ وَ لَمْ يُحِطُوا سُرُوجَهُمْ وَ لَمْ يَضَعُوا أَسْلِحَتَهُمْ، فَيُبَايِعُونَهُ؛ (۲) خداوند متعال به فرشتگانی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را در جنگ بدر یاری کردند فرمان می دهد، پس آنان (که تا آن زمان

ص: ۲۳۹

۱- الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۲؛ روضه الواعظین، ص ۲۶۵؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۲- دلائل الأمامه، ص ۴۵۵؛ معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف ج ۳، ص ۳۰۶.

هنوز آماده باش بوده اند و زین اسب ها و اسلحه های خود را زمین نگذاشته اند) برای یاری رسانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با او بیعت می کنند».

أبان بن تغلب از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَبْرَائِيلُ يُنَزَّلُ فِي صُورِهِ طَيْرٍ أبيضَ فَيُبَايِعُهُ»؛ (۱) نخستین کسی که با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می کند، حضرت جبرائیل علیه السلام است که به صورت

پرنده ای سفید بر آن حضرت فرود می آید و با ایشان بیعت می کند».

امام باقر علیه السلام رخداد باشکوه بیعت فرشتگان الهی را چنین بیان کرده است: «فَيَكُونُ أَوَّلُ مَنْ يَضْرِبُ عَلَى يَدِهِ وَيُبَايِعُهُ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ يَقُومُ مَعَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛ (۲) اولین کسانی که با او (مهدی) دست بیعت می دهند، جبرئیل و میکائیل هستند در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیر مؤمنان علیه السلام آن دو فرشته بزرگ الهی را همراهی می فرمایند».

### **(ب) بیعت اصحاب حضرت**

از جمله وقایع هنگامه ظهور که در روایات بدان اشاره شده مراسم بیعت یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ایشان است. البته این برنامه مختص به سیصد و سیزده نفر، اصحاب ویژه حضرت است. آنان در نخستین اقدام خود، با رهبر و امام خویش بیعت می کنند و مراتب تعهد و وفاداری شدید خویش را نسبت به دستورات، اهداف و برنامه های ایشان، اعلام می نمایند؛ زیرا تجربه امامان پیشین علیه السلام مخصوصاً امیر مؤمنان علیه السلام و امام حسن مجتبی علیه السلام نشان داده است که بسیاری از اطرافیان و کسانی که ادعای وابستگی و مریدی با امام علیه السلام را داشته اند، یا از همان اول در ادعای خود

صادق نبوده اند و یا این که به مرور و در مواقع امتحان و خطر، نتوانسته اند نسبت به امام و پیشوای خود وفادار بمانند.

مراسم بیعت اگرچه شامل همه یاران حضرت می شود؛ اما در این میان، بیعت سیصد و سیزده نفر اصحاب خاص آن حضرت به دلیل سنگینی مسئولیت و جایگاه

ص: ۲۴۰

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۶.

۲- الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۵۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

بی بدیلشان، بیش از همه مورد تأکید حضرت خواهند بود؛ زیرا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای انجام رسالت بزرگ خویش؛ یعنی اصلاح جهان و گسترش عدالت و قسط، نیازمند دستیاران فوق العاده مؤمن، شجاع و متعهد است؛ یارانی که نه تنها در هیچ شرایطی از دستورات و منویات ایشان، تخطی نکنند، بلکه در افکار و رفتارشان، الگوهای عینی ایمان و تجسم عدالت برای دیگران و در عرصه های جهاد و نبرد با دشمنان، هم چون فولاد و در عرصه های خدمت گزاری به مردم، کارگزاران صدیقی برای حضرت باشند و تا آخر، بر این عهد و پیمان، پای بند و وفادار بمانند.

در روایت پیشین مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام آمده است: «إِذَا أَدَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْقَائِمِ فِي الْخُرُوجِ... وَقَدْ وَافَاهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فَيَبَايَعُونَهُ»<sup>(۱)</sup> هنگامی که خداوند به حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف اجازه قیام دهد، در آن زمان سیصد و اندی نفر گرد حضرت جمع شده

و با او بیعت می کنند».

جابر بن یزید جعفی، از امام باقر علیه السلام بیعت اصحاب ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را چنین روایت کرده است: «فَيَجْمَعُ اللَّهُ عَلَيْهِ أَصْحَابَهُ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ لَهُ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ قَزَعًا كَقَزَعِ الْخَرِيفِ وَ هِيَ يَا جَابِرُ الْمَائِيَةُ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ فِي كِتَابِهِ (أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)<sup>(۲)</sup> فَيَبَايَعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ»<sup>(۳)</sup> خداوند سیصد و سیزده نفر یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را جمع کرده و بدون قرار قبلی آنان را گرد می آورد همچون پاره های ابر پائیز که به هم می پیوندند، ای جابر این مصداق همان آیه است که خداوند در قرآنش فرمود: هر جا باشید خداوند همه شما را می آورد که خداوند بر همه چیز توانا است، پس آنان در میان رکن و مقام با او بیعت می کنند».

### ج) شرایط بیعت

مهم ترین شرط بیعت با حضرت، تعهد به عمل به دستورات قرآن و سنت جدش

ص: ۲۴۱

۱- الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۲؛ روضه الواعظین، ص ۲۶۵.

۲- سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۳- الغیبه، نعمانی، ص ۲۸۲.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمود: «بَيَّاعُ الْقَائِمِ بِمَكَّةَ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِهِ؛ (۱) مردم مکه با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می کنند تا بر طبق کتاب و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آن حضرت پیروی نمایند».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای یاران خاص خود، یعنی سیصد و سیزده نفر به دلیل موقعیت خاص آنان، شرایط ویژه ای را وضع می کند؛ چرا که آنان در آینده، کارگزاران حکومت حضرت خواهند بود و امام علیه السلام را در بسط دیانت و عدل در جهان، یاری خواهند رساند. از این رو حضرت، علاوه بر امتحان و آزمایش یاران خویش، براساس شرایط خاصی، با آنان بیعت کرده و از آنان برای عمل به آن شرایط پیمان می گیرد. اصحاب نیز بر اساس آن شرایط، با امام خویش بیعت می کنند.

در روایت منقول از امیرمؤمنان علیه السلام آمده است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خطاب به سیصد و سیزده نفر از یاران خاص خود، با این شرایط بیعت می کند که: دزدی و زنا نکنند، آدم نکشند، هتک حرمت نکنند، به مسلمانی ناسزا نگویند، به منزلی هجوم نبرند، کسی را نزنند مگر به حق و کمر بند طلائی نبندند... و ابریشم نبوشند... مسجدی را خراب نکنند، راهی را ناامن نکنند، مکر و حيله نمایند، مال یتیم نخورند، لواط نکنند، شراب نخورند، به امامت و رهبری خیانت نکنند، خلف عهد و وعده نمایند، طعام احتکار نکنند، پناهنده ای را نکشند، شخص فراری را تعقیب

نکنند، خون نریزند، بر انسان زخمی هجوم نبرند، لباس خشن بپوشند و خاک رامخده ی خود قرار دهند، نان جو بخورند و در راه خدا به حق جهاد کنند و استشمام عطریات کنند و از نجاسات کراهت داشته باشند. سپس می افزاید: اگر به این شرایط پای بند باشید، من نیز جز شما را یاور نگیرم؛ جز آن چه شما می پوشید نپوشم؛ جز آن چه شما می خورید نخورم؛ جز بر مرکبی که شما سوار می شوید سوار نشوم؛ هر کجا باشید با شما باشم؛ به هر کجا رهسپار شدید با شما بیایم؛ به نیروی کم خرسند و خشنود باشم؛ زمین را از عدل و داد آکنده سازم آن سان که از ستم و جور پر شده و خدا را به گونه ای که شایسته است پرستش نمایم. من به آن چه گفتم وفادار

ص: ۲۴۲



خواهم بود؛ شما نیز بر عهد خود وفاداری کنید. سپس اصحاب جملگی گویند: راضی هستیم و به آن چه فرمودی باتو بیعت می کنیم. آنگاه امام به نشانه پذیرش بیعت آنان، با تک تک آن ها، مصافحه می کند» (۱).

ص: ۲۴۳

---

۱- ر.ک: عقد الدرر، ص ۹۶؛ منتخب الأثر، ص ۴۶۹.

همان گونه که امیرمؤمنان علیه السلام در دوران حکومتش با دو گونه دشمن مواجه بود؛ یکی علنی؛ یعنی جبهه معاویه و دیگری جبهه به ظاهر خودی، نظیر گروه متحجر خوارج و ناکثین؛ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بعد از ظهور و در راه تشکیل حکومت عدل مهدوی، با دو مانع جدی از ناحیه دو گروه مخالف و معاند مواجه خواهد بود که هر دو، متظاهر به اسلام اند؛ یکی جبهه سفیانی که علناً با حضرت اعلام جنگ کرده و رو در روی حضرت قرار می گیرد؛ گروه دیگر، منافقان و کسانی که اهل ریا و تظاهر و مدعی دیانت و حفظ قرآن اند، اما حضرت را تکفیر کرده و در مقابل امام علیه السلام می ایستند و مانع پیشروی و تثبیت نهضت الهی حضرت در مناطق مختلف، مخصوصاً عراق می شوند.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مواجهه با هر کدام از این دو گروه، همانند جدش امیرمؤمنان علیه السلام برخورد قاطعانه خواهد داشت و همان گونه که با

سفیانیان از موضع قدرت و شمشیر برخورد می کند، با گروه دوم نیز جنگ خواهد کرد؛ زیرا با وجود اتمام حجت از ناحیه ایشان، این گروه فتنه انگیز و خودخواه نیز جز زبان شمشیر، هیچ زبان دیگری را نمی فهمند. لذا امام عجل الله تعالی فرجه الشریف برای زدودن موانع و تثبیت پایه های حکومت الهی خویش، ناگزیر با آنان برخورد انقلابی و عبرت انگیزی خواهند داشت.

مقابله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با این دو جبهه، بیشتر معطوف به مناطق تحت نفوذ دشمن مانند حجاز و عراق است. از این رو، پاکسازی مرکزیت جهان اسلام؛ یعنی مکه و مدینه و

شهرهای عراق از لوث حاکمان فاسد، در اولویت اقدامات آغازین قیام رهایی بخش آن حضرت خواهند بود.

## آزادسازی شهر مکه

شهر مقدس مکه، بر خلاف مدینه منوره و شهرهای عراق، بدون جنگ و خون ریزی تسلیم حضرت می شود؛ زیرا اهالی مکه اگرچه در ابتدا با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مخالفت و کارشکنی می کنند و پیام رسان حضرت؛ یعنی نفس زکیه را به قتل می رسانند، اما اندکی بعد، با مشاهده آثار حقانیت و غلبه حضرت، با ایشان بیعت می کنند. پس از بیعت مردم مکه و فروپاشی نظام حاکم بر آن، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کنترل کامل این شهر را در دست می گیرد و به

اصلاح امور می پردازد.

## مجازات مجرمان خانه خدا

از جمله اقدامات اصلاحی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از آزادی شهر مکه، دستگیری و تنبیه مجرمانی است که در زمان سلطه بر مکه، مرتکب انواع جرایم و جنایات شده اند. آن حضرت، افراد خیانت کاری که با نقاب تقدس، اموال فقرا و مساکین و سایر مردم را چپاول کرده اند، معرفی و رسوا نموده و بر آن ها حد جاری می سازد.

در روایتی که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده، آمده است: «إِنَّهُ يَخْرُجُ مَوْثُورًا غَضَبًا نَسْفًا لِعُصْبِ اللَّهِ عَلَى هَذَا الْخَلْقِ يَكُونُ عَلَيْهِ قَمِيصُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الَّذِي عَلَيْهِ يَوْمَ أُحُدٍ وَعَمَامَتُهُ السَّحَابُ وَدِرْعُهُ دِرْعُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ السَّابِغَةُ وَسَيْفُهُ سَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ذُو الْفَقَارِ يُجَرِّدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ يَقْتُلُ هَرَجًا فَأَوَّلُ مَا يَبْدَأُ بِنَبِيِّ شَيْبَةَ فَيَقْطَعُ أَيْدِيَهُمْ وَيُعَلِّقُهَا فِي الْكَعْبَةِ وَيُنَادِي مُنَادِيَهُ هَوْلًا سِرًّا اللَّهُ ثُمَّ يَتَنَاوَلُ قَرِيشًا فَلَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفَ وَلَا يُعْطِيهَا إِلَّا السَّيْفَ» (۱) حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در حالی قیام می کند که خون خواه و خشمگین و به خاطر غضب خداوند، غضبناک است. او پیراهن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را که در روز احد به تن داشت پوشیده و عمامه آن حضرت به نام سحاب و زره آن حضرت به نام سابغه و شمشیر آن حضرت به نام ذوالفقار را

ص: ۲۴۵

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۳۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۱.

را آماده کرده و هجده ماه آن را بر دوش دارد. پس اولین کسانی که به حساب آن ها می رسد، بنی شیبه خواهند بود. حضرت دستان آن ها را قطع و در کعبه آویزان می کند و منادی حضرت فریاد می زند: این ها دزدان حرم خداوندی هستند. سپس سراغ قریش می رود و با شمشیر با آن ها معامله می کند».

این حرکت عبرت آموز حضرت، صرفاً برای اجرای حدشرعی بر یک دزد نیست؛ بلکه انگیزه دیگری نیز در آن به چشم می خورد و آن معرفی افرادی است که در طول تاریخ اسلام به عنوان کلید دار و خادم خانه خدا، هدایا و نذورات و موقوفات کعبه و بلکه اموال زائران خانه خدا را جمع و صرف خواسته های شهوانی خود کرده اند؛ به همین جهت امام علیه السلام آنان را که فریبکارانه در پوشش خدمت به حرم خانه خدا، دین خدا را پایمال می کنند به عنوان «سُرَّاقُ اللَّهِ» یعنی دزدان خدا معرفی می کند.

عبدالله بن مغیره نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَقَامَ خَمْسَةَ مِائَةٍ مِنْ قُرَيْشٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ ثُمَّ أَقَامَ خَمْسِمِائِهِ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ ثُمَّ خَمْسِمِائِهِ أُخْرَى حَتَّى يَفْعَلَ ذَلِكَ سِتِّ مَرَّاتٍ قُلْتُ وَ يَبْلُغُ عَدَدُ هَؤُلَاءِ هَيْذَا قَالَ نَعَمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ مَوَالِيهِمْ؛(۱) آنگاه که قائم آل محمد ظهور کرد پانصد نفر از قریش را می آورد و گردن می زند، سپس

پانصد نفر دیگر را، تا شش بار این کار را تکرار می کند. من عرض کردم: آیا دسته های بعدی هم پانصد نفرند؟ فرمود: آری و همه آن ها از قریش و دوستان آن ها می باشند».

### اصلاح بنای مسجد الحرام

از اقدامات دیگر آن حضرت، بازگرداندن مسجدالحرام به حدود اصلی آن است. ابا بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ هَدَمَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ حَتَّى يَرُدَّهُ إِلَى أَسَاسِهِ وَ حَوَّلَ الْمَقَامَ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي كَانَ فِيهِ وَ قَطَعَ أَيْدِيَ بَنِي شَيْبَةَ وَ عَلَّقَهَا عَلَى بَابِ الْكَعْبَةِ وَ كَتَبَ عَلَيْهَا هَؤُلَاءِ سُرَّاقُ الْكَعْبَةِ؛(۲) هنگامی که

ص: ۲۴۶

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۲- الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به پا می خیزد، مسجدالحرام را به حدود اصلی آن و مقام (ابراهیم علیه السلام) را بجای اولی خود که در آن بوده بازگرداند و دست های قبیله بنی شیبیه (نماد کلید داری کعبه) را برد و بر در کعبه بیاویزد با این نوشته که این هایند دزدان کعبه».

### تسهیل در مراسم حج

از جمله اقدامات اصلاحی حضرت در مکه، ممانعت از طواف های مستحبی است که مزاحم طواف واجب دیگران می شود. روشن است که در عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تمامی موانع و مقررات دست و پا گیر مربوط به مقدمات حج الغا

می شود و سفر به بیت الله برای همگان، بدون هیچ قید و شرطی میسر خواهد شد. طبیعی است که در آن وقت، شمار زائران، به طور بی سابقه ای رو به افزایش می گذارد و آن گاه است که طواف بر گرد کعبه و حجرالاسود سخت می شود؛ به ویژه آن که برخی از زائران به اعمال واجب بسنده نمی کنند و برای ثواب و پاداش بیشتر می خواهند طواف و نماز مستحبی نیز انجام دهند.

به همین جهت است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با وضع مقررات خاص، به زائران خانه خدا دستور می دهد که به طواف واجب بسنده کنند و میدان را برای دیگران جهت انجام واجبات حج باز بگذارند. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید: «أَوَّلُ مَا يُظْهِرُ الْقَائِمُ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ يُنَادِيَ مُنَادِيَهُ أَنْ يُسَلِّمْ صَاحِبُ النَّافِلَةِ لِصَاحِبِ الْفَرِيضَةِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَ الطَّوَّافَ؛<sup>(۱)</sup> اولین آثار و نشانه های عدالت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مکه این است که از طرف او اعلان می شود: ای مردم! هر کس طواف واجب خویش را انجام داده است، جای خود را در طواف و کنار حجرالاسود به کسانی که می خواهند طواف واجب انجام دهند، واگذار کند».

### تعیین فرماندار مکه

یکی از اقدامات مهم حضرت در مکه، تعیین فرماندار جدید برای اداره این شهر و

ص: ۲۴۷

کنترل امورات سرزمین وحی است. حضرت بعد از اخذ بیعت از اهالی مکه، شخصی را به عنوان حاکم و فرماندار، تعیین و خود همراه با یاران خویش به سوی مدینه حرکت می کند تا مردم مدینه را از چنگال ستمکاران سفیانی رهایی بخشد؛ اما پس از خروج حضرت از این شهر، دشمنان به ظاهر خاموش دست به شورش زده و فرماندار حضرت را به شهادت می رساند، در حالی که امام علیه السلام در میان راه مدینه است از مکه گزارش می رسد که برخی از دشمنان حضرت، علیه حاکم منصوب وی شورش نموده و در یک اقدام جنایتکارانه کارگزار ایشان را به قتل رسانده اند. امام علیه السلام با شنیدن این خبر ناگوار، مجبور به بازگشت به مکه می شود تا شورشیان را سرکوب کرده، ریشه فتنه را از بن بر کند.

ابو خالد کابلی نقل می کند که امام باقر علیه السلام فرمود: «يُبَايِعُ الْقَائِمُ بِمَكَّةَ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِهِ وَ يَسْتَعْمَلُ عَلَى مَكَّةَ ثُمَّ يَسِيرُ نَحْوَ الْمَدِينَةِ فَيَبْلُغُهُ أَنَّ عَامِلَهُ قَتَلَ فَيَرْجِعُ إِلَيْهِمْ فَيَقْتُلُ الْمُقَاتِلَةَ وَ لَا يَزِيدُ عَلَى ذَلِكَ ثُمَّ يَنْطَلِقُ فَيَدْعُو النَّاسَ بَيْنَ الْمَسْجِدَيْنِ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِهِ وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِ» (۱) قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف پس

از اخذ بیعت از اهالی مکه در پیروی از کتاب و سنت، برای اهل مکه کارگزار تعیین می نماید و خود همراه با یاران خویش به سوی مدینه حرکت می کند. بعد از خروج حضرت از مکه، به ایشان گزارش می رسد که والی و نماینده ایشان، توسط مخالفان حضرت کشته شده است. امام به سوی آن ها برمی گردد و فقط جنگاوران آنان را به قتل می رساند و به دیگران کاری ندارد. سپس مردم را در میان دو مسجد به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت علی علیه السلام و تبری از دشمنان او، دعوت می کند.

مفضل می گوید محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم مولای من آیا قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف در مکه اقامت می کند؟ فرمود: «لَمَّا يَا مُفَضَّلُ بَيْلٌ يَسْتَتَخِلَفُ مِنْهَا رَجُلًا مِنْ أَهْلِهِ فَإِذَا سَارَ مِنْهَا وَ تَبَّوْا عَلَيْهِ فَيَقْتُلُونَهُ فَيَرْجِعُ إِلَيْهِمْ فَيَأْتُونَهُ مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُؤْسِهِمْ يَبْكُونَ وَ يَتَضَرَّعُونَ وَ يَقُولُونَ يَا مَهْدِيَّ آلِ مُحَمَّدٍ التَّوْبَةَ التَّوْبَةَ فَيَعْظُمُهُمْ وَ يُنذِرُهُمْ وَ يَحْذَرُهُمْ وَ

ص: ۲۴۸

يَسِّرْ تَخْلِيفُ عَلَيْهِمْ مِنْهُمْ خَلِيفَةً وَ يَسِّرُ فَيُثْبِتُونَ عَلَيْهِ بَعْدَهُ؛(۱) نه! بلکه نایب خود را در آنجا می گذارد، ولی چون اهل مکه دیدند قائم از میان آنها رفته است، هجوم می آورند و نایب او را می کشند. قائم به سوی آنها برمی گردد و آنها به طور سرشکسته و ذلیل و گریه کنان نزد وی می آیند و التماس می کنند و می گویند: ای مهدی آل محمد! توبه کردیم، توبه کردیم، قائم آنها را موعظه می کند و از غضب خدا می ترساند و شخصی از اهل مکه را به نیابت خود انتخاب می کند و از مکه خارج می شود».

### آزادسازی مدینه منوره

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای زدودن موانع دعوت خویش، ابتدا به آزادسازی شهرهای اسلامی از دست طاغوتیان جور می پردازد تا زمینه برای اقدامات اصلاحی دیگر فراهم شود.

بدین منظور، پس از شنیدن خبر شکست و رسوایی لشکر سفیانی در قضیه خسف پیدا و پس از نصب جانشینی در مکه، همراه با خیل عظیم یارانی که به او پیوسته اند، به سوی مدینه حرکت می کند تا شهر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و مردم تحت ستم آن جا را از چنگ جباران ستمگر سفیانی رهایی بخشد.

چنان که امام باقر علیه السلام می فرماید: «إِذَا سَمِعَ الْعَائِدُ بِمَكَّةَ بِالْخُسْفِ، خَرَجَ فِي إِثْنِي عَشَرَ أَلْفًا فِيهِمُ الْأَبْدَالُ حَتَّى يَأْتِيَ إِيلِيَا؛(۲) زمانی که پناهنده مکه [حضرت مهدی] خبر فرورفتن سپاه [سفیانی] را می شنود با دوازده هزار تن که میان آن ها ابدال و بزرگان هستند، از مکه خارج شده تا در زمین ایلیا فرود آید».

در روایتی که ابو خالد کابلی از امام

باقر علیه السلام نقل کرده نیز آمده است: «يُبَايِعُ الْقَائِمُ بِمَكَّةَ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِهِ وَ يَسِّرُ تَعْمَلُ عَلَى مَكَّةَ ثُمَّ يَسِّرُ نَحْوَ الْمَدِينَةِ؛(۳) مردم در مکه با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بر طبق کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیعت می کنند. سپس حضرت برای مردم مکه شخصی را از طرف خود به عنوان والی تعیین و خود به سوی مدینه حرکت می کند».

ص: ۲۴۹

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۲۹۷.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مسیر بازگشت به مدینه، از منطقه بیداء (محل فرورفتن لشکر سفیانی) عبور می کند. جابر جعفی از امام باقر علیه السلام روایت می کند که فرمود: «ثُمَّ يُخْرَجُ مِنْ مَكَّةَ... مَعَهُ ثَلَاثُ مَائَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَ مَعَهُ رَأْيُهُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عَامِدًا إِلَى الْمَدِينَةِ حَتَّى يَمَرَ بِالْبِيدَاءِ حَتَّى يَقُولَ هَذَا مَكَانُ الْقَوْمِ الَّذِينَ يُخَسِّفُ بِهِمْ وَ هِيَ الْآيَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ: (أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ) (۱)؛ (۲)» پس قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از مکه خارج و در حالی که سیصد و چند مرد همراه وی است و درفش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را با خود دارد، رهسپار

مدینه می شود تا آن که از منطقه بیداء عبور می کند و می گوید: این جا مکان گروهی است که در زمین فرو رفته اند و این معنای سخن خداوند است که در قرآن فرمود: آیا کسانی که در صدد مکر و حيله با خدا برآمدند، در امان اند از این که زمین آنان را یک باره در کام خود فرو برد یا عذاب و مجازات الهی، از جایی که اصلاً فکرش را نمی کنند و انتظارش را ندارند، به سراغشان آید؟ یا به هنگامی که در رفت و آمدند [و با حرص و ولع شدید به گردآوری مال و ثروت بیش تر مشغول اند دامانشان را بگیرد، در حالی که قادر به فرار و نجات خود نمی باشند؟].

## آزاد سازی مدینه

با ورود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش به شهر مدینه، این شهر به عنوان دومین مکان مقدس اسلامی، از دست دشمنان و مخالفان آزاد می شود و افراد دربند، مانند بنی هاشم که اغلب در زندان عمال ستمگر سفیانی به سر می برند، همگی رهایی می یابند. با تسلط حضرت بر شهرهای مکه و مدینه، سرزمین حجاز از چنگال دشمنان و مخالفان، پاک سازی می شود.

ص: ۲۵۰

۱- سوره نحل، آیه ۴۶.

۲- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۶؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۵، ص ۲۰.



در روایتی که اباجارود از امام باقر علیه السلام نقل کرده، آمده است: «يَسِيرُ إِلَى الْمَدِينَةِ، فَيَسِيرُ النَّاسُ حَتَّى

يَرْضَى اللَّهُ فَيَقْتُلُ أَلْفًا وَخَمْسِمِائَةَ قُرَشِيًّا لَيْسَ فِيهِمْ إِلَّا فَرُخٌ زَيْتِيَّةٌ» (۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سوی مدینه حرکت می کند، پس مردم نیز برای رضای خدا، همراه آن حضرت به سوی مدینه رهسپار می شوند. وقتی حضرت وارد شهر می شود، هزار و پانصد تن از قریش را که همگی حرام زاده اند به قتل می رساند.

آزادسازی مدینه و حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شهر جدش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سبب شادی و سرور دوستان اهل بیت علیهم السلام می شود. هنگامی که مفضل از امام صادق علیه السلام درباره مسیر قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از مکه سؤال کرد: «يَا سَيِّدِي ثُمَّ يَسِيرُ الْمَهْدِيُّ إِلَى أَيِّنَ؟» حضرت در پاسخ فرمود: «إِلَى مَدِينَةِ حَيْدِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَإِذَا وَرَدَهَا كَانَ لَهُ فِيهَا مَقَامٌ عَجِيبٌ يَطَّهَّرُ فِيهِ سُرُورُ الْمُؤْمِنِينَ وَخِزْيُ الْكَاْفِرِينَ» (۲) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از حرکت از مکه، وارد مدینه جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می شود و هنگامی که وارد شهر مدینه می شود، عظمت و شکوه مقام او، سبب شادی فوق العاده مؤمنان عالم شده و ذلت و خواری کافران آشکار می گردد.

### تعیین فرماندار مدینه

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از تأمین امنیت مدینه، مدتی کوتاه در این شهر اقامت می گزیند؛ سپس

شخصی را به عنوان حاکم و کارگزار در آن شهر منصوب می کند و خود با سپاهیان خویش برای آزادی شهرهای عراق به سوی کوفه حرکت می کند. ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام نقل نموده است: «يَخْرُجُ إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَقِيمُ بِهَا مَا شَاءَ ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى الْكُوفَةِ وَ يَسْتَعْمَلُ عَلَيْهَا رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ» (۳) حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ورود به مدینه، مدتی که صلاح بداند در آن جا اقامت می گزیند، سپس به طرف کوفه حرکت می کند و یکی از یاران خود را حاکم مدینه قرار می دهد.

ص: ۲۵۱

۱- دلایل الإمامه، ص ۴۵۵؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۳۰۶.

۲- الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۱۵؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۲۹۷.

در آستانه ظهور، عراق و مخصوصاً کوفه و شهرهای اطراف آن، مرکز تحولات منطقه، محسوب می شود. از این رو، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از آزادسازی شهرهای مکه و مدینه، رهسپار عراق می گردد تا آن جا را نیز از فتنه سفیانیان رهایی بخشد. در واقع مهم ترین درگیری های حضرت و تقابل او با سفیانی، در شهرهای عراق رخ خواهند داد.

یعقوب بن سراج از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «يُقْبَلُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ نَحْوَ الْعِرَاقِ وَ يَبْعَثُ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَأْمَنُ أَهْلَهَا وَ يَرْجِعُونَ إِلَيْهَا» (۱) صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف به سوی

عراق روی می آورد و سپاهی را به مدینه می گمارد تا امنیت را برای اهالی مدینه برقرار کند و آنانی را که از مدینه مهاجرت کرده اند به خانه هایشان باز گردند».

مردم مدینه نیز همانند اهالی مکه دست به شورش می زنند و پس از حرکت سپاه حضرت از مدینه به سوی عراق، عده ای از عوامل سفیانی و افراد فرصت طلب در اثر تطمیع و تهدید سفیانی، علیه فرماندار منصوب حضرت، اقدام به اغتشاش و شورش می کنند و حاکم مدینه را به شهادت می رسانند.

در روایت ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام آمده است: «... فَأَيُّهَا نَزَلَ الشَّفْرَةَ حَيَاءَهُمْ كَتَابُ السُّفْيَانِيِّ إِنْ لَمْ تَقْتُلُوهُ لَأَقْتَنَّ مُقَاتَلِكُمْ وَ لَأَسْبِيَنَّ ذُرَارِيَكُمْ فَيَقْبَلُونَ عَلَى عَامِلِهِ فَيَقْتُلُونَهُ فَيَأْتِيهِ الْخَبْرُ فَيَرْجِعُ إِلَيْهِمْ فَيَقْتُلُهُمْ وَ يَقْتُلُ قُرَيْشًا حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْهُمْ إِلَّا أَكْلَهُ كَبْشٍ ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى الْكُوفَةِ وَ يَسْتَعْمِلُ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ فَيُقْبَلُ وَ يَنْزِلُ النَّجْفَ» (۲) هنگامی که حضرت به وادی شفره (بیابانی سرخ رنگ) وارد می شود، نامه اخطار آمیزی از سوی سفیانی به اهل مدینه می رسد که اگر او (حاکم گمارده شده از سوی حضرت) را نکشند، مردان جنگی آنان را کشته و زنان و فرزندان آن ها را اسیر خواهد کرد. در پی تهدید سفیانی، مردم مدینه نیز به گماشته حضرت هجوم می آورند و او را به قتل

ص: ۲۵۲

۱- الکافی، ج ۸، ص ۲۲۵؛ الغیبه، نعمانی، ص ۲۷۹.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۷۹.

وی به حضرت می رسد، امام علیه السلام به جنگ آنان باز می گردد و آن قدر از آنان و قریش را می کشد که جز افراد اندک و بی ارزشی از آنان باقی نمی ماند. سپس یکی از اصحاب خود را والی آن جا قرار داده و خود رهسپار کوفه و نجف می شود».

### بیکار با مقدّس نمایان معاند

پس از ورود حضرت به کوفه، شانزده هزار نفر از مقدّس نمایان در حالی که سلاح در دست دارند، در برابر حضرت می ایستند. در این صف آرای، آنانی که به حسب ظاهر، قاریان قرآن و دانشمندان دین اند، یک صدا فریاد می زنند: ای فرزند فاطمه! ما به تو نیازی نداریم، از همان راهی که آمده ای بازگرد! امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ناگزیر با آنان از راه شمشیر وارد می شود و در این برخورد قاطعانه، همه آنان از دم تیغ می گذرند، بدون اینکه کسی از یاران امام حتی یک زخم بردارد!

اباجارود نقل می کند که نزد امام باقر علیه السلام بودم؛ ایشان فرمود: «وَ يَسِيرُ إِلَى الْكُوفَةِ، فَيَخْرُجُ مِنْهَا سِتَّةَ عَشَرَ أَلْفًا مِنَ الْبُرِّيَّةِ، شَاكِينَ فِي السَّلَاحِ، قُرَاءَ الْقُرْآنِ، فَقَهَاءَ فِي الدِّينِ، قَدْ قَرَحُوا جِبَاهَهُمْ وَ شَمَّرُوا ثِيَابَهُمْ وَ عَمَّهُمُ النَّفَاقُ وَ كُلُّهُمْ يَقُولُونَ: يَا ابْنَ فَاطِمَةَ، ارْجِعْ لَأَحَاجَهُ لَنَا فِيكَ. فَيَضَعُ السَّيْفَ فِيهِمْ عَلَى ظَهْرِ النَّجْفِ عَشِيَّةَ الْإِثْنَيْنِ مِنَ الْعَصْرِ إِلَى الْعِشَاءِ، فَيَقْتُلُهُمْ أُسْرِعَ مِنْ جَزْرِ جَزُورٍ، فَلَا يَفُوتُ مِنْهُمْ رَجُلٌ وَ لَا يُصَابُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَحَدٌ، دِمَاؤُهُمْ قُرْبَانٌ إِلَى اللَّهِ. ثُمَّ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ فَيَقْتُلُ مُقَاتِلِيهَا

حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ)؛(۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سمت کوفه حرکت می نماید، پس شانزده هزار فرد مسلح از بتریه قاریان قرآن و فقهای دین که پیشانی آن ها از زیادی سجده، پینه بسته و نفاق تمام وجودشان را پر کرده است به حضرت می گویند: «ای فرزند فاطمه! برگرد که ما نیازی به تو نداریم». آن گاه در روز دوشنبه میان آنان و حضرت، پشت نجف، جنگی سخت در می گیرد که از عصر تا شب طول می کشد و تمامی آن ها کشته می شود و در این کارزار هیچ یک از آنان جان سالم به در نمی برند، اما اصحاب قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف که خون

ص: ۲۵۳

۱- دلایل الأمامه، ص ۴۵۵؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۳۰۶.

خود را وسیله تقرب به خداوند قرار داده اند، هیچ یک آسیب نمی بینند. سپس حضرت وارد کوفه شده و آن قدر از جنگاوران آنان را می کشد تا خدا راضی گردد».

در نقل دیگری از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَخْرُجُ مِنْهَا بِضِعْمَةِ عَشْرَةِ أَلْفِ نَفْسٍ يُدْعَوْنَ الْبَيْتْرِيَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَيَقُولُونَ لَهُ ارْجِعْ مِنْ حَيْثُ جِئْتَ فَلَمَّا حَاجَهُ لَنَا فِي بَنِي فَاطِمَةَ فَيَضَعُ فِيهِمُ السَّيْفَ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى آخِرِهِمْ ثُمَّ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ فَيَقْتُلُ بِهَا كُلَّ مُنَافِقٍ مُرْتَابٍ وَيَهْدِمُ قُصُورَهَا وَيَقْتُلُ مُقَاتِلَتَهَا حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَعَلَا؛ (۱) زمانی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به کوفه وارد

شود، چندین هزار تن که بتریه (گروهی شبیه خوارج) خوانده می شوند، در مقابل حضرت می ایستند و به او می گویند: «برگرد. ما به فرزندان فاطمه احتیاجی نداریم!» آن گاه امام علیه السلام ناگزیر دست به شمشیر برده و همه آنان را از دم تیغ می گذراند. سپس وارد کوفه شده و بقایای اهل فتنه و نفاق را می کشد و کاخ های آنان را واژگون کرده و آنقدر از جنگاوران آنان را می کشد تا خدا راضی شود».

فضیل گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنْ جُهَالِ الْجَاهِلِيَّةِ! قُلْتُ: وَكَيْفَ ذَاكَ؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَتَى النَّاسَ وَهُمْ يَعْبُدُونَ الْحَيَاةَ وَالصُّخُورَ وَالْعِيدَانَ وَالْخُشْبَ الْمُنْحَوْتَةَ وَإِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَكُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَذَابُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقُرُ؛ (۲) چون قائم ما قیام کند با نادانی و جهلی روبه رو می شود که از جهلی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دوارن جاهلیت با آن روبه رو شد، بیش تر است. عرض کردم: چگونه ممکن است؟ حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به سوی مردم آمد، در حالی که مردم، سنگ و صخره و چوب های تراشیده شده را می پرستیدند، اما چون قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام فرماید، همه مردم، علیه او قرآن کریم را تأویل می کنند و با آن، برضد

او احتجاج می نمایند و بر همین اساس، با حضرت قتال می کنند. اما به خدا قسم، عدل قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به درون

ص: ۲۵۴

۱- الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴؛ روضه الواعظین، ص ۲۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۱؛ يوم الخلاص، ص ۳۲۵.

خانه های آن ها داخل می شود، همانند داخل شدن گرما و سرما».

## ورود حضرت به کوفه، نجف و کربلا

براساس روایات، سپاهیان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ابتدا وارد نجف شده، سپس وارد کوفه می شوند. ابی حمزه از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «كَأَنِّي بِقَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي قَدْ عَلَا نَجْفَكُمْ، فَإِذَا عَلَا فَوْقَ نَجْفِكُمْ نَشْرَ رَأْيِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَإِذَا نَشَرَهَا انْحَطَّتْ عَلَيْهِ مَلَائِكَةُ بَدْرٍ؛<sup>(۱)</sup> گویا می بینم که قائم اهل بیت من بر بالای نجف رفته و پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را باز می کند. در آن هنگام، ملائکه بدر برای یاری آن حضرت فرود می آیند».

ابو خالد کابلی گوید: امام سجاد علیه السلام به من فرمود: «يَا أَبَا خَالِدٍ لَتَأْتِيَنَّ فِتْنٌ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ لَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهَ مِيثَاقَهُ أُولَئِكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ يَنَابِيعُ الْعِلْمِ يُنَجِّيهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ مُظْلِمَةٍ، كَأَنِّي بِصَاحِبِكُمْ قَدْ عَلَا فَوْقَ نَجْفِكُمْ بِظَهْرِ كَوْفَانَ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَ بَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا جَبْرَيْلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ ميكائيل عَنْ شِمَالِهِ وَ إِسْرَافِيلُ أَمَامَهُ مَعَهُ رَأْيُهُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَدْ نَشَرَهَا لَا يَهْوِي بِهَا إِلَى قَوْمٍ إِلَّا أَهْلَكَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؛<sup>(۲)</sup> ای ابو خالد! فتنه هایی مانند تاریکی شب های تار، مردم را

فرا خواهد گرفت. در آن وقت جز کسانی که خداوند از آن ها پیمان گرفته است، کسی نجات نخواهد یافت. آن ها چراغ هدایت و چشمه علم هستند و خداوند ایشان را از هر فتنه ظلمانی نجات خواهد داد. گویا صاحبتان را بالای نجف و پشت کوفه می بینم، در حالی که سیصد و اندی مرد، جبرئیل از سمت راست، میکائیل از سمت چپ و اسرافیل از جلو، او را در برگرفته اند و او پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را باز می کند. با آن پرچم به هیچ گروهی حمله نمی برد جز آن که خداوند آن قوم و گروه را هلاک خواهد کرد».

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «يَقْدَمُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يَأْتِيَ النَّجْفَ فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ مِنَ الْكُوفَةِ جَيْشُ الشُّفْيَانِيِّ وَ أَصْحَابُهُ وَ النَّاسُ مَعَهُ وَ ذَلِكَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ فَيَدْعُوهُمْ وَ

ص: ۲۵۵

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۰۳؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۲۹۸.

۲- الامالی، مفید، ص ۴۵؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۲۰۱.

يُنَاشِدُهُمْ حَقَّهُ وَيُخَبِّرُهُمْ أَنَّهُ مَظْلُومٌ مَقْهُورٌ وَيَقُولُ مَنْ حَرَّاجِنِي فِي اللَّهِ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ إِلَى آخِرِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ هَدْيِهِ فَيَقُولُونَ أَرْجِعْ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ لَا حَاجَةَ لَنَا فِيكَ قَدْ خَبَرْنَاكَمْ وَاخْتَبَرْنَاكُمْ فَيَتَفَرَّقُونَ مِنْ غَيْرِ قِتَالٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يُعَاوِدُ فَيَجِيءُ سِيَاهُ فَيَصِيبُ رَجُلًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَيَقْتُلُهُ فَيَقَالُ إِنَّ فُلَانًا قَدْ قُتِلَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَنْشُرُ رَأْيَهُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَإِذَا نَشَرَهَا انْحَطَّتْ عَلَيْهِ مَلَائِكَةُ يَدْرٍ فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ هَبَّتِ الرِّيحُ لَهُ فَيَحْمِلُ عَلَيْهِمْ هُوَ وَأَصْحَابُهُ فَيَمْنَحُهُمُ اللَّهُ أَكْتَفَهُمْ وَيُولُونَ فَيَقْتُلُهُمْ حَتَّى يُدْخِلَهُمْ أَبْيَاتِ الْكُوفَةِ وَيُنَادِي مُنَادِيَهُ أَلَا لَا تَتَّبِعُوا مُؤَلِّيًّا وَلَا تُجْهِزُوا عَلَيَّ جَرِيحٍ وَيَسْتَبِيرُ بِهِمْ كَمَا سَارَ عَلَيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْبُضْرَةِ؛ (۱) حضرت قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف به سمت عراق پیش می رود تا وارد نجف شود. آن گاه سپاه سفیانی از کوفه بر ضد حضرت خروج می کنند، در حالی که اصحابش و

مردم با او همراه اند و آن در روز چهارشنبه خواهد بود. حضرت آن ها را دعوت کرده و درباره حقوق خود به خدا سوگند می دهد و به آن ها می گوید که در حق وی ظلم و ستم شده است و اضافه می کند که من در مورد خدا و دین الاهی سزاوارترین مردم هستم و... اما آن ها در پاسخ می گویند: «از هر راهی که می خواهی برگرد. ما به تو نیازی نداریم. ما تو را شناخته و امتحان کرده ایم» و پس از آن، از اطراف حضرت بدون جنگ پراکنده می شوند. ولی حضرت، دوباره در روز جمعه گفته هایش را تکرار می کند که ناگهان تیری به یکی از مسلمانان اصابت کرده و او را از پا در می آورد. پس می گویند: «فلانی کشته شد». آن وقت است که حضرت پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را به اهتزاز در می آورد و فرشتگان بدر بر او فرود می آیند و هنگام ظهر باد شدیدی وزیدن می گیرد. حضرت با اصحاب خود بر دشمنان حمله می کند و آن ها یا فرار می کنند یا می جنگند و کشته می شوند، تا آن که بازماندگان وارد خانه های کوفه می شوند. پس منادی از سوی حضرت فریاد می زند: «فراریان را تعقیب نکنید و مجروحان را نکشید» و حضرت مانند روش علی علیه السلام در جنگ بصره رفتار می کند».

ابوسعید خراسانی از امام صادق علیه السلام و آن

حضرت از پدر بزرگوارش امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ بِمَكَّةَ وَ أَرَادَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْكُوفَةِ نَادَى

ص: ۲۵۶

مُنَادِيهِ أَلَّا لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ مِنْكُمْ طَعَامًا وَلَا شَرَابًا وَيَحْمِلُ حَجَرَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَهُوَ وَقُرْبَعِيرٍ فَلَا يَنْزِلُ مَنَزِلًا إِلَّا انْبَعَثَ عَيْنٌ مِنْهُ فَمَنْ كَانَ جَائِعًا شَبِعَ وَمَنْ كَانَ ظَامِنًا رَوَى فَهُوَ زَادَهُمْ حَتَّى يَنْزِلُوا النَّجْفَ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ؛<sup>(۱)</sup> زمانی که حضرت قائم عجل الله فرجه الشریف در مکه قیام کند و رهسپار کوفه گردد، منادی حضرت ندا می دهد که هیچ کس آب و غذا همراه خود بر ندارد. پس سنگ موسی بن عمران را که وزن آن به اندازه یک بار شتر است همراه خود برمی دارد و در هر منزلی که فرود می آید، چشمه ای از آن سنگ بیرون می آید که هر کس که گرسنه است، سیر کرده و هر که را تشنه است، سیراب می کند و فقط همان سنگ، زادوتوشه آن ها خواهد بود تا از پشت کوفه وارد نجف شوند».

لازم به یاد آوری است که در برخی منابع حدیثی شیعه، این روایت با اندک تفاوتی، از طریق اباجارود از امام باقر علیه السلام نقل شده است.<sup>(۲)</sup>

عمرو بن شمر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «يَدْخُلُ الْكُوفَةَ وَبِهَا ثَلَاثُ رَايَاتٍ قَدِ اضْطَرَبَتْ فَتَضَعُو لَهُ وَيَدْخُلُ حَتَّى يَأْتِيَ الْمَسْبَرَةَ فَيُخْطَبُ فَلَا يَدْرِي النَّاسُ مَا يَقُولُ مِنَ الْبُكَاءِ فَإِذَا كَانَتِ الْجُمُعَةُ الثَّانِيَةَ سَأَلَهُ النَّاسُ أَنْ يُصَيِّمَ لِي بِهِمُ الْجُمُعَةَ فَيَأْمُرُ أَنْ يُخَطَّ لَهُ مَسْجِدٌ عَلَى الْغُرِيِّ وَ

يُصَيِّمُ لِي بِهِمْ هُنَاكَ ثُمَّ يَأْمُرُ مَنْ يَخْفِرُ مِنْ ظَهْرِ مَشْهَدِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَهْرًا يَجْرِي إِلَى الْغُرِيِّ حَتَّى يَنْزِلَ الْمَاءُ فِي النَّجْفِ وَ يَعْمَلُ عَلَى فَوْهَتِهِ الْقَنَاطِيرَ وَالْأَرْحَاءَ فَكَأَنِّي بِالْعَجُوزِ عَلَى رَأْسِهَا مِكْتَلٌ فِيهِ بُرٌّ تَأْتِي تِلْكَ الْأَرْحَاءَ فَتَطْحَنُهُ بِلَا كِرَاءٍ؛<sup>(۳)</sup> مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد کوفه می شود در حالی که سه پرچم در آن است که در حال اضطراب و اختلاف اند و تسلیم حضرت می کردند. حضرت هنگام ورود، بر منبر رفته و خطبه می خواند، اما مردم از شدت گریه نمی فهمند که حضرت چه می گوید. هنگامی که جمعه دوم می آید، مردم از حضرت درخواست می کنند که با آن ها نماز بخواند. پس حضرت امر می فرماید که در غری، مسجدی را خط بکشند (دور مکان

ص: ۲۵۷

۱- بصائر الدرجات، ص ۲۰۸؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۳۱،

۲- ر.ک: الغیبه، نعمانی، ص ۲۴۴؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۷۱.

۳- الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۰؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۷؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۱.

مسجد را خط بکشند) و با مردم در آن جا نماز می گذارد. سپس امر می فرماید که در پشت حرم و محل شهادت امام حسین علیه السلام نهری حفر کنند که به سمت غرین (نجف و کوفه) جاری گردد تا آن که آب به نجف می رسد و آن گاه بر دهانه نهر، پل و آسیاب می سازد. گویا می بینم که پیرزنی گندم خود را در زنبیل روی سر گذاشته و به آسیاب آمده و بدون اجرت و کرایه، گندم های خود را آرد می کند».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از آزادی کوفه و شهرهای مجاور آن نظیر نجف و کربلا، توقف طولانی در کوفه خواهند کرد سپس اقدام به آزادسازی دیگر شهرهای عراق از لوث وجود سفیانیان می کند.

جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام روایت می کند که فرمود: «ثُمَّ يَأْتِي الْكُوفَةَ فَيَطِيلُ بِهَا الْمَكْثَ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَمْكُثَ حَتَّى يَظْهَرَ عَلَيْهَا ثُمَّ يَسِيرُ حَتَّى يَأْتِيَ الْعِذْرَاءَ هُوَ وَمَنْ مَعَهُ وَقَدْ أُلْحِقَ بِهِ نَاسٌ كَثِيرٌ وَالسُّفْيَانِيُّ يَوْمَئِذٍ بِوَادِي الرَّمْلَةِ حَتَّى إِذَا التَّقَوَّا وَهُمْ يَوْمَ الْإِبْدَالِ يَخْرُجُ أَنَاسٌ مَعَ السُّفْيَانِيِّ مِنْ شَيْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَخْرُجُ نَاسٌ مَعَهُ مَعَ آلِ مُحَمَّدٍ إِلَى السُّفْيَانِيِّ فَهُمْ مِنْ شَيْعَتِهِ حَتَّى يَلْحَقُوا بِهِمْ وَيَخْرُجُ كُلُّ نَاسٍ إِلَى رَأَيْتِهِمْ وَهُوَ يَوْمَ الْإِبْدَالِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَقْتُلُ يَوْمَئِذٍ السُّفْيَانِيَّ وَمَنْ مَعَهُمْ حَتَّى لَمَّا يُدْرِكُ مِنْهُمْ مُخْبِرٌ وَالْخَائِبُ يَوْمَئِذٍ مَنْ خَابَ مِنْ غَنِيمَةٍ كَلْبٍ ثُمَّ يُقْبَلُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَكُونُ مَنزِلُهُ بِهَا؛ (۱) پس مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کوفه می آید و در آن جا تا زمانی که خدا بخواهد درنگ می کند تا بر آن ها غالب می آید. سپس حرکت نموده تا با همراهانش وارد عذراء شود و تعداد بسیاری از مردم به او می پیوندند. سفیانی در آن روز در وادی رمله به سر می برد، تا این که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سفیانی با یک دیگر برخورد می کنند و آن روز، روز ابدال است. گروهی از مردم که با سفیانی بوده اند، در زمره پیروان آل محمد در می آیند و گروهی که با آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بوده اند به سفیانی می پیوندند و هر گروهی از مردم به سمت درفش

خود می رود و آن روز، روز ابدال است؛ آن گونه که امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: در آن روز، سفیانی و همراهانش کشته می شوند، به گونه ای که خبردهنده ای

ص: ۲۵۸

---

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۵، ص ۲۰.



هم از آن ها باقی نمی ماند. کسی که در آن روز از غنایم قبیله کلب محروم شود، ناکام مانده است، سپس مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رهسپار کوفه گردد و در آن جا منزل گزیند».

### کوفه، مرکز حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

شهرهای عراق مخصوصاً کوفه و پیرامون آن، با همه مصائب و گرفتاری های انبوهی که در اثر غارت و جنایات سفیانیان، بر مردم آن تحمیل می شود، در دوران پس از ظهور، نه تنها رونق و حیات دوباره پیدا می کند، بلکه به برکت حضور و تشریف فرمایی مصلح جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتخاب کوفه به عنوان مرکز تصمیم گیری و پایتخت حکومت عدل جهانی، دورانی طلایی و رؤیایی را تجربه خواهند کرد؛ به گونه ای که همگان آرزوی سکونت در کوفه را در دل می پروراندند.

مفصل بن عمر، صحابی خاص امام صادق علیه السلام در حدیثی طولانی گفته است: از محضر امام صادق علیه السلام پرسیدم: «قُلْتُ يَا سَيِّدِي فَأَيْنَ تَكُونُ دَارُ الْمَهْدِيِّ وَ مُجْتَمَعُ الْمُؤْمِنِينَ؟ مَوْلَايَ مِنْ مَنْزِلِ حَضْرَتِ مَهْدِيِّ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فِرْجَةَ الشَّرِيفِ وَ مَرْكَزِ اجْتِمَاعِ شِيعِيَانِ فِي دَوْرَانِ ظَهْوَرِ كَجَا خَوَاهِدُ بُوْد؟ حَضْرَتِ فِي پَاسِخِ فَرَمُوْد: «قَالَ دَارُ مُلْكِهِ الْكُوفَةُ وَ مَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا وَ

بَيْتُ مَالِهِ وَ مَقْسَمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِينَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ وَ مَوْضِعُ خَلَوَاتِهِ الدَّكْوَاتُ الْبَيْضُ مِنَ الْغُرَيْبِينَ؛ (۱) مرکز حکومت او، کوفه، مرکز قضاوتش، مسجد اعظم کوفه، مرکز بیت المال و محل تقسیم غنایم مسلمانان، مسجد سهله و محل خلوت و مناجات هایش، تپه های سپید و نورانی نجف اشرف خواهد بود».

استقرار حضرت در مرکزیت کوفه سبب ازدحام جمعیت و گسترش روز افزون این شهر و نیز افزایش فوق العاده قیمت زمین در آن منطقه می شود؛ چنان که در گفتگوی مفصل با امام صادق علیه السلام چنین آمده است: «قَالَ الْمُفَضَّلُ: قُلْتُ يَا سَيِّدِي فَأَيْنَ تَكُونُ دَارُ الْمَهْدِيِّ وَ مُجْتَمَعُ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ دَارُ مُلْكِهِ الْكُوفَةُ وَ مَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا وَ بَيْتُ مَالِهِ وَ مَقْسَمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِينَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ وَ مَوْضِعُ خَلَوَاتِهِ الدَّكْوَاتُ الْبَيْضُ مِنَ الْغُرَيْبِينَ قَالَ الْمُفَضَّلُ يَا مَوْلَايَ كُلُّ الْمُؤْمِنِينَ يَكُونُونَ بِالْكُوفَةِ؟ قَالَ إِي وَ اللَّهُ لَا يَبْقَى

ص: ۲۵۹

مُؤْمِنٌ إِلَّا كَانَ بِهَا أَوْ حَوَالِيهَا وَ لِيُبَلِّغَنَّ مَجَالَهُ فَرَسٍ مِنْهَا أَلْفَى دِرْهَمٍ وَ لِيُودَّ النَّاسَ أَنَّهُ اشْتَرَى شَبْرًا مِنْ أَرْضِ السَّبْعِ بِشَبْرٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ السَّبْعُ خِطَّةٌ مِنْ خِطَطِ هَمْدَانَ وَ لِيَصْتَبِرَنَّ الْكُوفَةَ أَرْبَعَةً وَ خَمْسِينَ مِيلًا وَ لِيَجَاوِرَنَّ قُصُورَهَا كَرْبَلَاءَ؛ (۱) مفضل گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مولای من خانه مهدی علیه السلام در کجا خواهد بود و مؤمنین در کجا جمع می شوند؟ فرمود: مقر سلطنت وی شهر کوفه است و محل حکومتش مسجد جامع کوفه و بیت المال و محل تقسیم غنائمش مسجد سهله واقع در

زمینهای صاف و مسطح و روشن نجف و کوفه است. عرض کردم: آیا همه اهل ایمان در کوفه خواهند بود؟ فرمود: آری؛ به خدا سوگند در آن روز تمام مؤمنین یا در کوفه و یا در حوالی کوفه می باشند، قیمت زمین آن به مساحت جولانگاه اسبی، از دو هزار درهم فراتر رود. اکثر مردم آرزو دارند که کاش می توانستند یک وجب از زمین «سبع» را به یک وجب شمش طلا بخرند و «سبع» افزوده از خطه همدان است در آن روز طول شهر کوفه به پنجاه و چهار میل می رسد به طوری که کاخ های آن مجاور کربلا است».

حضرت پس از تحکیم پایه های حکومتش در عراق، نمایندگان و یاران ویژه خویش را از مرکز کوفه به دیگر نقاط جهان اعزام می کند. امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: «ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَبْعَثُ الثَّلَاثِمَائِهِ وَ الْبُضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا إِلَى الْأَفَاقِ كُلِّهَا فَيَمْسُحُ بَيْنَ أَكْتافِهِمْ وَ عَلَى صُدُورِهِمْ فَلَا يَتَعَايُونَ فِي قِضَاءٍ وَ لَا تَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خِيَدُهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ هُوَ قَوْلُهُ (وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ) وَ لَمَّا يَقْبَلُ صَاحِبٌ هَذَا الْأَمْرَ الْجَزِيئَةَ كَمَا قَبِلَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ؛ (۲) سپس آن حضرت به کوفه باز می گردد و بیش از سیصد نفر را به سراسر جهان گسیل می دارد. پس دست مبارک خویش را

بر سینه آنان می کشد و آنان چنان می شوند که در هیچ برنامه یا مشکلی معطل نمی مانند و هیچ جایی از زمین باقی نماند مگر آن که شهادت به وحدانیت خدا

ص: ۲۶۰

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۵.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آن طنین انداز باشد همان گونه که خدا فرمود: «آسمانیان و زمینیان از او فرمان برند. در آن زمان صاحب الامر از کسی جزیه قبول نکند آن گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می پذیرفت».

### بازسازی مسجد کوفه

مسجد اعظم کوفه، یکی از اماکن منتسب به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مرکز قضاوت و محل نصب منبر، مکان تأسیس کلاس های آموزش قرآن و محل اقامه نماز جمعه و جماعت آن حضرت در عصر ظهور خواهد بود. در آن زمان، حضرت همان گونه که مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم را اصلاح و تغییر می دهد، در مسجد کوفه نیز تغییراتی را ایجاد خواهد کرد. امیرمؤمنان علیه السلام در این رابطه می فرماید: «أَمَّا إِنْ قَائِمًا إِذَا قَامَ كَسِيرُهُ وَ سَوَى قِبَلْتَهُ؛ (۱) آگاه باشید، چون قائم ما ظهور کند، مسجد کوفه را در هم کوبیده قبله آن را اصلاح می کند».

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ رَدَّ الْبَيْتَ إِلَى إِسَاسِهِ وَ رَدَّ مَسْجِدَ الرَّسُولِ إِلَى إِسَاسِهِ وَ رَدَّ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ إِلَى إِسَاسِهِ؛ (۲) هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، محدوده بیت الله الحرام و مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و مسجد کوفه را به اصل آن بر می گرداند».

اصیغ بن نباته از امیرمؤمنان علیه السلام نقل می کند که آن حضرت در مسجد کوفه خطاب به مردم کوفه فرمود: «يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ لَقَدْ حَبَاكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِمَا لَمْ يَحِبُّ بِهِ أَحَدًا مِنْ فَضْلِ مَصَلِّكُمْ بَيْتِ آدَمَ وَ بَيْتِ نُوحٍ وَ بَيْتِ إِدْرِيسَ وَ مَصَلِّي إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ وَ مَصَلِّي أَخِي الْخَضِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَصَلِّيَّ وَ إِنْ مَسَّجِدَكُمْ هَذَا لِأَحَدِ الْأَرْبَعَةِ الْمَسَاجِدِ الَّتِي اخْتَارَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَهْلِهَا وَ كَأَنِّي بِهِ قَدْ أَتَيْتُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَوْبَيْنِ أَيْضَيْنِ يَتَشَبَّهُهُ بِالْمُحْرِمِ وَ يَشْفَعُ لِأَهْلِهِ وَ لِمَنْ يَصَلِّي فِيهِ فَلَا تُرَدُّ شَفَاعَتُهُ وَ لَا تَذْهَبُ الْأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي حَتَّى يُنْصَبَ الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ فِيهِ وَ لِيَأْتِيَنَّ عَلَيْهِ زَمَانٌ يَكُونُ مَصَلِّي الْمَهْدِيِّ مِنْ وُلْدِي وَ مَصَلِّي

ص: ۲۶۱

۱- جامع الاحادیث الشیعه، ج ۴، ص ۴۶۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

۲- الکافی، ج ۴، ص ۵۴۳؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۴۵۹.

كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ لَا يَبْقَى عَلَى الْأَرْضِ مُؤْمِنٌ إِلَّا كَانَ بِهِ أَوْ حَنَّ قَلْبُهُ إِلَيْهِ فَلَا تَهْجُرُوهُ وَ تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِالصَّلَاةِ فِيهِ وَ ارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِكُمْ فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِيهِ مِنَ الْبِرِّ كِه لَأَتَوْهُ مِنْ أَقْطَارِ الْأَرْضِ وَ لَوْ حَبَّوْا عَلَى التَّلَمِيحِ؛ (۱) ای اهل کوفه! آن گونه که خداوند به شما مباحثات و افتخار کرده، هرگز به احدی مباحثات نفرموده. خداوند مسجد شما را بهترین مساجد قرار داده است و آن، خانه حضرت آدم، نوح و ادریس و مصلاى ابراهيم خليل عليه السلام برادرم خضر و

خود من است. هم چنین مسجد شما، یکی از چهار مسجدی است که خداوند آن را برای اهلش انتخاب کرده است. گویا می بینم که در روز قیامت، مسجد کوفه در میان دو لباس سفید مانند شخص محرم، اهل و دوستانش و کسانی را که در آن نماز خوانده اند شفاعت می کند و شفاعت آن نیز رد نمی شود. و روزگار نخواهد گذشت تا آن که حجر الاسود در آن قرار بگیرد. زمانی خواهد آمد که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان من، در آن نماز خواهد گزارد و این مسجد، مصلاى او و هر مؤمنی خواهد شد و در عالم، مؤمنی نخواهد ماند جز آن که یا خودش در آن جاست یا دلش. پس، از کوفه [و مسجد آن] دوری نکنید و به وسیله نماز در آن، به خدا تقرب و نزدیکی جوید و برای برآورده شدن حاجاتتان به آن تمسک کنید. چنان چه مردم از خیرات و برکات آن خبر داشته باشند، از سراسر جهان به سوی آن خواهند شتافت؛ هر چند که این کار برای آنان مشقت بار باشد و ناچار شوند از روی یخ، سینه خیز عبور کنند».

### برگزاری کلاس های قرآن در مسجد کوفه

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ

الْكُوفَةِ قَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ؛ (۲) گویا شیعیانم را می بینم که در مسجد کوفه، خیمه های خود را برپا کرده اند و قرآن را چنان که نازل شده است به مردم می آموزند».

ص: ۲۶۲

۱- روضه الواعظین، ص ۳۳۷؛ تاریخ الکوفه، ص ۲۶؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۹۰.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۳۳۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «كَيْفَ أَنْتُمْ لَوْ ضَرَبَ أَصْحَابُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَسَاطِيطَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَانِ ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَيْهِمُ الْمِثَالُ الْمُسْتَأْنَفُ أَمْرٌ جَدِيدٌ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ» (۱) چگونه خواهید بود هنگامی که اصحاب قائم در مسجد کوفه خیمه زده، قرآن را به شیوه جدیدی عرضه می دارند، شیوه ای تازه که آموزش یا پذیرش آن بر عرب ها دشوار است».

با توجه به روایت قبل، ممکن است مراد از شیوه جدید آموزش قرآن، آموزش به ترتیب نزول آیات باشد.

### تأسیس مصلای بزرگ در حومه کوفه

یکی از دستاوردها و برکات مهم حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شهر کوفه، علاوه بر بازسازی مسجد قدیم کوفه، ساخت مصلای جدید و بزرگی است که حضرت علیه السلام نماز جمعه را در آن اقامه می فرماید. تأسیس این مصلای بزرگ، ضمن اینکه زمینه را بر خورداری اهالی کوفه و اطرافیان آن از موهبت شرکت در نماز جمعه به امامت آن وجود

مقدس فراهم می کند، موجب مرکزیت فرهنگی این شهر و توجه ویژه جهانیان بدان جا خواهد شد.

در حدیث زیبای دیگری که مفضل از امام صادق علیه السلام نقل کرده، آمده است: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ ... يَبْنِي فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ يَابٍ وَ يَنْصَلُّ بَيْتُ الْكُوفَةِ بِنَهْرِ كَرْبَلَاءَ بِالْحَيْرَةِ حَتَّى يَخْرُجَ الرَّجُلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَلَى بَعْلِهِ سَفْوَاءً يُرِيدُ الْجُمُعَةَ فَلَا يُدْرِكُهَا» (۲) حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف هر گاه قیام کند در پشت کوفه مسجدی بنا کند که هزار در خواهند داشت. خانه های مردم کوفه به رودخانه کربلا (فرات) متصل خواهد شد؛ به طوری که اگر یک نفر [از انتهای کوفه] در روز جمعه برای شرکت در نماز حرکت کند و بر مرکب تندرو سوار باشد، باز هم نمی تواند خود را به مسجد برساند».

ساخت چنین مسجدی با این مساحت، بنا به نیاز آن زمان و تقاضای مردم از آن

ص: ۲۶۳

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۳۳۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۵۵.

۲- تاریخ الكوفه، ص ۱۱۵؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۸۵.

حضرت، برای درک فیض نماز به امامت ایشان صورت می گیرد؛ چنان که امام باقر علیه السلام می فرماید: «يَدْخُلُ الْمَهْدِيُّ الْكُوفَةَ... قَالَ النَّاسُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ الصَّلَاةُ خَلْفَكَ تُضَاهِي الصَّلَاةَ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَالْمَسْجِدُ لَا يَسْعُنَا فَيَقُولُ أَنَا مُرْتَادٌ لَكُمْ فَيَخْرُجُ إِلَى الْغُرِيِّ فَيَخُطُّ مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ بَابٍ يَسْعُ النَّاسُ؛ (۱) هنگامی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کوفه مستقر شد مردم می گویند: ای فرزند پیامبر خدا! نماز پشت سر شما هم چون نماز پشت سر جدت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، ولی این مسجد

گنجایش ما را ندارد، حضرت می فرماید: چاره ای خواهیم اندیشید؛ سپس به سوی حاشیه شهر حرکت و محدوده مسجدی را نشانه گذاری می کند که دارای هزار در است و گنجایش همه مردم را دارد».

شاید در بدو امر چنین به ذهن آید که مراد از این روایات، توسعه مسجد کنونی کوفه باشد؛ اما ظاهر عباراتی چون «يُبْنَى فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا» و «فَيَخْرُجُ إِلَى الْغُرِيِّ فَيَخُطُّ مَسْجِدًا» دلالت بر تأسیس مسجد جدید دارد که در پیرامون شهر کوفه ساخته می شود.

شاهد بر این مطلب سخن امیرمؤمنان علیه السلام در باره گسترش شهر کوفه است. حَبُّهُ الْعُرْنَى رَوَيْتَ مِي كُنْد: «خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْحِيرَةِ فَقَالَ: لَيَتَّصَلَنَّ هَيْدُهُ بِهَيْدِهِ وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى الْكُوفَةِ وَالْحِيرَةِ حَتَّى يُبَاعَ الذُّرَاعُ فِيمَا بَيْنَهُمَا بَدَنَانِيرَ وَ لَيَتَّبِنَنَّ بِالْحِيرَةِ مَسْجِدًا لَهُ خَمْسُمَائَةِ بَابٍ يُصَلِّي فِيهِ خَلِيفَةُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَنَّ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ لَيُضِيقُ عَلَيْهِمْ وَ لَيُصَلِّينَ فِيهِ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا عَيْدًا قُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَسْعُ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ هَذَا الَّذِي تَصِفُ النَّاسُ يَوْمَئِذٍ قَالَ تُبْنَى لَهُ أَرْبَعُ مَسَاجِدَ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ أَصْبَغُ غُرَهَا وَ هَذَا وَ مَسْجِدَانِ فِي طَرْفِي الْكُوفَةِ مِنْ هَذَا الْجَانِبِ وَ هَذَا الْجَانِبِ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ نَحْوَ وَ نَهَرَ الْبُصْرَ رِيْنًا وَ الْغُرِّيْنِ؛ (۲) امیرمؤمنان علیه السلام به سمت «حیره» (۳) حرکت کرد و فرمود: روزی

کوفه و حیره (نجف -

ص: ۲۶۴

۱- بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۸۵.

۲- تاریخ الكوفه، ص ۱۱۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴؛ معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۱۱۲.

۳- به گفته صاحب آثار البلاد «حیره» شهری بوده نزدیک کوفه و به کنار دریا که در زمان قدیم، پایتخت ملوک عرب از طایفه بنی لخم بوده است (آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۲۴۱)؛ صاحب معجم البلدان نیز می نویسد: حیره در فاصله سه مایلی کوفه قرار داشته و نام باستانی منطقه کنونی نجف است. الحیره: مدینه کانت علی ثلاثه أميال من الكوفه علی موضع یقال له النّجف. (معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۲۸).

کنونی) به هم وصل خواهد شد، به طوری که یک ذراع از زمین های میان کوفه و حیره، به دینارهای فراوانی فروخته می شود و در حیره مسجدی ساخته خواهد شد که پانصد در دارد و نماینده حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن نماز گذارد، زیرا مسجد کوفه برای آن ها کوچک خواهد بود. هم چنین دوازده امام عادل در آن نماز خواهند گذارد. راوی گوید: عرض کردم یا امیر المؤمنین! آیا همین مسجد فعلی کوفه که مردم با آن آشنا است توسعه داده خواهد شد؟ حضرت در پاسخ فرمود: چهار مسجد در کوفه ساخته خواهد شد که مسجد فعلی کوچک ترین آن ها خواهد بود و مسجد فعلی کوفه و دو مسجد دیگر در آن روز در این دو طرف کوفه واقع است و با دست مبارک اشاره به نهر اهل بصره و کوفه و نجف کرد.

بنا براین، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از آنکه کوفه را قرارگاه و مرکز حکومت برگزید، به دلیل ازدحام جمعیت، اقدام به ساخت چندین مسجد بزرگ در حوالی کوفه خواهند کرد و در روایات پیشین نیز مقصود از مسجد بزرگ که

دارای هزار باب است، توسعه مسجد قدیم کوفه نیست، بلکه تأسیس مسجد جدیدی است که حضرت آن را متناسب با نیاز آن روز مردم بنیانگذاری می کند؛ زیرا وقتی مردم می گویند: «وَالْمَسْجِدُ لَمَّا يَسْئَلُنَا» یعنی این مسجد کنونی جواب گو نیست، حضرت می فرماید: در این باره فکری برای شما خواهم کرد، آنگاه به سرزمین نجف می رود و نقشه مسجد بزرگ را می ریزد که دارای هزار درب است و گنجایش همه مردم را داشته باشد.

### ورود حضرت به مسجد سهله

مسجد سهله، در دو کیلومتری شمال غربی مسجد اعظم کوفه، کهن ترین مکان منتسب به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دارد. در روایات، مسجد سهله به عنوان اقامت گاه خانواده حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور معرفی شده است. صالح بن -

ابی اسود نقل کرده است: هنگامی که امام صادق علیه السلام در مورد مسجد سهله صحبت می کرد، فرمود: «أَمَا إِنَّهُ مَنْزِلٌ صَاحِبِنَا إِذَا قَامَ بِأَهْلِهِ؛ (۱) آن جا مکان زندگی صاحب ما (حضرت مهدی) با خانواده اش خواهد بود».

ابوبصیر نیز روایت کرده است: امام صادق علیه السلام

خطاب به من فرمود: «يَا أَبَا مُحَمَّدٍ كَأَنِّي أَرَى نُزُولَ الْقَائِمِ فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَ عِيَالِهِ. قُلْتُ: يَكُونُ مَنْزِلَهُ؟ قَالَ: نَعَمْ هُوَ مَنْزِلٌ إِدْرِيسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَ قَدْ صَلَّى فِيهِ... ثُمَّ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا انْتَقَمَ اللَّهُ لِرَسُولِهِ وَ لَنَا أَجْمَعِينَ؛ (۲) ای ابومحمد! گویا می بینم که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف همراه با اهل و عیالش در مسجد سهله ساکن شده است. عرض کردم: آیا آن جا منزل اوست؟ فرمود: آری! آن جا منزل ادريس عليه السلام نیز بوده و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده جز آن که در آن مسجد نماز خوانده است... پس هنگامی که قائم ما عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام نماید، خدا به دست او از دشمنان رسول خود و دشمنان ما اهلیت انتقام خواهد گرفت».

امیرمؤمنان علیه السلام نیز هنگام ترسیم خط سیر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آستانه ظهور می فرماید: «كَأَنَّنِي بِهِ قَدْ عَبَّرَ مِنْ وَادِي السَّلَامِ إِلَى مَسِيلِ السَّهْلَةِ عَلَى فَرَسٍ مُحَجَّلٍ لَهُ شِمْرَاخٌ يَزْهَرُ يَدْعُو وَ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا...؛ (۳) گویی مهدی را با چشم خود می بینم که از وادی السلام عبور می کند، در حالی که با اسبی که سپیدی پاها و پیشانی او می درخشد، به سوی مسجد سهله در حرکت است و زیر لب با خدای خود این گونه

زمزمه دارد: حقیقتاً خدایی نیست جز خدای واحد».

### بیعت یاران مصر

در آغاز ظهور، عده ای از پاکان و نجیب زادگان مصر، افتخار حضور در میان

ص: ۲۶۶

- ۱- الکافی، ج ۳، ص ۴۹۵؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۰؛ المزار، مفید، ص ۱۴؛ الغیبه، طوسی، ص ۴۷۱؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۶۷.
- ۲- المزار، مشهدی، ص ۱۳۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷؛ ج ۹۷، ص ۴۳۵؛ جامع الاحادیث الشیعه، ج ۴، ص ۵۵۰؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۵۰۳.
- ۳- دلائل الامامه، ص ۴۵۸؛ العدد القویه، ص ۷۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۱۱۲.



سیصد و سیزده یار خاص آن حضرت را خواهند داشت.

جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «يُبَاعِغُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ يَيْفُ عِدَّةَ أَهْلِ بَيْدْرِ فِيهِمُ النَّجِيَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ وَ الْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ وَ الْأَخْيَارُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَيَقِيمُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يُقِيمَ؛(۱)» با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف سیصد و چند نفر به تعداد اهل بدر، میان رکن و مقام بیعت می کنند که بزرگان و نجبای مصر و ابدال و اولیایی از شام و اخیار و پاکانی از عراق در میان آن ها هستند و تا زمانی که خدا بخواهد در دنیا خواهد ماند».

در روایتی دیگر، حمایت مصریان از حضرت چنین بیان شده است: «كَأَنِّي بَرَايَاتٍ مِنْ مِصْرَ مَقْبَلَاتٍ خُضِرَ مُصَبَّغَاتٍ حَتَّى تَأْتِيَ الشَّامَاتِ فَتُهْدَى إِلَى ابْنِ صَاحِبِ الْوَصِيَّاتِ؛(۲)» گویی درفش های سبز و رنگ شده ای را می بینم که از مصر می آیند تا به شامات می رسند و از آن جا به سمت فرزند صاحب وصیات، هدایت می شوند».

### نبرد با سفیانی

سفیانی پس از شکست در عراق، با دار و دسته خود به طرف شام برمی گردد و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز به تعقیب او حرکت می کند تا کار او را یک سره نماید.

در مورد سرانجام کار سفیانی این سؤالات مطرح است که آیا سفیانی بعد از شکست در عراق، باز هم با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف مخالفت و جنگ خواهد کرد؟ یا این که بیعت کرده و تسلیم حضرت خواهد شد؟ موضع و برخورد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف با او چگونه خواهد بود؟

در این رابطه، در روایات، بیانات مختلفی وارد شده است. برخی روایات، از بیعت اولیه سفیانی با حضرت خبر داده اند که پس از مدت کوتاهی به تحریک اطرافیان، آن را نقض می کند و برخی دیگر، از ادامه جنگ و خصومت سفیانی با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و در نتیجه، دستگیری و اعدام وی توسط حضرت سخن گفته اند.

ص: ۲۶۷

۱- الغیبه، طوسی، ص ۴۷۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴.

۲- الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۶؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۰؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، ج ۴، ص ۱۶۷.

جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «إِذَا بَلَغَ السُّفْيَانِيُّ أَنَّ الْقَائِمَ قَدْ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ مِنْ نَاحِيَةِ الْكُوفَةِ يَتَجَرَّدُ بِخَيْلِهِ حَتَّى يَلْقَى الْقَائِمَ فَيَخْرُجُ فَيَقُولُ أَخْرِجُوا إِلَيَّ ابْنَ عَمِّي فَيَخْرُجُ عَلَيْهِ السُّفْيَانِيُّ فَيَكَلِّمُهُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَجِيءُ السُّفْيَانِيُّ فَيَبَايَعُهُ ثُمَّ يَنْصَرِفُ إِلَى أَصْحَابِهِ فَيَقُولُونَ لَهُ مَا صَدَقْتَ فَيَقُولُ أَسَلِمْتُ وَبَايَعْتُ فَيَقُولُونَ لَهُ فَتَبَحَّ اللَّهُ رَأْيَكَ بَيْنَ مَا أَنْتَ خَلِيفَةُ مَثْبُوعٍ فَصَدْرَتْ تَابِعًا فَيَسْتَقْبِلُهُ فَيَقَاتِلُهُ ثُمَّ يُمَسُونَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ ثُمَّ يُصْبِحُونَ لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْحَرْبِ فَيَقْتَتِلُونَ يَوْمَهُمْ ذَلِكَ ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَمْنَحُ

الْقَائِمَ وَ أَصْحَابَهُ أَكْتَفَاهُمْ فَيَقْتُلُونَهُمْ حَتَّى يُفْنُوهُمْ حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ يَخْتَفِي فِي الشَّجَرَةِ وَ الْحَجْرَةِ فَتَقُولُ الشَّجَرَةُ وَ الْحَجْرَةُ يَا مُؤْمِنُ هَذَا رَجُلٌ كَافِرٌ فَاقْتُلْهُ فَيَقْتُلُهُ قَالَ فَتَسْبِعُ السَّبَاعُ وَ الطُّيُورُ مِنْ لِحْمِهِمْ فَيَقِيمُ بِهَا الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا شَاءَ قَالَ ثُمَّ يَعْقِدُ بِهَا الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثَ رَيَاتٍ لَوَاءً إِلَى الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ وَ لَوَاءً إِلَى الصِّينِ فَيَفْتَحُ لَهُ وَ لَوَاءً إِلَى جِبَالِ الدَّيْلَمِ فَيَفْتَحُ لَهُ؛ (۱) هنگامی که سفیانی متوجه می شود که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از سمت کوفه به سوی او می آید، همراه سپاهیان به حضور حضرت می رسد تا ایشان را ملاقات کند. حضرت با او صحبت کرده و سفیانی با ایشان بیعت می نماید. پس وقتی سفیانی نزد یاران و خویشان بر می گردد، به او می گویند: «خداوند تو را سرزنش کند! پس از آن که خلیفه و حاکم شدی، بیعت کردی و تسلیم شدی؟ او نیز دوباره از اطاعت و بیعت خارج شده و فردای آن روز به جنگ با حضرت می پردازد که تمام روز طول می کشد. خداوند حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش را قدرت داده و یاری می نماید، تا آن که تمامی دشمنان را می کشند و نابود می سازند؛ تا آن جا که اگر یکی از آنان پشت سنگ یا درختی پنهان شود، سنگ و درخت به زبان آمده و به سپاه امام می گویند: «ای مؤمن! کافری پشت من پنهان شده، او را بکش! و او هم آن کافر را می کشد، تا جایی که

درندگان و پرندگان از گوشت آنان سیر می شوند. سپس حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سه پرچم را می بندد، یکی را به سوی قسطنطنیه می فرستد و خداوند آن جا را برای او می گشاید، دومی را به سوی چین اعزام می کند و آن جا را فتح می کند و سومی را به مناطق کوهستانی دیلم می فرستد و در آن جا پیروز می شود».

ص: ۲۶۸

در روایتی که از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده، سرنوشت سفیانی و پایان کار او چنین بیان شده است: «فَيُخْرَجُ بِخَيْلِهِ وَ قَوْمِهِ وَ رَحْلِهِ وَ جَبِيهِهِ وَ مَعَهُ مِائَةُ أَلْفٍ وَ سَبْعُونَ أَلْفًا فَيَنْزِلُ بِحَيْرَةَ طَبْرِيَّةَ وَ يَسِيرُ إِلَيْهِ الْمَهْدِيُّ عَنْ يَمِينِهِ جَبْرَائِيلُ وَ عَنْ شِمَالِهِ ميكائيلُ وَ عِزْرَائِيلُ أَمَامَهُ، فَيَسِيرُ بِهِمْ فِي اللَّيْلِ وَ يَكْمُنُ بِالنَّهَارِ وَ النَّاسُ يَتَّبِعُونَهُ مِنَ الْأَفَاقِ حَتَّى يَوَاقِعَ السَّفِيَانِيَّ عَلَى بَحِيرَةِ الطَّبْرِيَّةِ، فَيَغْضِبُ اللَّهُ عَلَى السَّفِيَانِيَّ وَ يَغْضِبُ خَلْقَ اللَّهِ لِغَضَبِ اللَّهِ تَعَالَى، فَتَرْتَشُّهُمْ الطَّيْرُ بِأَجْنِحَتِهَا وَ الْجِبَالُ بِصِيحُورِهَا وَ الْمَلَائِكَةُ بِأَصْوَاتِهَا وَ لَا تَكُونُ سَاعَةٌ حَتَّى يَهْلِكَ اللَّهُ أَصْحَابَ السَّفِيَانِيَّ كُلَّهُمْ وَ لَا يَبْقَى عَلَى الْأَرْضِ غَيْرُهُ وَ خِيَدُهُ، فَيَأْخُذُهُ الْمَهْدِيُّ فَيُدْبِحُهُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ الَّتِي أَعْصَانُهَا مَدْلَاهُ عَلَى بَحِيرَةِ الطَّبْرِيَّةِ وَ يَمْلِكُ مَدِينَةَ دِمَشْقَ؛ (۱) سفیانی با اسب ها (تجهیزات و امکانات) و بستگان و اقوام و زاد و توشه و لشکریانش، از آن جا (عراق) خارج می شود، در حالی که صد و هفتاد هزار نفر، او را هم راهی

می کنند. پس در کنار دریاچه طبریه فرود می آیند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در حالی که جبرئیل در طرف راست، میکائیل در سمت چپ و عزرائیل در پیشاپیش او قرار دارد، به تعقیب سفیانی و لشکریانش حرکت می کنند. شب ها به پیمودن راه و روزها به استراحت می پردازند تا این که در کنار دریاچه طبریه به سفیانی دست می یابند. پس خداوند بر سفیانی غضب نموده و خلق خدا نیز بدین خاطر بر او خشم می گیرند؛ پس ناگهان پرندگان با بال های خود، کوه ها با صخره های خود و فرشتگان با ندای مهیب خود، آنان را در هم می کوبند، به گونه ای که تمامی یاران و اطرافیان سفیانی، در اندک زمانی، نابود می گردند و خداوند همگی آنان را هلاک می سازد و سفیانی تنها می ماند. پس مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف او را دستگیر می کند و در زیر درختی که شاخه هایش بر دریاچه طبریه آویخته است، گردن می زند. سپس شهر دمشق (مرکز اقتدار سفیانی) را تصرف و از چنگال سفیانیان آزاد می کند».

ص: ۲۶۹

بعد از شکست سفیانی و تصرف شام، یکی از موانع دیگری که بر سر راه حضرت وجود دارد، یهود و اقماریهود است؛ زیرا یهودیان و رومیان، سفیانی را پشتیبانی می کنند، لذا

حضرت به مقابله با یهود می پردازد. این نبرد که از مهم ترین جنگ های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با دشمنان مشترک (سفیانی و یهود) برای فتح فلسطین است، پس از غائله شکست و کشته شدن سفیانی و پیروزی سپاه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با آزادی فلسطین، پایان می پذیرد و حضرت پیروزمندانه وارد بیت المقدس می شود.

در باره برخورد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با یهودیان و چگونگی تعامل آنان با حضرت، روایات مختلفی وارد شده است که برخی از وقوع درگیری و سرکوب شدید یهودیان توسط لشکریان اسلام خبر داده اند و برخی دیگر، از تسلیم شدن بخش اعظم آنان، حکایت دارد.

براساس برخی روایات، غربی ها به جهت پیروزی های شگفت آور امام علیه السلام و یاران او در حجاز و منطقه خلیج و به خاطر هم سوئی مسلمانان با ایشان، از رویارویی با او دوری می کنند؛ اما یهودیان که هستی و موجودیت آن ها به سرنوشت جنگ وابسته است، ضمن دوری از مبارزه مستقیم، به وسیله خط دفاعی غربی به فرماندهی سفیانی به جنگ حضرت می آیند.

در روایتی به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «يُقَاتِلُكُمُ الْيَهُودُ، فَتَسْلِمُوا عَلَيْهِمْ حَتَّى يَقُولَ الْحَجَرُ: يَا مُسْلِمٌ هَذَا

يَهُودِيٌّ وَرَأَيْتَ فَاقْتُلْهُ!» (۱) یهودیان با شما خواهند جنگید و شما بر آن ها پیروز و مسلط خواهید گشت، تا آن جا که اگر یک یهودی در پشت سنگی پنهان شود، آن سنگ می گوید: ای مسلمان! این شخص که پشت من مخفی و پنهان شده، یهودی است. او را به قتل برسان.» (۲) هم چنین در نقل دیگر از آن

ص: ۲۷۰

---

۱- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۷۵؛ صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۸۸؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۱۲۲؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۳۱۲.

۲- سخن گفتن سنگ، یا ناظر به اعجاز است یا مراد معنایی کنایی و قرینه حالیه بر افشا شدن هویت یهودیان فراری است که گویا سنگ خبر می دهد.

حضرت آمده است: «أَنَّ عَلَى يَدِي الْمَهْدِي يَظْهَرُ تَابُوتُ السَّكِينَةِ مِنْ بَحِيرِهِ الطَّبْرِيِّ حَتَّى تَحْمِلُ فِتْوَضِعُ بَيْنَ يَدَيْهِ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ، فَإِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ الْيَهُودُ أَسْلَمَتْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ؛ (۱) همانا تابوت سکینه (میراث حضرت موسی) که در دریاچه طبریه می باشد، به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر شده و در بیت المقدس قرار داده می شود. آن گاه یهودیان به آن می نگرند و همه ایمان می آورند و مسلمان می شوند، جز تعداد اندکی».

در برخی روایات، از حضور مستمر و پیروزمندانه طرفداران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اطراف بیت المقدس که شامل فلسطین، لبنان و سوریه نیز می شود خبر داده شده است که نقش مهمی در

حمایت از نهضت حضرت مهدی در این منطقه دارد. همیشه گروهی از امت من در دروازه های دمشق و اطراف آن و بر دروازه های بیت المقدس و اطراف آن جنگ می کنند. آن ها پیروزمندانه بر حق ثابت بوده تا آن که زمان قیام [مهدی علیه السلام] فرا رسد. (۲)

### فتح بیت المقدس و روم (کشورهای غربی)

قبلاً اشاره شد که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای در هم کوبیدن بساط ظلم و جنایت و بیداد سفیانی، پس از استقرار حکومت عادلانه اش در جزیره العرب و عراق، از کوفه به سوی شام حرکت می کند. در آن زمان، سفیانی با سپاهیان شکست خورده اش عقب نشینی می کند و در منطقه رمله (شمال شرقی قدس) مستقر خواهد شد.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در تعقیب سفیانی، همراه با سپاهی نیرومند، وارد فلسطین می شود و در

آن جا جنگ و پیکار میان دو نیروی حق و باطل رخ می دهد که به پیروزی

ص: ۲۷۱

۱- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۳۱۱.

۲- در حدیث دیگر به نقل از وهب بن منبه آمده است: «إِنَّ الطَّائِفَةَ مِنْ أُمَّتِهِ الظَّاهِرِينَ عَلَى الْحَقِّ وَالَّذِينَ لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَالَفَهُمْ حَتَّى يَأْتِيَهُمْ أَمْرُ اللَّهِ، إِنَّهُمْ فِي بَيْتِ الْمُقَدَّسِ وَ أَكْنَافِهِ؛ گروهی از امت او (پیامبر) که اهل حق و پیروزی اند؛ آنانی که ضرر نمی رساند به ایشان مخالفت شان تا وقتی که امر خدا بیاید، آنان در بیت المقدس و اطراف آن می باشند»؛ (مسند ابی یعلی، ج ۱۱، ص ۳۰۲؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۲۸۸؛ معجم الاوسط، ج ۱، ص ۱۹؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۵۹).

نیروهای اسلام و شکست و نابودی کامل جنبش سفیانی می انجامد. با پایان یافتن کار سفیانی، آتش جنگ در این منطقه خاموش می گردد.

ابوسعید خدری از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که فرمود: «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَ يَعْمَلُ بِسُنَّتِي وَ يُنْزِلُ اللَّهُ لَهُ الْبَرَكَهَ مِنَ السَّمَاءِ وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا وَ تُمَلَأُ بِهِنَّ الْأَرْضُ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ يَعْمَلُ عَلَى هِدْيَةِ الْأُمَّةِ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُنْزَلُ بَيْتَ الْمُقَدَّسِ؛(۱) مردی از امت من ظهور خواهد کرد که به سنت من عمل می کند. خداوند برکات آسمان را برای او فرو خواهد فرستاد و برکات زمین را برای او بیرون خواهد ریخت. او جهان را آکنده از عدل می کند چنان که پر از جور شده است. هفت سال بر این امت حکومت کرده و وارد بیت المقدس خواهد شد».

از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است که فرمود: «ثُمَّ إِنَّ الْمَهْدِيَّ سَارَ إِلَى بَيْتِ الْمُقَدَّسِ وَ اسْتَخْرَجَ تَابُوتَ السَّكِينَةِ وَ خَاتَمَ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ وَ الْأَلْوَاحَ الَّتِي نَزَلَتْ عَلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ؛(۲) پس مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سوی بیت المقدس حرکت کرده و تابوت سکینه حضرت داود علیه السلام و انگشتر سلیمان علیه السلام و الواح موسی علیه السلام را استخراج می کند».

پس از فتح بیت المقدس با توجه به نزول حضرت عیسی علیه السلام و بیعت او با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه کشورهای غربی که نوعاً مسیحی اند، تقریباً بدون مانع جدی، فتح خواهند شد.

امیرمؤمنان علیه السلام در باره فتوحات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «وَ يَسَيِّرُ الْمَهْدِيَّ حَتَّى يُنْزِلَ بَيْتَ الْمُقَدَّسِ وَ تَنْقَلُ إِلَيْهِ الْخَزَائِنُ وَ تَدْخُلُ الْعَرَبُ وَ الْعَجَمُ وَ أَهْلُ الْحَرْبِ وَ الرُّومِ وَ غَيْرُهُمْ فِي طَاعَتِهِ مِنْ غَيْرِ قِتَالٍ؛(۳) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همچنان به پیش می رود تا آن که وارد بیت المقدس شده و دارایی های فراوانی را با خود می آورد و عرب و عجم و رومی (اهل بلاد غرب) و دیگر مردمان، همگی بدون هیچ جنگ و درگیری تحت فرمان او در می آیند».

ص: ۲۷۲

۱- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۲؛ غایه المرام، ج ۷، ص ۱۰۳؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۱۳۵.

۲- الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۷۰.

۳- إحقاق الحق و إزهاق الباطل، ج ۲۹، ص ۴۴۵.

مرحوم نعمانی در کتاب الغیبه از امام صادق علیه السلام روایتی را نقل کرده است که حضرت فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقْصَائِمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَا لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانْظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا قَالَ وَيَبْعَثُ جُنْدًا إِلَى الْقُسَيْطِ طَنْطِيبِيَّةٍ فَإِذَا بَلَغُوا إِلَى الْخَلِيجِ كَتَبُوا عَلَى أَقْدَامِهِمْ شَيْئًا وَمَشُوا عَلَى الْمَاءِ فَإِذَا نَظَرَ إِلَيْهِمُ الرُّومُ يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ قَالُوا هَؤُلَاءِ أَصْحَابُهُ يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ فَكَيْفَ هُوَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَفْتَحُونَ لَهُمْ بَابَ الْمَدِينَةِ فَيَدْخُلُونَهَا فَيَحْكُمُونَ فِيهَا بِمَا يُرِيدُونَ؛(۱) زمانی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، اصحاب خود را به سراسر جهان گسیل می دارد و حکم و برنامه آنان را

در دست آنان می دهد تا برابر آن رفتار نمایند و نیز سپاهی را به سوی قسطنطنیه می فرستد، پس وقتی آنان به خلیج می رسند، چیزی روی پاهایشان می نویسند و روی آب حرکت می کنند. وقتی رومیان آنان را چنین می بینند، با تعجب می گویند: حال که اصحاب و یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین اند و بر روی آب راه می روند، پس خود او چگونه خواهد بود؟! آن وقت است که در های ورود به شهر را [به علامت تسلیم] به سوی آنان می گشایند و یاران حضرت [بدون هیچ گونه مانع و درگیری] وارد شهرها می شوند و طبق آن چه خود می خواهند (آئین اسلام) حکم فرمایی کنند».

نیز در نقل محمد بن حنفیه آمده است: «وَفَتَحَ الْقُسَيْطِ طَنْطِيبِيَّةَ عَلَى يَدَيْهِ، ثُمَّ يَبْعَثُ إِلَى رُومِيَّةٍ فَيَفْتَحُهَا... ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ فَيَنْزِلُهَا وَ يَخْرُجُ الدَّجَالَ فِي زَمَانِهِ وَ يَنْزِلُ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ فَيَصِلُ إِلَى خَلْفِهِ؛(۲) آزادی قسطنطنیه به دستور او (مهدی) خواهد بود، سپس به سوی روم (بلاد غرب) حرکت کرده آن را فتح می کند، دوباره به بیت المقدس باز می گردد. در آن زمان، دجال خروج می کند و عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان فرود می آید و پشت سر آن حضرت نماز می گزارد».

حدیفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که فرمود: «لَيْسَ تَخْرُجَنَّ الْمَهْدِي عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَلِكَ حَتَّى يَرْدَهُ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ ثُمَّ يَسِيرُ

وَ مَنْ مَعَهُ حَتَّى يَأْتُونَ خَلْفَ الرُّومِيَّةِ مَدِينَةً

ص: ۲۷۳

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۳۱۹؛ دلائل الامامه، ص ۴۶۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵.

۲- التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۱۶۹.

فِيهَا مِائَةٌ سُوْقٍ فِي كُلِّ سُوْقٍ مِائَةٌ أَلْفَ سُوْقٍ فَيَفْتَحُونَهَا ثُمَّ يَسِيرُونَ حَتَّى يَأْتُونَ مَدِينَهُ يُقَالُ لَهَا: قَاطِعٌ عَلَى الْبَحْرِ الْأَخْضَرِ الْمُحَدِّقُ بِالْدُنْيَا لَيْسَ خَلْفَهُ إِلَّا أَمْرُ اللَّهِ طُولُ تِلْكَ الْمَدِينَةِ أَلْفَ مَيْلٍ وَ عَرْضُهَا خَمْسَةَ مِائَةٍ مَيْلٍ لَهَا ثَلَاثَةُ آلَافٍ بَابٌ وَ ذَلِكَ الْبَحْرُ لَا يَحْمِلُ جَارِيَهُ السَّيْفِينَ لِأَنَّهُ لَيْسَ لَهُ قَعْرٌ وَ كُلُّ شَيْءٍ تَرَوْنَهُ مِنَ الْبِحَارِ إِنَّمَا هُوَ خَلْجَانٍ مِنْ ذَلِكَ الْبَحْرِ جَعَلَهُ اللَّهُ مَنَافِعَ لِابْنِ آدَمَ؛ (۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن (گنج ها) را استخراج نموده و به بیت المقدس برمی گرداند. سپس با همراهان خود به سمت روم خواهد رفت. در آن جا شهری است که صد بازار دارد و در هر بازار، صد هزار بازار وجود دارد. پس [سپاه مهدی] آن جا را فتح می کنند تا به شهری برسند که به آن «قاطع» می گویند و در کنار دریای سبزی است که دنیا را احاطه کرده است. پشتیبان او [در فتح آن جا] به جز امر خداوند متعال چیزی نیست. طول آن شهر هزار میل و عرض آن پانصد میل است و سه هزار دروازه دارد. در آن دریا به دلیل اینکه عمق ندارد کشتی حرکت نمی کند و آن چه از دریاها می بینید خلیج ها و شعبه هایی از آن است که خداوند برای آدمیان منافعی در آن ها قرار داده است».

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «وَ يَتَوَجَّهُ إِلَى الْأَفَاقِ فَلَا تَبْقَى مَدِينَةٌ وَطَنُهَا ذُو الْقَرْنَيْنِ إِلَّا دَخَلَهَا وَ أَصْلَحَهَا وَ لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا هَلَكَ عَلَى يَدَيْهِ وَ يَشْفِي اللَّهُ قُلُوبَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ؛ (۲) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آهنگ شهرهای دور دست کند پس هیچ شهری نیست که ذوالقرنین آن را تصرف کرده باشد مگر آن که او وارد آن شود و مشکلات آن را برطرف کند و هیچ کافری نماند مگر آن که به وسیله او نابود گردد و دل های اهل اسلام (که قرن ها زیر دست کافران گردنکش بوده اند) تشفی پیدا کند».

ص: ۲۷۴

- 
- ۱- احقاق الحق و اذهاق الباطل، ج ۱۳، ص ۲۶۵؛ معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۲۱۸.
  - ۲- الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۴۷؛ احقاق الحق و اذهاق الباطل، ج ۱۳، ص ۲۶۵؛ معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۲۱۸.



## نزول عیسی علیه السلام و اقتدای او به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود می آید و به آن حضرت ملحق می شود. وی از سوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرماندهی عملیات تهاجمی علیه لشکریان دجال را به عهده می گیرد.

حضرت عیسی علیه السلام نقش مهمی در فتح جهان غرب و چرخش دنیای مسیحیت به سوی اسلام خواهد داشت؛ به همین جهت در روایات، از حضرت عیسی مسیح علیه السلام به دلیل نقش کلیدی و منحصر به فردی که در تحکیم و گسترش حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ایفا خواهد کرد، با عنوان «وزیر» یاد کرده است. گو این که آن حضرت، نقش معاون اولی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در میان دستیاران و کارگزاران حکومتی ایشان به عهده دارد.

حضرت عیسی بن مریم علیه السلام نزد مسیحیان، مقدّس ترین موجود است و طبیعی است که دیگر مکتب ها و ادیان نیز در برابر شخصیت آن حضرت، سر تعظیم فرو می آورند و مسلمانان نیز به پیروی از قرآن کریم او را بنده وارسته و شایسته خدا و پیامبر بزرگ او می شمارند و همان گونه که قرآن، بارها او را به پاکی و طهارت و قداست و احترام یاد کرده است، از او تجلیل می کنند. به خاطر اهمیت این موضوع و شکوه و شخصیت والای حضرت عیسی علیه السلام است که خداوند آن حضرت را برای تقویت حرکت جهانی و نجات بخش امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور از آسمان فرود می آورد.

در روایات رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیه السلام به فرود آمدن عیسی علیه السلام و تبعیت او از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح شده است. چگونگی نزول عیسی مسیح علیه السلام و تبعیت و اقتدای او به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به گونه های مختلفی نقل شده است که به برخی از آن اشاره می گردد:

ابن عباس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «يَخْرُجُ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلُ رُوحَ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَصِلَانِي خَلْفَهُ وَ تُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ» (۱) هنگامی که فرزندم مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج می کند پس عیسی روح الله فرزند مریم فرود آید و پشت سر او (مهدی)

نماز گذارد و زمین از نور خدا روشن و حکومت مهدی شرق و غرب را فراگیرد».

ص: ۲۷۵

امیر مؤمنان علیه السلام در سخنرانی معروف خویش (خطبه بیان) می فرماید: «ثُمَّ إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَرْجِعُ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ فَيَصِلُنِي بِالنَّاسِ أَيَّامًا فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَقَدْ أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ فَيَنْزِلُ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ مِنَ السَّمَاءِ عَلَيْهِ ثَوْبَانِ أَحْمَرَانِ وَكَأَنَّمَا يَقْطُرُ مِنْ رَأْسِهِ الدُّهْنُ وَهُوَ رَجُلٌ صَبِيحُ الْمَنْظَرِ وَالْوَجْهَ أَشْبَهُهُ الْخَلْقُ بِأَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَأْتِي إِلَى الْمَهْدِيِّ وَيُصَافِحُهُ وَيُبَشِّرُهُ بِالنَّصْرِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَقُولُ لَهُ الْمَهْدِيُّ: تَقَدَّمَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَصَلِّ بِالنَّاسِ، فَيَقُولُ عَيْسَى: بَلِ الصَّلَاةُ لَكَ يَا ابْنَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يُؤَذِّنُ عَيْسَى وَيَصِلُنِي خَلْفَ الْمَهْدِيِّ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَجْعَلُ عَيْسَى خَلِيفَهُ عَلَيَّ قِتَالِ الْأَعْوَرِ الدَّجَالِ ثُمَّ يَخْرُجُ أَمِيرًا عَلَيَّ جَيْشِ الْمَهْدِيِّ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ؛ (۱) سپس مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به بیت المقدس برمی گردد و چند روز با مردم در آن جا نماز می گزارد. چون روز جمعه شود و نماز برپا گردد، عیسی بن مریم علیه السلام در همان ساعت از آسمان نزول می کند، در حالی که دو جامه سرخ به تن دارد و گویی از سر او روغن می چکد (کنایه از براقی موی سر حضرت عیسی) و او مردی زیباروی و شبیه ترین مردم به حضرت ابراهیم علیه السلام است. پس نزد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف می آید و با او مصافحه می کند و به او بشارت پیروزی می دهد. در این موقع، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به او می فرماید: «یا روح الله! جلو برو و با مردم نماز بگزار». اما عیسی علیه السلام می گوید: «یا بن رسول الله! [امامت در] نماز برای تو و خاص توست». در این هنگام،

عیسی علیه السلام اذان می گوید و پشت سر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نماز می گزارد. آن گاه به مقام جانشینی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در جنگ با دجال برگزیده می شود و فرماندهی سپاه مهدی صلی الله علیه و آله و سلم را به عهده می گیرد».

امام باقر علیه السلام در تأویل آیه کریمه (وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا) فرمود: «إِنَّ عَيْسَى قَبِيلَ الْقِيَامَةِ يَنْزِلُ إِلَى الدُّنْيَا فَلَا يَبْقَى أَهْلٌ مَلَّهٖ يَهُودِيٌّ وَلَا غَيْرُهُ إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَصِلُنِي خَلْفَ الْمَهْدِيِّ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ؛ (۲) عیسی علیه السلام قبل از قیامت به زمین نزول می کند و هیچ یک از اهل یهود و غیر آن باقی نمی ماند جز آن که پیش از مردنش به او ایمان می آورد و او پشت سر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نماز می خواند».

ص: ۲۷۶

۱- مجمع النورین، ص ۳۳۸؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۸۱.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۱.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز نقل شده است که فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَيُوشِكَنَّ أَنْ يُنَزَلَ فِيكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ حُكْمًا عَدْلًا يَكْسِرُ الصَّلِيبَ وَ يَقْتُلُ الْخَنزِيرَ وَ يَضَعُ الْجِزْيَةَ فَيَفِيضُ الْمَالَ حَتَّى لَا يَقْبَلَهُ أَحَدٌ؛ (۱) سوگند به آن کسی که جانم در دست اوست، عیسی بن مریم به عنوان داوری عادل و امامی دادگر در میان شما نازل خواهد شد. او صلیب را می شکند و خوک را می کشد و جزیه را برمی دارد و آن قدر مال به مردم می دهد که [از شدت غنا

و ثروت] دیگر کسی آن را نمی پذیرد».

در روایتی که جابر بن عبدالله انصاری از امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده آمده است: «عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ يُنَزَلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ يَكُونُ مَعَ الْمَهْدِيِّ مِنْ ذُرِّيَّتِي... فَيَتَقَدَّمُ الْمَهْدِيُّ مِنْ ذُرِّيَّتِي فَيُصَلِّي إِلَيَّ قَبْلَهُ جَدِّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ يَسِيرُونَ جَمِيعًا إِلَى أَنْ يَأْتُوا بَيْتَ الْمَقْدَسِ... ثُمَّ يَمُوتُ عِيسَى وَ يَبْقَى الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فَيَسِيرُ فِي الدُّنْيَا وَ سَيْفُهُ عَلَى عَاتِقِهِ وَ يَقْتُلُ الْيَهُودَ وَ النَّصَارَى وَ أَهْلَ الْبَدْعِ؛ (۲) عیسی علیه السلام بن مریم از آسمان فرود می آید و به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که از ذریه من است می پیوندد. پس مهدی جلو می ایستد و به سوی قبله جدش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نماز می گزارد. آن گاه همگی حرکت می کنند تا به بیت المقدس می رسند... سپس عیسی دعوت حق را لیک می گوید و مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف باقی می ماند. او در حالی که شمشیرش را بر گردن آویخته است، با یهود و نصارا و بدعت گذاران می جنگد».

### فتح چین، دیلم و قسطنطنیه

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از پاک سازی مناطق اسلامی از چنگال ستمکاران و جبارانی هم چون سفیانی، اقدام به آزادسازی دیگر مناطق دنیا مانند کشورهای شرق آسیا، از شر ظلم و بی دینی می کند. امام باقر علیه السلام می فرماید: «ثُمَّ يَعْقِدُ بِهَا الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثَ رَايَاتٍ لَوَاءٍ إِلَى الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ وَ لَوَاءً إِلَى الصِّينِ

فَيَفْتَحُ لَهُ وَ لَوَاءً إِلَى جِبَالِ

ص: ۲۷۷

۱- المصنف، ج ۱۱، ص ۳۹۹؛ مسند ابن جعد، ص ۴۲۰؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۲۴۰؛ صحيح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۲۳۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۳.

۲- معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۱۲۱.

الدَّيْلَمُ فَيَفْتَحُ لَهُ؛<sup>(۱)</sup> سپس حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سه پرچم را آماده می کند. پرچمی را به قسطنطنیه گسیل می دارد و خداوند آن جا را برای او می گشاید؛ پرچم دیگری را به سوی چین می فرستد و آن جا را نیز فتح می کند و پرچم سوم را به سوی اطراف کوه های دیلم می فرستد و آن جا را نیز آزاد می گرداند».

### فتح شرق و غرب

از آن جایی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منجی همه بشریت است و رسالت خویش را تحقق عدالت جهانی می داند، لذا پس از آزاد سازی کشورهای اسلامی، اقدام به پاک سازی مناطق شرق و غرب جهان می کند و اصحاب و یاران خویش را به سراسر دنیا اعزام می کند تا جهان را تسخیر کنند و به آنان دستور می دهد تا پیام الاهی را به گوش جهانیان برسانند و با برخورد نیک، عدالت را در میان مردم به اجرا گذارند.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا؛<sup>(۲)</sup> زمانی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، اصحاب خود را به سراسر جهان گسیل می دارد».

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «إِنَّ الْقَائِمَ يَمْلِكُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَتِسْعَ سِنِينَ كَمَا لَيْتَ أَهْلُ الْكُهْفِ فِي كُهْفِهِمْ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَعَرْبَهَا وَيَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دِينُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؛<sup>(۳)</sup> هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، سیصد و نه سال سلطنت می کند، به همان مدت که اصحاب کهف در غار خود ماندند، او زمین را پر از عدل و داد می کند، همچنان که پر از ظلم و ستم شده باشد. خداوند شرق و غرب زمین را برای او می گشاید و چندان از مردم بیدین به قتل می رساند که جز دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم باقی نماند».

آن حضرت درباره حاکمیت جهانی دین اسلام در دوران ظهور می فرماید: «إِذَا قَامَ

ص: ۲۷۸

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۸؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۳۱۶.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۳۱۹؛ دلائل الامامه، ص ۴۶۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵.

۳- الغیبه، طوسی، ص ۴۷۴.

الْقَائِمُ... لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينَ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَ يَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: (وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ) (۱) وَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ حَكَمَ مُحَمَّدٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَحِينَئِذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبْدِي بَرَكَاتِهَا فَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِمَا لِيَصَدَّقْتَهُ وَ لَا لِيُرَهُ لِسُمْوَلِ الْغِنَى جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ؛ (۲) چون حضرت قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف قیام کند، اهل هیچ کیش و آئینی نمی ماند جز اینکه همگی اسلام می آورند و اعتراف به ایمان نمایند، آنگونه که خدای

سبحان فرمود: هر که در آسمان ها و زمین است خواه و ناخواه تسلیم او شود و به سوی او باز گردانیده می شوند. به حکم داود علیه السلام و جدش محمد صلی الله علیه و آله و سلم در میان مردم حکومت کند، آن روز است که زمین گنج های خود را ظاهر سازد و برکات خویش را آشکار نماید و کسی از شما در آن زمان جایی برای دادن صدقه و احسان خود نیابد زیرا همه مؤمنین را توانگری فرا گرفته و همگی بی نیازند».

ص: ۲۷۹

---

۱- سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۲- الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۵.

با استقرار نظام عدل مهدوی در سراسر جهان، اصلاحات همه جانبه با دستورالعمل های آن مصلح بزرگ آغاز می گردد، تا جامعه نوینی بر پایه های اصیل دینی بنیان نهاده و تمدن آرمانی را برای بشریت تشنه عدالت، به ارمغان آورد. توجه به دستاوردهای حیرت انگیز آن دوران، ما را به این نکته واقف می کند که در زمان غیبت و فقدان حضور رهبر معصوم، جامعه بشری از چه فوائد و برکات بی شماری محروم شده است؛ محرومیتی که خسارات آن، به هیچ وجه قابل جبران نمی باشد. رفع این محرومیت، تنها و تنها با دست با کفایت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و در عصر ظهور، ممکن و میسر است.

در سایه نظام مهدوی، فرهنگ و تمدن و رشد علمی جامعه عصر ظهور چنان شکوفا می گردد که در سراسر تاریخ، همتایی نخواهند داشت. در آن زمان، دانش و تربیت و معنویت، به برکت

انتشار علوم و معارف قرآن و سنت، در سراسر جهان با سرعت وصف ناپذیری بسط و گسترش می یابد و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نظام مبتنی بر فرهنگ قرآن را، سامان می بخشد.

ابعاد گوناگون دستاوردهای نظام مهدوی را، می باید در اصلاحات مورد نظر آن حضرت جستجو کرد؛ اصلاحات عمیق و فراگیری که جامعه عصر ظهور را از نظر اجتماعی، امنیت، رفاه عمومی، شکوفایی اقتصادی، عدالت قضایی، بهداشت و درمان همگانی، علوم و فن آوری، اخلاق و فرهنگ و... متحول خواهد نمود.

## اشاره

اقدامات اصلاحی حضرت در سطوح مختلف علم، فرهنگ، تربیت، اقتصاد، مدیریت، سیاست و... به صورت چشمگیری به اجرا گذارده می شود به گونه ای که آثار و برکات آن برای مردمان آن زمان، قابل لمس خواهد بود.

در روایات به نمودهای ملموس این اصلاحات در زندگی مردمان عصر ظهور اشاره شده است که در این جا به برخی از مهم ترین اقدامات مصلحانه حضرت، اشاره می گردد:

### ۱. مقابله با بدعت ها

در طول زمان، در اثر رسوب عادات و خلط باورها و نگرش های گوناگون با آموزه های

دینی، پیرایه ها و بدعت های زیادی به دین افزوده می شود. از این رو، یکی از اقدامات اصلاحی حضرت، مقابله با انحرافات و زدودن این گونه بدعت هایی است که در زمان غیبت پدید آمده و مردم، سخت به آن عادت کرده اند.

برداشت ها و تفسیرهای نادرستی که در دین خدا و اصول و فروع احکام الهی پدید آمده است به گونه ای است که برخی قرن ها در ذهن جامعه اسلامی نفوذ و رسوخ کرده و دگرگونی هایی را در مفاهیم قرآنی و آموزش های اسلامی پدید آورده است، اما حضرت، اسلام را آن چنان که هست، معرفی می کند و بدعت ها و انحرافات تحمیل شده بر دین را از چهره دین می زداید.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «وَلَا تَتْرُكْ بِدْعَهُ إِلَّا أَزَالَهَا وَ لَا سُنَّةَ إِلَّا أَقَامَهَا»<sup>(۱)</sup> هیچ بدعتی نیست مگر این که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن را می زداید و هیچ سنت تعطیل شده ای نیست مگر آن که آن را برپا می کند».

### ۲. احیای دوباره دین

از نمودهای اصلاحی مهم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بازگشت به دین و احیای ارزش های دینی و سنت های اصیل اسلامی است؛ همان اسلام اصیلی که مردم تدریجاً از آن فاصله گرفته اند.

ص: ۲۸۱

۱- الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۵؛ روضه الواعظین، ص ۲۶۴؛ جامع الاحادیث الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۸۱.

بر پایه گزارش ابن عباس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِنَّ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِي يَغِيبُ حَتَّى لَا يُرَى وَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَنٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَ لَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رِسْمُهُ فَحِينَئِذٍ يَأْذُنُ اللَّهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ وَإِنَّ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِي يَغِيبُ حَتَّى لَا يُرَى وَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَنٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَ لَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رِسْمُهُ فَحِينَئِذٍ يَأْذُنُ اللَّهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ؛ (۱) دوازدهمین فرزندم از نظرها پنهان می گردد و دیده نمی شود و زمانی بر امت من خواهد آمد که از اسلام جز نام و از قرآن جز نقشی باقی نماند. در این هنگام، خداوند بزرگ به او اجازه خروج می دهد و اسلام را با او آشکار و تجدید می کند».

در دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان بینی و راه و روش واحدی بر جهان حاکم می شود، یک پارچگی و یگانگی واقعی در عقیده و مرام مردم پدید می آید و همه یک دل و یک زبان به سوی سعادت و صلاح حرکت می کنند. ناسازگاری و دوگانگی از اندیشه ها و عقیده ها رخت خواهد بست؛ چنان که در راه و روش های اجتماعی نیز اختلاف و چندگانگی دیده نمی شود.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَعَا النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيداً وَ هَدَاهُمْ إِلَى أَمْرِ قَدْ دَثَرَ وَ ضَلَّ عَنْهُ الْجُمْهُورُ وَ إِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِيّاً لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى أَمْرِ مَضْلُوبٍ عَنْهُ وَ سُمِّيَ الْقَائِمُ لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ؛ (۲) چون

قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، مردم را به اسلام جدید دعوت می فرماید و به امری که کهنه شده و جمهور مردم از آن گمراه مانده اند، هدایت می کند و او از آن جهت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نامیده شده که به چیزی هدایت می کند که گم شده است و او را از آن جهت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می نامند، چون قیام به حق می فرماید».

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه علل و عوامل ناسازگاری و برخورد و درگیری را از بین می برد، تضادها و کشمکش های اجتماعی را که در اختلاف عقیدتی جامعه ریشه دارد از بن بر می کند و با عرضه جهان بینی و ایدئولوژی واحد که آثار آن در عینیت و عمل، برای همگان آشکار و ملموس خواهد بود راه هر گونه اختلاف را می بندد و بدین گونه،

ص: ۲۸۲

۱- کفایه الاثر، ص ۱۵؛ غایه المرام، ج ۲، ص ۱۶۳؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۸۴.

۲- الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴؛ روضه الواعظین، ص ۲۶۵.



با این اصل اساسی و زیربنایی، در ساختن جامعه یگانه بشری به توفیقی بزرگ و بی مانند دست می یابد.

عبدالله بن عطار می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: روش و سیره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه است؟ امام فرمود: «يُضَيِّعُ مَا صَيَّرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَيَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً»<sup>(۱)</sup> همان کاری که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم انجام داد، انجام می دهد و برنامه های نادرست پیشین را ویران می سازد،

همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امور مربوط به جاهلیت را ویران ساخت و اسلام را نوسازی می کند».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حقیقت، بر پایه اصول و چار چوب کلی قرآن و سنت عمل می کند و سیره او با سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر ائمه علیهم السلام یکی است؛ اما با توجه به تفاوت های اساسی عصر ظهور با دوران صدر اسلام، برخی از شیوه های رایج در سیره امامان پیشین علیهم السلام همانند تقیه و تعامل با کفار و امثال آن که بنا به اقتضائات آن زمان به صورت یک رویه ثانوی تحمیل شده بر جامعه آن روز، جزء سیره عملی ائمه علیهم السلام شناخته می شد، در عصر ظهور که عصر حاکمیت اهلیت علیهم السلام است، این رویه تغییر خواهد کرد و بخش زیادی از احکام حکومتی تعطیل شده اسلام، در سیره حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اجرا گذارده خواهد شد و بسیاری از احکام و معارف دین که دچار تحریف گردیده است دوباره تصحیح و غبار تحریف و خرافات از چهره دین پاک خواهد شد، چرا که در عصر ظهور، به فرموده امام باقر علیه السلام: «دَوَلَّتْنَا آخِرُ الدُّوَلِ»<sup>(۲)</sup> تنها تفکر حاکم بر جهان تفکر اهلیت علیهم السلام است. در آن زمان که به گفته امام صادق علیه السلام تقیه برچیده می شود: «فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا سَقَطَتْ التَّقِيَّةُ»<sup>(۳)</sup> حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه بر اساس مصلحت

اندیشی، بلکه بر پایه حکم واقعی با طاغیان زمانش رفتار خواهد کرد.

براین اساس، تغییر در شیوه اجرای احکام دین، ناشی از تغییر شرایط زمانی و

ص: ۲۸۳

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۶؛ شرح الاخبار، ج ۳، ص ۵۶۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳.

۲- الغیبه، طوسی، ص ۴۷۲.

۳- اثبات الهداه، ج ۵، ص ۱۹۱؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۴۷.

مکانی عصر ظهور است، همان گونه که در دوران ائمه پیشین علیهم السلام نیز هر امامی با تفاوت شرایط، روش متفاوت با امام دیگر را در پیش می گرفته است، مانند شرایط سیدالشهدا علیه السلام که تصمیم بر جنگ و بر شهادت را می طلبد در حالی که شرایط امام مجتبی علیه السلام اقتضای صلح را دارد، در عین حال هر دو بزرگوار با انتخاب این دو روش متضاد صلح و جنگ، طبق سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عمل کرده اند. دیگر امامان علیهم السلام نیز به گونه ای سیره های گوناگونی داشته اند؛ حتی خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در شرایط مختلف، سیره اش متفاوت بوده است؛ پیش از فتح مکه و پس از آن یکسان نبوده است، قبل از آیات جهاد به گونه ای و پس از آن به گونه ای دیگر، در شرایط تقیه، به شکلی و در شرایط بسط ید، به شکل دیگر عمل کرده است؛ چرا که تغییر شرایط، مصالح و آثار متفاوتی را به همراه دارد.

تفاوت روش در مقام اجرا بر پایه تفاوت شرایط، هرگز ما را از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جدا نمی سازد؛ چرا که این تفاوت روش بر پایه

واقعیات حاکم بر شرایط زمانی و مکانی است و با اصول ثابت سنت تعارضی نخواهد داشت. تحلیل محتوایی این گونه روایات نیز نشان می دهد که این تفاوت ها در شیوه اجرایی احکام دین در شرایط مختلف، تا حدی طبیعی نیز هست؛ چرا که با طولانی شدن زمان غیبت و عدم دسترسی مردم به منبع معصوم، عوامل مختلف جهل و هواخواهی مردم سبب ایجاد بدعت هایی در دین می شود و احکامی از قرآن و اسلام بر طبق میل مردم تاویل و تفسیر می شود، بسیاری از حدود و احکام چنان فراموش می گردد به گونه ای که گویا اصلاً از اسلام نبوده است، لذا وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند، بدعت ها را ابطال و احکام خدا را آن گونه که هست عمل کرده، حدود اسلامی را بدون سهل انگاری اجرا می کند، و چون مجموعه نوسازی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عرصه های مختلف اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی، دگرگون کننده است، درپاره ای از روایات از آن به «دین جدید» یا «روش جدید» تعبیر شده است. طبیعی است که چنین برنامه ای کاملاً برای مردمانی که با محرّمات الهی عادت کرده اند، تازگی داشته باشد.

بنابراین، همان گونه که تمامی ائمه علیهم السلام از سنت و سیرتی واحد برخوردار بوده و شیوه زندگی همه امامان معصوم علیهم السلام بر پایه سیره

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم استوار بوده است،

دین و سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز چیزی جز همان دین و سیره جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نخواهد بود. از این رو، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز ظهور از مردم پیمان بیعت می گیرد تا بر اساس قرآن و سنت پیامبر عمل کنند: «يُبَايِعُ الْقَائِمُ بِمَكَّةَ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِهِ» (۱). مردم مکه با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می کنند تا بر طبق کتاب و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آن حضرت پیروی نمایند».

### ۳. تفسیر معصومانه از آموزه های اسلامی

در زمان غیبت، فهم و تفسیر ما از دین، تفسیری ظاهری و خطاپذیر است. چنان که در زمان غیبت، مراجع تقلید، احکام ظاهری را بر اساس اجتهاد خود بیان می کنند؛ اما در زمان ظهور، بیان احکام، ظاهری نیست؛ بلکه واقعی است. در عرصه تفسیر نیز هیچ کدام از مفسرین ادعا نکرده اند که فهم و دیدگاه شان، تفسیر واقعی قرآن است؛ بلکه معنای تفسیر واقعی قرآن تنها توسط معصوم ممکن است. از این رو، در حکومت مهدوی، رویه های مفسر محوری و تعدد قرائت پذیری آموزه های قرآنی، پذیرفتنی نیست و اصولاً هدف از ظهور آخرین مصلح الاهی، احیای اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است؛ زیرا در عصر غیبت،

قرآن و نام اسلام از بین نرفته است، بلکه آن چه از بین رفته و دچار تحریف شده، تفسیر صحیح از اسلام است که توسط حضرت، احیا خواهد شد. بدیهی است که همه اقدامات مصلحانه حضرت، با محوریت قرآن انجام خواهند گرفت.

آن حضرت گونه های مختلف برداشت از قرآن کریم را از میان بر می دارد. مردم معارف قرآن را از آن حضرت می آموزند و تفسیر و پیام و مفهوم آن را آن گونه که خدا اراده فرموده است می شناسند و بر معارف بلند و رازهای شگفت آن که تا آن زمان، ناشناخته و پوشیده مانده آگاهی می یابند. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «يُعْطَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهُدَى وَ يَعْطَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ» (۲). او با محور قرار دادن قرآن، نظرات و خواسته های افراد را به سوی قرآن جلب کرده با محک قرآن می سنجد، آنگاه که مردم، قرآن را مستمسک و محملی

ص: ۲۸۵

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲- نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۱؛ بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۵۴۹؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۸۷.

برای پندارها و توجیه خواسته ها و تمایلات خود قرار داده اند».

#### ۴. حاکمیت جهانی اسلام

اجرای احکام دین در همه ابعاد، در واقع، نگاه اجرایی است. احکام الهی باید محقق شوند و این تحقق، مستلزم حاکمیت کامل و

فراگیر احکام اسلام در همه عرصه های زندگی بشر آن روز است.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ؛<sup>(۱)</sup> هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور و قیام کند، هر دولت باطلی از بین می رود».

رفاعه بن موسی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که در تفسیر آیه (وَلَهُ أَسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا)<sup>(۲)</sup> فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَمَّا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةً أَنْ لَمَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛<sup>(۳)</sup> هنگامی که مهدی قیام کند، زمینی نمی ماند مگر این که در آن جا بانگ شهادت به یگانگی خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بلند می شود».

#### ۵. ترویج فضائل اخلاقی

همان گونه که انسان، محور اصلی برنامه ریزی ها، قوانین، علوم و دیگر مسائل جامعه بشری است. اصلاحات و تحولات و انقلاب ها نیز، نخست باید از درون انسان آغاز شود و در حوزه وجودی او شکل گیرد و سپس به برون جامعه سرایت کند؛ زیرا چگونگی اموری مانند: اقتصاد، سیاست، جنگ، صلح، اخلاق، ضد اخلاق، ارزش، ضد ارزش، خوش بختی، بدبختی، ایثار، خودخواهی، مهرورزی، نظم، بی نظمی،

همه و همه به چگونگی تعامل و رفتار انسان باز می گردد. از این رو، بایسته است بهترین برنامه ها و آموزش ها به دست انسان های شایسته اجرا شود و گرنه سودی نمی بخشد و تحولی نمی آفریند؛ زیرا بهترین قوانین، صالح ترین مجریان را می طلبد چرا که

ص: ۲۸۶

۱- الکافی، ج ۸، ص ۲۷۸.

۲- سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

پرورش و رشد فضائل انسانی و تربیت اصولی افراد، مقدمه اصلی تشکیل هر نظام صالح و انسانی است.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اصلاحات زیربنایی خویش را از این نقطه (تربیت اجتماعی) آغاز می کند تا زمینه برای سایر برنامه های اصلاحی پدید آید و شرایط برای تحقق رفاه، عدالت، دادگری، قانون شناسی، تعهدپذیری، گسترش محبت، ایثار و فداکاری در همه سطوح جامعه، پدیدار گردد.

اقدامات اصلاحی حضرت، چون برپایه اخلاق و تربیت برخواسته از تعلیمات سازنده قرآن استوار است، جامعه را به سمت جامعه ای برخوردار از آداب و رفتار حسنه و فرهنگ معنوی و دینی سوق می دهد؛ رشد آگاهی های دینی مردم و ترویج آموزه های قرآن و تعلیمات دینی در جامعه، رفتارهای اخلاقی را در میان مردم افزایش می دهد و در نتیجه، موازین اخلاقی، تربیت و آداب صحیح، به صورت

یک فرهنگ در جامعه نهادینه شده و عوامل ضد اخلاقی زدوده می شود.

منشأ اغلب ناسازگاری های اجتماعی، نابخردی و پایین بودن سطح فرهنگ و تربیت انسانی است. با رشد تربیت و تکامل عقل، کینه ها به محبت و دوستی تبدیل می شود، روابط اجتماعی بر اصل انسان دوستی و نوع خواهی استوار می گردد و مهر و عاطفه در همه سطوح جامعه گسترش می یابد.

امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید: «وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... لَذَهَبَتِ الشُّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ»<sup>(۱)</sup> چون قائم ما قیام کند، کینه ها از دل ها بیرون می رود».

## ۶. توسعه اقتصاد و معیشت عمومی

در بعد اقتصاد و معیشت، به برکت اقدامات اصلاحی حضرت، گشایش فوق العاده ای در وضع معیشت و اقتصاد مردم پدید می آید. و چون بخش عمده ای از نابسامانی ها و جنایات، ناشی از فقر و نیاز و فلاکت اجتماعی بوده و بسیاری از درگیری ها و بیماری ها نتیجه شوم فقر و بی نوایی است، لذا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حل

ص: ۲۸۷

---

۱- الخصال، ص ۶۲۶؛ تحف العقول، ص ۱۱۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

مشکلات اقتصادی خانواده بزرگ بشر و توسعه رفاه و معیشت مردم اقدام می کند. با عنایت و مدیریت حضرت، عوامل فقر و نابسامانی از

جامعه رخت برمی بندد و عمران و آبادانی و بی نیازی جایگزین آن می شود، خیرات و برکات و نعمت ها از هر سو فرو می بارد و به همه قشرها و طبقات جامعه می رسد.

اهمیت توسعه اقتصادی و معیشت مردم، از آن رو است که مسأله اقتصاد و رفاه اجتماعی بستر تحقق سایر تحولات اجتماعی شمرده می شود. تا جایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مورد اهمیت کلیدی و تأثیرگذار این موضوع می فرماید: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ وَ لَا تَفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ فَلَوْ لَا الْخُبْزُ مَا ضَمْنَا وَ لَا صَلَّيْنَا وَ لَا أَدَّيْنَا فَرَايَضَ رَبَّنَا؛<sup>(۱)</sup> پروردگارا! به نان ما برکت بده و میان ما و نان جدایی مینداز؛ زیرا اگر نان (اشاره به مواد غذایی و دیگر احتیاجات معیشت) نباشد، نه می توانیم نماز بخوانیم، نه می توانیم روزه بگیریم و نه دیگر واجبات الهی را به جا آوریم».

به همین دلیل در اصلاحات مهدوی، بر اهمیت موضوع اقتصاد و معیشت و تأثیرات آن در سایر شئون حیات انسانی، تأکید فراوان شده است. در حقیقت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با اصلاحات اقتصادی خویش، ممنوعیت های تحمیلی و ظالمانه را برمی دارد و به همگان اجازه

می دهد که از ذخائر و نعمت هایی که خداوند برای بندگانش آفریده است، در پرتو عدالت و آزادی بهره گیرند. او اجازه می دهد که مردم از زمین و گنجینه ها و منابع و معادن آن و از مراتع و مزارع حاصل خیز استفاده کنند. بدین جهت است که برکات طبیعی چندین و چند برابر می گردد و ثروت های عمومی افزایش می یابد و حضرت، با اجرای اصل عدالت اجتماعی، تمام نابسامانی ها را سامان می دهد، نیازها را برآورده می گرداند و رفاه اقتصادی و آسایش همگانی را به ارمغان می آورد.

نکته قابل تأمل در بررسی توسعه اقتصاد و رفاه در حکومت مهدوی آن است که ابعاد فرهنگی و روحی دستاوردهای مادی حکومت مهدوی، هرگز نباید مورد غفلت قرار گیرد؛ زیرا در عصر ظهور، بشریت علاوه بر بی نیازی ظاهری که در اثر توزیع

ص: ۲۸۸

---

۱- المحاسن، ج ۲، ص ۵۸۶؛ الکافی، ج ۵، ص ۷۳؛ ج ۶، ص ۲۸۷؛ وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۳۲۳.

عادلانه ثروت به دست می آید، از نظر روحی و باطنی نیز به بی نیازی می رسد و روحیه زیاده خواهی او از بین خواهد رفت؛ یعنی همزمان با رشد اقتصاد و معیشت جامعه، ارزش های انسانی توسعه یافته و فرهنگ و تربیت در رفتار مردم نهادینه می شود، در نتیجه نگرش ها نسبت به مال و ثروت تغییر می کند و برخورداری از دنیا، رنگ الاهی و ارزشی به خود می گیرد.

از این رو در بسیاری از روایات، ضمن اشاره به مظاهر و نمودهای عینی اصلاحات اقتصادی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور، از اِشباع روح غنا و بی نیازی مردم توسط آن حضرت، خبر داده است.

در این خصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «أَبَشِّرُوا بِالْمَهْدِيِّ... يَمَلَأُ قُلُوبَ أُمَّهِ مُحَمَّدٍ غِنًى وَ يَسَعُهُمْ عَدْلُهُ حَتَّى أَنَّهُ يَأْمُرُ مُنَادِيًا فَيُنَادِي: مَنْ لَهُ حَاجَةٌ؟ فَمَا يَأْتِيهِ أَحَدٌ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ يَأْتِيهِ يَسْأَلُهُ فَيَقُولُ: إِنَّتِ السَّادَنُ يُعْطِيكَ. فَيَأْتِيهِ فَيَقُولُ: أَنَا رَسُولُ الْمَهْدِيِّ إِلَيْكَ لِتُعْطِنِي مَالًا فَيَقُولُ: احْثْ، فَيَحِثُّنِي فَلَمَّا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَحْمِلَهُ، فَيَلْقَى حَتَّى يَكُونَ قَدَرًا مِمَّا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَحْمِلَهُ، فَيَخْرُجُ بِهِ فَيَنْدُمُ فَيَقُولُ: أَنَا كُنْتُ أَجْشَعُ أُمَّهُ مُحَمَّدٍ نَفْسًا كُلَّهُمْ دَعَى إِلَى هَذَا الْمَالِ فَتَرَكَهُ غَيْرِي، فَيَزِدُّهُ عَلَيْهِ، فَيَقُولُ: إِنَّا لَا نَقْبَلُ شَيْئًا أَعْطَيْنَاهُ؛(۱) آمدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر شما بشارت باد... همان کسی که به برکت او، دل های امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از غنا و بی نیازی لبریز می شود و عدالتش همه را در بر می گیرد، تا آن جا که دستور می دهد ندا کننده ای ندا دهد: ای مردم! هر کس نیاز مالی دارد بیاید و هر چه می خواهد بگیرد و جز یک نیازمند، کسی نمی آید. آن شخص می آید و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به او می فرماید: «نزد خزانه دار برو تا آن چه می خواهی به تو بدهد». او نزد خزانه دار می رود و می گوید: من از سوی امام

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده ام تا به من کمک کنی و ثروتی به من بدهی. خزانه دار می گوید: آن چه می خواهی بگیر! و او آن قدر زر و سیم برمی دارد که نمی تواند برد، مقداری از آن را برمی گرداند و بقیه را می برد؛ اما وقتی از خزانه دور می شود پشیمان شده و می گوید: گویی من حریص ترین فرد از امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستم. همه برای دریافت مال دعوت شدند، اما جز من کسی نیامد. از این رو نزد

ص: ۲۸۹

۱- الملاحم و الفتن، ص ۳۱۸؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۹۲.

خزانه دار برمی گردد و زر و سیم را پس می دهد؛ اما خزانه دار نمی پذیرد و می گوید که ما چیزی را که بخشیدیم، دیگر نمی پذیریم».

در باره فراوانی نعمت و فراگیر شدن رفاه در عصر ظهور، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «يَكُونُ مِنْ أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ... يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيمًا لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهُ قَطُّ الْبُرُّ وَالْفَاجِرُ يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ لَا تَدْخِرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا؛ (۱) در امت من مهدی قیام می کند... در زمان او مردم به نعمت هایی دست می یابند که در هیچ زمانی دست نیافته اند. آسمان برکات خود را بر نیکان و بدان می باراند و زمین چیزی از خیرات و رویدنی های خود را پنهان نمی کند».

در کلام دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «لَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ مِنْ عِزَّتِي رَجُلًا أَفْرَقَ النَّارِيَا أَجَلِي الْجَبْهَةِ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ يَفِيضُ الْمَالَ

فَيْضًا؛ (۲) همانا خدا از عترت من مردی را برمی انگیزد که دندان های ثنایای او گشاده و پیشانی اش بلند و درخشان است. او زمین را سرشار از عدل می کند و مال فراوانی به مردم می بخشد».

امام باقر علیه السلام درباره برچیده شدن ظلم و ایجاد رفاه در دوران ظهور، می فرماید: «وَ يُعْطَى النَّاسَ عَطَايَا مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ وَ يَرْزُقُهُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ وَ يُسَوِّي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُحْتَاجًا إِلَى الزَّكَاةِ وَ يَجِيءُ أَصْحَابُ الزَّكَاةِ بِزَكَاتِهِمْ إِلَى الْمَحَاوِجِ مِنْ شَيْعَتِهِ فَلَمَّا يَقْبَلُونَهَا فَيَصِيرُ رُؤُوسُهَا وَ يَدُورُونَ فِي دُورِهِمْ فَيَحْرُجُونَ إِلَيْهِمْ فَيَقُولُونَ لِمَا حَاجَهُ لَنَا فِي دَرَاهِمِكُمْ... فَيُعْطَى عَطَاءً لَمْ يُعْطِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ؛ (۳) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سال، دوبار به مردم مال می بخشد و در ماه دوبار وسائل معیشت به آنان می دهد... تا جایی که نیازمندی به زکات باقی نمی ماند و صاحبان زکات، زکاتشان را نزد محتاجان می آورند و ایشان نمی پذیرند. پس آنان زکات خویش در کیسه هایی می نهند و [برای یافتن محتاجی] در اطراف خانه ها می گردند، اما مردم بیرون می آیند و می گویند: «ما را به پول شما نیازی نیست... پس مهدی دست به بخشش گشاید، چنان که تا آن روز کسی آن چنان

ص: ۲۹۰

۱- دلایل الإمامه، ص ۴۷۸؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۸.

۲- كشف الغمه، ج ۲، ص ۴۸۷؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۶.

۳- الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۶۷؛ مجمع النورین، ص ۳۴۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.



در روایت دیگر نیز، حضرت باقر علیه السلام می فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ... فَحِينَئِذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَتُبْدِي بَرَكَاتِهَا فَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لَصَدَقَتِهِ وَلَا لِبِرِّهِ لِشُمُولِ الْغِنَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ؛(۱) چون حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، در آن روز زمین گنج های خود را ظاهر سازد و همه برکات خویش را آشکار نماید به گونه ای که کسی از شما موردی برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی یابد؛ زیرا همه مؤمنان، بی نیاز و توانگر خواهند شد».

مفضل گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَعْنَى الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ... وَ يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَيَأْخُذُ مِنْ زَكَاتِهِ لَا يُوْجَدُ أَحَدٌ يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ اسْتَعْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛(۲) زمانی که قائم ما ظهور کند، زمین با نور خدای روشن شود... و شخصی از شما به جستجوی فردی می گردد که مال زکات را بگیرد ولی کسی را نمی یابد که آن را بپذیرد. در آن روزگار، مردمان همگی با فراوانی نعمت های الاهی، بی نیاز می گردند».

## ۷. استقرار امنیت فراگیر

از دیگر پیامدهای حکومت عدل مهدوی، استقرار ثبات و امتیث عمومی در سطوح مختلف جامعه عصر ظهور است. آرامش و امنیت روحی

روانی، از اساسی ترین نیازهای بشر است که قبل از همه، قرآن کریم وعده تحقق آن را داده است: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا)؛(۳) «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده می دهد که قطعاً آنان را

ص: ۲۹۱

۱- الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۲- الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۳- سوره نور، آیه ۵۵.

حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آن ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند، آن چنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن ها فاسقان اند».

روایاتی که در تفسیر این آیه شریفه وارد شده است، منظور از آیه را عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته است، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَ أَصْحَابِهِ» (۱). این آیه در شأن حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او نازل شده است».

این آیه، حامل سه بشارت مهم به مؤمنان است؛ اول حاکمیت بر کل زمین. دوم، تمکین دین و حاکمیت قوانین الهی بر تمامی عرصه های زندگی مردم. سوم، برطرف شدن تمامی عوامل ترس و ناامنی و جایگزین شدن امنیت و آرامش همگانی به عنوان بزرگ ترین نعمت هدیه شده بر مردمان عصر ظهور.

اهمیت دستاورد شیرین امنیت در نظام مهدوی، آنگاه به خوبی آشکار می شود که تصور روشنی از چالش های امنیتی جامعه پیش از ظهور داشته باشیم؛ زیرا در شرایطی که مردمان دوران قبل از ظهور، برای به دست آوردن آرامش و آسایش، انواع فرمول های مدیریتی و امکانات علمی و تکنیکی را به استخدام می گیرند تا شاید بتوانند حداقل آسایش این جهانی خود را تأمین کنند، ولی نه تنها ناتوان اند، بلکه هر روز جهان را تنگ و تاریک تر و نا امن می بینند. اما در دوران پس از ظهور، اصلاحات امنیتی و مکانسیم های مورد استفاده در سیستم حکومتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به گونه ای مؤثر و کارآمد است که همگان، بدون احساس اضطراب و ناامنی، زندگی می کنند و عوامل ترس و دلهره در همه اشکالش نابود می گردد و انسان های آن روز به آرامش فراگیر و امتیت آرمانی دست می یابند

و در سراسر کره زمین، بشر در صلح و اطمینان خاطر و آسایش و آرامش فکری زندگی می کند.

ویژگی منحصر به فرد نظام مهدوی در استقرار امنیت فراگیر، آن است که این

ص: ۲۹۲

---

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۴۰؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۴؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۵، ص ۲۸۲.

ثبات و امنیت بی نظیر، نه از سر قهر و غلبه و شیوه نظامی و پلیسی، بلکه ناشی از اجرای دقیق عدالت و وجود وابستگی و پیوند عمیق معنوی و عاطفی مردم با حکومت و امام خویش است. این پیوند و رضایت عمومی سبب جامعه پذیری حد اکثری حکومت مهدوی و نهادینه شدن قوانین و مقررات آن می گردد؛ زیرا مردم جهان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مظهر تحقق آرزوهای خود می دانند و به او عشق می ورزند؛ آن گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «تَأْوِي إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّحْلَةَ يَعْشُوْنَهَا» (۱) مردم همانند زنبور عسل نسبت به ملکه خود، به مهدی علاقه مند و دل بسته اند و به او پناه می آورند».

مصداق روشن پیوند عمیق میان امام و امت را در رضایت عمومی مردم می توان مشاهده کرد؛ رضایت و پیوندی که ضمانت اجرایی امتی محسوب می شود. در آن دوران، علاقه و دل بستگی مردم به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به گونه ای است

که با مردم با میل و رغبت به سوی او روی می آورند و با جان و دل از آن حضرت رضایت دارند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این مورد می فرماید: «الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي ... يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ الطَّيْرُ فِي الْجَوْ؛ (۲) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان من است که زمین را پر از عدل می کند، همان گونه که پر از ظلم شده است. او کسی است که همه اهل آسمان و زمین، حتی پرندگان در هوا، از حکومت او راضی و خشنودند».

آن حضرت در جای دیگر می فرماید: «أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ... يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛ (۳) شما را به آمدن مهدی بشارت می دهم، کسی که ساکنان آسمان و زمین از آمدن او راضی و خشنود خواهند بود».

ابو سعید خدری گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ لَا يَدْعُ السَّمَاءَ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَّهُ مَدْرَارًا وَ لَا يَدْعُ الْأَرْضَ مِنْ نَبَاتِهَا شَيْئًا

ص: ۲۹۳

۱- الملاحم والفتن، ص ۱۴۷؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۲۲۰.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۰؛ اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۵۲.

۳- الغیبه، طوسی، ص ۱۷۸؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۴.

إِلَّا أَخْرَجْتُهُ حَتَّى يَتَمَنَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتُ؛<sup>(۱)</sup> ساکنان زمین و آسمان از او (مهدی) خوشنود اند، آسمان بارانش را می فرستد و زمین روئیدنی های خود را می رویاند و چیزی دریغ نمی دارد. حتی مردگان

آرزوی زنده شدن می کنند تا عدل و اطمینان و خیر بسیاری را که خدا به ساکنان زمین می رساند، ببینند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ؛<sup>(۲)</sup> چون قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، حکم به عدل می فرماید. در روزگار او ظلم و ستم برداشته می شود و راه ها ایمن می گردد».

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «لَوْ قَدُ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَمَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا زِينَتُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ؛<sup>(۳)</sup> چون قائم ما قیام کند، کینه ها از دل ها بیرون رود و حتی درندگان نیز باهم سازگاری کنند، امنیت چنان فراگیر شود که زنی همراه با زیورآلات خود، از عراق تا شام سفر کند، بدون این که هیچ دغدغه و نگرانی از خطر داشته باشد».

## ۸. اجرای عدالت اجتماعی

یکی از دیگر کارکردهای ملموس حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سلوک دادگرایانه آن حضرت و استقرار عدالت در جامعه است. بسط عدالت

نیز، با تشکیل حکومت در یک گوشه جهان میسر نخواهد بود، بلکه مستلزم تشکیل حکومت جهانی است.

در عصر ظهور، عدالت فراگیر در همه سطوح جامعه، آثار و برکات خود را نشان خواهد داد. عدالت مهدوی به نیازهای فردی، اجتماعی، طبیعی و غریزی انسان ها نظر دارد و استعدادهای آدمی را در بستر مناسب رشد می دهد. روایاتی که به توصیف عصر

ص: ۲۹۴

۱- شرح الاخبار، ج ۳، ص ۳۸۵؛ الطرائف، ج ۱، ص ۱۷۸؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۴.

۲- اعلام الوری، ص ۴۶۲؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۴۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۳- الخصال، ص ۶۲۶؛ تحف العقول، ص ۱۱۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

ظهور پرداخته اند، به سطوح مختلف عدالت در عصر ظهور اشاره کرده اند.

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «يَبْعَثُ الْمَهْدِيُّ إِلَى أُمَّرَائِهِ بِسَائِرِ الْأَمْصَارِ بِالْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ؛ (۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف والیان و فرمانداران خود را به شهرهای جهان اعزام می کند تا عدالت را در میان مردم به اجرا گذارند».

در روایت پیشین از امام صادق علیه السلام نیز آمده است: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ؛ (۲) چون قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، حکم به عدل می فرماید. در روزگار او ظلم و ستم برداشته می شود».

در حکومت مهدوی، ابعاد و عرصه های عدالت، در امور اقتصادی و رفع فقر و تبعیض خلاصه نمی شود، بلکه اقامه قسط، شامل تمام

عرصه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و ... خواهد شد.

در پرتو عدالت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کارگزاران و حکمرانان و صاحبان مناصب کلیدی، هرچه به مقام و منزلت اجتماعی بالاتری دست می یابند، برخورداری آن ها از امکانات و ثروت کمتر می شود؛ یعنی در حکومت مهدوی، تکیه زدن بر جایگاه های رفیع، همراه با زهد بیشتر است. از این رو هنگامی که نزد امام رضا علیه السلام سخن از ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به میان می آید، ایشان می فرماید: «وَمَا لِي بِإِسْ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ إِلَّا الْغَلِيظُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ؛ (۳) لباس قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جز پارچه زبر و خشن و غذای او جز خوراک ناگوار نخواهد بود».

عبدالله بن مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که فرمود: «يُقَسِّمُ الْمَالَ بِالسَّوِيَّةِ وَ يَجْعَلُ اللَّهُ الْغَنَى فِي قُلُوبِ هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ (۴) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مال و دارایی فراوانی را میان مردم به طور مساوی تقسیم می کند و خداوند در دل های آنان، روح استغنا و بی نیازی قرار می دهد».

ص: ۲۹۵

- ۱- حیاة الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۹۲.
- ۲- اعلام الوری، ص ۴۶۲؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۴۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.
- ۳- الغیبه، نعمانی، ص ۲۸۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۹.
- ۴- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.

یکی دیگر از شاخصه های عدالت اقتصادی در زمان ظهور، مساوات، رفع تبعیض و توزیع عادلانه ثروت در میان مردم است. ابوسعید خدری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده که فرمود:

«أَبَشُرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي... يَقْسِمُ الْمَالَ صِحاحًا فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ وَمَا صِحاحًا قَالَ السَّوِيَّةُ بَيْنَ النَّاسِ؛ (۱) به شما مژده آمدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را می دهم که در آینده میان امت من برانگیخته می شود، او اموال را به نحو صحاح تقسیم می کند. شخصی پرسید: صحاح چیست؟ آن حضرت فرمود: توزیع یکسان دارایی میان مردم».

اجرای عدالت و مساوات، روحیه برادری اجتماعی را استحکام می بخشد و باعث می شود که همه احساس برابری کنند: «وَأَلْقَى الرَّأْفَةَ وَالرَّحْمَةَ بَيْنَهُمْ فَيَتَوَاسَوْنَ وَيَقْتَسِمُونَ بِالسَّوِيَّةِ فَيَسْتَعْنِي الْفَقِيرُ وَلَا يَغْلُو بَعْضُهُمْ بَعْضًا؛ (۲) رأفت و رحمت را بین مردم می افکند. پس نسبت به یک دیگر موااسات خواهند داشت و مال را به تساوی تقسیم می کنند. بدین سبب، فقیر بی نیاز می شود و فاصله طبقاتی توانگر و ضعیف از جامعه رخت برمی بندد».

بدیهی است که ایجاد مساوات در جامعه و برقراری قسط قرآنی، احتیاج به افزایش ثروت و امکانات دارد که این مطلوب، در حکومت مهدوی با عمران و آبادانی زمین محقق خواهد شد. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ... فَلَا

يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِمَا لَبِيَهُ لِسُموْلِ الْعَنَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ؛ (۳) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حکم داود علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم میان مردم حکم می کند. در این هنگام، زمین گنج ها و برکات خود را آشکار می کند و به سبب توانگر شدن مردم، کسی نیازمند به صدقه و نیکی را نمی یابد تا به او صدقه بدهد».

در برخی روایات، تصریح شده است که در عصر ظهور، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با گسترش عدالت، جهان مرده به سبب ظلم را، حیات دوباره می بخشد. امام باقر علیه السلام

ص: ۲۹۶

---

۱- الطرائف، ص ۳۵۱؛ كشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱.  
۲- الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۴۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵؛ معجم احادیث الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۵، ص ۲۰۰.

۳- الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۵؛ معجم الاحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۲۴۰.

در تأویل آیه شریفه (اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا) (۱) می فرماید: «فِيحْيِيهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ فَيَعْدِلُ فِيهَا فَتَحْيَا الْأَرْضُ وَ يَحْيَا أَهْلَهَا بَعْدَ مَوْتِهِمْ» (۲) خداوند زمین را به دست حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف زنده می کند. او در زمین به عدالت رفتار می کند، از این رو، زمین را با اجرای عدل زنده می گرداند، پس از آن که به سبب ظلم مرده است».

هم چنین در روایتی از امام کاظم علیه السلام در تفسیر همین آیه آمده است: «لَيْسَ يُحْيِيهَا بِالْقَطْرِ وَ لَكِنْ يَبْعَثُ اللَّهُ رَجِيَالًا فَيُحْيُونَ الْعَدْلَ فَتَحْيَا الْأَرْضُ لِأَحْيَاءِ الْعَدْلِ» (۳) این چنین

نیست که خداوند زمین را باریزش باران زنده کند، بلکه مردانی را بر می انگیزد که عدالت را زنده می کنند و در نتیجه، زمین با احیای عدالت زنده می شود».

بر پایه این روایات، همان گونه که کفر و بیداد، کشنده است، ایمان و عدالت نیز زنده کننده است. دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دولت ایمان و عدالت است و آن حضرت با گسترش ایمان و عدالت، زمین و اهل زمین را زنده می کند. و چون عدالت مایه حیات جامعه است، هر کس استعداد زنده شدن و کمال یافتن را داشته باشد، با نفس مسیحایی آن حضرت، زنده خواهد شد.

دادگری حکومت مهدوی، به پیروان حضرت محدود نخواهد شد؛ بلکه هر کس در برابر ولایت و سرپرستی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کردن فرازی نکند و ندای استغنا سر ندهد، مشمول آن خواهد بود و همگان از سفره تنعم حضرت بهره مند خواهند بود. بشر بن غالب از امام حسین علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُ الْعَدْلِ وَسِعَ عَدْلُهُ الْبُرِّ وَ الْفَاجِرِ» (۴) آن گاه که برپا کننده عدل قیام کند، عدالتش، نیکوکار و فاجر را در بر می گیرد».

عدالت مهدوی، تنها روابط اجتماعی و

مناسبات افراد جامعه را تحت تأثیر قرار نمی دهد، بلکه آثار و برکات آن به تمام روابط انسان در جامعه، تاریخ و هستی تسری

ص: ۲۹۷

۱- سوره حدید، آیه ۱۷.

۲- الزام الناصب، ج ۱، ص ۹۳؛ ینابیع الموده، ج ۳، ص ۲۵۲؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۵، ص ۴۴۲.

۳- الکافی، ج ۷، ص ۱۷۴؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۷۳.

۴- المحاسن، ج ۱، ص ۶۱؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۹۱.

می یابد و این کاری است که از هیچ رهبر و نظام حکومتی دیگری بر نمی آید. فضیل بن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ... لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عِدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقُرُّ» (۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آنگاه که قیام کند، عدالت را به درون خانه های مردم وارد می کند، هم چنان که سرما و گرما وارد خانه ها می شود».

وسعت دادگری و عدالت آفرینی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور، زندگی سرشار از آرامش را برای همه به ارمغان خواهد آورد و چتر حمایت او بر سر هر بی پناهی گسترده خواهد بود تا زندگی در کام او شیرین شود و همگان از مواهب حیات بهره مند گردند، تا جایی که همه از او راضی و خرسند خواهند بود. به گفته خدیفه، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي... يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ الطَّيْرُ فِي الْجَوْ» (۲) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردی از فرزندان من است. او زمین را از عدل و قسط پر کند چنان که از ستم پر شده است، اهل زمین و آسمان و مرغان هوا از خلافت او راضی هستند».

ابوسعید خدری از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده که فرمود: «أَبْشُرُوا بِالْمَهْدِيِّ... يَمْلَأُ قُلُوبَ عِبَادِهِ عِبَادَةً وَ يَسَعُهُمْ عِدْلُهُ» (۳) شما را به آمدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مژده می دهم، او دل های بندگان را پر از حس بی نیازی می کند و دادگری اش همگان را فرا می گیرد».

آثار و برکات عدالت در جامعه موعود، به گونه ای گسترده، زیبا، فرح بخش و بهجت آور است که می توان جامعه مهدوی را تجلی حیات بهشتی در روی زمین دانست. در پرتو حکومت عدل مهدوی، مواهب طبیعی نیز افزایش خواهند یافت و زمین و آسمان تمامی ذخایر خود را سخاوتمندانه به مردم عصر ظهور عرضه می کنند. گو این که طبیعت، بیش از آدمیان در انتظار قدوم امام علیه السلام است تا درون مایه های خود

ص: ۲۹۸

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۹۷؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۳۵.

۲- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۹؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۸۰.

۳- دلائل الإمامه، ص ۴۸۲.



را به تشنگان عدالت تقدیم کند. چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا قَبْلَهَا قَطُّ يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَلَا تَدْعُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ؛(۱) اَمْت من در زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنان از نعمت های فراوان بهره مند خواهد شد که پیش از آن هرگز کسی از چنین نعمتی برخوردار نشده است، باران رحمت بر آن ها فرو می ریزد و زمین گیاهانش را بر آنان آشکار می کند».

مبارزه با انباشت و تکاثر امکانات و ثروت و بازپس گیری ثروت های غصب شده، یکی از راه های اجرای مساوات و برقراری عدالت اقتصادی در نظام مهدوی است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا حَرَّمَ عَلَى كُلِّ ذِي كَنْزٍ كَنْزَهُ حَتَّى يَأْتِيَهُ فَيَسْتَعِينَ بِهِ عَلَى عَدُوِّهِ؛(۲) چون قائم ما قیام کند، هر گنجی را بر صاحب آن حرام می کند تا آن را به خدمت او آورد و او آن گنج را در راه مبارزه با دشمنان به کار خواهد بست».

## ۹. عمران و آبادانی زمین

افزایش نعمات و مواهب زندگی در عصر ظهور، امر غیر طبیعی و معجزه نیست؛ بلکه نتیجه مدیریت معصومانه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اقدامات آن حضرت در توسعه و عمران جامعه عصر ظهور است.

گسترش عمران و آبادانی، فزونی برکات زمینی و آسمانی، خارج شدن گنج ها و معادن سرشار زمین و... نشان می دهد که کار و تلاش در بخش های مختلف زراعت و کشاورزی و غیره به اوج ترقی خود می رسد؛ برخلاف وضع کنونی که موانع بسیاری بر سر راه بهره وری صحیح از مواهب زمین، فراروی انسان ها قرار دارد. در حقیقت، مهم ترین عامل فقر، محرومیت، کمبود،

گرسنگی، تورم و بینوایی توده ها، دولت ها و حکومت های بیدادگری هستند که میان انسان و منابع طبیعی و نعمت هایی که آفریدگار هستی برای بهره وری بندگان آفریده است، فاصله افکنده اند و نتیجه این بیدادگری، مصیبت و فقر، محرومیت و گرسنگی، گرانی و کاهش ثروت و نیروهای انسانی است که بشر همواره از آن رنج می برد.

ص: ۲۹۹

۱- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۳.

۲- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۷؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۴۸؛ بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۴۳.

اما هنگامی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور نماید، سیستم زراعی و کشاورزی به طور کامل، دگرگون شده و تمام منابع زیرزمینی، کشف و مورد استفاده قرار می گیرند. در آمد سرانه افراد، آن قدر بالا می رود که همه به سر حد بی نیازی و خودکفایی می رسند و در هیچ منطقه ای، فقری یافت نمی شود تا کسی زکاتش را به او تحویل دهد!

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «يَبْعَثُ الْمَهْدِيُّ إِلَى أُمَّرَائِهِ بِسَائِرِ الْأَمْصَارِ بِالْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ... وَيَذْهَبُ الشَّرُّ وَيَبْقَى الْخَيْرَ وَيَزْرَعُ الْإِنْسَانُ مُدًّا يَخْرُجُ لَهُ سَبْعِمِائَةَ مُدًّا، كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سِنَابِلَ فِي كُلِّ سُبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ) (۱)؛ (۲) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به فرمانداران خود در شهر های مختلف دستور می دهد که با مردم

رفتار عادلانه داشته باشند... در آن روزگار، شر به کلی از بین می رود و خیر ماندگار می شود. مردم یک مُید می کارند و هفتصد مُد برداشت می کنند، چنان که خداوند در قرآن فرموده است».

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «يَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلًا مِنِّي وَ مِنْ عِثْرَتِي فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَهَا مِنْ كَانَ قَبْلَهُ جَوْرًا وَيُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفْلَازَ كِبِدْهَا وَيَحْتَوِ الْمَالَ حَتْوًا وَ لَا يَعْدُهُ عَدًّا؛ (۳) خدای عزوجل مردی از نسل و عترت من را ظاهر می کند که زمین را پر از عدل و داد می کند، چنان که دیگران قبل از او، آن را پر از ظلم و جور کرده اند. در آن زمان، زمین، کبد (منابع و برکات) خود را برای او بیرون می ریزد و او ثروت را بدون شمارش در میان مردم تقسیم می کند».

محمد بن مسلم ثقفی از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ يُظْهَرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ دِينَهُ وَ لَوْ كَرِهَ

ص: ۳۰۰

۱- سوره بقره، آیه ۲۶۱.

۲- الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۶۱؛ شرح احقاق الحق، ج ۲۹، ص ۴۴۱.

۳- الامالی، طوسی، ۵۱۳؛ بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۱۸. «افلاذ» جمع «فلذ» به معنی قطعه و شعبه است؛ «افلاذ کبد» به اشیاء گران بها اطلاق می شود که در این جا اشاره به منابع گران قیمت و پرارزش درون زمین است.

الْمُشْرِكُونَ فَلَا يَتَّقِي فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عُمَرُ؛<sup>(۱)</sup> همه سرزمین‌ها برای او (مهدی) هموار شود، شرق و غرب جهان از

او فرمان پذیرد، گنجینه‌های نهفته زمین برای او ظاهر گردد و در هیچ جای جهان ویرانی باقی نماند مگر این که آن را آباد کند».

ریزش نعمت‌ها و عمران و آبادانی شهرها، نتیجه پرستش حقیقی خداوند متعال توسط مردم در سایه حکومت معصوم است و خداوند به این دلیل، درهای برکت را از آسمان و زمین به روی انسان‌ها می‌گشاید. از این نظر، دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دولت احیاکننده است. آن حضرت، با اجرای عدالت زمین را آباد می‌سازد و با حاکم کردن دین حق، جامعه عدالت‌پیشه را زنده می‌کند.

#### ۱۰. رُشد عقلانیت عمومی

رشد عقلانیت، توجّه به شاخص‌های عقلانی و نهادینه شدن فرهنگ عقل‌گرایی و خردورزی در جامعه، از دیگر دستاوردهای حکومت مهدوی است که در عرصه‌های مختلف زندگی مردمان عصر ظهور، نمود پیدا می‌کند.

امام باقر علیه السلام در باره رشد عقلانیت و خرد جمعی در عصر ظهور می‌فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهَا أَحْلَامَهُمْ؛<sup>(۲)</sup> هنگامی که قائم ما قیام کند دست خود را (کنایه از عنایت و اشراف حضرت) بر سر بندگان قرار می‌دهد، پس خرد مردم زیاد شده و فهم آنان کامل می‌گردد».

#### ۱۱. شکوفائی علم و فناوری

واژه «علم» با «عقلانیت» دارای دو مفهوم متفاوت است. منظور از عقلانیت، ادراکات معرفتی و شعور باطنی افراد است؛ اما مراد از «علم» دانش و ادراکاتی است که از ره آورد تجربیات طولانی در حوزه‌های مختلف زندگی حاصل می‌شود.

توسعه حیرت‌انگیز دانش و آگاهی بشر در عرصه‌های مختلف علوم و فن‌آوری،

ص: ۳۰۱

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱؛ اعلام الهدی بأعلام الهدی، ص ۴۶۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۲۵؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۷۵.

از دیگر دستاوردهای مهم حکومت مهدوی در عصر ظهور خواهد بود. جامعه عصر ظهور، علاوه بر شکوفایی عقلانیت و معرفت در حوزه جهان بینی، در عرصه علم و فن اوری نیز، به پیشرفت های خارق العاده ای دست خواهند یافت.

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخُمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبْتَهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ حَرْفًا» (۱) دانش، بیست و هفت حرف (درجه و شاخه)

دارد. تمامی آن چه پیامبران آورده و بشر تا زمان ظهور بدان دست می یابد، دو حرف بیش نیست؛ اما وقتی قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را نیز آشکار کرده، میان مردم منتشر می کند.

در دوران ظهور، در اثر ترویج و نهادینه شدن فرهنگ قرآن و تعلیمات دینی در جامعه، آگاهی های دینی مردم چنان افزایش می یابد که حتی زنان در خانه های خود بر اساس شرع، حکم می کنند و فتوا می دهند. امام باقر علیه السلام می فرماید: «تُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سَيِّئُهُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ» (۲) در زمان ظهور، دانش و بینشی ارزانی می شود که زنان در خانه ها بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می کنند.

این کلام حضرت، نشانگر آن است که مردم در دوران ظهور، بر اساس آداب و مقررات دینی تربیت شده و از نظر رشد و بلوغ فکری چنان اوج می گیرند که بانوان پرده نشین نیز می توانند در خانه خویش، بر اساس آموزه های قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم میان دونفر داوری کنند.

در عصر ظهور، علوم و فن اوری ارتباطات به چنان پیشرفت حیرت آوری می رسد که زندگی را سهل و آسان می کند. امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يُكَلِّمُهُمْ

ص: ۳۰۲

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶؛ معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج ۴، ص ۵۵.

۲- الغيبة، نعمانی، ص ۲۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ؛<sup>(۱)</sup> هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند، آن چنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می کند که میان آن ها و قائم، نامه رسانی نخواهد بود؛ او با آن ها سخن می گوید و آن ها سخنش را می شنوند و او را می بینند، در حالی که او در مکان خویش است».

خلاصه سخن آن که با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و استقرار حکومت عدل مهدوی در جهان، تمدن نوین اسلامی بر پایه آموزه های اصیل قرآن و سنت شکل می گیرد و پیوند قرآن و عترت با محوریت آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تحقق می یابد. در فضای عطرآگین دوران ظهور، همه انسان ها بدون تبعیض از مواهب طبیعی بهره مند شده و جامعه بشری به شکوفایی فرهنگی، اخلاقی، تربیتی و تکامل عقلی خواهند رسید. از این نظر می توان عصر ظهور را، دوره شکوفایی مادی و بلوغ معنوی بشر نامید.

آن چه اشاره گردید، فقط نمونه ها و گوشه هایی از اصلاحات عدالت گستر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور بود که دستاوردهای پربرکت و جهان شمول آن، زندگی را در کام همه مردمان

آن، شیرین و دلپذیر خواهند کرد.

ص: ۳۰۳

---

۱- الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۱؛ منتخب الانوار المضيئه، ص ۳۵۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

آگاهی از آینده تاریخ، جز با استمداد از پیشگویی های وحیانی قرآن کریم و روشن گری های پیشوایان معصوم علیهم السلام که با بهره مندی از منبع بیکران علم الاهی از گذشته و آینده تاریخ با خبرند<sup>(۱)</sup>، برای ما میسر نیست. از این رو، برای آگاهی از مدت زمان حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و شمار سال های بقای آن حضرت پس از ظهور، تنها مرجع

قابل پذیرش، روایات رسیده از سوی خاندان نبوت علیهم السلام در این باره است و چون تعیین مدت حکومت حضرت مهدی(عج) در پرتو پیشگویی روایات ممکن است، طبیعی است که روایات این باب و تأمل در مفاد آن، محور اصلی بحث ما در این رابطه خواهد بود.

در این رابطه دو پرسش مهم قابل طرح است: ۱. مدت حکومت امام مهدی(عج) پس از ظهور، چند سال است؟ ۲. پس از پایان عمر بابرکت آن حضرت چه خواهد شد؟

پاسخ به این دو پرسش اساسی بر پایه پیش بینی روایات، موضوع اصلی بحث ما در این جا است. در این فصل، با بیان روایات مربوط به مدت زمان حکومت امام مهدی(عج)، به بررسی دیدگاه های ارائه شده پیرامون این روایات و نیز تبیین دیدگاه مختار در این باره می پردازیم، سپس به طرح سه فرضیه در باره وضعیت جهان پس از پایان حکومت امام مهدی(عج) و بررسی دلایل و مستندات هر کدام، خواهیم پرداخت.

### مدت حکومت امام مهدی (عج) در روایات

در روایات، مدت زمان های مختلف و آمار و عدد های گوناگونی برای دوران حکومت حضرت مهدی(عج) بیان شده است. در منابع اهل سنت، مدت زمان حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از هفت سال تا

ص: ۳۰۴

---

۱- بر پایه گزارش ابو بصیر، امام باقر علیه السلام فرمود: «سُئِلَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ عِلْمِ النَّبِيِّ فَقَالَ عَلِمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عِلْمَ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ عِلْمَ مَا كَانَ وَ عِلْمَ مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى قِيَامِ السَّاعَةِ ثُمَّ قَالَ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنِّي لَأَعْلَمُ عِلْمَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ عِلْمَ مَا كَانَ وَ عِلْمَ مَا هُوَ كَائِنٌ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَ قِيَامِ السَّاعَةِ ؛ از علی علیه السلام در باره علم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سوال شد، فرمود: علم پیامبر در بردارنده علوم تمام انبیاء علیهم السلام است و علم گذشته و علم آنچه تا روز قیامت بیاید. سپس فرمود: قسم به آن کسی که جانم در دست اوست من دارای علم پیامبرم و از گذشته و آینده تا روز قیامت، آگاهم». (بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۱۰)؛ نیز ابی بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «إِنَّ عِنْدَنَا عِلْمَ مَا كَانَ وَ عِلْمَ مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ ؛ همانا علم گذشته و آینده و هر آنچه در حال شدن است، نزد ما خاندان است»؛ (الکافی، ج ۱، ص ۲۴۰).

بیست سال و حد اکثر چهل سال یاد شده است، اگرچه بیشتر احادیث بر عدد هفت سال دلالت دارد و این قول مشهور میان اهل سنت است. امّا در منابع روایی شیعه که در این جا مبنای بحث ما است، زمان حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از هفت سال تا بیشتر از سیصد سال بیان شده است.

۱. عبد الکریم بن عمرو خثعمی گوید: از امام صادق علیه السلام در باره مدت حکومت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیدم: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمْ يَمْلِكُ الْقَائِمُ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ قَالَ: سَبْعَ سِنِينَ تَطُولُ لَهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى تَكُونَ السَّنَةُ مِنْ سِنِيهِ مِقْدَارَ عَشْرِ سِنِينَ مِنْ سِنِيكُمْ فَيَكُونُ سِتُّو مَلِكِهِ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ» (۱) حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف چند سال حکومت می کند؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: هفت سالی که روزها و شب های آن به درازا کشد تا جایی که یک سال آن به اندازه ده سال از سال های معمول میان شما باشد پس سال های حکومت او به اندازه هفتاد برابر این سال ها باشد.

۲. عبد الله بن ابی یعفر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «يَمْلِكُ الْقَائِمُ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً وَأَشْهُرًا» (۲) حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نوزده سال و چند ماه حکومت می کند.

ص: ۳۰۵

---

۱- الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۳۸۱؛ اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۲.  
۲- الغیبه، نعمانی، ص ۳۳۱. این حدیث به صورت های ذیل نیز از ابن ابی یعفر نقل شده است: «مَلِكُ الْقَائِمِ مِثْلُ تِسْعِ عَشْرَةِ سَنَةٍ وَأَشْهُرًا»؛ «إِنَّ الْقَائِمَ (عَج) يَمْلِكُ تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً وَأَشْهُرًا». همان، ص ۳۳۱-۳۳۲؛ «مَلِكُ الْقَائِمِ تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً وَأَشْهُرًا» بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۸.

۳. ابو الجارود نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْقَائِمَ يَمْلِكُ ثَلَاثَةَ أَلْفِ سَنَةٍ وَ تِسْعَ سِتِّينَ كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكُهْفِ فِي كَهْفِهِمْ»؛<sup>(۱)</sup> همانا قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سیصد و نه سال حکومت می کند، همان گونه که اصحاب کهف (این مدت را) در غار خود توقف کردند».

۴. جابر بن یزید جعفی، گفتگوش با امام باقر علیه السلام در این باره را چنین باز گو کرده است: قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: وَاللَّهِ لَيَمْلِكَنَّ رَجُلٌ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ ثَلَاثِمِائَةَ سَنَةٍ وَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ يَزِيدُ تِسْعًا. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ وَ مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ؟ قَالَ: بَعْدَ مَوْتِ الْقَائِمِ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ فِي عَالَمِهِ حَتَّى يَمُوتَ؟ فَقَالَ: تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً مِنْ يَوْمِ قِيَامِهِ إِلَى يَوْمِ مَوْتِهِ؛<sup>(۲)</sup> به خدا سوگند که حتما مردی از ما اهل بیت علیهم السلام سیصد و سیزده سال به اضافه نه سال حکومت می کند، عرض کردم: کی چنین خواهد شد؟ فرمود: پس از فوت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف. دوباره عرض کردم: قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران خود چقدر حکومت می کند تا بمیرد؟ فرمود: نوزده سال از هنگام قیام تا روزی که وفات کند.

۵. از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ يُعَمَّرُ عُمَرُ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عَشْرِينَ وَ مِائَةَ سَنَةٍ وَ يَظْهَرُ فِي صُورِهِ

فَتَى مُوَفَّقِ ابْنِ ثَلَاثِينَ سَنَةً؛<sup>(۳)</sup> ولی خدا (حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف) به اندازه عمر حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام عمر خواهند کرد که صد و بیست سال بود و هنگام ظهور به شکل جوان سی ساله آشکار می شود».

از اینکه دیده می شود در این گونه روایات، اصحاب و راویان حدیث، در مواقع گوناگون از محضر ائمه عجل الله تعالی فرجه الشریف در خصوص مدت حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سؤال کرده اند، اما آن بزرگواران پاسخ های مختلفی را بیان فرموده اند، معلوم می شود که در این تعدد و ابهام، حکمت ها و اسراری نهفته است که بعد از ظهور مشخص خواهد شد. از این رو ائمه عجل الله تعالی فرجه الشریف نخواستند زمان دقیق آن را معین کنند، بلکه با بیان زمان های متعدد، فی الجمله به مدت تقریبی حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره فرموده اند.

ص: ۳۰۶

۱- الغیبه، طوسی، ص ۴۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۳۳۲.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷.



تعدد و اختلاف روایات مربوط به مدت زمان حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سبب اختلاف برداشت از سوی علمای شیعه و محققان آثار مهدویت در این زمینه گردیده است؛ به گونه ای که هر کدام در صدد جمع میان این روایات و توجیه مفاد آن برآمده و دیدگاه‌های متفاوتی

را در این رابطه ابراز داشته اند. در این جا به برخی از نظرات ارائه شده پیرامون این موضوع، اشاره می‌نمایم:

علامه محمد باقر مجلسی (ره): در کتاب «بحار الانوار» اختلاف و تعدد زمانی در روایات مربوط به مدت حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به مراحل مختلف قیام و شکل‌گیری حکومت آن حضرت، حمل کرده است. به اعتقاد وی، برخی از این روایات ناظر به کل مدت فرمانروایی حضرت است، برخی دیگر مربوط به مدت زمان استقرار دولت آن حضرت، برخی بر سال‌ها و ماه‌هایی که در نزد ما وجود دارد و برخی نیز بر سال‌ها و ماه‌های طولانی زمان ایشان حمل می‌شود. (۱)

وی معتقد به تداوم حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وسیله دیگر ائمه علیهم السلام در زمان رجعت است، از این رو، مراد از «موت» در روایت پیشین از امام باقر علیه السلام که فرمود: «تَشَعَّ عَشْرَةَ سَنَةً مِنْ يَوْمِ قِيَامِهِ إِلَى يَوْمِ مَوْتِهِ» (۲) را ناظر به زمان رجعت و بازگشت امام حسین علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام می‌داند. (۳)

شیخ محمد رضا طبسی (ره): صاحب کتاب «الشیعه

و الرجعه» روایت هفت سال را- که در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت مکرر نقل شده است - بر دیگر روایات ترجیح داده و مراد از هفت سال را به قرینه روایات دیگر، هفتاد سال دانسته است. به اعتقاد وی مدت حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هفت سال است که با قدرت الاهی هر یک سال از مدت زندگی آن حضرت پس از ظهور، برابر با ده سال از

ص: ۳۰۷

۱- می‌نویسد: «بیان الأخبار المختلفه الوارده فی أيام ملکه بعضها محمول علی جمیع مده ملکه و بعضها علی زمان استقرار دولته و بعضها علی حساب ما عندنا من السنین و الشهور و بعضها علی سنیه و شهوره الطویل»؛ (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰).

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۳۳۲.

۳- ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۹.

سید صدرالدین صدر(ره): نویسنده کتاب «المهدی» با اشاره به کثرت روایات هفت سال در باره مدت حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عدد هفت سال را، قول مشهور دانسته و بر این باور است که قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند قیام جد بزرگوارش نیز در مدت کوتاه به ثمر نشیند و این از ویژگی های حکومت مهدوی است که در مدت کوتاه هفت سال امور دین و دنیای مردم را سامان می بخشد.

سید صدر، ضمن پذیرش رجحان روایات متضمن هفت سال، دلیل اختلاف روایات و بیان مدت های گوناگون را ناشی از مصلحت اندیشی می داند که پیشوایان دین اساساً نمی خواسته اند در مورد مدت زمان زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حقیقت را برای مردم مکشوف کنند، همان گونه که وقت ظهور او را نیز پوشیده نگه داشته اند، تا

مردم خود هر یک از اقوال را که مایل بودند برگزینند و طولانی ترین زمان را برای بقای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از پیشگاه الاهی آرزو کنند. (۲)

آیت الله مکارم شیرازی: در کتاب «حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» دیدگاهی مشابه آنچه از مرحوم مجلسی بیان شد، ارائه کرده است. ایشان در باره مدت زمان حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور می نویسند: «گرچه درباره مدت حکومت او احادیث مختلفی در منابع اسلامی دیده می شود که از پنج یا هفت سال تا ۳۰۹ سال (مقدار توقف اصحاب کهف در آن غار تاریخی) ذکر شده است که در واقع ممکن است اشاره به مراحل و دوران های آن حکومت باشد (آغاز شکل گرفتن و پیاده شدنش پنج یا هفت سال و دوران تکاملش چهل سال و دوران نهایی اش بیش از سیصد سال)، ولی قطع نظر از روایات اسلامی، مسلم است که این آوازه ها و مقدمات برای یک دوران کوتاه مدت نیست، بلکه قطعاً برای مدتی است طولانی که ارزش این همه تحمل زحمت و تلاش و کوشش را داشته باشد». (۳)

ص: ۳۰۸

۱- ر.ک: الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۲۲۵.

۲- المهدی(عج)، ص ۲۴۱-۲۴۲.

۳- حکومت جهانی مهدی(عج)، ص ۲۸۱.

آیت الله صافی گلپایگانی: صاحب کتاب «منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر عجل الله تعالی فرجه الشریف» بر این باور است که بیان زمان های مختلف در باره مدت حکومت

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در لسان روایات، دارای اسراری است که ائمه علیهم السلام با این شیوه بیان، بر مبهم ماندن زمان دقیق دوران حکومت امام مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف تعمد داشته اند. وی ضمن اشاره به سخن علامه مجلسی در باره محمل های مختلف روایات این باب، می نویسد: «ولعل السیر فی اختلاف الأخبار، عدم اراده بیانها علی سبیل القطع و الجزم و یدل علیه...» (۱).

### نظریه برگزیده

با توجه به محوریت روایات در این مسأله، ابتدا لازم است به دسته بندی زمان های ذکر شده در روایات این باب اشاره کرد، سپس به بیان نظر مختار پرداخت. از نظر زمانی می توان مجموع روایات مربوط به مدت حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به دو دسته حداقلی و حداکثری تقسیم کرد.

مراد از دسته نخست، آن گروه روایاتی است که بر کوتاه مدت بودن دوران حکومت حضرت دلالت دارد، این دسته روایات که در منابع فریقین نقل شده است، دوران حکومت حضرت را، هفت تا چهل سال ذکر کرده است؛ عددهای مانند: (۷ سال) (۲)؛ (۸ سال)؛ (۹ سال) (۳)؛ (۱۰

سال) (۴)؛ (۱۹ سال) (۵)؛ (۲۰ سال) (۶)؛ (۴۰ سال) (۷).

دسته دوم، ناظر به روایاتی است که مدت حکومت حضرت را بیش از سیصد

ص: ۳۰۹

۱- منتخب الأثر، ۶۱۸.

۲- الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۳۸۱؛ اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱ (هفت سال برابر با ۷۰ سال).

۳- الطرائف، ص ۱۷۷.

۴- ر.ک: الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۲۲۵.

۵- الغیبه، نعمانی، ص ۳۳۱-۳۳۲؛ الاختصاص، ص ۲۵۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۸ (نوزده سال و چند ماه).

۶- کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۷۱؛ عمده عیون صحاح الاخبار فی مناقب أئمة الأبرار، ص ۴۳۹ (عدد ۲۰ سال ممکن است مضمون روایت ۱۹ سال و چند ماه که در منابع شیعه آمده است باشد).

۷- عقد الدرر، ص ۲۴۰.

سال عنوان کرده است. در این دسته روایات که در منابع حدیثی شیعه وارد شده است، عددهایی همچون: (۳۰۹ سال) (۱)، (۳۲۰ سال) (۲) و (۳۲۲ سال) (۳) به چشم می خورد.

با این توضیح، در مقام جمع میان این دو دسته روایات، دیدگاه موجّه و برگزیده را می توان این گونه برشمرد که روایات دسته نخست، ناظر به مراحل مقدماتی استقرار حکومت مهدوی است، چنان که مرحوم مجلسی نیز بدان اشاره کرده است. اما روایات دسته دوم، بیانگر مدت زمان حکومت حضرت و القای

طولانی بودن آن است. براین اساس می توان گفت که دوران زمامداری و حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیش از سیصد سال خواهد بود.

### تبیین نظریه مختار

فرضیه طولانی بودن مدت حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ضمن برخورداری از پشتوانه روایی، بر شواهد قرآنی و توجیه عقلانی نیز استوار است. اگرچه نمی توان مدت زمان حکومت حضرت را که یک امر ماهیتاً نقلی و توقیفی است، صرفاً بر پایه یک تحلیل غیر مستند تعیین نمود، اما می توان با استناد به مبانی قرآنی و عقلانی، مدلول روایات دال بر طولانی بودن دوران حکومت حضرت در عصر ظهور را تقویت و تحکیم نمود؛ زیرا تحلیل ماهیت مسأله مهدویت و اهداف و آثار این آموزه الهی، ما را در ارزیابی مفاد روایات این باب کمک می کند و ابعاد خرد پذیری فرضیه طولانی بودن حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به خوبی آشکار می سازد.

مبنای این تحلیل، تأمل در دو چیز است: مطالعه و تعمق در رسالت سترگ نهفته در مهدویت و اهداف و کارکردهای آن در عصر ظهور از یکسو و تأمل در سنت های حاکم بر حیات اجتماعی و فرایند تدریجی تحول و تکامل در آن، از سوی دیگر که هر دو مطلب، خاستگاه قرآنی دارد.

قرآن کریم، مأموریت و رسالت اصلی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را حاکمیت کامل دین

ص: ۳۱۰

---

۱- الغیبه، طوسی، ص ۴۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱ (به مدت توقف اصحاب کهف در غار).

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷.

۳- الغیبه، نعمانی، ص ۳۳۲ (سیصد و سیزده به اضافه نه سال).

اسلام و تحقق ارزش های متعالی الهی در جامعه توحیدی عصر ظهور، معرفی کرده است: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمُ الْيُسْرَىٰ وَيَخْلِفَ اللَّهُ لَهُمُ الدِّينَ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا) (۱)؛ وعده خداوند به کسانی که اهل ایمان و کارهای شایسته اند، آن است که حتماً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، آن گونه که به پیشینیان آن ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا خواهد ساخت؛ و ترسشان را به آرامش مبدل می کند، آن چنان که تنها مرا می پرستند و به من شرک نوزند.

از سوی دیگر، هرگونه تغییر و دگرگونی مثبت و منفی فراروی انسان را، در گرو نقش آفرینی او در این فرایند منوط کرده و اراده جامعه انسانی را در شتاب بخشی تحول و تغییر دخالت داده است: (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ) (۲)؛ تحقیقاً خدا سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی دهد مگر آنکه خود زمینه این تغییر را پدید آورند.

این آیه و آیات مشابه آن (۳)، جریان سنت همیشگی الهی در سیر تکاملی جامعه انسانی را بازگو می کند. این اصل در زمان پس از ظهور نیز جاری است چرا که تحولات آن عصر نیز بر این سنت تغییر ناپذیر استوار است.

بر پایه این سنت الهی، اقتضای ساختار فطرت و طبیعت مختار انسان به گونه ای است که جریان امور همواره از مسیر اسباب طبیعی و راه های عادی به پیش رود تا میدان گشاده برای اراده و اختیار او فراهم گردد. این اصل کلی، مبنای تشریح و جزا و پاداش شمرده می شود و لذا شیوه انبیای الهی علیهم السلام دعوت و تبلیغ مردم به راه هدایت بوده است و تا زمانی که مسیر طبیعی کارساز بوده است از قدرت قهری و اعجاز استفاده نشده است مگر برای اثبات حقانیت ادعای خویش.

ص: ۳۱۱

۱- سوره نور، آیه ۵۵.

۲- سوره رعد، آیه ۱۱.

۳- سوره انفال، آیه ۵۳.

انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بر این سنت الاهی استوار است. آن حضرت اگرچه از قدرت اعجاز و حمایت نیروی قهری بر خوردار است، اما بدون شک ساخت جامعه مهدوی و بنای عظیم حکومت عدل جهانی او، بر پایه سنت الاهی مبنی بر تکامل اختیاری بشر استوار است. به

همین دلیل پیروزی های حضرت بر دشمنان و فتح جهان، با ایثار و شهادت یاران و ریختن خون های فراوانی در این راه به دست می آید و استقرار عدالت و حاکمیت کامل دین در جهان با زحمات و دشواری های فراوانی همراه است. از این رو، تغییر و نوسازی ساختار مدیریت جهان و جایگزین نمودن نظام مبتنی بر عدالت و دیانت، مستلزم زمان طولانی است تا به تدریج ارزش های اخلاقی و دینی در سطوح مختلف جامعه عصر ظهور نهادینه شود.

بنابراین، طبیعت کار حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف در پروژه استقرار عدالت جهانی و جایگزین سازی نظام الاهی به جای نظام های ظالمانه، اقتضا می کند که حضرت به عنوان مجری این طرح عظیم، آن هم در پهنای جهانی با آن عمق و محتوای غیر قابل وصف، مدت طولانی حضور داشته باشد تا با مدیریت ولایی و ویژه خود، تحوّل همه جانبه و فراگیر را در جهان پر از ظلم و فساد، پدید آورد و جامعه آرمانی دین پیشه و فضیلت مدار را بنیان نهد.

گفتمنی است که رشد علوم و گسترش روز افزون ارتباطات و فن اوی اطلاعات، اگرچه در شتاب بخشیدن حرکت جامعه به سوی بلوغ فکری و توسعه فرهنگی جامعه پیش از ظهور بی تأثیر نیست و تا حد زیادی می تواند زمینه را برای

پذیرش برنامه های حضرت، مساعد سازد، اما باید توجه داشت که همه این امور، ابزار مادی است که هرگز خود نمی تواند سبب تحول شگرف معنوی و تربیتی جامعه عصر ظهور و دستاوردهای حیرت انگیز آن گردد، بلکه عامل این توفیق، شیوه مدیریتی ویژه آن حضرت در هدایت و جریان سازی جامعه عصر ظهور است. طبیعی است، تحقق عینی معارف قرآنی و ارزش های اسلامی در گستره جهانی، به فرایند تدریجی و طول زمان نیاز دارد.

بنابراین، با توجه به اینکه اصل پیاده کردن پروژه عظیم جایگزین سازی و استقرار

نظام الاهی در جامعه، مستلزم گذشت زمان طولانی است، بدیهی است که پس از آن، تحقق اهداف ظهور و بهره مندی حداکثری جامعه از فضای معنوی آن برای رشد و تکامل و عبودیت خالصانه، حضور طولانی آن حضرت و تداوم حکومت وی را می طلبد؛ همان آرزوی مقدسی که در این فقره از دعای شریف فرج «... وَ تَمَتَّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا» (۱) بدان اشاره شده و مهم ترین خواسته منتظران ظهور، طولانی بودن دوران حکومت آن حضرت، بیان شده است.

بنابراین، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان گونه که حکومت عدل جهانی اسلام را تحقق می بخشد،

سال های طولانی (صدها سال) نظام الاهی مهدوی را مدیریت و رهبری خواهند کرد تا جامعه عصر ظهور در سایه رهبری الاهی آن یگانه دوران، به رشد کامل و بلوغ عقلانی برسند و مدت های مدیدی، لذت حیات طیبیه و سرشار از معنویت را بچشند و جلوه با شکوه یگانه پرستی را در پرتو حکومت ولایی آن حضرت، نظاره کنند و عطر دل انگیز توحید را در همه ابعاد زندگی، جاری سازند؛ آن گونه که خداوند خود در قرآن کریم، جامعه توحیدی عصر ظهور را توصیف کرده است: (يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا) (۲)؛ توحید ناب و خالصانه ای که هیچ گونه شرک خفی و جلی در ساحت قدسی عبودیت او، راه نداشته باشد.

### شهادت یا وفات

روایات مربوط به این مسأله، برخی بر وفات طبیعی و رحلت حضرت (ارواحنا فداه) دلالت دارد مانند آنچه صالح بن سهیل از امام صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه (ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ) (۳) نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «خُرُوجُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْكَرَّةِ فِي سَبْعِينَ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ الَّذِينَ قُتِلُوا مَعَهُ عَلَيْهِمُ الْبَيْضُ الْمَذْهَبُ لِكُلِّ بَيْضِهِ وَجْهَانِ وَالْمُؤَدَّى إِلَى النَّاسِ أَنْ

الْحُسَيْنِ قَدْ خَرَجَ فِي أَصْحَابِهِ حَتَّى لَا يَشُكَّ فِيهِ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَنَّهُ لَيْسَ بِدَجَالٍ وَ لَا شَيْطَانٍ، الْإِمَامُ الَّذِي بَيْنَ أَظْهُرِ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ

ص: ۳۱۳

۱- الکافی، ج ۴، ص ۱۶۳.

۲- سوره نور، آیه ۵۵.

۳- سوره اسراء، آیه ۶.

فَإِذَا اسْتَقَرَّ عِنْدَ الْمُؤْمِنِ أَنَّهُ الْحَسَيْنُ لَا يَشْكُونَ فِيهِ وَبَلَغَ عَنِ الْحُسَيْنِ الْحُجَّةَ الْقَائِمِ بَيْنَ أَظْهَرِ النَّاسِ وَصَدَّقَهُ الْمُؤْمِنُونَ بِذَلِكَ جَاءَ الْحُجَّةَ الْمَوْتُ فَيَكُونُ الَّذِي يَلِي غُسْلَهُ وَكَفْنَهُ وَحَنُوطَهُ وَإِيْلَاجَهُ حُفْرَتَهُ الْحُسَيْنِ وَ لَا يَلِي الْوَصِيَّ إِلَّا الْوَصِيَّ (۱)؛ مراد، زنده شدن امام حسین علیه السلام با اصحاب خویش است در حالی که کلاه خودهای طلائی را بر سر دارند. خبر رسان، رجعت امام حسین علیه السلام و یارانش را به مردم اطلاع می دهد تا مؤمنان به شک و تردید نیفتند و او را دجال و شیطان نپندارند. این در حالی است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان مردم حضور دارد. آن گاه که مردم امام حسین علیه السلام را به خوبی شناختند و به او ایمان پیدا کردند، مرگ حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف فرا می رسد و امام حسین، غسل و حنوط و کفن و خاکسپاری او را برعهده می گیرد چرا که امام را جز امام، غسل نمی دهد».

اما از بیشتر روایات، شهادت آن حضرت استفاده می شود. این نوع روایات دلالتش عام است و از شهادت همه امامان معصوم علیهم السلام خبر می دهد، مانند سخن امام حسن مجتبی علیه السلام که فرمود: «اللَّهُ لَقَدْ عَاهَدَ إِلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ، مَا مِنَّا إِلَّا مَسْمُومٌ أَوْ مَقْتُولٌ (۲)؛ به خدا سوگند

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این عهد و وعده را به ما داده است که امر امامت را دوازده تن از فرزندان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام به دست خواهند گرفت و هیچ کدام از ماها نیست مگر اینکه یا به وسیله ی سم و یا با کشتن، شربت شهادت خواهند نوشید».

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است که فرمود: «وَ اللَّهُ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ (۳) به خدا سوگند هیچ یک از ما اهل بیت علیهم السلام نیست جز آنکه با کشته شدن، به شهادت می رسد».

مشابه این حدیث از امام رضا علیه السلام نیز روایت شده است. اباصلت هروی گوید: از

ص: ۳۱۴

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۶.

۲- کفایه الاثر، ص ۲۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۱۷.

۳- اعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۱۳۲؛ مرآة العقول، ج ۶، ص ۱۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۳۸.



امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: «وَاللَّهِ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ».(۱)

لسان عام این روایات مبنی بر شهادت همه ائمه علیهم السلام، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز در برمی گیرد. براین اساس، علمای شیعه نوعاً روایات دال بر شهادت را ترجیح داده و قائل به شهادت همه امامان معصوم علیهم السلام شده اند. مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار، بابی را با این عنوان که آن بزرگواران نمی میرند مگر با شهادت «باب شده محنهم و أنهم أعظم الناس

مصیبه و أنهم لا يموتون إلا بالشهادة»(۲) گشوده است. وی با استناد به سخن امام صادق علیه السلام دیدگاه شیعه در این باره را، شهادت همه ائمه علیهم السلام می داند.(۳)

آیت الله جوادی آملی، در باره شهادت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می نویسد: به رغم ویژگی های منحصر به فرد و زیبایی های وصف ناپذیر حکومت حق مهدی موجود موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و همه گیر شدن دین حق و گسترش عدل، جامعه بشری در آن زمان نیز شاهد اختلاف خواهد بود، زیرا کفر و نفاق در آن دوران نیز دل های برخی از انسان ها را رها نمی کند و از سویی آنان که اسلام را نپذیرفته و با پرداخت جزیه و مالیات، زیر لوای حکومت اسلامی زندگی می کنند و افزون بر جمود و جحود بر عقیده باطلشان کینه و دشمنی حجت خدا را در دل می پروراند، دست از اختلاف افکنی نخواهند کشید و سرانجام نیز وجود مبارک آن حضرت به دست مخالفان تبهار

به شهادت خواهد رسید.(۴)

اما چگونگی شهادت آن حضرت و شخصی که اقدام به قتل ایشان می کند، روشن نیست، اگرچه در بعضی کتاب ها، قاتل آن حضرت، زنی به نام سعیده که از طایفه بنی -

ص: ۳۱۵

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵۶؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۵.

۲- بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۰۷.

۳- مرحوم مجلسی، با اشاره به شهادت امام عسکری علیه السلام می نویسد: «ذهب کثیر من أصحابنا إلى أنه علیه السلام قبض مسموماً و كذلك أبوه و جدده و جميع الأئمة ه علیهم السلام خرجوا من الدنيا علی الشهادة و استدلوا فی ذالك بما روی عن الصادق علیه السلام من قوله: «وَاللَّهِ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ»؛ ( بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۳۸ ).

۴- امام مهدی (عج) موجود موعود، ص ۲۷۰.

تمیم و دارای محاسن شبیه مردان است، ذکر شده است که وی در هنگام عبور حضرت، با پرتاب سنگی از بالای بام، حضرت را به شهادت می رساند! اما در منابع معتبر شیعی هرگز چنین روایتی وجود ندارد. بنابراین بر فرض پذیرش روایات دال بر شهادت، در خصوص چگونگی و نحوه شهادت آن عزیز، دلیل معتبری در دست نمی باشد.

### فرضیه ها درباره وضعیت جهان پس از پایان حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

#### اشاره

با پایان یافتن مدت حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و غروب عمر آن خورشید فروزان، آیا طومار حیات نیز برچیده می شود و زمان قیامت فرامی رسد یا اینکه باز هم زندگی ادامه دارد؟

در منابع حدیثی شیعه، چند گونه روایات در این رابطه نقل شده است. با توجه به چند دستگی این روایات، می توان گفت: در باره پس از پایان عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سه فرضیه قابل طرح و بررسی است:

#### ۱. فرضیه وقوع قیامت و پایان جهان

#### اشاره

فرضیه فروپاشی جهان و برپایی قیامت پس از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مبتنی بر روایاتی است که از وابستگی عالم تکوین و تشریح به وجود مقدس امام علیه السلام و حجت حی خبر داده است.

توضیح مطلب آن است که بر پایه آموزه های اعتقادی دین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام واسطه خلقت عالم آفرینش در بعد تکوین و حجت الاهی بر بندگان در بعد تشریح است و چون امام علیه السلام محور جهان هستی و روح جاری در کالبد حیات این عالم است، هم اصل بقای این عالم و هم جریان هدایت و کمال، وابسته به وجود و اشراف امام علیه السلام است، چنان که برخی روایات نیز بر این پیوستگی تکوینی و تشریحی دلالت دارد.

امام سجاد علیه السلام می فرماید: «وَلَوْ لَأَمَّا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا» (۱) اگر لحظه ای زمین از ما خاندان، خالی باشد با اهلش فروریخته نابود می گردد».

ص: ۳۱۶

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْمًا وَاحِدًا بِلَا إِمَامٍ مِّنَّا لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا (۱)؛ اگر زمین یک روز بدون امام از ما خاندان اهل بیت علیهم السلام باشد، زمین و اهلش فرو می ریزد».

واژه «ارض» در این گونه روایات، خصوص کره زمین نیست بلکه مراد از آن کل نظام این عالم است. همچنین تعبیر «یوماً واحداً» کنایه از یک لحظه است نه به معنای یک روز.

از جمله روایاتی که مستند این فرضیه ذکر شده است، سخن امام صادق علیه السلام است که فرمود: «الْإِسْلَامُ وَالسُّلْطَانُ الْعَادِلُ أَخَوَانِ لَا يُضِلُّ أَحَدٌ مِنْهُمَا إِلَّا ابْصَدَ أَحِبَّهُ؛ الْإِسْلَامُ أَسُّ وَالسُّلْطَانُ الْعَادِلُ حَارِسٌ وَمَا لَا حَارِسَ لَهُ فَضَائِعٌ فَلِذَلِكَ إِذَا رَحَلَ قَائِمُنَا لَمْ يَبْقَ أَثَرٌ مِنَ الْإِسْلَامِ وَإِذَا لَمْ يَبْقَ أَثَرٌ مِنَ الْإِسْلَامِ لَمْ يَبْقَ أَثَرٌ مِنَ الدُّنْيَا؛ (۲) اسلام و حاکم عدالت پیشه، همانند دو برادر، وابسته هم اند به گونه ای که یکی بون دیگری راست نشود، اسلام اساس و بنیان کار است و حاکم عدالت گرا، نگهبان آن، هرچه بنیان درست نداشته باشد، فرو می پاشد و هر آنچه مراقب نداشته باشد هدر می رود. به همین جهت هنگامی که قائم ما از این جهان رحلت کند، هیچ نشانه ای از اسلام باقی نمی ماند و هرگاه چیزی از اسلام باقی نماند، چیزی از عالم دنیا باقی نخواهند ماند».

برخی فرازهای ادعیه در خصوص امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مانند: «...ثُمَّ الْحَجَّهَ الْخَلْفَ الصَّالِحَ الْقَائِمَ الْمُتَنَزَّرَ الْمَهْدِيُّ الْمُرَجَّى الَّذِي بَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَبَيْمِنِهِ رُزْقَ الْوَرَى وَبُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَ

السَّمَاءُ» (۳) بر وابستگی جهان به وجود قدسی قطب عالم هستی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت دارد و ثبات آسمان و زمین و نزول برکات و روزی را، از یمن وجود آن حضرت می شمارد.

براساس این دیدگاه، با پایان یافتن عمر آخرین حجّت الهی؛ یعنی امام

ص: ۳۱۷

۱- دلائل الإمامه، ص ۴۳۶.

۲- منتخب الاثر، ص ۳۳۸؛ معجم احادیث الامام المهدي (عج)، ج ۳، ص ۱۹۳.

۳- مفاتيح الجنان، «دعای عدیله».

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چراغ حیات خاموش گردیده و این عالم ظرفیت و توان بقاء را نخواهد داشت، بلکه طومار این عالم برچیده می شود و زمان برپایی قیامت فرامی رسد.

آیت الله جوادی آملی، در این زمینه می نویسد: «رسالت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان رسالت پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است که پس از خود، یک به یک به جانشینان معصومشان سپرد و پیام آن، همان پیام زندگی بخشی است که اوصیای آن حضرت جان گرامی خود را بر سر ابلاغ آن با خدای خویش سودا کردند و نقطه اوج چنین ایثار و نثاری را حضرت سیدالشهدا علیه السلام در کربلا- به ظهور رساند. پیام عاشورای حسینی که نفی حکومت غیر خدا، طرد هرگونه ظلم و جور و احیای انسان بر محور حق، عدل و آزادگی است، به دستان پر توان آخرین حجت خدا عجل الله تعالی فرجه الشریف به جامعه بشری ابلاغ و بشر را به کمال سعادتش رهنمون می شود و آن گاه

که جامعه انسانی با گرفتن این پیام در پرتو ولایت و رهبری امام معصوم روزگار خویش به کمال خود رسید و آنانی که قابلیت هدایت را از کف نهاده اند، آخرین پیام آور سعادت بشر را به شهادت رساندند، قیامت آغاز می شود و بساط عالم دنیا از هم می پاشد».(۱)

ایشان با اشاره به روایت پیش گفته از امام صادق علیه السلام، فرضیه ظهور قیامت پس از شهادت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را مفاد این روایت می داند و در باره رابطه برپایی قیامت با شهادت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می افزاید: «دین و امام علیه السلام همانند و همتای هم اند و هیچ یک بی دیگری سامان نمی یابد. اسلام، پایه عالم است و امام علیه السلام پاسدار آن، پس اگر اسلام نباشد، هرگونه بنیان و بنیادی از اساس ویران است و چنانچه اسلام باشد و پاسداری نداشته باشد، ضایع و نابود می شود، از این رو است که وقتی آخرین حجت خدا و پاسدار دین، یعنی وجود مبارک قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف به شهادت می رسد و به لقای حق شتابد، اثری از اسلام نمی ماند و چون از اسلام اثری نماند، بساط دنیا یکسره برچیده خواهد شد و خورشید صبح قیامت طلوع خواهد کرد».(۲)

ص: ۳۱۸

۱- امام مهدی (عج) موجود موعود، ص ۲۷۰.

۲- امام مهدی (عج) موجود موعود، ص ۲۷۱.

به نظر می‌رسد، از روایات یاد شده، نمی‌توان فرضیه وقوع قیامت را در صورت شهادت یا رحلت حضرت، اثبات نمود؛ زیرا این برداشت از چند جهت قابل تأمل و نقد است:

اولاً، آنچه ظاهر این گونه روایات بر آن دلالت دارد، ضرورت وجود امام علیه السلام در هر زمان و استمرار حجّت الاهی در میان مردم است؛ به گونه‌ای که هیچ‌گاه زمین از وجود امام حی و حجّت بالفعل، خالی نخواهند بود. لذا در فرض اعتقاد به رجعت، مفاد این روایات با بقا و تدوام این عالم پس از شهادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سایه حضور (رجعت) امام معصوم دیگر، منافات نخواهد داشت؛ زیرا آنچه با ظاهر این روایات ناسازگار است، نبود مطلق امام و حجّت در زمین است که فلسفه بقاء را نفی می‌کند.

ثانیاً، در ادامه کلام امام باقر علیه السلام از روایت پیشین، پس از جمله «لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا» بلافاصله آمده است «وَلَعَدَابُهُمُ اللَّهُ بِأَشَدِّ عَذَابِهِ»<sup>(۱)</sup>، شاهد این مطلب ادامه سخن است که

ثانیاً: روایت منقول از امام صادق علیه السلام دلالت روشنی بر وقوع قیامت ندارد؛ زیرا نفی اثر در دنیا «لَمْ يَبْقَ أَثَرٌ مِنَ الدُّنْيَا» ناظر به پوچی و بی‌ثمر بودن زندگی منهای دین است، همان

گونه که مراد از نبود اثر در فقره «لَمْ يَبْقَ أَثَرٌ مِنَ الْإِسْلَامِ» بی‌محتوا بودن اسلام ظاهری جدای از ولایت معصوم است که پوسته‌ای بیش نیست.

ثالثاً، برداشت وقوع قیامت پس از شهادت حضرت از این گونه روایات، مستلزم نفی اصل اعتقاد به رجعت است، در حالی که اصل رجعت از معتقدات قطعی مذهب بوده<sup>(۲)</sup> و جزء ویژگی‌های شیعیان اهل بیت علیهم السلام شمرده می‌شود<sup>(۳)</sup>، مضافاً بر اینکه این

ص: ۳۱۹

۱- دلایل الإمامه، ص ۴۳۶.

۲- شیخ صدوق می‌نویسد: «اعتقادنا فی الرجعه أنّها حق»؛ (اعتقادات الإمامیه، ص ۶۰).

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ لَمْ يَقُلْ بِرَجْعَتِنَا فَلَيْسَ مِنَّا»؛ هر کس به بازگشت ماخاندان باورمند نباشد از پیروان ما شمرده نمی‌شود؛ (المسائل السرویه، شیخ مفید، ص ۳۲). نیز آن حضرت در کلام دیگر فرمود: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا»؛ از ما نیست کسی که به بازگشت دوباره ما ایمان نداشته باشد؛ (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۲).

تلقى، با انبوه روایات باب رجعت (۱) نیز، تعارض آشکار دارد.

## ۲. فرضیه رجعت و تداوم دولت عترت

این فرضیه مبتنی بر روایات پرشماری است

که بر بازگشت ائمه علیهم السلام دلالت دارد. بر پایه این روایات پس از پایان حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دوران رجعت پیشوایان معصوم علیهم السلام آغاز می شود و آن بزرگواران یکی پس از دیگری به دنیا باز می گردند و حکومت اهل بیت علیهم السلام را که به وسیله حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف برپا شده است، مدت های بسیار طولانی (نامعلوم) ادامه می دهند تا زمانی که قیامت فرارسد.

کلمه «رجعت» از ماده «رجع» در لغت به معنای برگشتن، بازگشت دوباره، بازگرداندن به حالت و مکان اول است. (۲) و در کاربرد روایات به معنای بازگشت گروهی از مؤمنان خالص و عده ای از منافقان و کفار خالص، قبل از قیامت به این دنیا است. (۳)

اعتقاد به رجعت، از مختصات عقاید مذهب امامیه و ی-کی از موضوعات پیچیده ی مربوط به دوران پس از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این اعتقاد، امر تعبیدی است که بر دلایل نقلی استوار است و علاوه بر دلالت آیات قرآن، روایات زیادی در منابع حدیثی شیعه، بر اثبات آن وارد شده است. مرحوم علامه مجلسی، در بحار الانوار، یکصد و شصت و دو روایت در مورد رجعت، گرد آوری نموده است. (۴)

ص: ۳۲۰

۱- علامه مجلسی، اعتقاد به رجعت را مورد اجماع شیعه دانسته و روایات این باب را نزدیک به دویست روایت یاد کرده است: «القول بالرجعه التي أجمعت الشيعة عليها في جميع الأعصار و اشتهرت بينهم كالشمس في رابعة النهار حتى نظموها في أشعارهم و احتجوا بها على المخالفين في جميع أمصارهم و شنع المخالفون عليهم في ذلك و أثبتوه في كتبهم و أسفارهم. و كيف يشك مؤمن بحقيقه الأئمة الأطهار عليهم السلام فيما تواتر عنهم في قريب من مائتي حديث صريح رواها نيف و أربعون من الثقات العظام و العلماء الأعلام»؛ (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۲۲).

۲- ر.ك: المفردات، ص ۳۴۲؛ لسان العرب، ج ۸، ص ۱۱۴؛ التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۴، ص ۶۱.

۳- ر.ك: مرآة العقول، ج ۳، ص ۲۰۱.

۴- ر.ك: بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹-۱۴۴ «باب الرجعه».

شیخ طوسی، اعتقاد به رجعت ائمه علیهم السلام را مدلول آیات و تواتر روایات دانسته و ایمان به آن را واجب شمرده است. وی با استناد به آیه شریفه (وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا) (۱) می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام همراه با جمعی از شایستگان از میان پیشینیان و پیروان آنان، در زمان حیات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این دنیا باز می گردد تا دولت حق را نمایان سازند. (۲)

اگرچه بنا به آیات و روایات، اصل مسأله رجعت امری قطعی است اما جزئیات آن، به روشنی بیان نشده، لذا نمی توان در باره خصوصیات آن اظهار نظر قطعی کرد.

در روایات به صورت کلی از بازگشت عده ای مؤمنان خالص و کافران محض، خبر داده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعِاقِبَةٍ وَ هِيَ خَاصَّةٌ لِمَا يَزْجَعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيْمَانَ مَحَضًا أَوْ مَحَضَ الشُّرُوكَ مَحَضًا (۳)؛ بازگشت به دنیا، همگانی نیست بلکه تنها افرادی به دنیا برمی گردند که مؤمن خالص یا مشرک محض باشند».

آن حضرت در کلام دیگری فرمود: «إِنَّمَا يَزْجَعُ إِلَى الدُّنْيَا عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ مَنْ مَحَضَ الْإِيْمَانَ مَحَضًا أَوْ مَحَضَ الْكُفْرَ مَحَضًا فَأَمَّا مَا سِوَى هَذَيْنِ فَلَا رُجُوعَ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْمَأْتِ؛ (۴) فقط کسانی که مؤمن خالص یا کافر محض باشند هنگام ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به دنیا باز می گردند، غیر از آنان کسی تا روز قیامت به دنیا بر نمی گردد».

در باره رجعت ائمه علیهم السلام بیشترین روایات، مربوط به رجعت امام حسین علیه السلام و امیر مؤمنان علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. مرحوم مجلسی روایات ناظر به رجعت این بزرگواران را متواتر دانسته می نویسد: «و أما رجعه الأئمة عليهم السلام فالأخبار متواترة في رجعه أمير المؤمنين والحسين صلوات الله عليهما و في رجعه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم أيضا وردت أخبار كثيرة مستفيضه و أما سائر الأئمة عليهم السلام فقد وردت في رجعتهم أيضا

ص: ۳۲۱

۱- سوره نمل، آیه ۸۳.

۲- «يرجع نبينا صلی الله علیه و آله و سلم و أئمتنا المعصومون عليهم السلام في زمان المهدي (عج) مع جماعه من الأمم السابقه و اللاحقه، لإظهار دولتهم و حقهم، و به قطعت المتواترات من الروایات و الآيات لقوله تعالى: (وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا) فالاعتقاد به واجب»؛ (العقائد الجعفرية، ص ۲۵۰).

۳- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

۴- تصحيح الاعتقادات الاماميه، ص ۹۰؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۵۴.

روایات کثیره لکن لیست فی اکثره بتلک المثابه» (۱).

بر اساس روایات، امام حسین علیه السلام نخستین امامی است که در اواخر عمر شریف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دنیا رجعت می کند و سالیان طولانی حکومت می کند. پس از او، امیر مؤمنان علیه السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سایر امامان علیهم السلام رجعت نموده و تا پایان عمر دنیا، یکی پس از دیگری امامت و رهبری مردم را به عهده می گیرند.

محمد بن مسلم به نقل از حرمان بن أعین از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: «أَوَّلُ مَنْ تَشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ وَ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (۲)؛ نخستین کسی که زمین بر او شکافته می شود و به دنیا باز می گردد، حسین بن علی علیه السلام است».

حُمران بن اعین گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «وَلَسَوْفَ يَرْجِعُ جَارُكُمْ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْفًا فَيَمْلِكُ حَتَّى تَقَعَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ مِنَ الْكِبَرِ (۳)؛ به زودی همسایه شما، حسین بن علی علیه السلام به دنیا باز خواهد گشت و آنقدر حکومت کند که از شدت پیری ابروهایش به روی چشمانش فرو افتد».

بُکیر بن اعین می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَمٍ وَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ سَيَرْجِعَانِ (۴)؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیر مؤمنان علیه السلام حتماً به دنیا باز می گردند».

بر اساس روایات، امیر مؤمنان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوره های مختلف رجعت های مکرر دارد. امام باقر علیه السلام نقل

می کند که امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «إِنَّ لِي الْكُرَّةَ بَعِيدَ الْكُرَّةِ وَ الرَّجْعَةَ بَعِيدَ الرَّجْعَةِ وَ أَنَا صَاحِبُ الرَّجْعَاتِ وَالْكَرَّاتِ (۵)؛ همانا برای من بازگشتی پس از بازگشت و رجعتی پس از رجعت خواهد بود و من دارای رجعت ها و بازگشت هایم».

ص: ۳۲۲

۱- مرآه العقول، ج ۳، ص ۲۰۱.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

۳- مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۰۲.

۴- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹. در باره رجعت دیگر انبیای الهی نیز ابو بصیر از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا عَنْ آدَمَ فَهَلَّمَ جَزَاءً إِلَّا وَ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا فَيُقَاتِلُ وَ يُنْصِرُ رَسُولَ اللَّهِ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ هیچ پیامبری از زمان آدم به بعد نیست جز آنکه رجعت می کنند تا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیر مؤمنان علیه السلام را یاری رسانند»؛ (تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۷۴).

۵- مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۳۲؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۷.



رجعت دیگر ائمه عليهم السلام به صورت کلی بیان شده و در روایات از آنان به طور خاص، نام برده نشده است، مانند کلام امام صادق علیه السلام که فرمود: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا (۱)؛ از ما نیست کسی که به بازگشت دوباره ما ایمان نداشته باشد» و نیز آنچه در برخی زیارات مأثور آمده است مانند آنچه امام صادق علیه السلام در هنگام زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه عليهم السلام سفارش فرمود: «إِنِّي مِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ مُقَرَّرٍ بِرَجْعَتِكُمْ لَا أَنْكُرُ لِلَّهِ قُدْرَةَ وَلَا أَرْعُمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ (۲)» من از باورمندان به برتری شما و اقرار کنندگان به رجعت شمایم و قدرت خدا را انکار نمی کنم و چیزی جز خواست خدا را نمی پذیرم». نیز امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره فرمود: «مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ (۳)» به بازگشت شما به دنیا ایمان داریم و رجعت شما را تصدیق می کنیم».

هم چنین ابو خالد کابلی از امام سجاد علیه السلام

نقل کرده است که آن حضرت درباره آیه (إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ) فرمود: «يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ نَبِيُّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (۴)؛ پیامبر شما و امیر مؤمنان و دیگر امامان عليهم السلام به سوی شما دوباره باز خواهند گشت».

در برخی روایات، غیر از ائمه عليهم السلام از افراد دیگری نیز نام برده شده است. با این تفاوت که رجعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه عليهم السلام در پایان عمر شریف امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود، اما این دسته از رجعت کنندگان در اوائل زمان ظهور به این دنیا باز گشته و به سپاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ملحق خواهند شد. برخی از این افراد، جزء امت های پیشین اند مانند: جناب یوشع بن نون وصی حضرت موسی علیه السلام، مؤمن آل فرعون، اصحاب کهف (۵) و برخی دیگر از میان این امت و از شخصیت های بارز عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه عليهم السلام هستند که جزء پیشگامان جهاد و شهادت در راه خدا بوده اند.

ص: ۳۲۳

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۲.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۷.

۳- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷۵.

۴- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۴۷.

۵- کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۵۶.

بزرگانی مانند: سلمان محمدی (فارسی)، مالک اشتر نخعی، ابادجانه ی انصاری،<sup>(۱)</sup> اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام،<sup>(۲)</sup> مفضل بن عمر،<sup>(۳)</sup> جبیر بن خاربون،<sup>(۴)</sup> عبدالله بن شریک

عامری<sup>(۵)</sup> و... از جمله کسانی اند که در روایات از بازگشت آنان در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خبر داده شده است.

### ۳. فرضیه جانشینی دوازده مهدی

فرضیه سوم مبتنی بر روایاتی است که از تداوم حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وسیله جانشینان ایشان خبر داده است، مانند آنچه ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام در این باره نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «أَنَّ مِنَّا بَعْدَ الْقَائِمِ عَجَلِ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛<sup>(۶)</sup> همانا پس از رفتن حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از این دنیا، دوازده مهدی از نسل حسین علیه السلام جانشینان او خواهند شد».

اما این گونه روایات را نمی توان مبنای یک فرضیه مستقل در برابر دو فرضیه نخست قرار داد، زیرا اگر مراد از دوازده مهدی، انسان های غیر معصوم باشند، با آن دسته روایاتی که وجود جهان را به وجود حجت حی و امام معصوم علیه السلام وابسته می داند، قطعاً منافات خواهد داشت. ولی اگر مراد از جانشینان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ناظر به رجعت و حضور مجدد امامان معصوم علیهم السلام باشد، بازگشت به فرضیه دوم

خواهد بود نه چیز دیگر.

از این رو، این گونه روایات، یا به قرینه روایات رجعت، به بازگشت امامان معصوم علیهم السلام تأویل گردد و مراد از دوازده مهدی، امامان دوازده گانه باشد یا به کسانی حمل شود که تحت رهبری امام معصوم علیه السلام به هدایت مردم می پردازند. چنان که ابو-

ص: ۳۲۴

۱- دلائل الامامه، ص ۲۷۴؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۶.

۲- الايقاظ من الهجعه، ص ۲۶۶.

۳- دلائل الامامه، ص ۲۴۸؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۷۳.

۴- الخرائج واجرائح، ج ۱، ص ۱۸۵؛ بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۲۹۶.

۵- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۷؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۶۱.

۶- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۵ و ۱۴۸.

بصیر نقل کرده است که به محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم: یا ابن رسول الله از پدرت شنیدم که فرمود: «يَكُونُ بَعْدَ الْقَائِمِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا؛ پس از قائم عجل الله فرجه الشريف دوازده مهدی خواهد بود. حضرت صادق علیه السلام در پاسخ من فرمود: إِنَّمَا قَالَ: اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا وَ لَمْ يَقُلْ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَ لَكِنَّهُمْ قَوْمٌ مِنْ شِيَعَتِنَا يَدْعُونَ النَّاسَ إِلَى مُوَالَاتِنَا وَ مَعْرِفَةِ حَقِّنَا(۱)؛ پدرم دوازده مهدی فرموده و دوازده امام نفرموده است! آن ها مردمی از شیعیان ما هستند که مردم را دعوت به دوستی و شناسائی ما می کنند».

به همین دلیل، مرحوم علامه مجلسی با اینکه روایات مربوط به حکومت دوازده مهدی از جانشینان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را نقل کرده است، اما این روایات را مخالف اصل اعتقادی شیعه مبنی بر حضور مستمر حجت معصوم در زمین می داند. از این رو، وی برای توجیه و تأویل این گونه روایات دو محمل را مطرح کرده

است: اول آنکه مراد از دوازده مهدی، رجعت ائمه علیهم السلام باشد. دوم آنکه مراد از آنان، کسانی باشند که در ذیل رهبری ائمه علیهم السلام پس از رجعت به هدایت مردم می پردازند.(۲)

### جمع بندی

باتوجه به مطالب پیشین، می توان گفت: مستندات روایی فرضیه سوم- قطع نظر از اثبات صحت سند- نیازمند به تأویل است؛ چنان که اشاره شد، زیرا پذیرش فرضیه دوران بدون حضور معصوم، با روایات دسته نخست که بقای عالم را به وجود امام معصوم علیه السلام وابسته می داند و نیز اعتقاد شیعه در باب فلسفه امامت و ضرورت استمرار آن تا قیامت، تعارض آشکار دارد.

ص: ۳۲۵

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۸؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۵.

۲- «بيان هذه الأخبار مخالفه للمشهور و طريق التأويل أحد وجهين: الأول أن يكون المراد بالاثني عشر مهديا النبي و سائر الأئمة سوى القائم (عج) بأن يكون ملكهم بعد القائم (عج) و قد سبق أن الحسن بن سليمان أولها بجميع الأئمة و قال برجعه القائم (عج) بعد موته و به أيضا يمكن الجمع بين بعض الأخبار المختلفه التي وردت في مده ملكه. و الثاني أن يكون هؤلاء المهديون من أوصياء القائم هادين للخلق في زمن سائر الأئمة عليهم السلام الذين رجعوا لثلا يخلوا الزمان من حجه و إن كان أوصياء الأنبياء و الأئمة أيضا حججا»؛ (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۴۸).

بنا براین، آنچه در باره شناخت وضعیت پس از پایان حکومت مهدوی حائز اهمیت است، دو فرضیه نخست و روایات آن است. در جمع بندی میان این دو فرضیه می توان گفت که از تأمل

در این دو دسته روایات، چند نکته به دست می آید:

۱. اصل رجعت ائمه علیهم السلام در دوران پس از ظهور، به دلیل کثرت روایات رسیده در این خصوص، امر قطعی و تردید ناپذیر است. از این رو، گرچه جزئیات و خصوصیات دقیق این مسأله به خوبی روشن نگردیده است، اما ابهام در چگونگی و عدم آگاهی تفصیلی از جزئیات آن، با قطعی بودن اصل موضوع رجعت که از مسلمات اعتقادی شیعه شمرده می شود، منافات نخواهد داشت بلکه پذیرش اصل رجعت و اعتقاد و ایمان اجمالی به این موضوع کافی است.

۲. با توجه به تواتر روایات باب رجعت و دلالت روشن آن بر بازگشت حتمی ائمه علیهم السلام در دوران پس از ظهور و استمرار حکومت اهل بیت علیهم السلام تا فرارسیدن قیامت، فرضیه وقوع قیامت پس از پایان عمر مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را اثبات پذیر نخواهد بود. مضافاً بر اینکه دلالت این گونه روایات بر وقوع قیامت پس از شهادت یا رحلت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از جهاتی ناموجه و تأمل بر انگیز است، چنانکه قبلاً اشاره گردید.

۳. این احتمال نیز قابل طرح است که شاید آن دسته روایاتی که از پیوستگی و بقاء عالم تکوین به وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن گفته و از فروپاشی این عالم در نبود ایشان خبر

داده است، ناظر به رحلت آن حضرت در پایان دوران رجعت است؛ زیرا بر پایه مفاد روایات باب رجعت، خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز رجعتی دوباره خواهند داشت. در این صورت، میان آن روایات با روایات باب رجعت، تعارضی وجود نخواهد داشت.

□□□

١. آمدى، عبد الواحد، غرر الحكم و درر الكلم، تحقيق و تصحيح: سيد مهدي رجائي، قم، دار الكتاب الإسلامى، چاپ دوم، ١٤١٠ ق.
٢. ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، دار إحياء الكتب العربيه، چاپ اول، ١٣٧٨ ق.
٣. ابن ابى شيبه، عبدالله بن محمد، المصنف، تحقيق و تعليق: سعيد اللحام، بيروت، دار الفكر للطباعه و النشر و التوزيع، چاپ اول، ١٤٠٩ ق.
٤. ابن بابويه، على بن حسين، الامامه و التبصره من الحيره، قم، مدرسه الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف چاپ اول، ١٤٠٤ ق.
٥. ابن بطريق، يحيى، عمدته عيون صحاح الاخبار فى مناقب امام الابرار، قم، مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين، ١٤٠٧ ق.
٦. ابن جعد، على بن عبيد جوهرى، المسند، تحقيق: عبدالله بن محمد بغوى، بيروت، دار الكتب العلميه، چاپ دوم، ١٤١٧ ق.
٧. ابن حبان، محمد بن احمد، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، بيروت، مؤسسه الرساله، چاپ دوم، ١٤١٤ ق.
٨. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، بيروت، دار صادر، بى تا.
٩. ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل أبى طالب، نجف اشرف، مطبعه الحيدريه، ١٣٧٦ ش.
١٠. ابن فارس، احمد بن زكريا، معجم مقاييس اللغه، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مكتبه الاعلام الاسلامى، ١٤٠٤ ق.
١١. ابن قولويه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، تحقيق: شيخ جواد قيومى، تهران، مؤسسه نشر الفقاهه، چاپ اول، ١٤١٧ ق.
١٢. ابن كثير، اسماعيل، تفسير القرآن العظيم، تحقيق: يوسف عبدالرحمن مرعشلى، بيروت، دارالمعرفه، ١٤١٢ ق.
١٣. ابن ماجه، محمد بن يزيد، سنن ابن ماجه، تحقيق و تعليق: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت، دار الفكر للطباعه و النشر و التوزيع، بى تا.

١٤. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ١٤٠٥ ق.

١٥. ابو داود، سليمان بن اشعث سجستاني، سنن ابو داود، تحقيق و تعليق: سعيد محمد اللحام، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ اول، ١٤١٠ ق.

١٦. ابو يعلى، اسماعيل بن محمد، مسند ابى يعلى، تحقيق: حسين سليم أسد، بيروت، دار المأمون للتراث، بی تا.

١٧. احمد حسين يعقوب، حقيقه الاعتقاد بالامام المهدي المنتظر عجل الله تعالى فرجه الشريف، اردن، دار الملاك، چاپ اول، ٢٠٠٠ م.

١٨. اربلي، على بن عيسى، كشف الغمه فى معرفه الائمه عليه السلام بيروت، دار الأضواء، چاپ دوم، ١٤٠٥ ق.

١٩. امام عسكرى عليه السلام حسن بن على عليه السلام تفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام، قم، مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف چاپ اول، ١٤٠٩ ق.

٢٠. امين، سيد محسن، اعيان الشيعه، تحقيق: سيد حسن امين، بيروت، دار المعارف للمطبوعات، بی تا.

٢١. بحراني، سيد هاشم، حليه الأبرار فى احوال محمد وآله الاطهار عليه السلام، تحقيق: شيخ غلام رضا بروجردى، قم، مؤسسه المعارف الإسلاميه، چاپ اول، ١٤١١ ق.

١٢٢. بحراني، سيد هاشم، غايه المرام و حجه الخصام فى تعيين الامام من طريق الخاص و العام، تحقيق: سيد على عاشور، بی جا، بی تا.

٢٣. بحراني، سيد هاشم، مدينه المعاجز، تحقيق: شيخ عزه الله مولائى همدانى، قم، مؤسسه المعارف الإسلاميه، چاپ اول، ١٤١٣ ق.

٢٤. بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح البخارى، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤٠١ ق.

٢٥. براقى، سيد حسين بن سيد احمد، تاريخ الكوفه، تحقيق: سيد محمد صادق آل بحرالعلوم، نجف الاشرف، انتشارات المكتبه الحيدريه، چاپ اول، ١٤٢٤ ق / ١٣٨٢ ش.

٢٦. برقى، احمد بن خالد، المحاسن، تصحيح و تعليق: سيد جلال الدين حسيني، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٤٧٠ ق / ١٣٣٠ ش.

٢٧. ترمذى، محمد بن عيسى، سنن الترمذى، تحقيق و تصحيح: عبدالوهاب عبداللطيف، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ اول، ١٤٠٣ ق / ١٩٨٣ م.

۲۸. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، قم، نشر اسرأ، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.

۲۹. جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی، موجود موعود علیه السلام قم، نشر اسرأ، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.

۳۰. جوهری، احمد بن عبید الله بن عیاش، مقتضب الاثر فی النص علی الأئمه الاثنی عشر علیه السلام قم، مکتبه الطباطبائی، بی تا.

۳۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم المالین، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

۳۲. حائری یزدی، علی، الزام الناصب فی اثبات الحججه الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقیق: سید علی عاشور، بی تا، بی تا.

۳۳. حائری پور، مهدی و جمعی از مؤلفان، نگین آفرینش، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام چاپ چهاردهم، ۱۳۸۷ ق.

ص: ۳۲۸

٣٤. حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله، المستدرك على الصحيحين، إشراف: يوسف عبدالرحمن المرعشلى، بيروت، دار المعرفة، بى تا.

٣٥. حرّ عاملى، محمد بن حسن، اثبات الهداه، قم، چاپخانه علميه، بى تا.

٣٦. حرّ عاملى، محمد بن حسن، الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه، قم، دليل ما، چاپ اول، ١٤٢٢ ق / ١٣٨٠ ش.

٣٧. حرّ عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعه، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام لآحياء التراث، چاپ دوم، ١٤١٤ ق.

٣٨. حرّانى، حسن بن على، تحف العقول عن آل الرسول عليه السلام تصحيح و تعليق: على اكبر غفارى، قم، مؤسسه النشر الاسلامى التابعه لجماعه المدرسين، چاپ سوم، ١٤٠٤ ق / ١٣٦٣ ش.

٣٩. حسيني، شرف الدين، تأويل الآيات الظاهره، قم، مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، اول، ١٤٠٧ ق / ١٣٦٦ ش.

٤٠. حكيمى، محمد رضا، خورشيد مغرب، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، چاپ هفتم، ١٣٧١ ش.

٤١. حلى، أبوالصالح تقى بن نجم، تقريب المعارف، تحقيق: فارس تبريزيان، قم، نشر الهادى، ١٤١٧ ق / ١٣٧٥ ش.

٤٢. حلى، احمد بن فهد، عُده الداعى و نجاح الساعى، تحقيق و تصحيح: احمد موحدى قمى، قم، مكتبه وجدانى، بى تا.

٤٣. حلى، حسن بن سليمان، مختصر بصائر الدرجات، نجف اشرف، المطبعه الحيدريه، چاپ اول، ١٣٧٠ ش / ١٩٥٠ م.

٤٤. حلى، حسن بن يوسف، المستجد من كتاب الارشاد، قم، مكتبه آيه الله المرعشى النجفى، چاپ سنگى، ١٤٠٦ ق.

٤٥. حلى، على بن يوسف، العدد القويه لدفع المخاوف اليوميه، تحقيق: سيدمهدى رجائى، إشراف: سيد محمود مرعشى، قم، مكتبه آيه الله المرعشى النجفى، چاپ اول، ١٤٠٨ ق.

٤٦. حموى، ياقوت بغدادى، معجم البلدان، بيروت، دار صادر، چاپ دوم: ١٩٩٥ م.

٤٧. حميرى، عبد الله بن جعفر، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام لآحياء التراث، چاپ اول، ١٤١٣ ق.

٤٨. حويزى، عبد على بن جمعه العروسى، تفسير نور الثقلين، تحقيق: سيدهاشم رسولى محلاتى، قم، مؤسسه اسماعيليان، چاپ چهارم، ١٤١٢ ق / ١٣٧٠ ش.

٤٩. خزّاز، على بن محمد، كفايه الاثر فى النص على الأئمه الاثنى عشر عليه السلام تحقيق: سيد عبداللطيف حسيني، قم، انتشارات بيدار، ١٤٠١ ق.



٥٠. دار قطنى، على بن عمر بن احمد، العلل الوارده فى الاحاديث النبويه، تحقيق: محفوظ الرحمن زين الله السلفى، الرياض، دار طيبه، چاپ اول، ١٤٠٥ ق / ١٩٨٥ م.

٥١. ديلمى، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، الشريف الرضى، چاپ اول، ١٤١٢ ق.

٥٢. ذهبي، محمد بن احمد، سير أعلام النبلاء، تحقيق: حسين الأسد التاسعه، بيروت، مؤسسه الرساله، ١٤١٣ ق / ١٩٩٣ م.

ص: ٣٢٩

٥٣. ذهبي، محمد بن احمد، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، تحقيق: علي محمد البجاوي، بيروت، دار المعرفة، چاپ اول، ١٣٨٢ ق/ ١٩٦٣ م.

٥٤. راغب اصفهاني، المفردات في غريب القرآن، بي جا، دفتر نشر الكتاب، چاپ دوم، ١٤٠٤ ق.

٥٥. راوندی، قطب الدين، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف چاپ اول، ١٤٠٩ ق.

٥٦. رى شهرى، محمد، ميزان الحكمه، تهران، دار الحديث، چاپ اول، ١٤١٦ ق.

٥٧. زبيدي الحسينى، محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق: على شيرى، بيروت، دار الفكر، ١٤١٤ ق/ ١٩٩٤ م.

٥٨. سبزواری، محمد، معارج اليقين في أصول الدين، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، چاپ اول، ١٤١٠ ق/ ١٩٩٣ م.

٥٩. سلمى، يوسف بن يحيى مقدسى شافعى، عقد الدرر في اخبار المنتظر، قاهره، عالم الفكر، بي تا.

٦٠. سيد بن طاووس، على بن موسى، الطرائف في معرفه مذاهب و الطوائف، قم، الخيام، چاپ اول، ١٣٩٩ ق.

٦١. -----، الملاحم و الفتن، اصفهان، مؤسسه صاحب الأمر عجل الله تعالى فرجه الشريف چاپ اول، ١٤١٦ ق.

٦٢. سيد رضى، محمد بن حسين، نهج البلاغه، تحقيق و شرح: الشيخ محمد عبده، قم، دار الذخائر، الطبعة الأولى: ١٤١٢ - ١٣٧٠ ش.

٦٣. سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن، الجامع الصغير، بيروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الأولى ١٤٠١ - ١٩٨١ م.

٦٤. -----، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، بيروت، دار المعرفة، بي تا.

٦٥. شريفى، محمود و همكاران، موسوعه كلمات الإمام الحسين عليه السلام، لجنة الحديث في معهد باقر العلوم عليه السلام، قم، دار المعروف، چاپ سوم، ١٤١٦ ق/ ١٩٩٥ م.

٦٦. شيخ صدوق، محمد بن على، الأمالى، قم، مؤسسه البعثه، چاپ اول، ١٤١٧ ق.

٦٧. -----، الخصال، تحقيق: على اكبر غفارى، قم، انتشارات اسلامى، ١٤٠٣ ق/ ١٣٦٢ ش.

٦٨. -----، ثواب الأعمال، قم، منشورات الشريف الرضى، چاپ سوم، ١٣٦٨ ش.

٦٩.-----، علل الشرائع، نجف اشرف، المكتبة الحيدريه، ١٣٨٥ ق / ١٩٦٦ م.

٧٠.-----، عيون اخبار الرضا عليه السلام تحقيق: شيخ حسين اعلمى، بيروت، مؤسسه الأعلمى للمطبوعات، ١٤٠٤ق / ١٩٨٤ م.

٧١.-----، كمال الدين و تمام النعمه، تحقيق: على اكبر غفارى، قم، مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤٠٥ق / ١٣٦٣ش.

٧٢.-----، معانى الاخبار، تحقيق: على اكبر الغفارى، قم، مؤسسه النشر الاسلامى، ١٣٧٩ ق / ١٣٣٨ ش.

ص: ٣٣٠

۷۳.-----، من لا يحضره الفقيه، تصحيح: على اكبر غفارى، قم، مؤسسه النشر الإسلامى،  
چاپ دوم، بى تا.

۷۴. شيخ مفيد، محمد بن نعمان، الارشاد فى معرفه حجج الله على العباد، بيروت، دار المفيد، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

۷۵.-----، الأمالى، تحقيق: على اكبر غفارى، بيروت، دار المفيد، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق/  
۱۹۹۳ م.

۷۶.-----، الفصول العشره، الشيخ فارس الحسون، بيروت، دار المفيد، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

۷۷.-----، المزار، تحقيق: سيد محمد باقر ابطحى، بيروت، دار المفيد، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

۷۸.-----، أوائل المقالات، تحقيق: شيخ ابراهيم انصارى، بيروت، دار المفيد، چاپ دوم،  
۱۴۱۴ ق.

۷۹.-----، تصحيح الاعتقادات الاماميه، تحقيق: حسين درگاهى، بيروت، دار المفيد، چاپ  
دوم، ۱۴۱۴ ق/ ۱۹۹۳ م.

۸۰.-----، الأختصاص، تحقيق: على اكبر غفارى، بيروت، دار المفيد، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

۸۱.-----، المسائل السرويه، قم، المؤتمر العالمى للشيخ المفيد، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

۸۲. صافى گلپايگانى، لطف الله، منتخب الاثر فى الامام الثانى عشر عجل الله تعالى فرجه الشريف قم، مؤسسه السيده المعصومه،  
۱۴۲۱ ق.

۸۳. صدر، سيد صدرالدين، المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، چاپ دوم: ۱۳۷۹.

۸۴. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، تصحيح: ميرزا حسن كوچه باغى، نهران، منشورات الأعلمى، ۱۴۰۴ ق/ ۱۳۶۲ ش.

۸۵. صمدى، قنبرعلى، ديدار يار غائب (پژوهشى در جريان شناسى ارتباط با امام زمان)، قم، مؤسسه انتشاراتى امام عصر عليه  
السلام، چاپ اول: ۱۳۸۹ ش.

۸۶. ضحاک، احمد بن عمرو، الآحاد و المثانى، تحقيق: باسم فيصل، رياض، دار الدرايه، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق/ ۱۹۹۱ م.

۸۷. طباطبائى بروجردى، سيد حسين، جامع أحاديث الشيعة، قم، المطبعة العلميه، ۱۳۹۹ ق.

۸۸. طباطبائى، سيد محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، قم، جماعه المدرسين فى الحوزه العلميه، بى تا.

٨٩. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، قاهره، دارالحرمین، ١٤١٥ ق / ١٩٩٥ م.

٩٠. -----، المعجم الكبير، تحقیق و تخریج: عبدالمجید السلفی، بیروت، دار إحياء التراث

العربی، چاپ دوم، بی تا.

ص: ٣٣١

۹۱. طبرسی، احمد بن علی، الاجتجاج، نجف اشرف، دار النعمان، ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م.

۹۲. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، الطبعة الاولى: ربيع الاول ۱۴۱۷ هـ. ق.

۹۳. -----، مجمع البيان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م.

۹۴. طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، قم، مؤسسه البعثه، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

۹۵. طبسی، محمدرضا، الشیعه و الرجعه، النجف اشرف، مطبعة الآداب، ۱۳۸۵ ق.

۹۶. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.

۹۷. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، تحقیق: شیخ عبادالله طهرانی و شیخ علی احمد ناصح، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

۹۸. -----، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، تحقیق: سید حسن موسوی خراسانی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۴ ش.

۹۹. عاملی، علی بن یونس، الصراط المستقیم، تصحیح و تعلیق: محمد باقر بهبودی، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.

۱۰۰. عاملی، یوسف بن حاتم، الدرالنظیم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، بی تا.

۱۰۱. عبده، محمد، نهج البلاغه خطب الإمام علی علیه السلام قم، دار الذخائر، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش.

۱۰۲. عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الرضا علیه السلام مشهد، کنگره بین المللی امام رضا علیه السلام ۱۴۰۶ ق.

۱۰۳. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.

۱۰۴. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین، قم، انتشارات رضی، بی تا.

۱۰۵. فخر رازی، محمد بن عمر، عصمه الأنبياء علیه السلام قم، مطبعة الشهيد، ۱۴۰۶ ق.

۱۰۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق: دکتر مهدی المخزومی، قم، مؤسسه دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۰۹ هـ. ق.

۱۰۷. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، قم، مؤسسه الهادی، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق / ۱۳۷۴ش.

۱۰۸. فیومی، جواد، صحیفه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.

۱۰۹. قاضی نعمان، محمد، شرح الاخبار فی فضائل الأئمة الاطهار علیه السلام تحقیق: سید محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.

۱۱۰. قرشی، باقر شریف، حیاة الإمام المهدی علیه السلام اصفهان، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیه السلام چاپ اول، ۱۴۱۷ق / ۱۹۹۶م.

۱۱۱. قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، آثار البلاد و اخبار العباد، تهران، امیر کبیر، چاپ اول: ۱۳۷۳ش.

۱۱۲. قزوینی، سید کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، مترجم: حسین فریدونی، تهران، نشر آفاق، ۱۳۷۶ش.

ص: ۳۳۲

۱۱۳. قشیری، مسلم بن حجاج نیشابوری، الجامع الصحیح، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۱۱۴. قمی، شیخ عباس، الانوار البهیة فی تواریخ الحجج الالهیه، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
۱۱۵. -----، مفاتیح الجنان، ترجمه: موسوی دامغانی، تهران، نشر فیض کاشانی، ۱۳۷۶ ش.
۱۱۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تصحیح: سید طیب موسوی جزائری، قم، دار الکتبچاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۱۷. قمی، محمد بن حسن، العقد النضید و الدر الفرید، قم، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق / ۱۳۸۱ ش.
۱۱۸. قندوزی، سلیمان، ینابیع الموده لذوی القربی، قم، دار الأسوه، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
۱۱۹. کورانی عاملی، علی، عصر ظهور، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۱۲۰. -----، معجم أحادیث الإمام المهدي عليه السلام قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۱۲۱. کاظمی، سید مصطفی، بشاره الاسلام، تهران، کتابخانه نینوا، بی تا.
۱۲۲. کامل سلیمان، روزگار رهایی، ترجمه: علی اکبر مهدی پور، تهران، نشر آفاق، ۱۳۸۱ ش.
۱۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی-اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش.
۱۲۴. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم، دار الحدیث، چاپ اول، بی تا.
۱۲۵. مازندرانی، ملا صالح محمد، شرح أصول الکافی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۰ م.
۱۲۶. متقی هندی، علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تصحیح: شیخ صفوه السقا، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م.
۱۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم: ۱۴۰۳ ق.
۱۲۸. -----، مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تحقیق و تصحیح: رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم: ۱۴۰۴ ق.
۱۲۹. مردنی، ابوالحسن، مجمع النورین و ملتقى البحرين، چاپ سنگی.
۱۳۰. مرعشی، سید شهاب الدین، شرح احقاق الحق و ازحاق الباطل، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، بی تا.



۱۳۱. مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، تحقیق: دکتر سهیل زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق/ ۱۹۹۳ م.

۱۳۲. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، قم، انتشارات انصاریان، چاپ سوم، ۱۴۲۶ ق/ ۱۳۸۴ ش.

۱۳۳. مشهدی، محمد بن جعفر، المزار، تحقیق: جواد قیومی، قم، نشر القیوم، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.

۱۳۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.

۱۳۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، بی تا.

۱۳۶. مظفر، محمد رضا، عقائد الإمامیه، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۱ ش.

ص: ۳۳۳

۱۳۷. مكارم شيرازى، ناصر، حكومت جهانى مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، انتشارات نسل جوان، چاپ يازدهم: ۱۳۸۰.

۱۳۸. موسوى اصفهانى، محمد تقى، مكيال المكارم فى فوائد الدعا للقائم عجل الله تعالى فرجه الشريف بيروت، مؤسسه الاعلمى، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.

۱۳۹. نعمانى، محمد بن ابراهيم، الغيبه، تحقيق: فارس حسون كريم، قم، انوار الهدى، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

۱۴۰. نمازى شاهرودى، على، مستدرک سفينه البحار، قم، مؤسسه النشر الاسلامى، ۱۴۱۹ق.

۱۴۱. نورى طبرسى، ميرزا حسين، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بيروت، مؤسسه آل البيت عليه السلام لأحيا التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ق/ ۱۹۸۷م.

۱۴۲. نيلى نجفى، سيد بهاء الدين، منتخب الانوار المضيئه، قم، مؤسسه الإمام الهادى عليه السلام چاپ اول، ۱۴۲۰ق/ ۱۳۷۸ش.

۱۴۳. هيشمى، على بن ابى بكر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۰۸ق/ ۱۹۸۸م.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

